



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران

طرح پژوهشی

تدوین برنامه درسی و محتوای آموزشی اخلاق پژوهش

مجری

علیرضا ثقه‌الاسلامی

تیر ۱۴۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حق نشر

حقوق: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران

طرح «تدوین برنامه درسی و محتوای آموزشی اخلاق پژوهش» پیرو قرارداد شماره ۳۳/۱۲۷۳۶ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۳ میان پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (کارفرما) و دکتر علیرضا ثقه‌الاسلامی (مجری) اجرا شده است. گزارش حاضر از مستندات این طرح است.

این گزارش و تمامی حقوق مادی آن بر اساس «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب سال ۱۳۴۸ و اصلاحیه‌های بعدی آن و همچنین آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون متعلق به پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران است و هر گونه استفاده از تمامی یا پاره‌ای از آن، شامل: نقل قول، تکثیر، انتشار، کاربرد نتایج، تکمیل و مانند آنها به صورت چاپی، الکترونیکی یا وسایل دیگر فقط با اجازه کتبی پژوهشگاه امکان‌پذیر است. نقل قول در حد هزار واژه در انتشارات علمی مانند کتاب و مقاله با درج اطلاعات کامل کتابشناختی، نیازی به مجوز پژوهشگاه ندارد.

صحت مندرجات گزارش برعهده مجری طرح است.



بسم خدا

ایرانداک در نیم قرن دوم کار خود همچنان جوان و کوشا، همراه هر پژوهش، پژوهشگر، و سیاست‌گذار

۱۴۰۰ - ۱۳۴۲

گواهی

انجام طرح پژوهشی:

- ◇ عنوان: تدوین برنامه درسی و محتوای آموزشی اخلاق پژوهش
- ◇ مجری: دکتر علیرضا ثقه‌الاسلامی
- ◇ همکار(ان): -
- ◇ شماره قرارداد: ۳۳/۱۲۷۳۶
- ◇ تاریخ قرارداد: ۱۳۹۸/۱۱/۱۳
- ◇ تاریخ شروع: ۱۳۹۸/۱۱/۱۳
- ◇ تاریخ پایان: ۱۴۰۰/۴/۱۲
- ◇ ناظر: دکتر علی پایا

در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران گواهی می‌شود. گزارش پایانی این طرح، بر پایه داوری در نشست ۴۱۸ (تاریخ ۱۴۰۰/۴/۲۲) شورای پژوهشی پژوهشگاه به تصویب رسیده است. لازم می‌دانم مراتب قدردانی خود را به مجری، و ناظر این طرح تقدیم دارم.

با آرزوی بهروزی
پرکیز شهریاری
معاون پژوهش و آموزش

تدوین برنامه درسی و محتوای آموزشی اخلاق پژوهش

مدیر طرح پژوهشی: علیرضا ثقه‌الاسلامی، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)

نشانی: تهران - خیابان انقلاب - تقاطع فلسطین - شماره ۱۰۹۰.

صندوق پستی: ۱۳۱۸۵ - ۱۳۷۱

وبگاه: <http://irandoc.ac.ir>

رایانامه: seghatoleslami@irandoc.ac.ir

چکیده

اخلاق پژوهش زیرمجموعه‌ای از اخلاق کاربردی است که به بررسی و تحلیل مسائل و چالش‌های اخلاقی مطرح در انجام فعالیت‌های پژوهشی می‌پردازد. امروزه، آموزش و تحقق اخلاق در پژوهش در حوزه‌های مختلف علمی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. این طرح پژوهشی، برنامه آموزشی اخلاق در پژوهش را در چارچوب سواد اخلاقی ارائه و معرفی می‌کند. سواد اخلاقی و مؤلفه‌های اساسی آن می‌تواند نقش مهمی در پیش‌برد اهداف آموزشی اخلاق در پژوهش ایفا کند. بر این اساس، ابتدا به طراحی و تدوین برنامه درسی و سرفصل‌های آموزشی اخلاق در پژوهش پرداخته شده است. سپس، در چارچوب این برنامه درسی، محتوای آموزشی اخلاق در پژوهش تهیه و گردآوری شده است.

این پژوهش در دو مرحله با روش‌های تحقیق متمایزی به انجام رسیده است: در مرحله اول، با استفاده از روش دلفی و برگزاری پنل تخصصی، برنامه درسی و سرفصل‌های آموزش اخلاق در پژوهش طراحی و تدوین شد. در مرحله دوم و در چارچوب تحقیقات کتابخانه‌ای، محتوای آموزشی متناسب با برنامه درسی مذکور تهیه و گردآوری شد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق در پژوهش؛ ارزیابی اخلاقی؛ برنامه درسی؛ سواد اخلاقی؛ محتوای آموزشی

فهرست مطالب

أ	چکیده
ب	فهرست مطالب
هـ	فهرست جدول‌ها
و	فهرست شکل‌ها
ز	سپاس‌گزاری
۱	پیش‌گفتار
۴	فصل نخست: کلیات پژوهش
۵	۱-۱. مقدمه
۵	۱-۲. بیان مسئله
۶	۱-۳. اهداف پژوهش
۷	۱-۴. پرسش‌های پژوهش
۷	۱-۵. روش پژوهش
۸	۱-۶. تعریف مفاهیم
۱۰	فصل دوم: برنامه‌ریزی درسی و تدوین محتوای آموزشی اخلاق در پژوهش
۱۱	۲-۱. مقدمه
۱۱	۲-۲. طراحی برنامه درسی اخلاق در پژوهش
۱۳	۲-۳. محتوای برنامه درسی اخلاق در پژوهش
۱۴	۲-۴. الگوهای طراحی برنامه درسی اخلاق در پژوهش
۱۷	فصل سوم: سواد اخلاقی چارچوبی برای آموزش اخلاق در پژوهش
۱۸	۳-۱. مقدمه
۲۱	۳-۲. سواد اخلاقی چیست؟

۲۳	۳-۲-۱. حساسیت اخلاقی
۲۵	۳-۲-۲. مهارت‌های استدلال اخلاقی
۲۸	۳-۲-۳. تخیل اخلاقی
۲۹	۳-۳. رویکردی یکپارچه به سواد اخلاقی
۳۰	۳-۴. سواد اخلاقی در خدمت آموزش اخلاق پژوهش
۳۹	فصل چهارم: اهمیت اخلاق در پژوهش در توسعه علم و فعالیت‌های پژوهشی
۴۰	۴-۱. مقدمه
۴۲	۴-۲. چرا پژوهشگران به یک چارچوب اخلاقی نیازمندند؟
۴۴	۴-۳. ضرورت تحقق اخلاق پژوهش؛ شواهدی تاریخی
۴۹	فصل پنجم: ابعاد چهارگانه مؤثر بر ارزیابی‌های اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی
۵۰	۵-۱. مقدمه
۵۳	۵-۲. هنجارهای تخصصی و حرفه‌ای
۵۴	۵-۳. نظریه‌ها و اصول اخلاقی
۵۹	۵-۴. نظارت اخلاقی
۶۰	۵-۵. نظارت حقوقی
۶۲	۵-۶. ارزیابی اخلاقی در فرآیند پژوهش
۶۵	فصل ششم: معیارهای هنجارین نهاد علم در فعالیت‌های پژوهشی
۶۶	۶-۱. مقدمه
۶۷	۶-۲. معیارهای هنجارین نهاد علم از دیدگاه مرتون
۶۸	۶-۳. معیارهای هنجارین مرتون در بوته نقد
۶۹	۶-۴. معیارهای هنجارین نهاد علم از دیدگاه رزنیك
۸۱	فصل هفتم: اصول اخلاق پژوهش در تعامل با آزمودنی‌های انسانی
۸۲	۷-۱. مقدمه
۸۳	۷-۲. خودمختاری
۸۴	۷-۳. احسان
۸۴	۷-۴. پرهیز از آسیب
۸۵	۷-۵. عدالت
۸۵	۷-۶. صداقت
۸۶	۷-۷. حریم خصوصی
۸۷	۷-۸. رازداری
۸۷	۷-۹. پرهیز از تضاد منافع

۸۸	۷-۱۰. رضایت آگاهانه
۹۱	فصل هشتم: معرفی برخی از هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش
۹۲	۸-۱. مقدمه
۹۲	۸-۲. معرفی هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش
۹۴	۸-۳. معرفی برخی از هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش در جهان
۹۸	۸-۴. معرفی هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش در ایران
۱۰۴	فصل نهم: معرفی منشور و موازین اخلاق در پژوهش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۱۰۵	۹-۱. مقدمه
۱۰۶	۹-۲. منشور اخلاق پژوهش
۱۰۸	۹-۳. موازین اخلاق پژوهش
۱۲۱	فصل دهم: نتیجه‌گیری
۱۲۲	۱۰-۱. مقدمه
۱۲۳	۱۰-۲. تهیه و تدوین برنامه درسی اخلاق در پژوهش
۱۲۷	۱۰-۲-۱. یافته‌های مرحله اول
۱۳۳	۱۰-۳. تهیه و تدوین محتوای آموزشی اخلاق در پژوهش
۱۳۴	پیوست الف: قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی (مصوب ۱۳۹۶/۰۵/۳۱)
۱۳۷	پیوست ب: آیین نامه اجرایی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی (مصوب ۱۳۹۸/۰۵/۲۳)
۱۴۳	پیوست ج: برنامه درسی «اخلاق در پژوهش»
۱۴۵	منابع و مراجع
۱۴۸	ABSTRACT

فهرست جدول‌ها

- جدول ۱۰-۱: شاخص‌ها و پرسش‌های مربوط به برنامه‌ریزی درسی و تدوین محتوای آموزشی «اخلاق در پژوهش» ۱۲۴
- جدول ۱۰-۲: میانگین پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به هر پرسش ۱۲۷

فهرست شکل ها

۱۱	شکل ۱-۲: عناصر طراحی برنامه درسی و رابطه میان آن ها
۱۲	شکل ۲-۲: الگوی طراحی برنامه درسی محتوامحور
۲۳	شکل ۱-۳: ارکان سه گانه سواد اخلاقی
۲۴	شکل ۲-۳: مولفه های اصلی حساسیت اخلاقی
۲۶	شکل ۳-۳: مهارت های مرتبط با استدلال اخلاقی
۳۰	شکل ۴-۳: مؤلفه های سواد اخلاقی
۳۳	شکل ۵-۳: فرآیند هفت مرحله ای ارزیابی اخلاقی
۳۷	شکل ۶-۳: نگاشت ارکان سواد اخلاقی در مراحل هفت گانه اخلاق پژوهش
۵۱	شکل ۱-۵: ابعاد مؤثر بر ارزیابی های اخلاقی در اخلاق پژوهش
۱۰۷	شکل ۱-۹: اصول هشت گانه مندرج در منشور اخلاق پژوهش وزارت عتف
۱۲۸	شکل ۱-۱۰: اهمیت آموزش اخلاق در پژوهش در ارتقاء کیفی و توسعه پژوهش های علمی
۱۲۹	شکل ۲-۱۰: اهمیت آموزش سواد اخلاقی و ارکان سه گانه آن در تحکیم و تثبیت جایگاه اخلاق در پژوهش
۱۲۹	شکل ۳-۱۰: اهمیت آموزش هر یک از ابعاد چهارگانه مؤثر بر ارزیابی اخلاقی در اخلاق در پژوهش
۱۳۰	شکل ۴-۱۰: اهمیت آشنایی با معیارهای هنجارین علم در تثبیت جایگاه اخلاق در پژوهش
۱۳۰	شکل ۵-۱۰: اهمیت آشنایی با اصول اخلاقی مرتبط با آزمودنی های انسانی در فعالیت های پژوهشی
۱۳۲	شکل ۶-۱۰: میزان اهمیت هر یک از شاخص های پنجگانه نسبت به یکدیگر در آموزش اخلاق پژوهش

سپاس‌گزاری

انجام این طرح پژوهشی با نظارت همدلانه استاد ارجمند جناب آقای دکتر علی پایا تحقق یافته است. از این رو، لازم می‌دانم مراتب سپاس‌گزاری خود را از ایشان به‌خاطر ارائه ملاحظات نقادانه و نظراتی موشکافانه برای تدقیق، تصریح و تکمیل گزارش این طرح پژوهشی اعلام کنم. هم‌چنین از اعضای محترم پژوهشکده جامعه و اطلاعات و شورای محترم پژوهش پژوهشگاه ایرانداک که در تصویب این طرح مرا یاری کرده‌اند صمیمانه سپاسگزارم.

پیش‌گفتار

پژوهش‌های علمی در کنار برخورداری از اعتبار روش‌شناختی بایستی تأمین‌کننده ارزش‌های اخلاقی نیز باشد. دستاورد مهم تأمین اعتبار روش‌شناختی در یک پژوهش علمی، تضمین صحت یافته‌ها و نتایج آن است. هم‌چنین مهم‌ترین دستاورد تأمین ارزش‌های اخلاقی در یک پژوهش علمی، فراهم ساختن زمینه برای جلب اعتماد عمومی است. بر این اساس به نظر می‌رسد، نظام آموزش عالی نیازمند برنامه‌ریزی مناسبی برای آموزش و ترویج اخلاق پژوهش در تحقیقات علمی و فناوریانه است. از این منظر هر چند اهتمام محققان بر بالابردن اعتبار پژوهش‌هایشان، یک شرط لازم برای توسعه دستاوردهای علمی و فناوریانه است، اما شرط کافی برای توسعه پایدار نظام علم و فناوری به شمار نمی‌آید. در این طرح پژوهشی تلاش می‌شود با تدوین برنامه‌ای درسی برای دوره آموزشی اخلاق پژوهش و هم‌چنین تدوین محتوایی آموزشی در چارچوب برنامه درسی مذکور، اهمیت و جایگاه اخلاق پژوهش در توسعه نظام علمی و دانشگاهی تشریح و تبیین شود.

در این طرح پژوهشی ابتدا با استفاده از روش دلفی یک برنامه درسی در باب سرفصل‌های آموزشی اخلاق در پژوهش تدوین می‌شود؛ به‌نحوی که ابتدا با طراحی پرسشنامه‌ای در چارچوب مطالعات کتابخانه‌ای و ارسال آن به گروهی از متخصصان، درباره ماهیت رئوس محتوای آموزشی و چگونگی تدریس اخلاق پژوهش، ارزیابی مناسبی صورت می‌گیرد. سپس محتوای آموزشی مناسب برای دوره‌های تحصیلات تکمیلی آموزش عالی در چارچوب مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری می‌شود. هدف از تدوین این برنامه درسی، تمرکز بر آموزش زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در اخلاق پژوهش، موضوعات، مزیت‌ها، مفاهیم، و نظریه‌ها و مهارت‌های استدلالی مرتبط با اخلاق در پژوهش است.

اخلاق پژوهش زیرمجموعه‌ای از اخلاق کاربردی است که به بررسی و تحلیل مسائل و چالش‌های اخلاقی مطرح در انجام فعالیت‌های پژوهشی می‌پردازد. امروزه، اخلاق در پژوهش در حوزه‌های مختلف

علمی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. امروزه، اخلاق در پژوهش در حوزه‌های مختلف علمی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. این اهمیت بدان دلیل است که در حوزه‌های مختلف علمی تفکیک پژوهش نظری و پژوهش عملی امری بسیار دشوار است. پژوهش‌های نظری در حوزه‌های مختلف معرفت بشری نظیر علوم تجربی، علوم فنی و مهندسی و حتی علوم انسانی چنان گستره و عمقی یافته‌است که به نحو شگفت‌آور و ژرفی بر رفتار فرد فرد انسان‌ها، نهادهای اجتماعی و جوامع تأثیر می‌گذارد. با توجه به قدرتی که انسان مدرن، از کاربرد روش‌های نوین پژوهش و دستاوردهای فنی حاصل از این روش‌ها به‌دست آورده است، بررسی اخلاقی چگونگی تأثیر این اقتدار نوین بر منش و رفتار آدمی و مواجهه او با خود و سایر موجودات پس از کسب این اقتدار، ضروری است. این موضوع مهم، پس از انقلاب صنعتی و به شکلی به مراتب پررنگ‌تر، در میانه قرن گذشته، مورد توجه برخی متفکران مدرن قرار گرفت. پیامد این توجه، گسترش حوزه‌ی مباحث اخلاقی، از اخلاق فردی به اخلاق اجتماعی و از اخلاق نظری به اخلاق عملی بوده است (خداپرست و همکاران ۱۳۸۶، ۳۶۶-۳۶۷).

این طرح پژوهشی در نظر دارد برنامه آموزشی اخلاق پژوهش را در چارچوب سواد اخلاقی طراحی کند. سواد اخلاقی و مؤلفه‌های اساسی آن می‌تواند نقش مهمی در پیش‌برد اهداف آموزشی اخلاق پژوهش بازی کند. به نظر می‌رسد، مهم‌ترین وجه اشتراک آموزشی میان سواد اخلاقی و اخلاق پژوهش، کسب مهارت‌های استدلالی و ارزیابی اخلاقی است. مهارت‌های آموزشی در سواد اخلاقی بایستی بتواند استعداد بالقوه انسان‌ها در شناخت ارزش‌های اخلاقی را پرورش دهد و توانایی تحلیل و ارزیابی فراگیران را برای استنباط و اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی مناسب در موقعیت‌های اخلاقی تقویت کند. در اخلاق پژوهش نیز بسیاری از مراحل پژوهشی هم‌چون موقعیت‌های اخلاقی درهم‌تنیده با تصمیم‌های اخلاقی ساده و بعضاً پیچیده‌ای است که پژوهشگران را ملزم به استنباط و ارزیابی اخلاقی می‌کند. بررسی پیوندها، همپوشانی‌ها و تفاوت‌های میان ابعاد مختلف ارزیابی اخلاقی در فرآیند پژوهش، نقطه آغازین مهمی برای تفکر درباره اخلاق پژوهش است. ارزیابی‌های اخلاقی پژوهشگران در تحلیل و بررسی چالش‌ها و مسائل اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی، اغلب تحت تأثیر ابعاد چهارگانه‌ای در اخلاق پژوهش تحقق می‌یابد: ۱) هنجارهای تخصصی و حرفه‌ای، ۲) نظریه‌ها و اصول اخلاقی، ۳) نظارت اخلاقی از طریق هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش، و ۴) نظارت حقوقی از طریق نهادهای مرتبط. سرفصل‌های پیشنهادی حاصل از این طرح پژوهشی طیف گسترده‌ای از عناوین و موضوعات را پوشش می‌دهد:

- تأثیر اخلاق پژوهش در ارتقاء کیفی و توسعه پژوهش‌های علمی

- تأثیر سواد اخلاقی در شناسایی و تحلیل مسائل اخلاقی در فعالیتهای پژوهشی
- ابعاد چهارگانه تأثیرگذار بر ارزیابیهای اخلاقی در فعالیتهای پژوهشی: نظریه‌ها و اصول اخلاقی؛
- هنجارها و رهنمودهای اخلاق علم در فعالیتهای پژوهشی؛ کارکرد و وظایف کمیته‌ها و هیئت‌های اخلاق
- پژوهش؛ ملزومات حقوقی متناسب با زمینه‌های پژوهشی
- معیارهای هنجارین علم در فعالیتهای پژوهشی
- اصول اخلاقی مرتبط با آزمودنی‌های انسانی مورد پژوهش.

فصل نخست: کلیات پژوهش

۱- ۱. مقدمه

پژوهش‌های علمی در کنار برخورداری از اعتبار روش‌شناختی بایستی تأمین‌کننده ارزش‌های اخلاقی نیز باشد. بر این اساس به نظر می‌رسد، نظام آموزش عالی نیازمند برنامه‌ریزی مناسبی برای آموزش و ترویج اخلاق پژوهش در تحقیقات علمی و فناوریانه است. از این منظر هر چند اهتمام محققان بر بالابردن اعتبار پژوهش‌هایشان، یک شرط لازم برای توسعه دستاوردهای علمی و فناوری است، اما شرط کافی برای توسعه پایدار نظام علم و فناوری به شمار نمی‌آید. در این طرح پژوهشی تلاش می‌شود با تدوین برنامه‌ای درسی برای دوره آموزشی اخلاق پژوهش و هم‌چنین تدوین محتوایی آموزشی در چارچوب برنامه درسی مذکور، اهمیت و جایگاه اخلاق پژوهش در توسعه نظام علمی و دانشگاهی تشریح و تبیین شود.

در این طرح پژوهشی ابتدا با استفاده از روش دلفی برنامه درسی اخلاق پژوهش تدوین می‌شود. سپس سرفصل‌های محتوای آموزشی برای دوره‌های تحصیلات تکمیلی آموزش عالی (به‌طور خاص کارشناسی ارشد) گردآوری می‌شود. هدف از تدوین این برنامه درسی، تمرکز بر آموزش زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در اخلاق پژوهش، موضوعات، مزیت‌ها، مفاهیم، و نظریه‌های و مهارت‌های استدلالی مرتبط با اخلاق پژوهش است. در گام بعد، با تکیه بر برنامه درسی پیشنهادی و هم‌چنین مطالعات کتابخانه‌ای، سرفصل‌های محتوای آموزشی برای دوره‌های تحصیلات تکمیلی آموزش عالی (به‌طور خاص کارشناسی ارشد) به همراه درون مایه محتوایی این سرفصل‌های آموزشی در حوزه اخلاق پژوهش تهیه می‌شود.

۱- ۲. بیان مسئله

پژوهش‌های علمی در کنار برخورداری از اعتبار روش‌شناختی بایستی تأمین‌کننده ارزش‌های اخلاقی نیز باشد. مهم‌ترین دستاورد تأمین اعتبار روش‌شناختی در یک پژوهش علمی، تضمین صحت یافته‌ها و نتایج آن است. هم‌چنین مهم‌ترین دستاورد تأمین ارزش‌های اخلاقی در یک پژوهش علمی، آن است می‌تواند به اعتماد عمومی جامعه بیانجامد. ناکامی در تثبیت ارزش‌های اخلاقی در پژوهش‌های علمی ممکن است به اختلال در اعتماد عمومی جامعه نسبت به نهاد اجتماعی علم منجر شود. این مسئله، وقتی اهمیتی مضاعف می‌یابد که دستیابی به دستاوردهای علمی برای محققان آن‌چنان با منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنان همراه شود که تعلل در دستیابی به این دستاوردها به ناکامی ایشان در کسب این منافع بیانجامد. این مسئله را می‌توان در زمره یکی از مهم‌ترین دلایل برای کاهش اراده و تمایل محققان به حفظ مستمر ارزش‌های اخلاقی در فعالیت‌های تحقیقاتی و نتایج آن برشمرد.

در سال‌های اخیر نیز در نظام آموزش عالی ایران، با افزایش سوءرفتارهای پژوهشی و ایجاد حساسیت در جامعه علمی ایران نسبت به این موضوع، به‌طور پراکنده منابعی تخصص در حوزه اخلاق پژوهش تهیه و تدوین شده است. اما واقعیت آن است که بر کنار از منابع بسیار ارزشمند ترجمه‌شده، عمده منابع تألیفی در حوزه اخلاق پژوهش لزوماً بر اساس سرفصل‌های آموزشی مدونی گردآوری نشده است. برخی از این منابع تألیفی اگرچه از ارزش علمی قابل قبولی برخوردار است، اما متأسفانه فاقد محتوایی آموزشی منطبق بر سرفصل‌های آموزشی، فاقد موردپژوهشی‌های تحلیلی، و بعضاً پرسش‌ها و تمرین‌هایی برای ارتقاء مهارت استدلال اخلاقی دانشجویان و محققان است.

بر این اساس به نظر می‌رسد، نظام آموزش عالی خصوصاً در دوره‌های تحصیلات تکمیلی (به‌طور خاص کارشناسی ارشد) نیازمند برنامه‌ریزی مناسبی برای آموزش و ترویج اخلاق پژوهش در تحقیقات علمی و فناوری است. در این طرح پژوهشی ابتدا به تدوین برنامه درسی اخلاق پژوهش و سپس به گردآوری سرفصل‌های محتوای آموزشی برای دوره‌های تحصیلات تکمیلی آموزش عالی پرداخته می‌شود. از آنجا که حوزه مطالعات اخلاق پژوهش، قلمرو گسترده ملاحظات اخلاقی در رشته‌های علمی و زمینه‌های پژوهشی متنوعی را در بر می‌گیرد، این طرح پژوهشی تنها و تنها به فصل مشترک ملاحظات اخلاقی در رشته‌های علمی و زمینه‌های پژوهشی متنوع می‌پردازد و گستره موضوعی خود را به آموزش و ترویج مبانی و مسائل عمومی در اخلاق پژوهش محدود می‌سازد. در عین حال، تلاش می‌شود با ارائه مثال از موقعیت‌های اخلاقی متنوع در رشته‌های علمی گوناگونی بر عمومیت مبانی و اصول اولیه اخلاق پژوهش تأکید و تصریح شود.

۱-۳. اهداف پژوهش

اهداف این طرح پژوهشی به ترتیب عبارتند از:

- ۱) تدوین برنامه‌ای درسی برای دوره آموزشی اخلاق پژوهش در سطح دوره‌های تحصیلات تکمیلی (به‌طور خاص کارشناسی ارشد)
- ۲) تدوین سرفصل محتوایی آموزشی برای دوره آموزشی اخلاق پژوهش در سطح دوره‌های تحصیلات تکمیلی (به‌طور خاص کارشناسی ارشد)
- ۳) اهمیت اخلاق پژوهش در ارتقاء کیفی پژوهش‌های علمی
- ۴) تبیین جایگاه اخلاق پژوهش در توسعه نظام علمی و دانشگاهی

۱- ۴. پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های مطرح در این طرح عبارتند از:

- ۱) به منظور تدریس اخلاق پژوهش در نظام دانشگاهی ایران، چه محتوایی مناسب است؟
- ۲) این محتوای مناسب در اخلاق پژوهش چگونه باید تدریس شود؟
- ۳) اخلاق پژوهش در ارتقاء کیفی پژوهش‌های علمی از چه اهمیتی برخوردار است؟
- ۴) اخلاق پژوهش در توسعه نظام علمی و دانشگاهی از چه جایگاهی برخوردار است؟

۱- ۵. روش پژوهش

این طرح پژوهشی از دو مرحله اصلی تشکیل شده که هر یک از این مراحل از روش پژوهشی متمایز برخوردار است:

الف) در مرحله اول این طرح پژوهش که تدوین برنامه درسی اخلاق پژوهش است، پس از مروری بر تعاریف متعددی از مفهوم برنامه‌ریزی درسی نشان داده می‌شود که برنامه درسی مشتمل بر دو مفهوم کلیدی است: «چه چیزی تدریس کردن» و «چگونه تدریس کردن». به بیانی دیگر، فعالیت برنامه درسی عبارت است از تولید یک محتوای آموزشی خاص به همراه آموزش شیوه‌های مناسب برای عرضه محتوای مورد اشاره. اگر چه تفکیک این دو مفهوم از اهمیت کارکردی قابل توجهی برخوردار است، اما این تفکیک می‌تواند موجب ابهام در ارتباط میان برنامه درسی و آموزش آن شود. معلم‌ها این دو کارکرد را از یکدیگر جدا نمی‌کنند، چرا که آنان پیوسته در حال برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت در کلاس‌های خود هستند. بر این اساس، بخش اول این طرح پژوهشی که به تدوین برنامه درسی اخلاق پژوهش می‌پردازد، دو پرسش کلیدی را مدنظر قرار می‌دهد: ۱) در اخلاق پژوهش چه محتوایی تدریس می‌شود؟ و ۲) این محتوا چگونه تدریس می‌شود؟ برای یافتن پاسخ برای پرسش‌های مذکور از روش دلفی استفاده می‌شود. ابتدا با طراحی پرسشنامه(هایی) در چارچوب مطالعات کتابخانه‌ای و ارسال آن به گروهی از متخصصان، درباره ماهیت رئوس محتوای آموزشی و چگونگی تدریس اخلاق پژوهش، ارزیابی مناسبی صورت می‌گیرد. پرسشنامه(ها) به طریقی تنظیم می‌شود که مشارکت کنندگان ضمن استنباط و فهمیدن مسائل این مرحله از پژوهش، واکنش‌ها و دیدگاه‌های فردی خود را نیز مطرح کنند. پس از پاسخ اولیه مشارکت کنندگان به

پرسشنامه(ها)، در گام دوم مواردی که مرتبط با اهداف زمینه تحقیق نباشد، حذف می‌شود. پس از آن، گزارش جمع‌بندی برای مشارکت‌کنندگان فرستاده می‌شود. مشارکت‌کنندگان اجازه دارند که پاسخ‌های خود را بر اساس نتایج مذکور تغییر دهند. این فرایند ادامه می‌یابد تا اجماع قابل قبولی از نظرات متخصصان نسبت به مسائل فوق حاصل شود. بر این اساس، سرفصل‌ها و موضوعات اجماعی پیشنهادی برآمده از نظر متخصصان در حوزه محتوای آموزشی اخلاق پژوهش استخراج و جمع‌بندی می‌شود. با توجه به دیدگاه‌ها و نظرات انتقادی متخصصان در این مرحله از پژوهش تلاش می‌شود زیست‌بوم فرهنگی نظام دانشگاهی ایرانی-اسلامی مورد توجه باشد و سرفصل‌های محتوای آموزشی قابل تدوین، متأثر از این زیست‌بوم فرهنگی گردآوری شود.

ب) مرحله دوم این طرح پژوهشی مبتنی بر یافته‌های مرحله اول این پژوهش است که شامل مهم‌ترین سرفصل‌ها و موضوعات اخلاق پژوهش برای تدوین محتوایی آموزشی است. در این مرحله با توجه به نظرات متخصصان از سویی و همچنین مطالعه مستندات و منابع درسی در موسسه‌های آموزشی و پژوهشی کشورهای توسعه‌یافته، محتوای آموزشی اخلاق پژوهش تهیه و تدوین می‌شود. به نظر می‌رسد سرفصل‌های پیشنهادی می‌تواند طیف گسترده‌ای از عناوین کلی ذیل را پوشش دهد: (۱) اهمیت اخلاق پژوهش در توسعه علم و فناوری؛ (۲) مفاهیم مقدماتی: از اخلاق‌شناسی تا اخلاق پژوهش؛ (۳) اصول و نظریه‌های اخلاقی: ارزیابی در اخلاق پژوهش؛ (۴) معیارهای اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی: صداقت، عینیت، گشودگی، آزادی، تخصیص عادلانه اعتبار، احترام به همکار، حفاظت از دارایی‌ها، احترام به قانون، حفاظت از منابع تحقیق، مسئولیت اجتماعی، حمایت از آزمودنی‌های پژوهشی؛ (۵) بررسی برخی از مهم‌ترین مسائل اخلاق پژوهش: مالکیت معنوی، سرقت علمی، مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای، تضاد منافع، بی‌طرفی علمی، حمایت از آزمودنی‌های پژوهشی؛ و (۶) معرفی برخی از کمیته‌ها و کدهای اخلاق پژوهش و نحوه تعامل با آن‌ها.

لازم به توضیح است در انجام این طرح پژوهشی از مشاوره متخصصان و نهادهای مرتبط با برنامه‌ریزی درسی و تدوین محتوای آموزشی در تمامی مراحل طرح استفاده خواهد شد.

۱-۶. تعریف مفاهیم

برنامه درسی: برنامه درسی به منزله سندی مکتوب و طرح و نقشه‌ای برای عمل، در راستای رسیدن به اهداف آموزشی است. به بیانی دیگر، برنامه درسی عبارت است از تولید برنامه و فرآیند آموزش برای به اجرا درآوردن برنامه‌ها.

محتوای آموزشی: در فرآیند برنامه‌ریزی درسی، تدوین محتوا همواره از حساسیت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا نخستین گام در تلاش برای زمینه‌سازی تحقق هدف‌هاست. بر این اساس، محتوای درسی را می‌توان مفهوم گسترده‌ای تعریف کرد؛ آنچه مربی برای تدریس گردآوری می‌کند و آنچه خود وی نیز پیش‌بینی نکرده است، ولی در ضمن تدریس بروز می‌کند. هم‌چنین آنچه از تعامل یادگیرندگان با یکدیگر و با مربی حاصل می‌شود، همه بخشی از محتوای آموزشی را تشکیل می‌دهد. از این رو، آنچه برنامه‌ریزان درسی برای آموزش تعیین و طراحی می‌کنند، تنها بخشی از آن است که می‌تواند هنگام آموزش، اصلاح یا تکمیل شود.

اخلاق پژوهش: در این حوزه مطالعاتی، به تجزیه و تحلیل مسائل اخلاقی و به‌کارگیری اصول و رهنمودهای اخلاق پژوهش در ارزیابی فعالیت‌هایی پژوهشی پرداخته می‌شود. با توجه به ابعاد مختلف پژوهش، اخلاق پژوهش هم ابعاد مختلفی می‌یابد، و فعالیت‌هایی مانند آزمایش، جست‌وجوی منابع، گردآوری داده‌ها، ارجاع مناسب به منابع، و مواردی از این نوع تا لایه‌های عمیق‌تری همچون هدف از انجام پژوهش را در بر می‌گیرد.

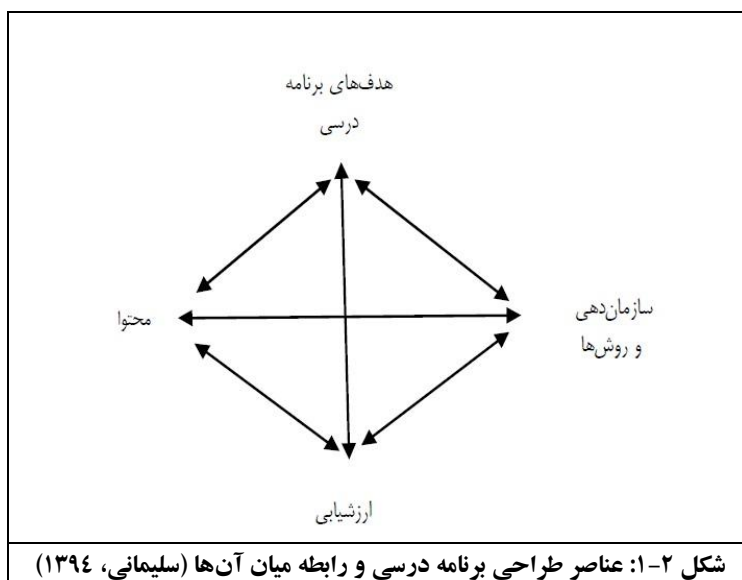
**فصل دوم: برنامه‌ریزی درسی و تدوین محتوای
آموزشی اخلاق در پژوهش**

۲-۱. مقدمه

منظور از تدوین برنامه درسی «اخلاق در پژوهش» تبیین ضرورت، معرفی هدف، ارائه رئوس مطالب و موضوعات محوری و همچنین پیشنهاد منابعی تکمیلی در آموزش اخلاق پژوهش به دانشجویان تحصیلات تکمیلی است. از آنجا که تدوین این برنامه در چارچوب الگوی طراحی برنامه درسی محتوامحور است، تمرکز این طرح پژوهشی بیش از هر چیز بر گردآوری و تدوین یک محتوای آموزشی پایه‌ای و مشترکی خواهد بود تا طیف گسترده‌ای از فراگیران اخلاق پژوهش را با توجه به رشته‌های متعدد و متنوع تخصصی و پژوهشی پوشش دهد.

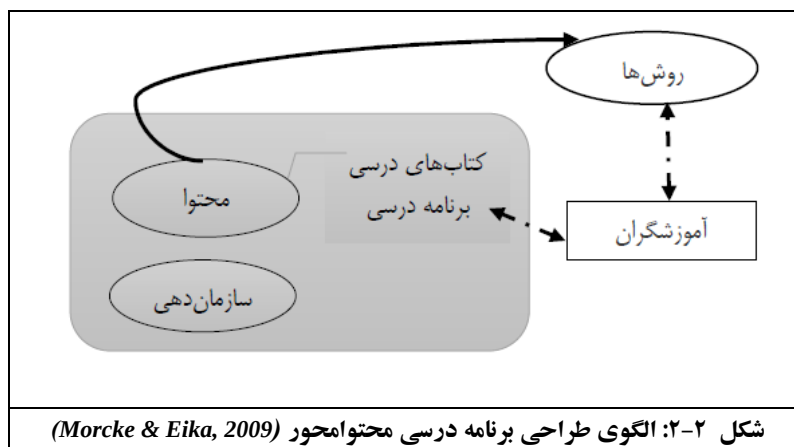
۲-۲. طراحی برنامه درسی اخلاق در پژوهش

برنامه درسی به منزله سندی مکتوب و طرح و نقشه‌ای برای عمل، در راستای رسیدن به اهداف آموزشی است. با توجه به گوناگونی آموزش‌ها و اهداف آموزشی، رویکردها و روش‌های متفاوتی برای طراحی برنامه درسی وجود دارد که هر کدام اصول، مراحل، محاسن و معایبی دارد. درباره عناصر یا اجزای برنامه درسی، میان صاحب‌نظران برنامه‌ریزی اتفاق نظر وجود ندارد؛ اما بیشتر متخصصان برنامه درسی با عناصر چهارگانه هدف، محتوا، روش‌های تدریس و ارزشیابی (شکل ۲-۱) توافق دارند.



طراحی برنامه درسی، فرایندی است که مستلزم مراحل مبانی برنامه درسی (فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی)، تعیین اهداف، انتخاب محتوا، روش تدریس و روش ارزشیابی است. نگاهی گذرا به اصول حاکم بر روشهای گوناگون تدریس نشان می‌دهد که مهم‌ترین تفاوت روش‌ها به محتوای آموزشی آن، یعنی طراحی برنامه درسی برمی‌گردد. نخستین گام در راستای تبیین ضرورت و تحقق هدف، انتخاب محتوای آموزشی مناسب و مطلوب، در قالب عوامل و فعالیت‌هایی است که از امور دانشگاهی محض فراتر می‌رود و معانی و الزامات مهم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تربیتی دارد. درواقع طراحی برنامه درسی سبب نظم‌بخشی به فعالیت‌های تهیه برنامه درسی مناسب می‌شود. چهار عنصر محوری برنامه درسی شامل اهداف، محتوا، روش و ارزشیابی است (اسکوهی و حجازی، ۱۳۹۹).

برای تدوین برنامه درسی اخلاق در پژوهش، از الگوی طراحی برنامه درسی محتوامحور استفاده شده است. الگوی طراحی برنامه درسی، چارچوبی برای سازماندهی، اجرا و ارزشیابی برنامه است که نظامی انعطاف‌پذیر و قابل تغییر برای سازمان‌دهی مجموعه‌ای از فرصت‌های یادگیری ایجاد می‌کند. در الگوی طراحی برنامه درسی محتوامحور که در شکل ۲-۲ نشان داده شده است، هسته اصلی این الگو دربردارنده محتوا و سازماندهی است. محتوا یا موضوع درسی با برنامه درسی و کتاب‌های درسی تعریف شده است. کتاب‌های درسی به‌طور خاص محتوا را تنظیم می‌کنند و محتوا به‌شدت روش‌های تدریس را کنترل می‌کند. آموزش‌دهندگان، در خارج از هسته قرار دارند و با ارائه مطالب درسی و توضیح آن به فراگیران در برنامه درسی مشارکت می‌کنند. محتوای تهیه‌شده در این طرح پژوهشی در حقیقت همان منبع درسی است که به فراگیران آموزش داده می‌شود.



برای طراحی برنامه درسی روش‌های گوناگونی وجود دارد که روش موضوعی، روش موازی، روش میان‌رشته‌ای، روش چندرشته‌ای و روش فرارشته‌ای از مهم‌ترین آن‌ها به‌شمار می‌آید. هدف از این روش‌ها در طراحی برنامه درسی تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده است که آگاهانه انتخاب و برای تحقق آن، برنامه‌ها و اقدامات مناسب تربیتی، طراحی و اجرا می‌شود. تغییرات مطلوب، شامل تغییر در دانش، نگرش و مهارت افراد است و این امر، یکی از اهداف مهم نظام تعلیم و تربیت محسوب می‌شود و تمام تلاش‌ها و منابع در راستای رسیدن به این هدف است. با توجه به محتوای آموزشی مورد نظر در آموزش اخلاق در پژوهش، در این برنامه درسی از روش موضوعی استفاده شده است. ویژگی‌های روش موضوعی در تدوین برنامه درسی عبارتند از: ۱) هدف ایجاد مهارت در فراگیران در زمینه ساختار موضوع‌های گوناگون است؛ ۲) دیدگاه موضوعی بر موضوع‌های درسی، شیوه تکوین و سازماندهی آن‌ها تأکید می‌کند؛ ۳) از بسیاری جهت‌ها در اغلب مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها، اولویت نخست با این رویکرد است؛ ۴) در مراکز آموزشی مذکور، موضوع‌های درسی در شکل دادن به ساختار کل برنامه درسی نقش اساسی دارند (اسکوهی و حجازی، ۱۳۹۹).

۲-۳. محتوای برنامه درسی اخلاق در پژوهش

آن‌چنان که اشاره شد، محتوای برنامه درسی یکی از عناصر چهارگانه برنامه‌ریزی درسی است. هم‌چنین برای تدوین این برنامه درسی «اخلاق در پژوهش» از الگوی طراحی برنامه درسی محتوامحور استفاده شده است. تمرکز این طرح پژوهشی بیش از هر چیز بر گردآوری و تدوین محتوای آموزشی پایه‌ای و مشترکی است تا طیف گسترده‌ای از فراگیران اخلاق پژوهش را با توجه به رشته‌های متعدد و متنوع تخصصی و پژوهشی پوشش دهد.

انتخاب محتوای آموزشی مناسب نخستین گام برای تحقق اهداف برنامه درسی است، به‌گونه‌ای که چگونگی روش تدریس نیز متأثر از این محتوا است. بنابراین، باید نسبت به ملاک‌های گزینش محتوای آموزشی بسیار حساس و آگاه بود چرا که با اندک غفلتی ممکن است فعالیت‌ها از مسیر منحرف شود و نیروهای موجود صرف فراگیری مطالبی شود که مفید نیست یا اگر هم مفید باشد، آموزش آن‌ها از اولویت برخوردار نیست. در فرآیند برنامه‌ریزی درسی، ساختار محتوای دروس و چگونگی تنظیم و توالی علمی مطالب و نیز موضوعات درسی در قالب رشته‌ها و مواد درسی مختلف از اهمیت خاصی برخوردارند (صفاری و عباسی، ۱۳۹۹).

برای محتوا، تعریف های گوناگونی ارائه شده است. از منظر یادگیری مادام العمر، همان طور که برنامه درسی، مفهومی وسیع شامل تمام تجارب یادگیرنده در درون و بیرون از مؤسسه آموزشی و پژوهشی را در بر می گیرد، محتوا نیز مفهومی وسیع دارد. آنچه آموزشگر برای تدریس تدارک می بیند و آنچه خود او نیز پیش بینی نکرده ولی در ضمن تدریس بروز می کند، و نیز آنچه از تعامل یادگیرندگان با یکدیگر و با آموزشگر حاصل می شود، همه بخشی از محتوا را تشکیل می دهد. آنچه برنامه ریزان برای آموزش تعیین و طراحی می کنند، تنها بخشی از آن است که می تواند هنگام آموزش اصلاح یا تکمیل شود. محتوا را می توان دانش ها، مهارت ها، گرایش ها و ارزش هایی توصیف کرد که می باید آموزش داده و یاد گرفته شوند. گردآوری و تدوین محتوای آموزشی اخلاق در پژوهش به معنای بی نیازی آموزش دهندگان از منابع جانبی متناسب با رشته های تخصصی فراگیران نیست، بلکه این محتوا زیربنای اصول اخلاقی مشترک میان حوزه های تخصصی و پژوهشی متنوع را فراهم می کند (صفاری و عباسی، ۱۳۹۹). تهیه و تدوین برنامه درسی به مثابه محصولی ایستا نیست، بلکه فرآیندی پویا است که ترمیم و توسعه مداوم این برنامه نیازمند به کارگیری سرفصل ها و محتوای آموزشی مورد نظر است. در اینجا، برنامه درسی به مثابه ابزاری است که چارچوب ابتدایی آموزش اخلاق در پژوهش را شکل می دهد؛ این ابزار واجد انواع کارکردهایی است که تدوین کنندگان برنامه درسی برای آن به نحوی بالفعل در نظر گرفته اند. افزون بر این، در حین به کارگیری این برنامه درسی و تعامل با زمینه ها و گروه های آموزشی مختلف ممکن است کارکردهای بالقوه دیگری شناسایی شود که متأثر از نیازهای نوظهور مخاطبان است و لازم است به کارکردهای فعلی برنامه درسی افزوده شود. هم چنین در حین به کارگیری این برنامه درسی ممکن است برخی از کارکردهای فعلی، موضوعیت خود را از دست بدهد و حذف شود.

۲- ۴. الگوهایی طراحی برنامه درسی اخلاق در پژوهش

الگوهای برنامه درسی شکل معین، چارچوب و انگاره ای از فرصت های یادگیری است که به طراحان کمک می کند تا منطق شفاف و نظام مندی را برای استفاده از رهیافت های تدریس، یادگیری و ارزشیابی به کار گیرند. اساساً الگوی برنامه درسی به دنبال پاسخگویی به سؤالاتی از این قبیل است: فراگیران چه کسانی هستند و چه ویژگی هایی دارند؟ هدف های آموزشی و درسی چیست؟ چه نوع تجربیات یادگیری فراهم خواهد شد؟ جایگاه تجربیات یادگیری کجا خواهد بود؟ چه رفتارهایی ارزشیابی خواهند شد؟

در طراحی برنامه درسی، از رویکردهای مختلفی استفاده می‌شود که هر یک دربردارنده الگوهای متنوعی است. رویکردهای طراحی برنامه درسی تقسیم‌بندی‌های متعددی دارد و متعارف‌ترین آن‌ها تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای که عبارت است از: رویکرد فنی طراحی برنامه درسی، رویکرد غیرفنی طراحی برنامه درسی و رویکرد حد واسط طراحی برنامه درسی.

رویکرد فنی-علمی^۱ طراحی برنامه درسی به مفروضاتی نظیر خطی بودن فرآیند برنامه درسی، عینی بودن فعالیت، تدوین و پیش‌بینی برنامه درسی توجه می‌شود. این الگوها از آن جهت که بدون دخل و تصرف آموزش‌دهندگان طراحی و بدون توجه به ویژگی‌های فراگیران اجرا می‌شوند به‌منزله برنامه درسی مقاوم در برابر معلم نیز شناخته شده‌اند. الگوهای طراحی برنامه درسی مبتنی بر رویکرد فنی به علت تأکید بیش از حد برنامه‌ریزان بر پیش‌بینی کلیه جزئیات اجرایی و اجرای صرف آن ازسوی آموزش‌دهندگان دچار افراط شده‌اند (Ornstein and Hunkins 2018, 210-217).

در رویکرد غیرفنی-غیرعلمی^۲ طراحی برنامه درسی، طراحان برنامه درسی با تدارک پیشاپیش برنامه مخالف بوده و هرگونه تصمیم‌گیری را به عهده آموزشگر می‌گذارند. این دیدگاه به پویایی برنامه درسی توجه دارد و آن را به‌مثابه موقعیتی ثابت فرض نمی‌کند. الگوهای طراحی برنامه درسی مبتنی بر رویکرد غیرفنی به علت تأکید بیش از حد بر علایق فراگیران و عدم توجه به این نکته بنیادی که تعلیم و تربیت نمی‌تواند و نباید تنها براساس خواسته‌های فراگیران و نیز برنامه‌های درسی ناگهانی یا پیش‌بینی‌نشده صورت پذیرد، در طرد هرگونه تدبیر و اندیشه پیشاپیش در خصوص آموزش راه تفریط پیموده‌اند (O'Neill 2015, 26-34).

رویکرد حد واسط طراحی برنامه درسی برخی از ویژگی‌های رویکرد فنی-علمی و برخی از ویژگی‌های رویکرد غیرفنی-غیرعلمی را در بر دارد، هم پیش‌بینی برخی از جزئیات برنامه درسی مورد توجه است و هم بر مشورت برای طراحی برنامه درسی تأکید می‌شود (سعدوندی و عباسی، ۱۳۹۹).

برنامه درسی در این طرح پژوهشی در چارچوب رویکرد حد واسط طراحی برنامه درسی تهیه و تدوین شده است، به‌نحوی که مجری طرح در چارچوب مطالعات کتابخانه‌ای، پس از بررسی و گردآوری موضوعات و سرفصل‌های مطرح در اخلاق در پژوهش که فصل مشترک میان رشته‌های تخصصی و پژوهشی متعدد و متنوع است، پرسش‌نامه‌ای را تهیه و تنظیم کرده و با متخصصان حوزه‌های پژوهشی مختلف

¹ technical-scientific approach

² nontechnical-nonscientific approach

که آشنایی مناسبی با مباحث مطرح در اخلاق پژوهش دارند در میان گذارده و از نتایج آن، اولویت بخشی برای تهیه و تدوین محتوای درسی مذکور فراهم ساخته است.

فصل سوم: سواد اخلاقی چارچوبی برای آموزش اخلاق در پژوهش

۳-۱. مقدمه

اگر چه تعریف‌های بسیار متفاوتی از «اخلاق» وجود دارد، اما در این طرح پژوهشی بر چهار معنا از این اصطلاح متمرکز می‌شویم: الف) اخلاق به مثابه معیاری رفتاری که میان رفتار درست یا غلط، خوب یا بد، خیر یا شر و مواردی مشابه تمایز ایجاد می‌کند؛ ب) اخلاق به مثابه رشته‌ای دانشگاهی که معیارهای رفتار را مورد مطالعه قرار می‌دهد؛ ج) اخلاق به مثابه رهیافتی در زمینه تصمیم‌گیری؛ و د) اخلاق به مثابه حالتی از منش و کردار. به‌طور کلی حوزه مطالعات اخلاق را می‌توان به سه شاخه فرااخلاق^۱، اخلاق هنجاری^۲ و اخلاق کاربردی^۳ تقسیم کرد. فرااخلاق معنا و توجیه اصطلاحات، مفاهیم، و اصول کلی اخلاقی را مطالعه می‌کند. اخلاق هنجاری به مطالعه نظریه‌ها، مفاهیم و اصول کلی اخلاقیات می‌پردازد. اخلاق کاربردی، مسائل اخلاقی مطرح‌شده در موقعیت‌ها یا زمینه‌های اخلاقی خاصی در حوزه‌های نظیر پزشکی، مهندسی، فناوری اطلاعات، تجارت و مواردی دیگر را بررسی می‌کند. «اخلاق در پژوهش» زیرمجموعه‌ای از اخلاق کاربردی است که به مطالعه موضوعات، مسائل و چالش‌های اخلاقی مطرح در فعالیت‌های پژوهشی می‌پردازد (شامو و رزینیک ۲۰۱۵، ۲۵-۲۷).

افراد اغلب، اخلاق را با عرف‌های اجتماعی، باورهای مذهبی و قانون یکی می‌گیرند و به عنوان حوزه‌ای مستقل به آن نمی‌نگرند. توجه به این نکته بسیار مهم است که مفاهیم و اصول اخلاقی در حوزه‌هایی هم‌چون اخلاق پزشکی، اخلاق مهندسی، اخلاق حرفه‌ای، یا اخلاق پژوهش، مفاهیم و اصولی جهان‌شمول، فرافرهنگی و فرامذهبی هستند، مفاهیم و اصولی مانند حفظ کرامت یا احسان داشتن نسبت به آزمودنی‌های انسانی در تمامی این حوزه‌های اخلاقی غیرقابل نقض هستند. این اصول برخوردار از ارزش ذاتی هستند و نه وابسته به معیارهای فرهنگی، مذهبی یا سیاسی (الدرو پل ۲۰۱۳، ۹-۱۰).

مطابق با آموزه‌های متکی بر عقلانیت نقاد^۴، فاعل‌های اخلاقی، استدلال‌ها و ارزیابی‌های اخلاقی خود را که برآمده از به‌کارگیری اصول و نظریه‌های اخلاقی است، هم‌چون حدس‌های اخلاقی در نظر می‌گیرند که در مقایسه با حدس‌های رقیب می‌تواند شانس آنان را برای پیش‌برد معرفت اخلاقی افزایش دهد. این استدلال‌ها و ارزیابی‌ها پیوسته باید در محکمه دیگر کنشگران اخلاقی از نظر تجربی و تحلیلی در معرض ملاحظات نقادانه سخت قرار بگیرد. در موقعیت‌های اخلاقی، فاعل اخلاقی خود را در موقعیت پیچیده‌ای می‌یابد که در آن بسیاری از عوامل نظیر کنشگران دیگر، نهادها، و هستارهای فیزیکی و ذهنی کنشگر، نقش

¹ metaethics

² normative ethics

³ applied ethics

⁴ critical rationalist

خود را ایفا می‌کنند. با توجه به محدودیت‌های فیزیکی و ذهنی کنشگر، فاعل اخلاقی برای ارزیابی موقعیت اخلاقی مورد مواجهه، چاره‌ای ندارد جز آن‌که با بهره‌گیری از فرآیندهای ایده‌آل‌سازی، تقریب، و انتزاع، مدل ساده‌شده‌ای از موقعیت مذکور را تدوین کند. این امر بدین خاطر است که فاعل اخلاقی برای تحلیل موقعیت باید از تأثیر بسیاری از عوامل موجود در محیط که آن‌ها را کم‌اهمیت و ناچیز تشخیص می‌دهد صرف‌نظر کند و آن‌ها را نادیده بگیرد. رابطه میان مدلی که فاعل اخلاقی می‌کوشد با کمک آن موقعیت پیچیده‌ای را ارزیابی کند با اوضاع و احوال واقعی خاصی که مدل مذکور نمایندگی می‌کند، همواره رابطه‌ای تقریبی خواهد بود. نقش این مدل تقریبی زمانی آشکار می‌شود که فاعل اخلاقی می‌کوشد ملاحظات اخلاقی جزئی و موردی را که در شرایط و زمینه تحقق موقعیتی اخلاقی به آن‌ها توجه کرده است با اصول اخلاقی کلی‌ای مرتبط کند. این اصول اخلاقی، همان اصولی جهان‌شمول، فرا فرهنگی و فرامذهبی هستند که فاعل اخلاقی مدل تقریبی مذکور را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد تا به ارزیابی اخلاقی مناسبی برای موقعیت خاص اخلاقی و واقعی دست یابد. فاعل اخلاقی تلاش می‌کند ارزیابی اخلاقی خود را بر بنیادی‌ترین اصول اخلاقی مبتنی سازد به‌طوری که این ارزیابی قابل استنتاج از آن اصول کلی باشد (پایا ۱۳۹۵، ۴۸۰-۴۸۲). دلایل این ارزیابی باید به نحوی عینی و نقادانه و در پرتو اصول اخلاقی کلی و با توجه به اوضاع و احوال خاصی که فاعل اخلاقی در آن قرار داشته است، مورد ارزیابی دیگر کنشگران اخلاقی (به‌خصوص کمیته‌های اخلاق پژوهش) قرار گیرد. بر این اساس، کنشگران دیگر می‌توانند نقاط قوت و ضعف استدلال‌های فاعل اخلاقی را آشکار سازند و مبتنی بر اصول اخلاقی به‌کارگرفته‌شده و در پرتو ارزیابی خود، قضاوت اخلاقی نهایی وی را داوری کنند (پایا ۱۳۹۵، ۴۹۲).

اگر چه برای اخلاقی زیستن، قدرت تمیز دادن ارزش‌های اخلاقی از هنجارهای دینی یا عرفی که در پرتو شناخت عمیق نظریه‌ها و اصول اخلاقی میسر می‌شود شرط لازم است، اما شرط کافی نیست و باید سه رکن اساسی تربیت اخلاقی که عبارتند از توانایی در ایجاد حساسیت اخلاقی، مهارت استدلال‌ورزی اخلاقی و قدرت تخیل اخلاقی، مورد توجه قرار بگیرد. آن‌چنان که گفته شد، این سه رکن به ما کمک می‌کند تا مدل‌های برساخته از موقعیت‌های اخلاقی واقعی در زندگی روزمره، فعالیت‌های حرفه‌ای و به‌طور کلی تعامل‌های انسان با جهان را شناسایی کنیم، آن‌ها را تحلیل نماییم و مبتنی بر اصول اخلاقی مشترک و فراگیر، نتایجی را برای عمل اتخاذ کنیم. اخلاقی زیستن اگر چه ریشه در طبیعت انسان‌ها دارد، با این حال تربیت اخلاقی نیازمند ارتقای توانایی‌ها و مهارت‌های تحلیلی و استدلالی است که با تأمل‌های عقلانی و

ممارست‌های تجربی حاصل می‌شود. این تربیت اخلاقی در حوزه‌ای آموزشی به نام «سواد اخلاقی»^۱ تحقق می‌یابد.

در اینجا لازم است درباره فرآیند تربیت اخلاقی یا کسب معرفت اخلاقی هم‌چون دیگر معرفت‌های بشری تأمل بیشتری کنیم. مسئله این است که آیا مهارت‌ها و آموزه‌های سواد اخلاقی صرفاً از بیرون یا محیط به فراگیران انتقال داده می‌شود و آنان از طریق حواس خود به‌نحوی منفعلانه این مهارت‌ها و آموزه‌ها را فرامی‌گیرند یا این که در درون فراگیران ظرفیت و استعدادی ذاتی برای کسب آن‌ها وجود دارد؟ این پرسش را از دیدگاه نظریه تطوری معرفت کارل پوپر می‌توان توضیح داد. وی استدلال می‌کند که کسب معرفت علمی و پیشرفت در علم نزد انسان‌ها به‌مثابه ابزاری است که آنان از این طریق برای انطباق خود با محیط بهره می‌برند. ما می‌توانیم میان سه تراز از انطباق‌پذیری با محیط تمایز قائل شویم. این سه تراز عبارتند از: انطباق ژنتیکی، یادگیری رفتاری قابل انطباق با محیط، و اکتشاف علمی. در هر سه تراز مذکور، مکانیزم‌های انطباق‌پذیری به‌نحو بنیادی یکسان هستند. انطباق‌پذیری با یک ساختار ذاتی آغاز می‌شود که در هر سه تراز اساسی و ضروری است و آن ساختار ژنتیکی ارگانیزم است. متناظر با این ساختار در تراز رفتاری، یک مجموعه ذاتی از انواع رفتارهایی وجود دارد که ارگانیزم می‌تواند به‌انجام برساند. در تراز اکتشاف علمی، فرضیه‌ها یا نظریه‌های غالب علمی وجود دارند. این ساختارها در هر سه تراز همواره از طریق آموزش منتقل می‌شوند: در ترازهای ژنتیکی و رفتاری از طریق تکثیر آموزه‌ها یا دستورالعمل‌های رمز شده ژنتیکی، و در ترازهای رفتاری و علمی از طریق سنت اجتماعی و تقلید. بر این اساس، در هر سه تراز مذکور آموزه‌ها و دستورالعمل‌ها همواره از درون ساختار سرچشمه می‌گیرند. اگر جهش، یا تغییر یا خطایی رخ دهد، در آن صورت این امور آموزه‌ها یا دستورالعمل‌های جدیدی هستند که از درون ساختار پدید می‌آیند و نه از بیرون و از محیط. نکته قابل توجه در این نظریه آن است که در یک فرآیند تطوری، در هر سه تراز، ساختارهای جدید و آموزه‌های جدید به‌وسیله آزمون‌ها و سعی‌هایی که از درون ساختار به‌انجام می‌رسد، ظهور می‌یابند: به‌وسیله آزمون‌های موقتی که در معرض انتخاب طبیعی یا حذف خطاها صورت می‌گیرد (پوپر ۱۹۹۴، ۳۶-۴۰).

به بیانی دیگر، پوپر در نظریه تطوری معرفت بیان می‌کند برای ارگانیزم‌های زنده در سه تراز موجودات کم‌سلولی (تراز ژنتیک)، موجودات پرسلولی (تراز رفتاری)، و انسان‌ها (تراز نظریه‌های معرفتی) با ساختارهای موروثی سروکار داریم که به‌وسیله آموزش منتقل می‌شوند. آموزش می‌تواند از طریق رمزهای

^۱ moral literacy

ژنتیکی و یا از مجرای سنت صورت بپذیرد. در هر سه تراز، ساختارهای جدید و آموزه‌های جدید به وسیله آزمون‌ها و سعی‌هایی که از درون ساختار به انجام می‌رسد، ظهور می‌یابند. این فرآیند به وسیله آزمون‌های موقتی تحقق می‌یابد که معروض انتخاب طبیعی یا حذف خطاها هستند (پوپر به نقل از پایا ۱۹۹۴، ۱۶). بر این اساس، این ساختارها شانس بقای ارگانیزم را در محیط یا زیست‌بوم موجودات افزایش می‌دهند. از این رو می‌توان بیان کرد که آموزه‌ها و مهارت‌های آموختنی در سواد اخلاقی هم‌چون هر معرفت بشری در فرآیندی تطوری و از طریق آزمون‌ها و سعی‌هایی که از درون فراگیران و در تعامل با محیط به انجام می‌رسد شانس آنان را برای زیستی اخلاقی و انطباق با محیطی اخلاقی ارتقا می‌بخشد.

بنابر این، امروزه آموزش سواد اخلاقی به عنوان بخش مهمی از فرآیندهای تعلیمی و تربیتی شناخته می‌شود که در کنار آموزش سایر حوزه‌های تخصصی به فراگیران و دانشجویان برای ارتقای کیفی زیستی اخلاقی آنان تأکید و توصیه می‌شود. در این پژوهش، چارچوب سرفصل‌های آموزشی اخلاق پژوهش مبتنی بر سواد اخلاقی است. آموزه‌های سواد اخلاقی به دانشجویان کمک می‌کند که موضوعات و مسائل مطرح در اخلاق پژوهش را به نحوی روش‌مند شناسایی کنند، صورتبندی مناسبی از موقعیت اخلاقی در پژوهش ترسیم نمایند، سپس در ساختار استدلالی منسجمی این موقعیت را بررسی و تحلیل کنند، و در نهایت نتیجه یا نتایج اخلاقی معقول و موجهی را برای اقدام اتخاذ نمایند.

۳-۲. سواد اخلاقی چیست؟

در چارچوب مفهوم سواد اخلاقی، ترکیب مؤلفه‌های مفهومی «سواد» با مؤلفه‌های مفهومی «اخلاق» می‌تواند جهت‌گیری‌های اساسی این زمینه آموزشی را نشان دهد. مؤلفه‌های مفهومی اخلاق، محتوای تربیت اخلاقی و مؤلفه‌های سواد، ساختار این تربیت اخلاقی را مشخص می‌سازد. برخی صاحب‌نظران بر این باورند که اکتسابی بودن سواد اخلاقی نشان می‌دهد که محتوای آن از جنس مهارت‌های طبیعی موجود در افراد (مانند راه رفتن، غذا خوردن و مواردی از این نوع) یا مهارت‌های رشدیافته در محیط اجتماعی (نظیر تبادل و تفسیر پیام‌های کلامی یا غیرکلامی در ارتباطات فردی) نیستند، بلکه مهارت‌های خاصی هستند که باید با تلاش، ممارست و روش درست آموخته و به کار گرفته شوند. بر این اساس، توانش‌های پیش‌نیاز رفتار اخلاقی درست همچون مهارت‌های ریاضی اموری هستند که باید در طول زمان و با آموزشی روش‌مند به تقویت آن‌ها پرداخت و فراگیران را نسبت به آن‌ها حساس نمود. در واقع استفاده از واژه سواد در سواد اخلاقی نوعی تأکید بر ورود اخلاق به حیطه آموزش (و نه عمل اخلاقی) و لزوم داشتن برنامه‌ای آموزشی

برای ترغیب و تقویت آن است. بر این اساس، سواد اخلاقی و مؤلفه‌های اساسی آن به مرحله‌ای پیش از «عمل اخلاقی» اطلاق می‌شود که از آن با عنوان «ارزیابی اخلاقی»^۱ یاد می‌کنند. می‌توان ادعا کرد که امروزه گره خوردن مفهوم سواد اخلاقی با فهم و دانش اخلاقی، اخلاقی زیستن به عنوان مهارتی اکتسابی و فراتر از خلق و خویی ذاتی در نظر گرفته می‌شود؛ هم‌چون سایر نیازهای سوادآموزی^۲ انسان معاصر برای رضایت از زندگی فردی و اجتماعی خویش (سجادیه ۱۳۹۴، ۹۵-۹۶).

نبود آموزش سواد اخلاقی در نظام‌های آموزشی، صرفاً یک غفلت آموزشی نیست، بلکه پیامدهای این غفلت از ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی نیز خود برخوردار است. تربیت اخلاقی دانش‌آموزان و دانشجویان در چارچوب سواد اخلاقی به‌طور بالقوه به آنان کمک می‌کند به عنوان شهروندانی مسئول، تعامل‌های اجتماعی خود را در فعالیتهای علمی، حرفه‌ای، سیاسی و اقتصادی با آگاهی از اصول و معیارهای اخلاقی مورد توجه قرار دهند و برای اتخاذ رفتارهایی اخلاقی، مهارت‌های سواد اخلاقی را در زندگی خود به کار گیرند. در واقع، سواد اخلاقی الگوی اخلاقی زیستن را امری بدیهی در نظر نمی‌گیرد، بلکه عبارت «سواد» نشان‌دهنده این واقعیت است که رفتار اخلاقی نیازمند به‌کارگیری توانایی‌ها و مهارت‌های پیچیده‌ای است که توسعه این توانایی‌ها و مهارت‌ها می‌تواند از طریق آموزش در فراگیران تقویت و نهادینه شود. درست همان‌طور که مهارت‌های ریاضی یا مهارت‌های خواندن را می‌توان از طریق آموزش فراتر از درک اصول مبنایی توسعه بخشید، سواد اخلاقی نیز مهارتی است که می‌توان با آموزش دقیق و تمرین مستمر فراتر از درک اصول مبنایی توسعه داد و تقویت نمود. در ادامه، به معرفی ارکان اساسی سواد اخلاقی پرداخته می‌شود، این ارکان عبارتند از: حساسیت اخلاقی^۳، مهارت‌های استدلال اخلاقی^۴، و تخیل اخلاقی^۵. نکته قابل تأمل این است که تمامی این مهارت‌ها یا توانایی‌ها در تعامل با همدیگر هستند و متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند. درک مهارت‌های استدلال اخلاقی می‌تواند موجب تقویت حساسیت اخلاقی و تخیل اخلاقی شود. در واقع هیچ فرمول ثابتی برای نظم و ترتیب بخشیدن در آموزش این ارکان سه‌گانه وجود ندارد، بلکه تنها امر ثابت این است که سواد اخلاقی نیازمند توسعه همروند این مهارت‌های سه‌گانه است. از این رو، آموزش برای سواد اخلاقی باید تمامی آن‌ها را شامل شود (شکل ۳-۱) (Tuana 2007, 365-366).

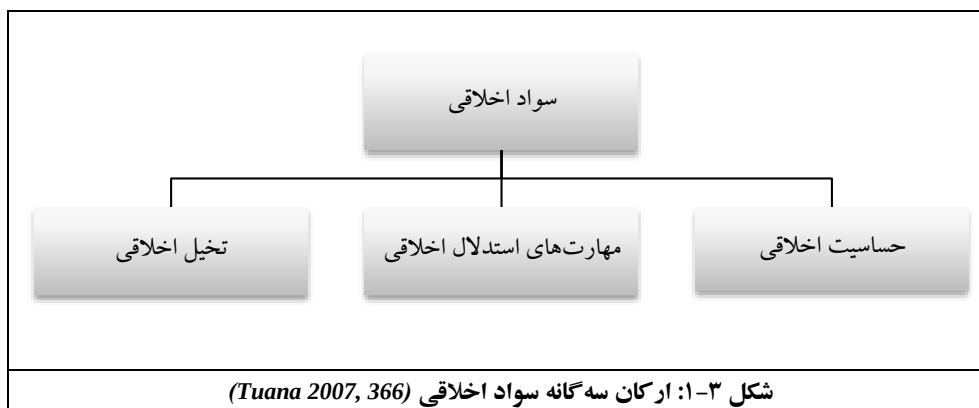
^۱ ethical evaluation

^۲ از قبیل سواد رسانه‌ای، سواد سلامتی، سواد تحلیلی، سواد ارتباطی، سواد عاطفی و مواردی مشابه

^۳ ethics sensitivity

^۴ ethical reasoning skills

^۵ moral imagination



۳-۲-۱. حساسیت اخلاقی

برای ارزیابی اخلاقی، حساسیت اخلاقی رکنی ضروری است. این مفهوم به معنای فهم اخلاقی و داشتن علائق و دغدغه‌های اخلاقی در امور است. اگر فردی از حساسیت معقولی برای تأمل و عمل اخلاقی در انجام امور برخوردار نباشد، اساساً تصمیم خود را برای اقدام به عملی که مصداقی از رفتارهای اخلاقی است، بی‌نیاز از تحلیل، استدلال و ارزیابی اخلاقی می‌پندارد. حساسیت اخلاقی دستکم شامل سه مؤلفه اصلی است (Tuana 2007, 366):

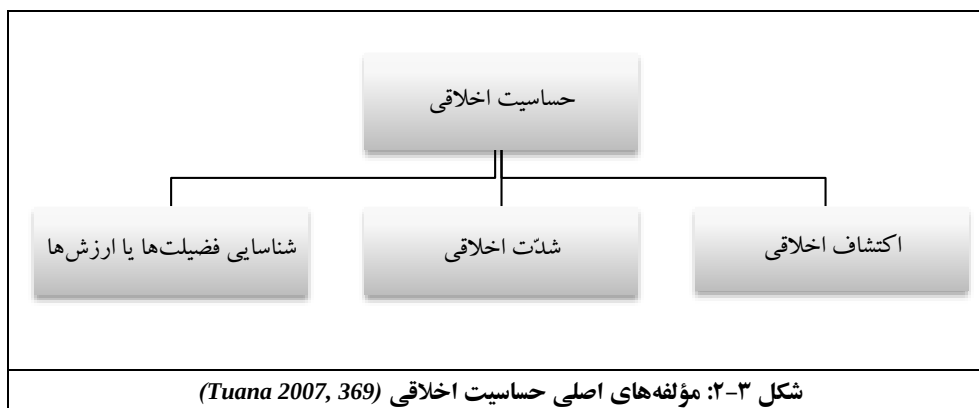
۱. اکتشاف اخلاقی^۱: توانایی تشخیص یک موقعیت درگیر مسائل اخلاقی؛
۲. شدت اخلاقی^۲: توجه به گنجایش و عمق اخلاقی متصور در یک موقعیت اخلاقی مفروض؛ و
۳. شناسایی فضیلت‌ها یا ارزش‌ها^۳: توانایی شناسایی فضیلت‌ها و ارزش‌های اخلاقی معطوف به یک موقعیت اخلاقی مفروض.

تمامی این موارد مهارت‌هایی پیچیده‌اند که فراگیری آن‌ها نیاز به تمرین دارد. برای آن که فرد در موقعیت‌های پیش روی خود از نظر اخلاقی تصمیم درستی بگیرد، هر یک از این مهارت‌ها از نقش به‌سزایی برخوردارند (شکل ۳-۲).

^۱ ethics spotting

^۲ moral intensity

^۳ identification of virtues/values



اکتشاف اخلاقی: در سواد اخلاقی، توانایی افراد برای تشخیص این که آیا موقعیتی درگیر مسائلی اخلاقی است یا نه، بسیار حائز اهمیت است. دانشجویان بدون تجهیز به مهارت اکتشاف اخلاقی متکی بر اصول و هر یک از نظریه‌های اخلاقی، نه تنها در شناسایی موقعیت‌های اخلاقی از چشمانی تیزبین و مسئله‌یاب برخوردار نیستند، بلکه آنان هم‌چنین نمی‌توانند مسئله یا مسائل اخلاقی مطرح در چنین موقعیت‌هایی را مشاهده کنند. از آنجا که حساسیت اخلاقی، استعدادی ذاتی و از پیش موجود نیست و هم‌چنین در تمامی جوامع مختلف استانداردهای اخلاقی زیستن لزوماً در سطح بالایی قرار ندارد، بنابراین توانایی اکتشاف موقعیت‌های اخلاقی در افراد می‌تواند تضعیف شود. به عنوان مثال، در جامعه‌ای دانشگاهی که میان دانشجویان یا استادان، نبود توجه به سوءرفتارهای پژوهشی هم‌چون سرقت علمی، امری شایع و متداول باشد، طبیعی است که در این جامعه علمی، توانایی اکتشاف موقعیت‌های مرتبط با اخلاق پژوهش تضعیف شود (Tuana 2007, 366-367).

شدت اخلاقی: مؤلفه دوم حساسیت اخلاقی ارزیابی میزان اخلاقی بودن یا اهمیت اخلاقی موقعیتی مفروض است. توجه به شدت اخلاقی، مهارت مهمی در برخورد با موقعیت‌های اخلاقی رقیب است. فرض کنید در پایان یک برنامه تحقیقاتی گروهی پزشکی و به هنگام گزارش‌دهی نتایج، یکی از محققان متوجه می‌شود برخی از داده‌های پژوهشی که توسط برخی همکارانش تهیه شده، دستکاری شده است تا سریع‌تر به نتایج تحقیقات دست یابند. اکنون، وی بر سر این دوراهی مانده است که آیا این موضوع را به سازمان سفارش‌دهنده تحقیق گزارش کند یا خیر. اگر دستکاری داده‌ها گزارش شود، احتمالاً برنامه تحقیقاتی متوقف و منابع مالی سازمان برای برنامه مذکور قطع می‌شود و این موضوع منجر به پیامدهای حرفه‌ای جبران‌ناپذیری برای تمامی اعضا می‌شود. و اگر دستکاری داده‌ها گزارش نشود، مشخص نیست پس از به‌کارگیری نتایج تحقیقات چه پیامدهای جبران‌ناپذیری به بار خواهد آمد. در چنین موقعیت‌های اخلاقی،

ارزیابی شدت اخلاقی در شرایط مختلف این موقعیت برای اتخاذ انتخابی مسئولانه بسیار اهمیت دارد. به عنوان مثال، در اینجا محقق مذکور بایستی میان دو کد مفروض اخلاق پژوهش، مثلاً «رازداری و وفاداری نسبت به اعضا گروه پژوهش» و «توجه به امنیت، سلامت و آسایش افراد جامعه»، شرایط قابل تصور در موقعیت خود را از نظر میزان شدت و عمق اخلاقی هر یک از انتخاب‌هایش ارزیابی کند. اگر دستکاری داده‌های مذکور نقش قابل توجهی در نتایج دستاوردهای پژوهشی نداشته باشد، می‌تواند با اصلاح آن‌ها مطابق کد اخلاقی «رازداری و وفاداری نسبت به اعضا گروه پژوهش» ارزیابی اخلاقی کند و اگر داده‌های مذکور پیامدهای جبران‌ناپذیری برای جامعه مخاطب داشته باشد، بایستی مطابق کد اخلاقی «توجه به امنیت، سلامت و آسایش افراد جامعه»، افشاگری کند. بررسی شدت اخلاقی یک موقعیت، گاهی بسیار پیچیده است. از این رو، انتخاب کدهای اخلاقی برای تصمیمی مناسب، باید با ارزیابی میزان خطری یا پیامدهای اخلاقی که هر ارزیابی اخلاقی می‌تواند به دنبال داشته باشد، تحقق یابد. بی‌تردید چنین ارزیابی اخلاقی در چارچوب نظریه‌های اخلاقی و شناخت ارزش‌های اخلاقی مبنایی قابل ارزیابی است، آن‌چنان که مؤلفه شدت اخلاقی را به مؤلفه شناسایی فضیلت‌ها یا ارزش‌ها پیوند می‌زند (Tuana 2007, 367-368).

شناسایی فضیلت‌ها یا ارزش‌ها: آشنایی با فضایل اخلاقی مبنایی و جهان‌شمولی (که در معرفی اخلاق فضیلت و دیگر نظریه‌های اخلاقی به آن‌ها خواهیم پرداخت) هم‌چون صداقت، شفقت، انصاف و جسارت به آنان کمک می‌کند تا مهارت حساسیت اخلاقی خود را ارتقا ببخشند، چرا که از این طریق می‌توان به اکتشاف موقعیت‌هایی اخلاقی پرداخت که ناقض چنین فضیلت‌هایی هستند. هم‌چنین شناسایی این فضیلت‌ها و ارزش‌ها به ما کمک می‌کند تا شدت اخلاقی در موقعیت‌های اخلاقی مختلف را ارزیابی کنیم و به اتخاذ تصمیمی مسئولانه پردازیم. از این رو، می‌توان گفت مؤلفه‌های سه‌گانه حساسیت اخلاقی، ارتباطی تنگاتنگ و غیرقابل تفکیکی با یکدیگر دارند (Tuana 2007, 367).

۳-۲-۲. مهارت‌های استدلال اخلاقی

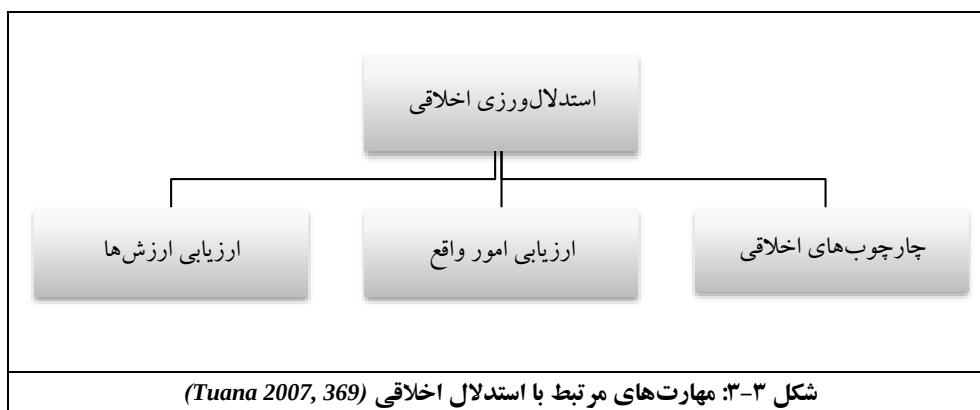
در ارزیابی اخلاقی، استدلال‌ورزی روش‌مند اخلاقی نیز امری ضروری است. پیاژه فرآیند رشد اخلاقی را به موازات توان استدلال‌ورزی اخلاقی و قضاوت اخلاقی معرفی می‌کند. وی استدلال اخلاقی را فرآیند داوری آگاهانه درباره درستی یا نادرستی کنش‌های انسان تعریف می‌کند (سجادیه ۱۳۹۴، ۱۰۰). استدلال‌ورزی اخلاقی نیز دست‌کم شامل سه مهارت است (Tuana 2007, 369):

۱. چارچوب‌های اخلاقی: شناخت چارچوب‌های نظری اخلاقی متفاوت؛

۲. ارزیابی امور واقع: توانایی شناسایی و ارزیابی اعتبار واقعیت‌های مؤثر در موقعیت‌های اخلاقی، و هم‌چنین ارزیابی هرگونه استنباطی از چنین واقعیت‌هایی؛ و

۳. ارزیابی ارزش‌ها: توانایی شناسایی و ارزیابی ارزش‌هایی که یک فرد یا گروه در ارتباط با یک موضوع اخلاقی قابل بررسی مد نظر قرار می‌دهد.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت مهارت‌های مرتبط با استدلال‌ورزی اخلاقی شامل چارچوب‌های اخلاق، ارزیابی امور واقع و ارزیابی ارزش‌هاست (شکل ۳-۳).



شناخت چارچوب‌های اخلاقی: نظریه‌پردازان اخلاق معمولاً سه چارچوب یا نظریه اخلاقی مبنای تحلیل‌های خود قرار می‌دهند؛ فایده‌باوری^۱ یا پیامدگرایی^۲، وظیفه‌گرایی^۳ یا اخلاق مبتنی بر وظیفه^۴، و اخلاق فضیلت^۵. بررسی جامع هر یک از این نظریه‌های اخلاقی، ساختار دقیق، نقاط ضعف و قوت آن‌ها را آشکار می‌سازد و به‌کارگیری هر یک از آن‌ها در تحلیل موقعیت اخلاقی مفروض می‌تواند استنتاج متفاوتی را عرضه کند. بنابر این فاعل اخلاقی باید از دلایلی موجه برای انتخاب نظریه‌ای متناسب با موقعیت اخلاقی برخوردار باشد، آن‌چنان که به‌نحوی استدلالی بتواند در مواجهه نقادانه دیگر کنشگران اخلاقی از انتخاب نظریه مذکور و نتایج مأخوذ از آن دفاع کند (Tuana 2007, 370). تدوین و آموزش مناسب این نظریه‌ها در یک برنامه درسی، فراگیران را با زمینه مفهومی و عملی مناسبی برای تحلیل موقعیت‌های اخلاقی مجهز می‌کند. هر یک از این نظریه‌ها متأثر از جهت‌گیری‌های خاص آن‌ها به ما کمک می‌کند که موقعیت‌های اخلاقی را

^۱ utilitarian

^۲ consequentialist

^۳ deontology

^۴ duty-based ethics

^۵ virtue ethics

از زوایای مختلف بررسی و تحلیل کنیم و ارزیابی اخلاقی خود را تقویت کنیم و بهبود ببخشیم (Tuana 2007, 373). در فصل پنجم به طور مشروح به معرفی نظریه‌های اخلاقی سه گانه خواهیم پرداخت.

در توضیح ارزیابی امور واقع و ارزیابی ارزش‌ها می‌توان بیان کرد که سواد اخلاقی در صورتی شکل کاملی می‌یابد که فرد در درجه اول بتواند ارتباط یک موقعیت را با مسائل اخلاقی درگیر آن موقعیت تشخیص دهد و در درجه دوم بتواند به تشخیص ارزش اخلاقی متناسب با آن موقعیت بپردازد؛ آن‌چنان که در موقعیت‌های پیچیده، از نظر اخلاقی گزینه‌های غیرقابل قبول و گزینه‌های قابل توجیه را شناسایی کند. اگر چه نظریه‌های اخلاقی زمینه‌ای را برای تعیین ارزیابی اخلاقی صحیح فراهم می‌کند، اما کافی نیست، چرا که لازم است این تأملات نظری متناسب با شرایط واقعی به کار گرفته شود، و انجام این فرآیند نیازمند دو مهارت ارزیابی امور واقع و ارزیابی ارزش‌هاست.

ارزیابی امور واقع: مهارت‌های استدلال اخلاقی شامل مهارت‌های تفکر یا استدلال انتقادی نیز می‌شوند. مهارت‌های تفکر انتقادی به ما نشان می‌دهد که استدلالی نادرست در حمایت از موضعی اخلاقی یا قضاوتی اخلاقی که مبتنی بر شواهدی نادرست است، چارچوب استدلالی غیرقابل قبولی برای اتخاذ یک تصمیم اخلاقی فراهم می‌کند. این نکته بدان معنا نیست که گردآوری شواهدی موقتا قابل قبول، چارچوب استدلالی مان و تصمیم اخلاقی مترتب بر آن را تأیید می‌کند، بلکه وظیفه این شواهد صرفاً مهیاسازی فرصتی برای ارزیابی نقادانه استدلال مان و به نیت یافتن نقایص آن توسط دیگر کنشگران اخلاقی است. تنها در صورتی که استدلال مان، با وجود عرضه قوت‌مندترین شواهد ابطال کننده در مقابل آن، تاب آورد به نحوی عقلانی مجاز هستیم که استدلال خود را موقتا تقویت شده به شمار آوریم.

آموزش سواد اخلاقی با شناخت و ارزیابی هر چه بیشتر واقعیت‌های متصور در یک موقعیت اخلاقی حاصل می‌شود. استدلال و ارزیابی موقعیت‌های اخلاقی، هم‌چون تحقیق درباره واقعیت‌های علمی، بدون شناخت واقعیت‌های مرتبط با موقعیتی مفروض حاصل نمی‌شود، چرا که اگر مبتنی بر شناختی نادرست باشد، ارزیابی اخلاقی مخدوش می‌شود. از این رو، یک گام ضروری در آموزش و توسعه سواد اخلاقی، آگاهی نسبت به درکی غنی از این مسئله اخلاقی است. استدلال اخلاقی شامل ارزیابی معرفت اخلاقی متعلق به فرد و دیگران است تا تضمین شود که وی از شناخت مناسبی نسبت به واقعیت‌های مرتبط با مسئله‌ای اخلاقی برخوردار است یا دست کم از وجود واقعیت‌های احتمالی آگاهی دارد که فعلاً بدان واقف نیست. افزون بر این، سواد اخلاقی نه تنها شامل شناسایی واقعیت‌های مرتبط است، بلکه به دنبال استنتاجی معتبر از این واقعیت‌هاست. ارزیابی امور واقع مرتبط با موقعیت‌های اخلاقی از این جهت دارای اهمیت است که

عمده اختلاف نظرهای اخلاقی، در واقع اختلاف نظر یا در شناخت واقعیت‌های مربوطه است یا در استنتاج‌های برگرفته از این واقعیت‌ها که این هر دو متأثر از هر یک از نظریه‌های اخلاقی است که اتخاذ کرده‌ایم و واقعیت‌ها را در پرتو آن نظریه مفروض مشاهده می‌کنیم. بنابراین، دستیابی به شناختی روشن از امور واقع و تدقیق در استنتاج‌های مذکور، به توافق اخلاقی مناسبی خواهد انجامید (Tuana 2007, 373).

ارزیابی ارزش‌ها: آن‌چنان که در بحث حساسیت اخلاقی مطرح شد، آشنایی با ارزش‌های اخلاقی به ما کمک می‌کند تا موقعیت‌های اخلاقی را شناسایی نماییم. در اینجا نیز مهارت‌های استدلال اخلاقی به ما کمک می‌کند تا به درک روشنی از تمامی ارزش‌های مرتبط با مسئله‌ای اخلاقی دست یابیم؛ از این طریق ارزش‌های اخلاقی مرتبط با موقعیت را شناسایی و مد نظر قرار می‌دهیم، و سوگیری‌های شخصی یا عرفی مرتبط با موقعیت مفروض را که خارج از قلمرو اخلاق است، شناسایی و حذف می‌کنیم. تمیز دادن ارزش‌های اخلاقی از سوگیری‌های شخصی و عرفی یکی از مهم‌ترین توانایی‌ها ذیل مهارت‌های استدلال اخلاقی است. شناخت و تسلط بر این توانایی بسیار مهم است، زیرا بی‌توجهی به سوگیری‌ها و پیش‌داوری‌ها اغلب منجر به پذیرش گسترده باورهای غلط یا ارزش‌های نادرست می‌شوند. از منظر عقلانیت نقاد، هیچ یک از پژوهشگران نمی‌توانند به‌طور کامل خود را از پیش‌داوری‌ها، سوگیری‌های شخصی یا عرفی، و معرفت زمینه‌ای خود رها کنند. اما آنان نباید به‌صورت عامدانه و آگاهانه اجازه دهند این پیش‌داوری‌ها و سوگیری‌ها قضاوتشان را مغشوش کند. چنین رفتاری برخلاف صداقت در پژوهش است که از مهم‌ترین اصول اخلاقی که محققان باید به آن ملتزم باشند. برای آگاهی از این پیش‌داوری‌ها و سوگیری‌ها و مهارسازی و کاهش آن‌ها در استدلال‌های اخلاقی، پژوهشگران باید حدس‌های خود را در معرض کنشگران اخلاقی و ملاحظات نقادانه سخت آنان قرار دهند (پایا ۱۳۹۵، ۴۳۰-۴۳۱).

این جنبه از استدلال اخلاقی، اگر چه دشوارترین مرحله آن است، اما بسیار مهم است، زیرا تا حد امکان مانع از ورود سوگیری‌ها، پیش‌داوری‌ها و تعصب‌ها در فرآیند استدلال اخلاقی خواهند شد. ارزیابی ارزش‌های اخلاقی و تمیز دادن آن‌ها از سوگیری‌های شخصی و عرفی و حتی ارزش‌های اخلاقی کمتر مرتبط در تحلیل موقعیت‌های اخلاقی پیچیده از اهمیتی دوجندان برخوردار است (Tuana 2007, 373).

۳-۲-۳. تخیل اخلاقی

آخرین رکن سواد اخلاقی، تخیل اخلاقی است که آن را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: توانایی تشخیص خیالی شرایط محتمل مختلف برای عمل در موقعیتی مفروض و پیش‌بینی کمک‌ها و آسیب‌های بالقوه که

احتمالاً از موقعیتی مفروض ناشی می‌شود. تخیل اخلاقی به ترکیبی از فرآیندهای عاطفی و عقلانی گفته می‌شود که سهمی در این تخیل دارد. فرآیندهای تخیلی، فرآیندهایی صرفاً عقلانی نیستند، اما غیرمنطقی هم نیستند. در واقع، فرآیند تخیل اخلاقی ترکیبی است در تعامل عقل و احساسات، از طریق توجه به آنچه قابل تصور است، آنچه خارج از موقعیتی اخلاقی است، و این که چگونه ممکن است به نحوی دیگر بتوان این موقعیت را تصور کرد.

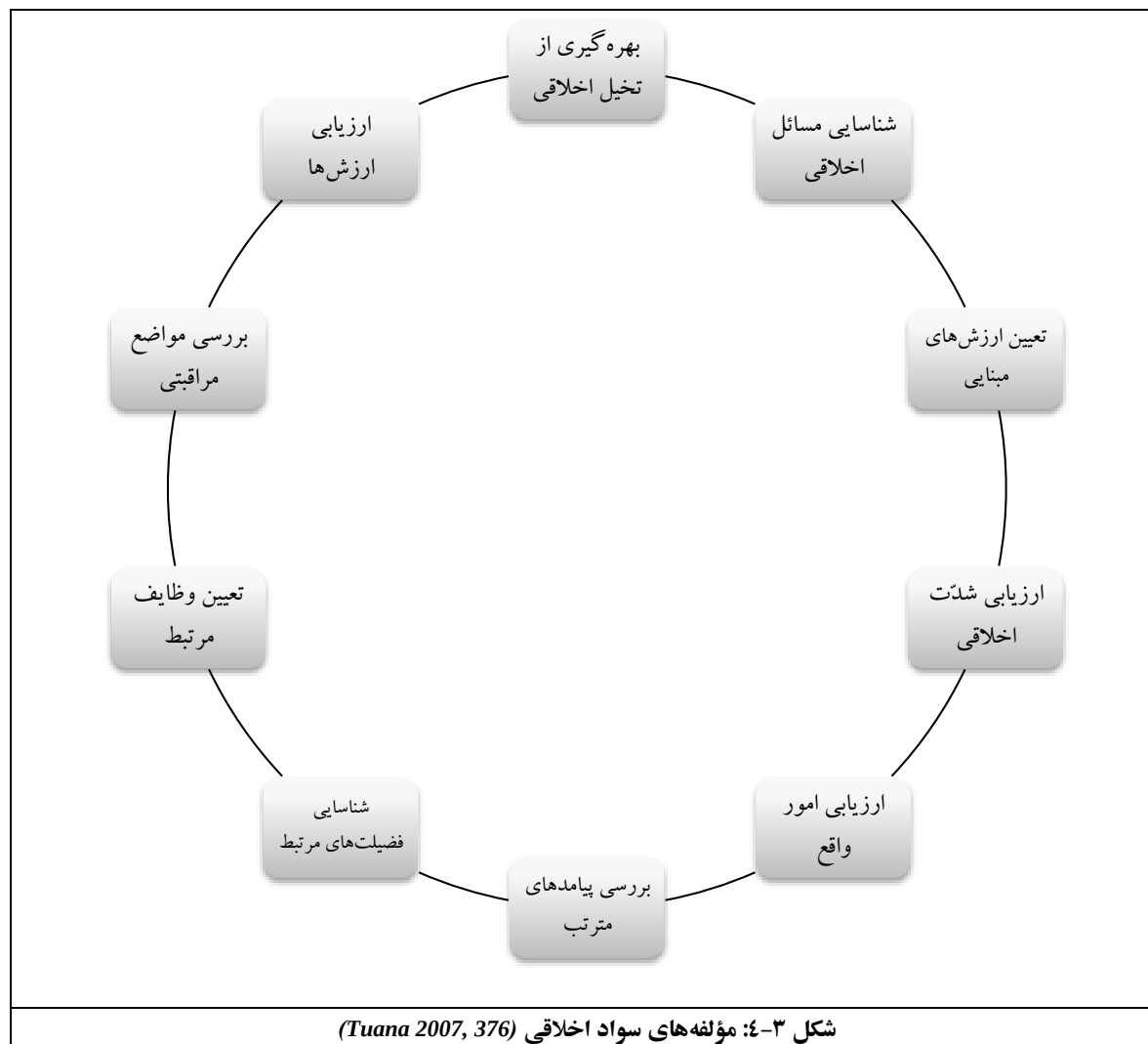
اگرچه آموزش تخیل اخلاقی فرآیندی دشوار است، اما برای صیوررت فرد به یک عامل اخلاقی، موضوعی اساسی است. این که فردی بتواند مسائل اخلاقی مرتبط با موقعیتی را شناسایی کند و مهارت‌های استدلال اخلاقی را در خدمت تشخیص خیر و شر کنشی در یک سیاق به کار بگیرد، به معنای آن نیست که آن کنش را به عنوان امری اخلاقی تجربه کند یا هر برآورد شخصی در این موقعیت را احساس کند و یا حتی برای واکنشی اخلاقی تلاش کند. در اینجا عاملیت اخلاقی نیازمند تعهدی قوی و مؤثر برای اخلاق‌ورزی است. تخیل اخلاقی، مؤلفه‌ای کلیدی در تعهد به کنشی اخلاقی است.

تحلیل اخلاقی شامل همدلی با احساسات و خواسته‌های دیگران، تلاش برای تصور خود در موقعیت دیگری است که با هدف «تفکر خارج از چارچوب» و در نظر گرفتن گزینه‌های خلاقانه بدیل تحقق می‌یابد. این مؤلفه را می‌توان توانایی ایجاد یک هم‌سویی همراه با ظرافت نسبت به پیچیدگی‌های موقعیتی مفروض، پاسداشت عمیق انسانیت دیگران، توانایی ایجاد اعتماد و توانایی اقدام به‌نحوی شایسته تلقی کرد، آن‌چنان که رنج و شادی دیگران را حتی وقتی کاملاً متفاوت از خودمان باشند، ادراک کنیم. تخیل اخلاقی به ما کمک می‌کند دیگران و موقعیت‌های آنان را بهتر درک کنیم و فضایل اخلاقی خود را توسعه بخشیم. برای آموزش و رشد تخیل اخلاقی فراگیران، استفاده از محصولات ادبیات داستانی، سینمایی، نمایشی و به‌طور کلی محصولات متعدد هنری، از اهمیت بسیار برخوردار است، چرا که برای مخاطبان فرصتی برای تأمل اخلاقی در موقعیت‌هایی روایی مهیا می‌کند (Tuana 2007, 375).

۳-۳. رویکردی یکپارچه به سواد اخلاقی

مدل یکپارچه نمایش داده‌شده در شکل ۳-۴، تمامی اجزای مهم فرآیند آموزشی سواد اخلاقی را ترسیم می‌کند. در این مدل دو‌ار هیچ نقطه آغازی برای مواجهه با موقعیتی اخلاقی در نظر گرفته نشده است، چرا که باید تمامی این اجزا را همزمان و در تعامل با یکدیگر مورد توجه قرار داد. با استفاده از این مدل، می‌توان مطالعات موردی انواع موقعیت‌های اخلاقی را شناسایی، تحلیل و ارزیابی نمود. فراگیران سواد اخلاقی، برای

واکنش به موقعیت‌های اخلاقی نیازمند مجموعه‌ای از مهارت‌ها هستند تا از این طریق توانایی شناسایی، استدلال اخلاقی و ارزیابی مقتضی در موقعیت‌های اخلاقی را ارتقا بخشند. از این رو می‌توان سواد اخلاقی را مجموعه‌ای چندجانبه از مهارت‌ها تلقی کرد که می‌تواند به فراگیران آموزش و با انجام تمرین‌های متعدد توسعه داده شود (Tuana 2007, 375-376).



۳-۴. سواد اخلاقی در خدمت آموزش اخلاق پژوهش

اخلاق پژوهش زیرمجموعه‌ای از اخلاق کاربردی است که ملاحظات و مسائل اخلاقی مطرح در انجام فعالیت‌های پژوهش را بررسی می‌کند، آن‌چنان که در فرآیند انجام پژوهش، پیوسته به اصولی اخلاقی اشاره

دارد که فعالیت‌های پژوهشی را از ابتدا تا پایان و سپس در مراحل انتشار نتایج و پس از آن، هدایت می‌کند. امروزه، اخلاق در پژوهش در حوزه‌های مختلف علمی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. این اهمیت بدان دلیل است که در حوزه‌های مختلف علمی تفکیک پژوهش نظری و پژوهش عملی امری بسیار دشوار است. پژوهش‌های نظری در حوزه‌های مختلف معرفت بشری نظیر علوم تجربی، علوم فنی و مهندسی و حتی علوم انسانی چنان گستره و عمقی یافته‌است که به نحو شگفت‌آور و ژرفی بر رفتار فرد انسان‌ها، نهادهای اجتماعی و جوامع تأثیر می‌گذارد. با توجه به قدرتی که انسان مدرن، از کاربرد روش‌های نوین پژوهش و دستاوردهای فنی حاصل از این روش‌ها به‌دست آورده است، بررسی اخلاقی چگونگی تأثیر این اقتدار نوین بر منش و رفتار آدمی و مواجهه او با خود و سایر موجودات پس از کسب این اقتدار، ضروری است. این موضوع مهم، پس از انقلاب صنعتی و به شکلی به مراتب پررنگ‌تر، در میانه قرن گذشته، مورد توجه برخی متفکران مدرن قرار گرفت. پیامد این توجه، گسترش حوزه‌ی مباحث اخلاقی، از اخلاق فردی به اخلاق اجتماعی و از اخلاق نظری به اخلاق عملی بوده است (خداپرست و همکاران ۱۳۸۶، ۳۶۶-۳۶۷).

این طرح پژوهشی در نظر دارد برنامه آموزشی اخلاق در پژوهش را در چارچوب سواد اخلاقی طراحی کند، چرا که سواد اخلاقی و مؤلفه‌های اساسی آن می‌تواند نقش مهمی در پیش‌برد اهداف آموزشی اخلاق پژوهش بازی کند. به نظر می‌رسد، مهم‌ترین وجه اشتراک کاربردی میان سواد اخلاقی و اخلاق پژوهش، مسئله ارزیابی اخلاقی است. تمامی مهارت‌های آموزشی در سواد اخلاقی بایستی بتواند توانایی تحلیل و ارزیابی فراگیران را برای استنباط و اتخاذ یک یا چند تصمیم اخلاقی مناسب در موقعیتی اخلاقی مهیا کند. در اخلاق پژوهش نیز بسیاری از مراحل پژوهشی، هم‌چون موقعیت‌های اخلاقی درهم‌تنیده با تصمیم‌های اخلاقی ساده و بعضاً پیچیده‌ای است که پژوهشگران را ملزم به استنباط و اتخاذ تصمیم‌هایی اخلاقی می‌کند. بررسی پیوندها، همپوشانی‌ها و تفاوت‌های میان ابعاد مختلف ارزیابی اخلاقی در فرآیند پژوهش، نقطه آغازین مهمی برای تفکر درباره اخلاق پژوهش است. تصمیم‌هایی اخلاقی که پژوهشگران درباره چالش‌ها و مسائل اخلاقی اتخاذ می‌کنند چه آن مسائلی که در مرحله ارائه طرح پژوهشی پیش‌بینی می‌شود و چه آن مسائلی که به عنوان مصادیق پیش‌بینی‌نشده در فرآیند تحقیق پدیدار می‌شود می‌تواند تحت تأثیر ابعاد مؤثر بر ارزیابی‌های اخلاقی قرار بگیرد: (۱) هنجارهای تخصصی و حرفه‌ای، (۲) نظریه‌ها و اصول اخلاقی، (۳) نظارت اخلاقی از طریق نهادهای بررسی اخلاق پژوهش، و (۴) نظارت حقوقی از طریق نهادهای مرتبط (در فصل پنجم به تفصیل به این ابعاد چهارگانه خواهیم پرداخت):

هنجارهای تخصصی و حرفه‌ای در واقع همان رهنمودهای اخلاق حرفه‌ای است که در فرآیند تعلیم و تربیت پژوهشگران به مثابه دانشجویان و حرفه‌مندان علمی به آنان انتقال داده می‌شود و در زیست‌بومی علمی پرورش می‌یابند. پژوهشگر به عنوان یک متخصص بایستی مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای حرفه‌ای را که بر پایهٔ اجماع میان متخصصان یک رشته تخصصی شکل گرفته است رعایت کند و مورد توجه قرار دهد.

نظریه‌ها و اصول اخلاقی دربردارنده نظریه‌های متعارف و اصول اخلاقی مشترک هستند. نظریه‌های اخلاقی به مثابه چارچوبی برای نظم‌بخشی و تبیین شواهد و رفتارهای اخلاقی است. افزون بر نظریه‌های اخلاقی، طیفی از اصول اخلاقی را نیز می‌توان برای تجزیه و تحلیل و بررسی مسائل، چالش‌ها و انتخاب‌های اخلاقی به کار گرفت. در مقایسه با نظریه‌های اخلاق، اصول اخلاقی از تأیید و حمایت گسترده نظری و شهود اخلاقی نزد عموم برخوردارند. بعضی از اصول اخلاقی عام^۱ عبارتند از: خودمختاری، پرهیز از آسیب رساندن به غیر، احسان و عدالت. این اصول بنیادین اخلاقی از زمان شکل‌گیری جوامع انسانی در درون سپهر تعاملات اخلاقی ظاهر شده‌اند و امکان ارزیابی اخلاقی و اخذ تصمیمات اخلاقی و دستیابی به قضاوت‌های اخلاقی را فراهم آورده‌اند. اگر چه اصول عام اخلاقی دامنه تأثیرشان فراگیر است، اما در عین حال، در موقعیت‌های مختلف اخلاقی می‌توانند زمینه‌ساز اتخاذ تصمیم‌های متنوع اخلاقی یا انجام دادن افعال اخلاقی متفاوت شوند (پایا ۱۳۹۵، ۵۰۵-۵۰۷).

ارزیابی اخلاقی پژوهشگران هم‌چنین به شدت متأثر از نظارت‌های اخلاقی و حقوقی است. نظارت‌های اخلاقی اغلب از طریق هیئت‌ها یا کمیته‌های بررسی اخلاق پژوهش صورت می‌گیرد. محور اصلی مسئولیت کمیته‌های اخلاق در پژوهش، پاسداشت کرامت، حقوق، سلامت و بهروزی شرکت‌کنندگان در پژوهش است.

از نظر حقوقی نیز پژوهشگران مکلف هستند مطابق با مقررات حقوقی مرتبط با پژوهش خود رفتار نمایند. اگرچه برخلاف نظارت حقوقی، نظارت اخلاقی چنین تکلیفی را تحمیل نمی‌کند، اما با وجود این به‌طور کلی پژوهشگران مکلف هستند نظارت اخلاقی و حقوقی نهاد یا سازمانی که برای آنها مشغول به پژوهش هستند، اجابت نمایند.

^۱ general ethical principle

مراحل متعددی را می‌توان برای اتخاذ ارزیابی اخلاقی در فرآیند پژوهش معرفی کرد. در شکل ۳-۵، یکی از این الگوهای متعارف ارائه شده است. این الگو در فرآیندی هفت مرحله‌ای گردآوری و مطابق با ارکان سه‌گانه سواد اخلاقی بازنگری شده است:



آن‌چنان که در قسمت سواد اخلاقی اشاره شد، از تمامی مهارت‌های سواد اخلاقی ذیل مهارت‌های سه‌گانه حساسیت اخلاقی، مهارت‌های استدلال اخلاقی، و تخیل اخلاقی بایستی به‌نحوی هم‌روند و یکپارچه در مراحل هفت‌گانه اخلاق پژوهش استفاده کرد. لازم به یادآوری است آنچه در اینجا به عنوان ارزیابی اخلاقی نام برده می‌شود هم‌چون حدس‌های اخلاقی است که در مقایسه با حدس‌های رقیب می‌تواند شانس ما را برای پیش‌برد معرفت اخلاقی افزایش دهد. این ارزیابی‌های بایستی پیوسته در محکمه دیگر کنشگران اخلاقی از نظر تجربی و تحلیلی در معرض ملاحظات نقادانه سخت قرار بگیرد (پایا ۱۳۹۵، ۴۳۰-۴۳۱). در ادامه به تبیین این گام‌های هفت‌گانه در چارچوب آموزه‌های سواد اخلاقی می‌پردازیم:

گام اول: در این مرحله با بهره‌گیری از مهارت‌های ذیل حساسیت اخلاقی به شناسایی موقعیت اخلاقی، مسائل اخلاقی مرتبط با این موقعیت و ذینفع‌های درگیر در موقعیت مفروض می‌پردازیم. آن‌چنان که پیش‌تر

اشاره شد توانایی تشخیص این که آیا موقعیتی پژوهشی درگیر مسائلی اخلاقی است یا نه، بسیار حائز اهمیت است. دانشجویان بدون برخورداری از مهارت اکتشاف اخلاقی، قادر به شناسایی موقعیت‌های اخلاقی در فرآیند پژوهش نیستند. مهارت اکتشاف مسائل اخلاقی در موقعیت‌های پژوهشی و هم‌چنین ارزیابی میزان اخلاقی بودن یا اهمیت اخلاقی چنین مسائلی، حساسیت اخلاقی پژوهشگران را در انجام فعالیت‌های پژوهشی خود ارتقا و توسعه می‌بخشد. هم‌چنین آنان را در ارزیابی اخلاقی و اولویت انتخاب گزینه‌های مناسب که متأثر از پتانسیل و اهمیت مسائل اخلاقی ناشی از پژوهش‌های ایشان است، یاری می‌رساند. این اولویت‌بخشی به مسائل اخلاقی، پژوهشگران درگیر مهارت شناسایی فضیلت‌ها و ارزش‌های اخلاقی می‌کند. آشنایی با فضایل اخلاقی مبنایی و جهان‌شمولی هم‌چون صداقت، شفقت، انصاف و جسارت به پژوهشگران کمک می‌کند تا حساسیت اخلاقی خود در این گام را ارتقا بخشند.

گام دوم: شناسایی گزینه‌های مختلف برای حل مسائل اخلاقی مرتبط با موقعیت‌های پژوهشی، افزون بر رکن حساسیت اخلاقی و مهارت‌های آن، رکن استدلال‌ورزی اخلاقی و مهارت‌های آشنایی با نظریه‌های اخلاقی، ارزیابی امور واقع و ارزیابی ارزش‌ها را به پژوهشگران یادآوری می‌کند. در این گام، نظریه‌های اخلاقی، توان تحلیلی و مهارت استدلالی پژوهشگران را برای بررسی همه‌جانبه موقعیت‌های اخلاقی در اخلاق پژوهش مهیا می‌کند. این نظریه‌ها با طرح پرسش‌هایی متأثر از جهت‌گیری‌های خاص آن‌ها به ما کمک می‌کند موقعیت‌های اخلاقی از زوایای مختلف بررسی و تحلیل کنیم و گزینه‌های اخلاقی خود را اولویت‌بندی نماییم. آن‌چنان که پیش‌تر اشاره شد، برای توانمندی در تحلیل و استدلال اخلاقی دو مهارت دیگر نیاز است؛ ارزیابی امور واقع و ارزیابی ارزش‌ها. پژوهشگران در درجه اول بایستی بتوانند ارتباط موقعیت پژوهشی خود را با مسائل اخلاقی درگیر آن موقعیت تشخیص دهند و در درجه دوم بایستی بتوانند به تشخیص ارزش اخلاقی متناسب با آن موقعیت بپردازند. در موقعیت‌های پیچیده در اخلاق پژوهش، پژوهشگران برای حل مسائل اخلاقی عمدتاً با گزینه‌های مختلفی مواجه می‌شوند که از نظر اخلاقی باید گزینه‌های غیرقابل قبول و گزینه‌های قابل توجیه را شناسایی کنند.

گام سوم: در این مرحله به شناسایی طیفی از فضیلت‌ها، وظایف و پیامدهای اخلاقی مترتب بر هر گزینه و در ارتباط با ذینفع‌های مختلف پرداخته می‌شود. در اخلاق پژوهش معمولاً سه نظریه اخلاقی مبنای تحلیل‌ها و استنباط‌ها قرار می‌گیرد؛ پیامدگرایی، وظیفه‌گرایی و اخلاق فضیلت. اگر چه این نظریه‌های اخلاقی اغلب به عنوان نظریه‌های رقیب معرفی می‌شوند، اما در واقع آن‌ها ذاتاً ناسازگار با یکدیگر نیستند. بهره‌گیری از مدلی تلفیقی یا رویکردی یکپارچه به نظریه‌های اخلاقی برای بررسی و تحلیل مسائل اخلاقی

به پژوهشگران کمک می‌کند تا طیفی از فضیلت‌ها، وظایف و پیامدهای اخلاقی مترتب بر گزینه‌های اخلاقی قابل توجه در تحلیل مسائل اخلاقی شناسایی کنند.

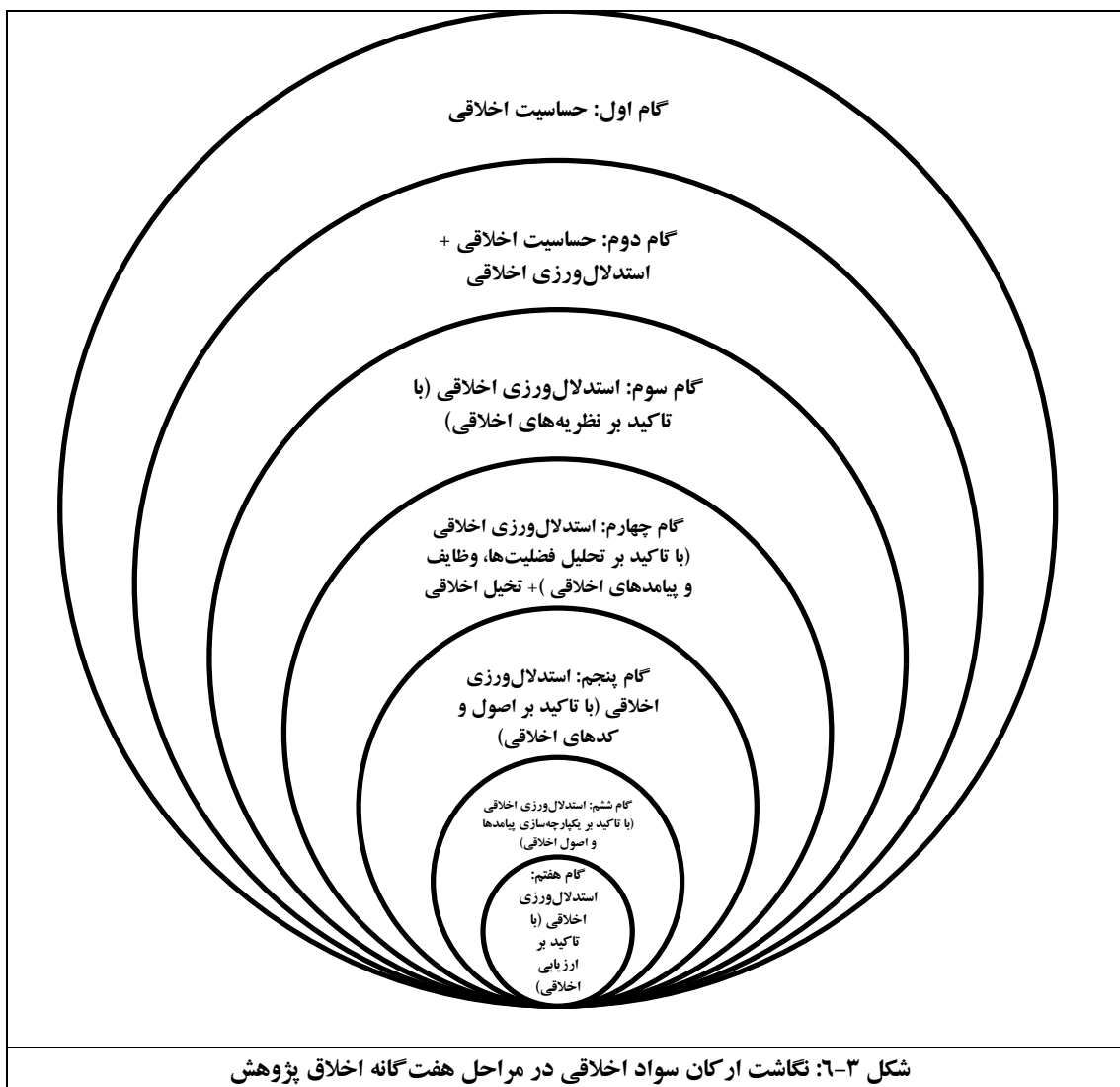
گام چهارم: در این مرحله پژوهشگران با استفاده روش‌مند از مهارت‌های استدلال‌ورزی در چارچوب نظریه‌های اخلاقی و هم‌چنین با بهره‌گیری از مهارت تخیل اخلاقی به بررسی و تحلیل و اولویت‌بخشی فضیلت‌ها، وظایف و پیامدهای اخلاقی کوتاه‌مدت و بلندمدت برای هر تصمیم مبادرت می‌ورزند. تخیل اخلاقی به پژوهشگران کمک می‌کند تا به شناسایی شرایط محتمل اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی خود پردازند و آسیب‌های بالقوه‌ای که احتمالاً در موقعیت‌هایی اخلاقی مفروضی تحقق می‌یابند را تشخیص دهند. این که پژوهشگری بتواند مسائل اخلاقی مرتبط با پژوهشی خود را شناسایی کند و مهارت‌های استدلال اخلاقی را در خدمت تشخیص خیر و شر اقدامی در موقعیت پژوهشی به کار بگیرد، لزوماً به معنای آن نیست که آن اقدام را به عنوان امری اخلاقی تجربه خواهد کرد، بلکه آنچه دارای اهمیت است توانایی شناسایی پیامدهای بالقوه اخلاقی کوتاه‌مدت و بلندمدت در فعالیت‌های پژوهشی است.

گام پنجم: در این گام، پژوهشگران به بررسی گزینه‌های انتخابی محتمل با ارجاع به اصول و کدهای اخلاقی می‌پردازند. مطابق گام پیشین، پژوهشگران بعد از این که اولویت فضیلت‌های اخلاقی، ماهیت وظایف اخلاقی و حقوق متناظر با آن‌ها، و اهمیت پیامدهای اخلاقی در تحلیل مسائل اخلاقی مرتبط با فعالیت‌های پژوهشی خود را شناسایی کردند، بر اساس این اولویت‌ها می‌توانند گزینه‌های اخلاقی محتمل در فعالیت‌های پژوهشی خود را مطابق با اصول و کدهای اخلاقی در اخلاق پژوهش صورت‌بندی نمایند.

گام ششم: در این مرحله به یکپارچه‌سازی پیامدها و اصول برای دستیابی به تصمیمی مستدل و توجیه‌پذیر پرداخته می‌شود. آن‌چنان که اشاره شد، پس از شناسایی مسائل اخلاقی مرتبط با هر موقعیت پژوهشی و اولویت‌بندی آن‌ها بر اساس شدت اخلاقی هر مسئله و هم‌چنین شناسایی طیفی از فضیلت‌ها، وظایف و پیامدهای اخلاقی مترتب بر گزینه‌های اخلاقی قابل توجه در مواجهه و تحلیل هر مسئله اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی، بایستی گزینه‌های اخلاقی را ذیل اصول و کدهای اخلاق پژوهش صورت‌بندی کرد. پس از این صورت‌بندی لازم است به توازن و یکپارچگی میان پیامدها و اصول اخلاقی برای دستیابی به تصمیمی مستدل و از نظر اخلاقی توجیه‌پذیر دست یافت. این توازن و یکپارچگی از طریق صورت‌بندی صریح و دقیق مسئله اخلاقی در موقعیتی پژوهشی و به کارگیری مهارت‌های استدلال‌ورزی اخلاقی برای تحلیل مسئله اخلاقی مذکور تحقق می‌یابد.

گام هفتم: آخرین و مهم‌ترین مرحله، ارزیابی مستدل و اتخاذ معقول تصمیم اخلاقی مناسب برای یک موقعیت اخلاقی مفروض است. در اینجا بایستی اشاره کرد که در این گام افزون بر تحلیل منسجم و مستدل (مبتنی بر نظریه‌ها و اصول اخلاقی) برای اتخاذ تصمیمی مناسب مطابق با مهارت‌های سواد اخلاقی، لازم است این تصمیم به‌طور بالقوه با ابعاد تأثیرگذار بر ارزیابی اخلاقی (مرتبط با شکل ۳-۵) که عبارت بودند از هنجارهای تخصصی و حرفه‌ای، نظارت اخلاقی کمیته‌های بررسی اخلاق پژوهش، و نظارت حقوقی نهادهای مرتبط، در تعارض آشکار نباشد. در صورت تعارض ارزیابی اخلاقی مذکور با هر یک از موارد فوق، بایستی فرآیند استدلال اخلاقی را بازنگری کرد و یا نهادهای مرتبط را از این تعارض آگاه و به توافقی اجماعی دست یافت.

در شکل ۳-۶، نگاشت ارکان سواد اخلاقی در مراحل هفت‌گانه اخلاق پژوهش نمایش داده شده است. ساختار تو در توی و هم‌پوشانی دوائر نشان‌دهنده این است که تمامی مهارت‌های سه‌گانه سواد اخلاقی بایستی به‌نحوی هم‌روند و یکپارچه در مراحل هفت‌گانه اخلاق پژوهش به کار گرفته شوند، آن‌چنان که تمامی این مهارت‌ها در نهایت به ارزیابی نهایی و اتخاذ تصمیمی اخلاقی می‌انجامد.



پرسش‌های فصل سوم:

۱. سواد اخلاقی چیست؟ ارکان اصلی آن را برشمرده و هر یک را با ذکر موقعیتی اخلاقی در حوزه اخلاق پژوهش معرفی کنید.
۲. مؤلفه‌های اصلی حساسیت اخلاقی را برشمرده و هر یک را با ذکر مثالی در حوزه اخلاق پژوهش معرفی کنید.
۳. مهارت‌های مرتبط با استدلال اخلاقی را برشمرده و هر یک را با ذکر مثالی در حوزه اخلاق پژوهش معرفی کنید.
۴. موقعیتی اخلاقی از کثرت‌های اخلاقی متداول در فعالیت‌های پژوهشی را به تفصیل صورتبندی کنید. حال به‌طور فردی یا گروهی تلاش کنید این موقعیت اخلاقی را بر اساس فرآیند معرفی شده در نگاشت ارکان سواد اخلاقی در مراحل هفت‌گانه اخلاق پژوهش (شکل ۳-۶) تجزیه و تحلیل و در نهایت نتیجه‌ای را استنتاج کنید. در ادامه، نتیجه مستدل خود را با دیگر کنشگران اخلاقی در میان بگذارید و در مقابل مواضع نقادانه آنان از نتیجه و استدلال‌های خود دفاع کنید. در صورتی که این مواضع نقادانه، به تردیدهایی جدی در نتیجه‌گیری شما منجر شود، استدلال‌های خود را بازنگری کنید.

فصل چهارم: اهمیت اخلاق در پژوهش در توسعه علم و فعالیت‌های پژوهشی

۴ - ۱. مقدمه

در سال‌های اخیر دانشگاه‌ها، سازمان‌های تحقیقاتی، جوامع حرفه‌ای، نهادهای تأمین‌کننده مالی تحقیقات، سیاست‌مداران، سیاست‌گذاران، رسانه‌ها، و اکثر پژوهشگران و دانشمندان به این درک رسیده‌اند که اطمینان داشتن از رفتاری اخلاقی، بخشی ضروری از پژوهش‌های بنیادی، کاربردی، و بالینی است. جریان‌های گوناگونی در شکل‌گیری این توجه فزاینده تأثیرگذار بوده‌اند: نخست این که مطبوعات درباره مسائل اخلاقی برآمده از علم خبرهای متعددی را منتشر می‌کنند که جامعه را نسبت به فرآیندهای علمی حساس می‌کند و ملاحظات اخلاقی در آنان برمی‌انگیزد؛ دوم این که دانشمندان و سیاست‌گذاران نمونه‌هایی از کز رفتاری اخلاقی و رفتارهای اخلاقی مسئله‌ساز را در وجوه گوناگون تحقیق بررسی، مستند و درباره آن‌ها حکم صادر کرده‌اند، چرا که فقدان محسوس اخلاق در پهنه علم ثبات و تمامیت پژوهش را تهدید کرده است؛ سوم این که وابستگی متقابل و روزافزون علم به صنعت و تجارت موجب شده است ارزش‌های تجاری با ارزش‌های علمی در تعارض قرار بگیرند، و این تعارض‌ها موجب چالش‌هایی در تأمین بودجه تحقیقات علمی، صداقت علمی، مالکیت دستاوردهای علمی، و اشتراک منابع علمی می‌شود (رزنیك ۱۹۹۸، ۱۵-۱۶).

چندین دهه پیش بسیاری از دانشمندان و محققان باور داشتند که در نهاد علم هیچ مسئله اخلاقی قابل توجهی پیش نمی‌آید، زیرا از نظر آنان علم امری «عینی»^۱ است و اخلاق امری «ذهنی»^۲. به بیانی دیگر، نهاد علم و قلمرو آن درباره امور واقع تحقیق می‌کند و از طریق روش‌های عینی به دانش^۳ مورد اجماع دست می‌یابد، در حالی که اخلاق و قلمرو آن به مطالعه ارزش‌ها می‌پردازد و از طریق روش‌های ذهنی صرفاً آفریننده عقیده^۴ و اختلاف نظر است. از طرفی دیگر دانشمندان و محققان به عنوان کنشگران اصلی نهاد علم صرف تعهد بر روش‌ها و فرآیندهای عینی در ساحت علم، در انجام پژوهش‌ها و فعالیت‌های علمی خود درگیر مسائل اخلاقی خاصی نمی‌شوند. این نکته نیز قابل توضیح است که باورمندان به تفکیک واقعیت‌های علمی از ارزش‌های اخلاقی ادعا نمی‌کنند که دانشمندان و محققان به عنوان عضوی از جامعه با مسائل اخلاقی متعددی مواجه نمی‌شوند و با چنین مسائلی مطابق با عرف اخلاقی جامعه دست‌وپنجه نرم نمی‌کنند، بلکه آنان ادعا می‌کنند که دانشمندان و محققان به عنوان عضوی از جامعه علمی با مسائل اخلاقی متمایزی مواجه نمی‌شوند که به‌طور ماهوی در فعالیت‌های علمی نهفته و نیازمند تأملاتی فلسفی در این باره باشد. آنچه

^۱ objective^۲ subjective^۳ knowledge^۴ opinion

مخالفان به تفکیک واقعیت‌های علمی از ارزش‌های اخلاقی، اخلاق علم یا اخلاق پژوهش‌های علمی می‌نامند، در واقع همان اخلاق اجتماعی متعارف است که محققان و عموم مردم را در بر می‌گیرد (اخلاق علم، ۱۵-۱۶). این دیدگاه را می‌توان نگاهی سنتی به علم تلقی کرد، آن‌چنان که بر عینی و فارغ از ارزش بودن علم تأکید می‌ورزند. این دیدگاه تا اواخر قرن بیستم طرفدارانی جدی داشت، اما امروزه با طرح استدلال‌ها و آرای انتقادی به چالش درآمده است. واقعیت آن است، علم به عنوان یک نهاد اجتماعی در بافتاری فرهنگی شکل می‌گیرد و توسعه می‌یابد و نمی‌تواند فارغ از ارزش و فارغ از اخلاق باشد. دیدگاه انتقادی در مقابل دیدگاه سنتی، بر این باور است که ارزش‌هایی متنوع و متعدد در نهاد علم و کار علم‌ورزی آن‌چنان تأثیرگذار هستند که می‌توانند به فعالیت‌هایی پژوهشی سمت‌وسوی ارزشی ببخشند (شیخ‌رضایی و کرباسی‌زاده، ۲۰۸-۲۰۹).

در اینجا لازم است برای تدقیق مفهوم معرفت علمی به عنوان امری عینی به نکاتی از منظر عقلانیت نقاد اشاره کرد. کارل پوپر فیلسوف شهیر اتریشی‌الاصل انگلیسی قرن بیستم، ذیل نظریه سه جهان خود بیان دارد که انسان‌ها به‌طور همزمان در سه جهان زندگی می‌کنند. جهان ۱، قلمرو هویت‌های فیزیکی است. جهان ۲، منزلگاه حالات شناختی، احساسی و وجودی هر فرد است. جهان ۳، واقعیت برخاسته از تعامل میان جهان ۱ و جهان ۲ است که مخزن همه بر ساخته‌های فکری انسان‌هاست، بر ساخته‌هایی هم‌چون نظریه‌ها، داستان‌ها، قطعات موسیقی، و طرح‌های فناورانه که شامل نهادها، سازمان‌ها، قوانین، هنجارها، قراردادهای و مواردی از این نوع است. پوپر در کنار دیگر عقل‌گرایان نقاد استدلال می‌کند که معرفت، به معنای نوعی شناخت جالب‌توجه از نظر فلسفی است که بتواند جنبه‌های گوناگون واقعیت را روشن کند، متعلق به جهان ۳ است. پوپر این نوع معرفت را «عینی» می‌خواند. عینی به این معنا که در دسترس و قابل ارزیابی توسط دیگران است. بنابر این، عینیت از دیدگاه ایشان نه معادل صدق است و نه معادل واقعیت. در حقیقت، عینیت ویژگی دعاوی معرفتی است یا حدس‌های ماست. هر ادعای معرفتی ممکن است ذهنی باشد، و هم‌چنین می‌تواند غلط باشد. بر این اساس، عینیت ربطی به تلاش دانشمندان و محققان برای رهایی از پیش‌داوری‌ها و تعصب‌ها و اتخاذ رهیافتی بی‌طرفانه نسبت به موضوع مورد مطالعه ندارد. هیچ‌کس نمی‌تواند جهان ۲ خود را از پیش فرض‌ها و پیش‌داوری‌ها پاک کند و حتی نمی‌تواند نسبت به همه پیش‌داوری‌ها و سوگیری‌های شخصی و عرفی خود آگاهی یابد. اما این امر، نه تنها مانعی برای کسب معرفت نیست بلکه لازمه آن نیز هست. زیرا ما نمی‌توانیم جهان ۲ خود را به لوحی سفید تبدیل کنیم و در خلاء بیاندیشیم، بلکه معرفت با تولید حدس‌های درباره واقعیت به‌دست می‌آید. اما آنچه در این فرآیند کسب معرفت دارای اهمیت است این است که

دانشمندان و محققان همواره باید حدس‌های خود را در معرض عموم و ارزیابی‌های نقادانه‌شان قرار دهند تا به کشفیات پیچیده‌تری از لایه‌های عمیق‌تر از واقعیت دست یابند. محققان و دانشمندان در حین این فرآیند افزون بر این که عینیت تحلیل‌های خود را حفظ می‌کنند، دعاوی معرفتی‌شان را نیز همواره در معرض بررسی‌های نقادانه عموم قرار می‌دهند. آنان از این طریق از پیش‌داوری‌ها و سوگیری‌هایی که می‌تواند در نقطه کور معرفتی محقق قرار بگیرد و از چشم وی پنهان بماند، آگاهی می‌یابد (پایا ۱۳۹۵، ۴۱۶-۴۱۹).

۴-۲. چرا پژوهشگران به یک چارچوب اخلاقی نیازمندند؟

حال می‌خواهیم با ارائه دست‌کم سه دلیل نشان دهیم که چرا پژوهشگران و توسعه‌دهندگان علم به یک چارچوب اخلاقی و مرامنامه‌های اخلاقی مرتبط با آن نیاز دارند (رزنیک ۱۹۹۸، ۱۸-۱۹؛ شامو و رزنیک ۲۰۱۵، ۷-۱۱):

۱) **دانشمند یا پژوهشگر به مثابه متخصصی شاغل:** امروزه تحقیقات علمی به عنوان فعالیتی حرفه‌ای در سازمان‌ها، مراکزها، یا موسسه‌های علمی و پژوهشی شناخته می‌شود. محدود افرادی را می‌توان یافت که بدون هیچ وابستگی سازمانی، و صرفاً به‌طور فردی، به فعالیت‌های علمی و پژوهشی بپردازد. در گفتمان علم مدرن، دانشمند یا پژوهشگر بودن به معنای داشتن نوعی حرفه یا شغل در مراکز علمی و پژوهشی است، از این رو پژوهشگران در ازای تولیدات علمی و پژوهشی خود، از امتیازها و درجات حرفه‌ای متعددی بهره‌مند می‌شوند. تلاش پژوهشگران برای بهره‌مندی از امتیازها و درجات حرفه‌ای می‌تواند روند تحقیقات و دستاوردهای پژوهشگران را در کمین انواع کثرت‌فشاری‌های علمی و پژوهشی قرار دهد. این چالش از آن‌جا ناشی می‌شود که وقتی جایگاه اجتماعی و اقتصادی دانشمندان و پژوهشگران تماماً به برخورداری از امتیازها و درجات حرفه‌ای مشروط می‌شود، آنان برای کسب یا تثبیت جایگاه اجتماعی و اقتصادی ناشی از امتیازها و درجات حرفه‌ای ممکن است در روند پژوهشی خود دچار کثرت‌فشاری‌هایی اخلاقی شوند. به عنوان مثال، دانشجویی را در نظر بگیرید که در مقطع دکتری تحصیل می‌کند و آماده دفاع از رساله خود است. از یک سو، دفاع از رساله و اعطای گواهی دانش‌آموختگی به این فرد، مشروط به استخراج یک یا دو مقاله علمی از رساله و انتشار آن‌ها در یک نشریه معتبر تخصصی است. از سویی دیگر، کسب جایگاه اجتماعی و بهره‌برداری از فرصت‌های شغلی و اقتصادی این فرد، مشروط به دفاع از رساله خویش است. در نتیجه، کسب جایگاه اجتماعی و بهره‌برداری از فرصت‌های شغلی و اقتصادی مشروط به استخراج یک یا دو مقاله علمی از رساله و انتشار آن‌ها در یک نشریه معتبر تخصصی می‌شود. در چنین شرایطی می‌توان متصور بود هرگونه

تهدیدی نسبت به کسب جایگاه اجتماعی و بهره‌برداری از فرصت‌های شغلی و اقتصادی این فرد ممکن است فرآیند استخراج و انتشار مقالات علمی وی را دستخوش برخی شتاب‌زدگی‌ها و سوءرفتارهای پژوهشی مترتب بر آن کند.

(۲) تولیدات و دستاوردهای علمی به مثابه منابعی اقتصادی: امروزه، تولیدات و دستاوردهای علمی و پژوهشی نقش بی‌بدیلی در رشد و توسعه اقتصادی، ایجاد کسب‌وکار و گسترش منابع مالی دارد. فردی که فرآیند، تکنیک یا نوآوری جدیدی را ثبت می‌کند ممکن است درآمدهای مالی قابل توجهی را کسب کند. از همین رو، انگیزه‌های اقتصادی می‌تواند به منزله یک محرک جدی در بروز کزرفتاری‌های اخلاقی در عرصه علم و پژوهش تلقی شود. به عنوان مثال، محققان ارزیابی و استاندارد محصولات خانگی کارخانه‌های در حال رقابتی را در نظر بگیرد. این کارخانه‌ها هر یک خط تولید محصول رقابتی جدیدی راه‌اندازی کرده‌اند. هر یک از آن‌ها با سرعت در حال طراحی و توسعه محصول رقابتی جدیدی است. مدیریت یک کارخانه به‌خاطر این که محصول جدید را زودتر از دیگر رقیبان به بازار عرضه کند تا از منافع اقتصادی آن بهره‌مند شود، گروه محققان ارزیابی و استاندارد محصولات خانگی را تطمیع می‌کند تا گواهی تایید محصولات مورد نظر پیش از دیگر رقیبان دریافت کند. در اینجا، منافع اقتصادی می‌تواند تهدید اخلاقی بالقوه‌ای در فرآیند ارزیابی محصولات مورد نظر شناخته شود.

(۳) تعامل پژوهشگران و دانشمندان با صاحبان قدرت: امروزه، بسیاری از پژوهش‌های علمی را نمی‌توان بدون حمایت مادی و معنوی نهادهای سیاسی، دولت‌ها و مراکز رسمی قدرت اجرایی و عملیاتی کرد. بسیاری از پژوهش‌های علمی ذیل عناوینی هم‌چون پژوهش‌های استراتژیک و حساس قرار می‌گیرند که فرآیند اجرایی شدن آن‌ها معمولاً در انظار افکار عمومی قرار نمی‌گیرد. فقدان آگاهی عموم مردم یا سازمان‌های مردم‌نهاد تخصصی از این فرآیندهای علمی و پژوهشی، فرصت دیگری را برای بروز کزرفتاری‌های اخلاقی در فعالیت‌های تحقیقاتی مهیا می‌کند. به‌طور کلی، در تحقیقات علمی یکی از مهم‌ترین اصول اخلاقی در توسعه پژوهش‌های علمی، شفافیت و گشودگی در انجام فرآیندهای پژوهشی است؛ این موضوع دانشمندان و محققان را هر لحظه در برابر وجدان عمومی جامعه پاسخ‌گو و مسئولیت‌پذیر قرار می‌دهد. اما هنگامی که شفافیت و گشودگی فرآیندهای پژوهشی زیر سایه صاحبان قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی غیرشفاف و مات می‌شود، دستاوردهای پژوهشی دانشمندان و محققان ممکن است طعمه اهداف سیاسی، اقتصادی و نظامی صاحبان قدرت واقع شود، به‌طوری که آنان را در معرض بسیاری از کزرفتاری‌های اخلاقی در عرصه علم و پژوهش قرار دهد. به عنوان مثال، فرآیند تحقیقات و ابداع واکسن

بیماری کووید-۱۹ در بسیاری از کشورها تحت تأثیر انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی متعدد قرار گرفت، چرا که اعلام ابداع و استفاده از این واکسن، یک سال پس از شیوع جهانی ویروس کرونا، به عنوان قدرت‌نمایی سیاسی و فرصت‌یابی اقتصادی شناخته می‌شود. همین انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی ممکن است فرآیند دقیق ابداع و آزمایش واکسن را تحت تأثیر جریان‌های غیرعلمی قرار دهد و دانشمندان و پژوهشگران را در فرآیند انجام تحقیقات خود به سمت کژرفتاری‌های پژوهشی سوق دهد.

۴-۳. ضرورت تحقق اخلاق پژوهش؛ شواهدی تاریخی

امروزه، تحقق و توجه به اخلاق پژوهش در تمامی زمینه‌های علمی و پژوهشی به این دلیل اهمیت یافته است که تفکیک نظر و عمل و به دنبال آن، تفکیک پژوهش نظری و پژوهش عملی، امری بسیار دشوار است. پژوهش‌های نظری در حوزه‌های مختلف معرفت بشری نظیر علوم تجربی، علوم فنی و مهندسی و حتی علوم انسانی چنان گستره و عمقی یافته‌است که به نحو شگفت‌آور و ژرفی بر رفتار فرد انسان‌ها، نهادهای اجتماعی و جوامع تأثیر می‌گذارد. با توجه به قدرتی که انسان مدرن، از کاربرد روش‌های نوین پژوهش و دستاوردهای فنی حاصل از این روش‌ها به دست آورده است، بررسی اخلاقی چگونگی تأثیر این اقتدار نوین بر منش و رفتار آدمی و مواجهه او با خود و سایر موجودات پس از کسب این اقتدار، ضروری است. این موضوع مهم، پس از انقلاب صنعتی و به شکلی به مراتب پررنگ‌تر، در میانه قرن گذشته، مورد توجه برخی متفکران مدرن قرار گرفت. پیامد این توجه، گسترش حوزه‌ی مباحث اخلاقی، از اخلاق فردی به اخلاق اجتماعی و از اخلاق نظری به اخلاق عملی بوده است (خداپرست و همکاران ۱۳۸۶، ۳۶۶-۳۶۷).

اما می‌توان گفت آنچه در نیمه دوم قرن بیستم بیش از هر محرکی باعث شده است اخلاق پژوهش مورد توجه قرار بگیرد، تحقق رویدادهایی غیراخلاقی در انجام برخی برنامه‌های تحقیقاتی است که به عنوان نقاط عطف تاریخی، ضرورت تحقق و اجرای اخلاق پژوهش را آشکار کرده است. متأثر از این رویدادها واکنش‌های سیاسی و اجتماعی متعددی برای محدود کردن پژوهش‌های علمی به موازین اخلاقی شکل گرفته است. در ادامه، به بررسی دو رویداد مهم تاریخی اشاره می‌شود که به اهمیت و تثبیت جایگاه اخلاق پژوهش منجر شد.

۱) از کد نورمبرگ تا بیانیه هلسینکی

در طول جنگ جهانی دوم، دو قدرت امپراتوری ژاپن و هم آلمان نازی آزمایش‌های متعددی را بر روی نمونه‌های انسانی انجام می‌دادند. هدف اصلی این آزمایش‌ها، گردآوری اطلاعاتی علمی بود که برای پیش

برد و پیروزی در اهداف جنگی به آنان کمک می‌کرد. با پیروزی متفقین، دولت ایالات متحده معامله مخفیانه‌ای را با دانشمندان ژاپنی انجام داد که در ازای استفاده از این اطلاعات علمی، از پیگرد قانونی آنان چشم‌پوشی کند، اما این چشم‌پوشی در اروپا موضوعیت پیدا نکرد و بسیاری از دانشمندان نازی به دلیل انجام این آزمایش‌های غیرانسانی و جنایت‌آمیز در شهر نورمبرگ آلمان محاکمه شدند. از دستاوردهای دادگاه نورمبرگ، تهیه و تدوین کد نورمبرگ^۱ در سال ۱۹۴۶ برای جلوگیری از سوءاستفاده از انسان در آزمایش‌های پزشکی بود. مهم‌ترین تأکید این کد اخلاقی بر حفاظت از شرکت‌کنندگان نسبت به آسیب‌های احتمالی در تحقیقات پزشکی و گرفتن رضایت آگاهانه از آنان بود (عباسی و طاهری ۱۳۹۴، ۱۵-۱۶). به‌طور خلاصه، ده بند این کد با عنوان «آزمایش‌های پزشکی مجاز» عبارتند از: ۱) ضرورت رضایت داوطلبانه فرد مورد آزمایش؛ ۲) لزوم سودمندی آزمایش برای جامعه و پرهیز از روش‌های مطالعاتی به‌طور ماهیتی تصادفی و غیرضروری؛ ۳) اتکای آزمایش‌ها بر مبانی علمی و سوابق و پیشینه بیماری فرد مورد آزمایش؛ ۴) پرهیز از هرگونه رنج و آسیب جسمی و روانی غیرضروری در فرآیند آزمایش برای فرد مورد آزمایش؛ ۵) پرهیز از آزمایش‌هایی با احتمال خطر مرگ یا معلولیت برای فرد مورد آزمایش؛ ۶) تناسب خطر احتمالی آزمایش با نگاهی انسان‌دوستانه نسبت به اهمیت مسئله مورد پژوهش؛ ۷) تأمین شرایط لازم برای محافظت از فرد مورد آزمایش؛ ۸) لزوم صلاحیت علمی پژوهشگران و برخورداری از دقت و مهارت لازم در انجام آزمایش؛ ۹) برخورداری از آزادی لازم برای فرد مورد آزمایش در شرایطی که از نظر جسمی یا ذهنی ادامه فرآیند آزمایش برای او غیرممکن باشد؛ ۱۰) آمادگی در هر لحظه برای پایان دادن به آزمایش توسط پژوهشگر مسئول در شرایط ضروری یا مخاطراتی با احتمال زیاد (Nuremberg Code 2019).

پس از کد نورمبرگ، «بیانیه هلسینکی»^۲ در سال ۱۹۶۴ توسط مجمع جهانی پزشکی در فنلاند صادر شد که دومین تلاش بین‌المللی بود و از آن به بعد، حامی و پشتیبان اساسی منشورهای اخلاق پژوهش بوده است. این قوانین در سال ۱۹۷۵ در توکیو مورد بازنگری قرار گرفت و به «بیانیه هلسینکی ۲» معروف شد و تا سال ۲۰۱۳ (نسخه هفتم بازنگری) به‌طور مرتب مورد تجدید نظر قرار گرفته است. نکته‌ای اساسی که این بیانیه به آن اشاره می‌کند این است که اشتیاق به گسترش مرزهای علمی و پژوهشی در جامعه نباید نسبت به بهروزی و خیر مشارکت‌کنندگان در پژوهش در اولویت قرار بگیرد. کد نورمبرگ و بیانیه هلسینکی، آغازی برای تدوین رهنمودهای اخلاقی، تأسیس گروه‌های بررسی اخلاق پژوهش و توجه به اخلاق پژوهش در حوزه‌های مختلف دانش بشری بوده‌اند (خالقی ۱۳۸۷، ۸۴-۸۵).

¹ Nuremberg Code

² Declaration of Helsinki

۲) واقعه تاسکیگی

در سال ۱۹۳۲، محققان خدمات بهداشت عمومی ایالات متحده حدود ۴۰۰ مرد سیاه‌پوست آلوده به سفلیس را در یک پژوهش علمی پذیرش کردند تا آثار بیماری را مطالعه و بررسی نمایند. این مردان از منطقه اطراف تاسکیگی ایالت آلاباما جذب شدند. از همان ابتدا، این برنامه تحقیقاتی غیردرمانی بود و صرفاً برای بررسی و نظارت بر روند بیماری در مردان سیاه‌پوست طراحی شده بود. شرکت کنندگان در مورد ماهیت برنامه تحقیقاتی فریب خوردند، زیرا به آنان گفته شد که این برنامه تحقیقاتی درباره «خون بد»^۱ است و خدمات درمانی اشتباه و بی‌اثری به آنان ارائه شد. همزمان با انجام و پیشرفت برنامه تحقیقاتی، درمان‌های ایمن و مؤثری برای درمان سفیلیس توسعه می‌یافتند، اما محققان برای جلوگیری از درمان شرکت کنندگان در جایی دیگر، به‌طور فعالانه‌ای مداخله و ممانعت کردند. بر این اساس، محققان به فریب شرکت کنندگان ادامه دادند و آنان را به مدت ۴۰ سال از درمان مؤثر محروم کردند. برنامه تحقیقاتی بررسی سفلیس در تاسکیگی در بازه‌ای تاریخی تحقق یافت که نژادپرستی و نابرابری شدیدی در آن دوران در قسمت جنوبی ایالات متحده رایج بود. در اواسط دهه ۱۹۶۰، یعنی حدود ۳۰ سال پس از شروع این برنامه تحقیقاتی، یکی از کارمندان خدمات بهداشت عمومی به نام رابرت بوکستون^۲، سازمان خدمات بهداشت عمومی را تحت فشار قرار داد تا این برنامه تحقیقاتی به تعبیر وی از نظر اخلاقی بیدادگرانه^۳ را پایان دهند. در ۱۹۶۹، سازمان خدمات بهداشت عمومی در پاسخ به بوکستون، هیئتی را تشکیل داد تا ابعاد این برنامه تحقیقاتی را مورد بررسی اخلاقی قرار دهند. به طرز بسیار عجیبی، هیئت بررسی اخلاقی تصمیم گرفت که محققان هم‌چنان از درمان مردان مبتلا به سفلیس جلوگیری کنند. هیئت مذکور که همگی سفیدپوست و عمدتاً پزشک بودند، تصمیم گرفت که از افراد مورد تحقیق نوعی رضایت آگاهانه گرفته شود. اما از آنجا که این افراد به دلیل سن و سطح پایین تحصیلات قادر به ارائه رضایت آگاهانه نبودند، تصمیم گرفته شد که محققان «رضایت آگاهانه جایگزین»^۴ را از مقامات محلی پزشکی دریافت کنند. بر این اساس، حتی پس از یک بررسی کامل اخلاقی، جلوگیری از درمان مردان مورد تحقیق ادامه یافت. سرانجام، بوکستون در سال ۱۹۷۲، این ماجرا را در مطبوعات بازتاب داد، آن‌چنان که این برنامه تحقیقاتی در معرض دید جهانیان قرار گرفت. سرانجام پس از شکل‌گیری خشم عمومی گسترده‌ای، این برنامه پایان یافت و مردانی که جان سالم به در برده بودند

¹ bad blood

² Robert Buxtun

³ outrageous

⁴ surrogate informed consent

از خدمات درمانی بهره‌مند شدند. قربانیان این رویداد، نه تنها ۳۹۹ مرد مورد تحقیق، بلکه خانواده‌های آنان را نیز شامل شد. افزون بر این، آسیب‌های ناشی از این برنامه تحقیقاتی تا مدت‌ها پس از پایان آن ادامه یافت؛ یکی از این آسیب‌ها، کاهش اعتماد آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار به جامعه پزشکی ایالات متحده بود. هم‌چنین این فقدان اعتماد مانع تلاش برای همکاری و برنامه درمانی اِچ‌آی‌وی/ایدز در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۹۰ شد. در سال ۱۹۷۴، متأثر از برنامه تحقیقاتی سفلیس تاسکیگی و موارد غیراخلاقی دیگری در انجام پژوهش‌های مشابه، کنگره ایالات متحده «کمسیون ملی حمایت از آزمودنی‌های انسانی در تحقیقات زیست‌پزشکی و رفتاری»^۱ را ایجاد کرد و به وی مأموریت داد تا دستورالعمل‌های اخلاقی مربوط به تحقیقات انسانی را تهیه و تدوین نمایند. دستاورد این کمیسیون، سندی به نام «گزارش بلمونت»^۲ بود که در سال ۱۹۷۹ منتشر شد. این گزارش، تأثیر به‌سزایی در بحث‌های انتزاعی درباره اخلاق زیستی و رویه‌های روزمره تحقیقات داشته است (Salganik 2017, 325-328). اصول اخلاقی مبنایی در گزارش بلمونت عبارتند از: (۱) احترام به افراد؛^۳ (۲) احسان؛^۴ (۳) عدالت.^۵ بر مبنای این سه اصل، قواعد اخلاقی پژوهش به شرح ذیل مورد تأکید قرار گرفته است: (۱) احترام به افراد: رضایت آگاهانه؛^۶ و حفظ حریم خصوصی^۷ افراد مورد تحقیق. (۲) احسان: طراحی مناسب تحقیق؛ صلاحیت محققان؛ تناسب میان منافع و خطرات حاصل از تحقیق. (۳) عدالت: انتخاب عادلانه افراد مورد تحقیق. امروزه، گزارش بلمونت به عنوان یک مرجع اساسی برای هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش شناخته می‌شود که طرح‌های تحقیقاتی مرتبط با آزمودنی‌های انسانی را (از ابتدا تا انتهای پژوهش) مورد نظارت و ارزیابی اخلاقی قرار می‌دهد. به‌طور خلاصه، برخی از سیاست‌های بنیادین برای حفاظت از آزمودنی‌های انسانی مورد تحقیق در گزارش بلمونت عبارتند از: (۱) تصویب طرح پژوهشی در هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش؛ (۲) رضایت آگاهانه کتبی و مستند از افراد مورد تحقیق؛ (۳) اطمینان از آگاهی کامل افراد مورد تحقیق نسبت به حدود و ثغور آزمایش؛ (۴) اطمینان از این‌که آزمودنی مورد تحقیق با تهدید یا اِرعاب تن به آزمایش نداده است؛ (۵) مراقب از دیگر پیامدهای آزمایش بالینی که مورد اشاره قرار نگرفته است؛ (۶) حمایت و حفاظت از حریم خصوصی آزمودنی مورد تحقیق؛ (۷) اطمینان از این‌که آزمودنی‌های مورد تحقیق حداقل شرایط لازم برای مراقبت از وضعیت خود را دارند (Sims, J. 2010 173-174).

¹ National Commission for the Protection of Human Subjects of Biomedical and Behavioral Research

² Belmont Report

³ Respect for Persons

⁴ Beneficence

⁵ Justice

⁶ Informed Consent

⁷ Respect for Privacy

پرسش‌های فصل چهارم:

۱. آیا می‌توانید دلایل مستدلی به‌جز دلایل سه‌گانه ارائه‌شده در این فصل برای نیاز دانشمندان و محققان به چارچوبی اخلاقی برای فعالیت‌های پژوهشی خود ارائه کنید.
۲. آن‌چنان که می‌دانیم «دانشمند یا پژوهشگر به‌مثابه متخصصی شاغل» می‌تواند فرصتی برای بروز برخی از کژرفتاری‌های اخلاقی در انجام فعالیت‌های پژوهشی باشد. از این منظر، مثالی از یک موقعیت اخلاقی در انجام فعالیت‌های پژوهشی ارائه دهید که می‌تواند منجر به کژرفتاری‌های اخلاقی محققان و دانشمندان شود.
۳. آن‌چنان که می‌دانیم «تولیدات و دستاوردهای علمی به‌مثابه منابعی اقتصادی» می‌تواند فرصتی برای بروز برخی از کژرفتاری‌های اخلاقی در انجام فعالیت‌های پژوهشی باشد. از این منظر، مثالی از یک موقعیت اخلاقی در انجام فعالیت‌های پژوهشی ارائه دهید که می‌تواند منجر به کژرفتاری‌های اخلاقی محققان و دانشمندان شود.
۴. آن‌چنان که می‌دانیم «تعامل پژوهشگران و دانشمندان با صاحبان قدرت» می‌تواند فرصتی برای بروز برخی از کژرفتاری‌های اخلاقی در انجام فعالیت‌های پژوهشی باشد. از این منظر، مثالی از یک موقعیت اخلاقی در انجام فعالیت‌های پژوهشی ارائه دهید که می‌تواند منجر به کژرفتاری‌های اخلاقی محققان و دانشمندان شود.
۵. رویدادهای تاریخی متعددی ثبت و ضبط شده است که اهمیت و تثبیت جایگاه اخلاق پژوهش را آشکار می‌سازد. با بهره‌گیری از منابعی معتبر، به‌جز دو رویداد تاریخی ارائه‌شده در این فصل، به برخی وقایع تاریخی دیگر نیز اشاره کنید.

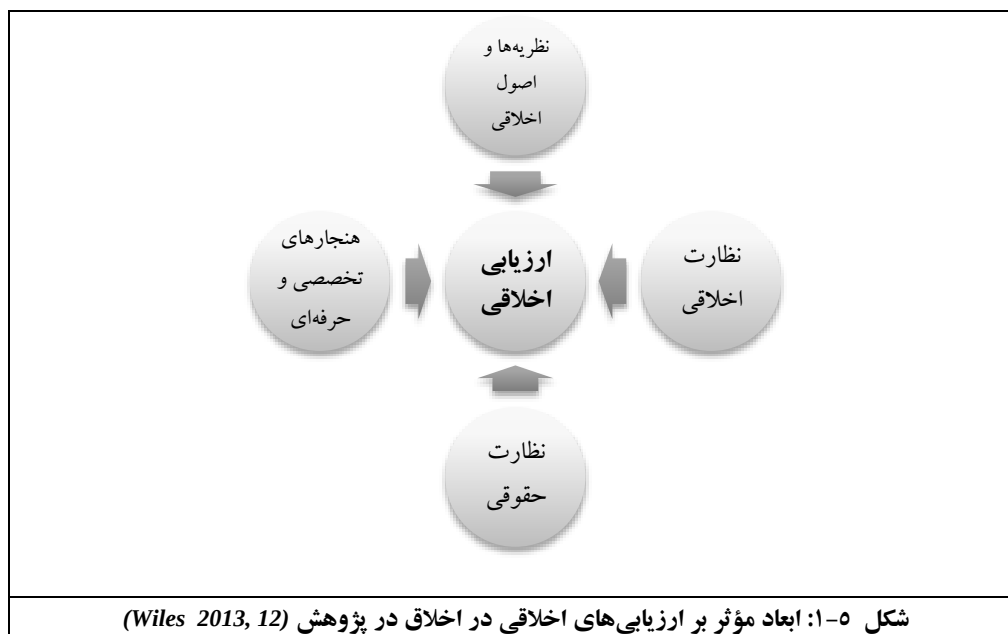
فصل پنجم: ابعاد چهارگانه مؤثر بر ارزیابی‌های اخلاقی در فعالیتهای پژوهشی

۵ - ۱. مقدمه

پژوهشگران به منزله حرفه‌مندان، با تولیدات علمی، اختراعات و اکتشافات برآمده از فعالیت‌های پژوهشی خود، در محیط اطرافشان دخل و تصرف می‌نمایند و این موضوع، از نظر اخلاقی بسیار دارای اهمیت است. بر این اساس، آشنایی پژوهشگران با مسائل و موضوعات اخلاقی مطرح در تمامی مراحل و فعالیت‌های پژوهشی ضروری به نظر می‌رسد، چرا که اخلاق پژوهش به تجزیه و تحلیل موضوعات و چالش‌های اخلاقی در انجام فعالیت‌های پژوهشی می‌پردازد، و هدف خود را ارتقاء سلامت اخلاقی فعالیت‌های پژوهشی و نهادهای ساختن ارزش‌های اخلاقی در جامعه پژوهشگران تعریف می‌کند.

یکی از مهم‌ترین مراحل اخلاق پژوهش نزد محققان، ارزیابی اخلاقی در موقعیت‌های پژوهشی است. از آنجا که پژوهشگران باید خود را به پیامدهای چنین تصمیم‌هایی ملزم کنند، این تصمیم‌ها نقش به‌سزایی در پیش‌برد اهداف پژوهش دارد. تصمیم‌هایی اخلاقی که پژوهشگران درباره چالش‌ها و مسائل اخلاقی اتخاذ می‌کنند چه آن مسائلی که در مرحله ارائه طرح پژوهشی پیش‌بینی می‌شود و چه آن مسائلی که به عنوان مصادیق پیش‌بینی نشده در فرآیند تحقیق پدیدار می‌شود می‌تواند تحت تأثیر ابعاد متعددی قرار بگیرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: (۱) هنجارهای تخصصی و حرفه‌ای؛ (۲) نظریه‌ها و اصول اخلاقی؛ (۳) نظارت اخلاقی از طریق نهادهای بررسی اخلاق پژوهش؛ و (۴) نظارت حقوقی از طریق نهادهای مرتبط (ثقه‌الاسلامی ۱۳۹۵، ۱۴-۱۵). در شکل ۵-۱ ابعاد چهارگانه مؤثر بر ارزیابی اخلاقی در اخلاق پژوهش نمایش داده شده است. هدف این مقاله آن است که ابعاد تحقیق اخلاق پژوهش معرفی و تأثیر این ابعاد بر ارزیابی اخلاقی تبیین شود. در ادامه این قسمت، به‌طور مختصر به معرفی این ابعاد چهارگانه پرداخته می‌شود. سپس، تأثیر هر یک از این ابعاد بر ارزیابی اخلاقی به تفصیل معرفی می‌شود.

تمامی انسان‌ها به عنوان کنشگران اخلاقی آگاه به آموزه‌های اخلاقی، نسبت به درستی و نادرستی رفتارهایشان کم‌وبیش از شناخت اخلاقی برخوردارند. این شناخت اخلاقی از طریق تجربه‌ها و تعامل‌های آنان با یکدیگر شکل می‌گیرد و به‌طور اجتناب‌ناپذیری رفتار انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با وجود این، جامعه درباره برخی از اصول اخلاقی از قبیل انصاف و عدالت توافق دارد، حتی اگر در به‌کارگیری این اصول برای موقعیت‌ها و شرایط متفاوت از اختلاف قابل توجهی برخوردار باشد. اخلاق پژوهش خواستار آن است که پژوهشگران را با موضوعات و مسائل اخلاقی درست و نادرست در فعالیت‌های پژوهشی و فرآیند پژوهش آشنا سازد.



هنجارهای تخصصی و حرفه‌ای در واقع همان رهنمودهای اخلاق حرفه‌ای است که در فرآیند تعلیم و تربیت پژوهشگران به مثابه دانشجویان و حرفه‌مندان علمی به آنان انتقال داده می‌شود و در زیست‌بومی علمی پرورش می‌یابند. پژوهشگر به عنوان یک متخصص بایستی مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای حرفه‌ای را رعایت کند، چرا که این هنجارها بر پایهٔ اجماع میان متخصصان یک رشته تخصصی شکل گرفته است. به بیانی دیگر، شرط ورود یک پژوهشگر به وادی دیگر متخصصان برای همکاری علمی با ایشان، پذیرش و به کارگیری این ارزش‌ها و هنجارهای حرفه‌ای در فعالیت‌های پژوهشی است. از این طریق، مسیر تعامل و همکاری پژوهشگر با دیگر متخصصان رشته‌ای تخصصی تسهیل و تقویت می‌شود (ثقه‌الاسلامی ۱۳۹۵، ۱۵-۱۶).

نظریه‌های اخلاقی به مثابه چارچوبی برای تبیین رفتارهای اخلاقی و نظم بخشی بدان‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در نظریه‌های اخلاقی بر خلاف نظریه‌های علمی، شواهد از ادراکات حواس انسانی با استفاده از ابزارهایی خاص حاصل نمی‌شود، بلکه از قضاوت‌ها در مورد درست یا نادرست و خوب یا بد به دست می‌آید. قضاوت‌های اخلاقی نه با مشاهده خنثی و بی طرفانهٔ یک موقعیت، بلکه اساساً مشاهده هر موقعیت اخلاقی در پرتو نظریه‌ای اخلاقی تحقق می‌یابد که مشاهده‌گر را به قضاوتی اخلاقی رهنمون می‌سازد. برای آزمایش یک نظریهٔ اخلاقی باید چگونگی کاربرد آن نظریه بر یک مورد خاص را مورد توجه قرار داد. اگر نظریه اخلاقی با قضاوت ما در تعارض بود، آنگاه از دلیلی علیه آن نظریه اخلاقی برخورداریم و اگر نظریه

اخلاقی با قضاوت ما سازگار بود، آنگاه از دلیلی برای حمایت از نظریه برخورداریم. در کنار نظریه‌های اخلاقی، طیفی از اصول اخلاقی را نیز می‌توان برای تجزیه و تحلیل و بررسی مسائل، چالش‌ها و ارزیابی‌های اخلاقی به کار گرفت. بعضی از اصول اخلاقی عام و تأثیرگذار عبارتند از: (۱) خودمختاری: به افراد صاحب خرد اجازه انتخاب در رابطه با زندگی خود را بدهید. فرد صاحب خرد کسی است که می‌تواند دست به انتخاب آگاهانه و مسئولانه بزند، (۲) عدم زیان‌رسانی (یا مضر نبودن): به خود و دیگران آسیب نرسانید، (۳) احسان (یا نیکوکاری): به دنبال بهروزی خود و دیگران باشید، و (۴) عدالت: از روی انصاف با مردم رفتار کنید (شامو و رزینیک ۲۰۱۵، ۳۳-۵۲).

ارزیابی اخلاقی پژوهشگران هم‌چنین به شدت متأثر از نظارت‌های اخلاقی و حقوقی است. نظارت‌های اخلاقی اغلب از طریق هیئت بررسی نهادی اخلاق پژوهش صورت می‌گیرد. کمیته اخلاق پژوهش که هم‌چنین با عناوینی نظیر گروه مستقل اخلاق، هیئت بررسی اخلاق یا هیئت اخلاق در پژوهش شناخته می‌شوند برای تصویب، نظارت، بررسی و مشاوره به پژوهش‌های رفتاری و پزشکی درگیر با آزمودنی‌های انسانی شکل گرفته است. محور اصلی مسئولیت کمیته‌های اخلاق در پژوهش، پاسداشت کرامت، حقوق، سلامت و بهروزی شرکت‌کنندگان در پژوهش است.

از نظر حقوقی نیز پژوهشگران مکلف هستند مطابق با مقررات و ملزومات حقوقی مرتبط با پژوهش رفتار نمایند. اگر چه برخلاف نظارت حقوقی، نظارت اخلاقی چنین تکلیفی را تحمیل نمی‌کند، اما با این حال پژوهشگران به طور کلی مکلف هستند نظارت اخلاقی و حقوقی متولیان و سفارش‌دهندگان پژوهش را اجابت نمایند. گاهی اوقات با وجود آن که محقق کنشگری اخلاقی است، ممکن است شهود اخلاقی او با دستورالعمل‌های اخلاقی ناسازگار درآید. از آنجا که کنشگر می‌باید تابع ملزومات حقوقی و قوانین باشد، اگر بخواهد مطابق شهود اخلاقی خود عمل کند در آن صورت می‌باید پیش از شروع به پژوهش مراتب مخالفت خود با قانون مورد اختلاف را همراه با دلایل خویش برای مخالفت به مسئولان مرتبط اعلام کند. لازم به یادآوری است که مطابقت فرآیند پژوهش با هنجارهای اخلاقی یا حقوقی نهادها یا سازمان‌های مربوطه ضرورتاً برابر با رفتار اخلاقی مطلوب نیست، بلکه در بسیاری مواقع اجابت از این مقررات اغلب التزام‌های حداقلی است و رفتار اخلاقی مناسب مستلزم ملاحظات دقیق‌تری نسبت به چالش‌های نوظهور و وابسته به شرایط است (ثقه‌الاسلامی ۱۳۹۵، ۱۷-۱۸).

در ادامه، هر یک از ابعاد چهارگانه مؤثر بر ارزیابی اخلاقی در فرآیند پژوهش به تفصیل معرفی و بررسی

می‌شود:

۵-۲. هنجارهای تخصصی و حرفه‌ای

هنجارهای تخصصی و رهنمودهای حرفه‌ای متعددی وجود دارند که هدف آن‌ها ارائه چارچوب‌هایی است تا پژوهشگران را به مهارت‌هایی فکری و تحلیلی تجهیز کند که به هنگام مواجهه با چالش‌های اخلاقی متنوع در فرآیند پژوهش یاری رساند. این رهنمودها به شکلی اجماعی و به‌طور ضمنی یا صریح میان متخصصان هر حرفه‌ای شکل می‌گیرد و به عنوان بخشی از پارادایم آن رشته تخصصی شناخته می‌شود؛ بر این اساس، آگاهی، پذیرش و استفاده از آنها می‌تواند تصمیم‌هایی را که پژوهشگران در برابر مسائل اخلاقی متداول و نوظهور اتخاذ می‌کنند، تسهیل و توجیه کند. برخی از این رهنمودها که ذیل اصول اخلاقی خاصی تهیه و تنظیم شده‌اند بسیار کلی هستند و به محققان پاسخ‌های سراسر و روشنی برای مدیریت موقعیت‌ها و هدایت چالش‌های خاص اخلاقی ارائه نمی‌کنند، مگر برخی موضوعات ویژه از قبیل محرمانگی، گمنامی یا موضوعاتی که عدم رعایت آنها مصداق آشکاری از سوءرفتار در فرآیند پژوهش تلقی می‌شوند. اما همین رهنمودهای کلی باید پژوهشگران را برای تجزیه و تحلیل، تفکر و تدبیر در موقعیت‌های خاص اخلاقی مهیا کند. این اصول و رهنمودها می‌تواند همچون نوری بر ماهیت موقعیت‌ها و زمینه‌های خاص اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی محققان پرتو بیافکند. اصول اخلاقی متجلی در این رهنمودهای اخلاقی معمولاً به حقوق مشارکت‌کنندگان در پژوهش نظیر رضایت آگاهانه، حریم خصوصی و محرمانگی، گمنامی و ناشناختگی و مواردی از این نوع می‌پردازد. پژوهشگران ممکن است فعالیت‌های پژوهشی خود را بدون توجه به این رهنمودها و هنجارهای حرفه‌ای انجام دهند، چرا که آنان از الزامی حقوقی برای عمل به این رهنمودها برخوردار نیستند. اما این محرومیت خودخواسته ممکن است به محرومیت محققان از امکانات، همکاری‌های علمی و منابع مالی در انجام و تحقق فرآیند پژوهش و حتی انتشار دستاوردهای پژوهشی آنان بیانجامد، زیرا آنچنان که اشاره شد گاهی شرط ضمنی یا صریح برای همکاری دیگر محققان با هر پژوهشگر، پذیرش و به‌کارگیری این ارزش‌ها و هنجارهای حرفه‌ای است. به عنوان مثال این ارزش‌ها و هنجارهای حرفه‌ای می‌تواند در شیوه‌نامه‌های انتشار مقالات و دستاوردهای علمی در نشریات تخصصی تجلی یابد، آنچنان که شروطی همچون عدم انتشار همزمان یک مقاله در دیگر نشریات یا همایش‌ها، شیوه مناسب و دقیق استناددهی به منابع مورد استفاده در مقاله، سپاسگزاری از افراد و سازمان‌های مورد همکاری در تهیه و تنظیم مقاله و مواردی دیگر نمونه‌ای از آنها است (Wiles 2013, 17-18).

۵-۳. نظریه‌ها و اصول اخلاقی

در اینجا طیف گسترده‌ای از نظریه‌ها و اصول در اخلاق پژوهش را می‌توان معرفی کرد. این نظریه‌ها و اصول اخلاقی نیز ابزارها و چارچوب‌هایی برای تجزیه و تحلیل، تفکر و تدبیر درباره رفتار اخلاقی فراهم می‌آورد. آنها معیارهای متنوعی را ارائه می‌کنند که پژوهشگران می‌توانند از این طریق درباره درستی یا نادرستی یک رفتار در مواجهه با تعارض‌ها یا معماهای پیچیده اخلاقی تأمل و تدبیر کنند. همچون رهنمودهای اخلاقی حرفه‌ای، این نظریه‌ها و اصول نیز پاسخ سرراست و مستقیمی برای چنین تعارض‌ها یا معماهای اخلاقی ایجاد نمی‌کنند، بلکه ابزار و چارچوبی برای افزایش مهارت‌های تجزیه و تحلیل و تفکر نقادانه درباره این چالش‌ها و امکان ارزیابی درستی یا نادرستی مجموعه رفتارهای اخلاقی مناسب و قابل توجیه عرضه می‌کنند. در یک استنتاج قیاسی، نظریه‌های اخلاقی همواره به مثابه کبرای قیاس‌های منطقی عمل می‌کنند، اما تشخیص صغرای قیاس و استنتاج نتیجه وابسته به مهارت‌های استدلالی محققان به مثابه کنشگرانی اخلاقی است. این مهارت‌های استدلالی، احاطه و تسلط آنان را بر هر یک از نظریه‌های طلب می‌کند. به عنوان مثال، یکی از این چالش‌های پیش‌روی نظریه‌های اخلاقی این است که به کارگیری هر یک از آنها می‌تواند معیارهای متنوع و متغیری برای ارزیابی‌های اخلاقی فراهم کند و ارزیابی‌های ممکن می‌تواند با توجه به نظریه اخلاقی مورد استفاده متفاوت باشد. آن‌چنان که پیش‌تر اشاره شد، سبک و سنگین کردن اصول اخلاقی مورد استفاده برای دستیابی به نتیجه مطلوب وابسته به شناسایی تمامی دیگر کنشگران و مؤلفه‌های اخلاقی مؤثر در موقعیت اخلاقی مفروض است. مثلاً فردی را تصور کنید که پژوهشگری وابسته به یک سازمان دارویی است و در مورد پیامدهای داروی خاصی در حال تحقیق است. وی متوجه می‌شود سازمان مربوطه با وجود اطلاع از پیامدهای منفی داروی مورد تحقیق، اقدام به تولید انبوه و توزیع آن در بازار می‌کند. حال پژوهشگر مفروض با در نظر گرفتن دو نظریه اخلاقی پیامدگرایی و وظیفه‌گرایی به دنبال دستیابی به رفتار اخلاقی درست است. اخلاق پیامدگرایی، خیر حداکثری افراد جامعه را مدنظر قرار می‌دهد و پژوهشگر متقاعد می‌شود که انتشار اطلاعات سرّی پژوهشی وی می‌تواند منجر به آگاهی افراد جامعه و گسترش خیر حداکثری شود. اما اخلاق وظیفه‌گرایی رازداری و محرمانگی را در انجام فرآیند پژوهشی مدنظر قرار می‌دهد و پژوهشگر متقاعد می‌شود که حفظ رازداری و محرمانگی اطلاعات سرّی سازمان دارویی مورد تحقیق، یک خیر اخلاقی است. در این مثال، دو نظریه با معیارهای اخلاقی متفاوت، نتایج اخلاقی موجه و در عین حال متفاوتی را برای پژوهشگر فراهم می‌کند. با این حال، بررسی این نظریه‌ها و اصول برای کمک به پژوهشگران به‌هنگام تفکر درباره چالش‌های اخلاقی مورد مواجهه در فرآیند پژوهش مهم و راه‌گشاست، چرا که ارزیابی اخلاقی

در فرآیند پژوهش متأثر از ابعاد چهارگانه‌ای است که در حال پرداختن به آنها هستیم و تأکید بر این نکته دارای اهمیت است که مورد توجه قرار دادن تمامی این ابعاد، امکان ارزیابی اخلاقی را برای پژوهشگر تسهیل و تقویت می‌کند. بر این اساس، توجه به اصولی اخلاقی هم‌چون برخورداری از صداقت علمی، پرهیز از آسیب‌رسانی به افراد، و مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌تواند نتیجه اخلاقی حاصل از دیدگاه پیامدگرایی را تقویت کند و پژوهشگر را در اتخاذ رفتار اخلاقی مطلوب که همان دستیابی به خیر حداکثری برای افراد جامعه است، رهنمون سازد. افزون بر این و در چارچوب آموزه‌های عقلانیت نقاد، محقق همواره باید معرفت اخلاقی حاصل از استدلال و ارزیابی خود را در معرض ملاحظات نقادانه دیگر کنشگران اخلاقی (به‌طور خاص کمیته‌های اخلاق در پژوهش) و در محکمه آزمون‌های سخت آنان قرار دهد تا نقاط قوت و ضعف استدلال وی آشکار شود و در پرتو ارزیابی خود، قضاوت نهایی‌اش را مورد داوری قرار بگیرد (پایا ۱۳۹۵، ۴۹۲).

در ادامه به معرفی برخی از مهم‌ترین نظریه‌های اخلاقی پرداخته می‌شود که از توان استدلالی قابل توجهی نزد کنشگران اخلاقی برخوردار است و در تحلیل موقعیت‌های اخلاقی آنان را یاری می‌رساند: رویکردهای پیامدگرایانه، وظیفه‌گرایانه، و فضیلت‌گرایانه.

رویکرد پیامدگرا: در اینجا استدلال می‌کنند که تصمیم‌های اخلاقی باید مبتنی بر پیامدها و تبعات رفتارهای مشخصی باشد، به‌طوری که رفتار یا عمل مذکور اخلاقی است اگر پیامد خوبی را برای فرد یا برای جامعه به دنبال داشته باشد. به عبارت دیگر، رفتار و عمل درست آن است که بهترین نتایج کلی را برای بیشتر مردم به همراه داشته باشد. با استفاده از رویکردی پیامدگرایانه، پژوهشگران می‌توانند پیامدهای ممکن تصمیمی خاص را مورد ارزیابی قرار دهند و درباره عملی که باور دارند پیامد آن عمل از بیشترین منافع برخوردار است، تصمیم بگیرند. مثلاً، پژوهشگران ممکن است استدلال کنند که فرآیند انجام یک پژوهش بهتر است به صورت مخفی و بدون دریافت رضایت آگاهانه آزمودنی‌های انسانی انجام شود، چرا که یافته‌های این پژوهش می‌تواند به نفع و به مصلحت کلیت جامعه باشد. در مثالی دیگر، پژوهشگر می‌تواند استدلال کند که افشاء اطلاعات محرمانه فردی که در پژوهشی مشارکت کرده است، بدین خاطر که افشاء این اطلاعات منجر به خیر حداکثری برای گروه زیادی از افراد می‌شود، از نظر اخلاقی درست است. تمامی رویکردهای پیامدگرایانه، به شواهد تجربی مرتبط با نتایج و تبعات احتمالی بستگی دارند (شامو و رزنیک ۲۰۱۵، ۴۲-۴۳ و Wiles 2013, 14). وقتی موقعیتی اخلاقی را از این رویکرد بررسی و تحلیل می‌کنیم باید به پرسش‌هایی از این نوع پاسخ دهیم: اتخاذ عمل اخلاقی منتج از پیامدگرایی، چه پیامدهای

محتملی به دنبال خواهد داشت؟ آیا پیامدهای این تصمیم را بر تمامی افراد و مؤلفه‌هایی که درگیر آن هستند، پیش‌بینی کرده‌ایم؟

رویکرد وظیفه‌گرا: این رویکردها به نوعی در مقابل رویکردهای پیامدگرا قرار می‌گیرند. مطابق این دیدگاه، به جای سنجش پیامد هر عمل، توجه به اصول و مضامین مهم اخلاقی، معیار مناسب‌تری برای اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی است. به بیانی دیگر، تصمیم‌های اخلاقی باید مبتنی بر اصولی اخلاقی و منتج از انگیزه‌های اخلاقی باشد، بدون توجه به پیامدهای آن. در اینجا «عامل اخلاقی» از نقش مهمی برخوردار است چرا که می‌تواند میان درست و غلط تمایز قائل شده و قادر به وضع و پیروی از اصول اخلاقی است. مثلاً، محققى که مطابق این دیدگاه که به اتخاذ تصمیمی اخلاقی می‌پردازد استدلال کند که حفظ محرمانگی فرد از نظر اخلاقی درست است، حتی اگر نقض آن پیامدهای مفیدی برای اکثر افراد جامعه داشته یا به مصلحت اجتماعی گسترده‌تر باشد. در رویکرد وظیفه‌گرایانه، اصولی نظیر احترام به خودمختاری افراد، احسان، زیان‌بار نبودن، و عدالت در هدایت و اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی مقتضی در فرآیند پژوهش به کار گرفته می‌شوند. احترام به خودمختاری افراد با مسائل برخورداری از اختیار، رضایت آگاهانه، محرمانگی، و گمنامی مرتبط است. احسان، مسئولیت برای نیکوکاری را مورد توجه قرار می‌دهد؛ زیان‌بار نبودن، مسئولیت برای اجتناب از زیان‌بخشی را مد نظر قرار می‌دهد؛ و عدالت، اهمیت فرصت‌ها و ظرفیت‌های دستیابی به توزیع برابر را هدف قرار می‌دهد. با استفاده از رویکردهای وظیفه‌گرایانه می‌توان بر مبنای این تکالیف ویژه، تصمیم‌هایی اخلاقی را اتخاذ کرد. از دیدگاه وظیفه‌گرایانه، ایده محوری رضایت آگاهانه آن است که رضایت باید آزادانه ارائه شود و مشارکت کنندگان بالقوه نباید از طریق روش‌های مختلف تحت تأثیر تطمیع یا تهدید قرار گرفته و در پژوهش مشارکت نمایند. هر یک از این اصول، مهم تلقی می‌شود و در صورتی که با یکدیگر در تعارض قرار بگیرد، در چنین مواردی برای اولویت یک اصل بر اصلی دیگر باید از دلایل متعدد و موجهی استفاده کرد (شامو و رزنیك ۲۰۱۵، ۴۲-۴۳ و Wiles 2013, 14). وقتی موقعیتی اخلاقی را از این رویکرد بررسی و تحلیل می‌کنیم باید به پرسش‌هایی از این نوع پاسخ دهیم: چه وظایفی مربوط به این موقعیت هستند و به کدام حقوق باید توجه داشته باشیم؟ اگر خود را در موقعیت هر یک از افراد درگیر این موقعیت قرار بدهیم، آیا این عمل را منصفانه می‌دانیم؟

فضیلت‌گرایی: رویکردهایی شخص‌محور است و با فضیلت یا شخصیت اخلاقی پژوهشگر سروکار دارد و نه با اصول، قواعد و پیامدهای اخلاقی یک عمل یا تصمیم. فضیلت‌گرایی در پی درستی و صداقت فرد محقق است و همچنین به دنبال شناسایی این خصوصیات و فضیلت‌هایی است که محقق برای انجام

فعالیت‌های پژوهشی اخلاقی به آنها نیازمند است. به بیانی دیگر، رفتار اخلاقی با حیاتی متعالی و بافضیلت سروکار دارد. خصوصیات اخلاقی خوب با تمرین آنها به دست می‌آید: شخصی که رفتار صادقانه دارد، فضیلت صداقت را توسعه می‌دهد؛ شخصی که شجاعانه رفتار می‌کند، فضیلت شجاعت را گسترش می‌دهد؛ و مواردی از این نوع. در مراحل مختلف پژوهش، پژوهشگران با چالش‌های اخلاقی متعددی همراه می‌شوند که فضیلت‌های اخلاقی می‌تواند این مسائل را در هر مرحله مدیریت کند. این فضیلت‌ها عبارتند از: شجاعت، احترام، عزم، صداقت، فروتنی و تأمل‌کنندگی. در مقابل این فضیلت‌ها، رذیلت‌هایی نیز وجود دارند. این مجموعه فضیلت‌ها و رذیلت‌ها شخصیت آرمانی محقق و وسوسه‌هایی که در طی یک فرآیند پژوهشی ممکن است با آنها روبه‌رو شود را نمایش می‌دهند. بر این اساس، رویکرد فضیلت‌گرایی به دنبال پژوهشگرانی است که در مواجهه با معماهای اخلاقی و در موقعیتی مفروض، نقش خود را به عنوان پژوهشگری بافضیلت ایفا کند (شامو و رزنیك ۲۰۱۵، ۴۵ و Wiles 2013, 15-16). وقتی موقعیتی اخلاقی را از این رویکرد بررسی و تحلیل می‌کنیم باید به پرسش‌هایی از این نوع پاسخ دهیم: فاعل اخلاقی فضیلت‌باور چه می‌کند؟ اگر می‌خواستیم فضیلت‌باورانه عمل کنیم، بایستی چه شخصیتی می‌داشتیم؟ آیا تصمیم اخلاقی فضیلت‌گرایانه، ارزش‌های اخلاقی مبنایی‌مان را حفظ می‌کند و آیا به ارزش‌های افرادی که درگیر موقعیتی هستند توجه کرده‌ایم و احترام می‌گذاریم؟

لازم به یادآوری است که هیچ موقعیت اخلاقی را نمی‌توان بدون تجهیز به نظریه‌ای اخلاقی مشاهده، شناسایی، تحلیل و ارزیابی کرد. بر این اساس، پژوهشگر پیوسته باید دانش نظری و مهارت استدلالی خود را در انتخاب و به کارگیری هر یک از این نظریه‌های اخلاقی برای تحلیل موقعیت‌های اخلاقی ارتقا بخشد، به نحوی که نزد ملاحظات نقادانه دیگر کتشیگران اخلاقی و در برابر آزمون‌ها و محکمه‌های نقادانه ایشان از تاب‌آوری استدلالی موقتی اما قابل‌پذیرشی برخوردار باشد.

اصول اخلاقی در پرتو هر یک از نظریه‌های اخلاقی معیار دیگری برای ارزیابی اخلاقی است. برخی از متخصصان اخلاق پژوهش درباره اینکه تجزیه و تحلیل‌های مطرح در اخلاق پژوهش را لزوماً باید از نظریه‌های اخلاقی آغاز کرد (رویکرد بالا به پایین) و سپس بر مبنای آنها به بررسی موارد خاص مبادرت ورزید، تردید می‌کنند. آنان باور دارند روند آغازین تجزیه و تحلیل‌های اخلاقی بر مطالعه موارد خاص یا همان موردپژوهی متمرکز است (رویکرد پایین به بالا)، آن‌چنان که از رویه‌ها و روال‌های کاربست‌پذیر در گذشته الگوبرداری کرد و آن را معیار عمل اخلاقی قرار داد. به عبارت دیگر، آنان معتقدند از آنجا که در اخلاق اصول عام و جهان‌شمول وجود ندارد، باید مبنای تجزیه و تحلیل خود را بررسی‌های موردی قرار داد

و از روش اقناع جامعه علمی بهره‌مند شد. در مقابل این دو دیدگاه می‌توان دیدگاه دیگری را مطرح کرد که موضع حاکم بر این پژوهش است. دیدگاه سوم ادعا می‌کند می‌توان فهرستی از اصول اخلاقی عام و کلی گردآوری کرد و آنگاه در پرتو هر یک از نظریه‌های اخلاقی و با توجه به شرایط و موقعیت‌های اخلاقی خاص، به اولویت‌بخشی این اصول پرداخت، آنچنان که تا حد امکان از بروز تعارض میان آن‌ها اجتناب کرد. دیوید رزتیک فهرست دوازده‌گانه‌ای از اصول اخلاق در پژوهش ارائه کرده است که می‌تواند راهنمای استدلال‌های اخلاقی پژوهشگران باشد. از نظر وی گاهی ممکن است این اصول در تناقض یا تعارض با یکدیگر قرار گیرند، اما بسته به نمونه مورد بررسی باید اولویت‌ها را مشخص کرد و به هر کدام از این اصول وزنی را اختصاص داد. و در نهایت، معرفت اخلاقی حاصل از این فرآیند را در معرض ملاحظات نقادانه دیگر کنشگران اخلاقی قرار داد تا مورد داوری قرار بگیرد. این اصول دوازده‌گانه عبارتند از: (۱) صداقت: داده‌ها، نتایج، شیوه‌ها و رویه‌ها، وضعیت انتشار، کمک‌های صورت گرفته در امر پژوهش و تضاد منافع احتمالی را صادقانه ارائه نمایید؛ (۲) عینیت یا بی‌طرفی: در طرح اولیه، تحلیل داده‌ها، تفسیر داده‌ها، داوری، تصمیم‌های شخصی، نگارش طرح پژوهشی، نظر کارشناسی و دیگر جنبه‌های پژوهش بی‌طرفی و عینیت علمی را رعایت کنید؛ (۳) گشودگی: به تبادل داده‌ها، نتایج، ایده‌ها، ابزارها، مواد و منابع پرداخته و پذیرای نقدها و ایده‌های جدید باشید؛ (۴) محرمانگی یا رازداری: از اطلاعات محرمانه، نظیر مطالب یا هزینه‌های ارائه‌شده در نگارش کتاب، سوابق شخصی، اسرار تجاری یا نظامی، و به‌طور کلی سوابقی که موجب شناسایی آزمودنی‌های انسانی تحقیق می‌شود، حمایت نمایید؛ (۵) دقت: از خطاهای ناشی از غفلت پرهیز کنید و با نگاهی نقادانه کار خود و دیگر پژوهشگران را نقد کنید؛ (۶) احترام به همکاران: به همکاری پژوهشگران و دست‌اندرکاران گروه پژوهشی خود احترام بگذارید، به‌طوری که به آنان ضرر نرسانده و رفتاری منصفانه داشته باشید؛ (۷) احترام به مالکیت فکری: به حقوق ثبت‌شده، حق نشر، و دیگر اشکال مالکیت معنوی احترام بگذارید و بدون کسب اجازه از موارد گردآوری‌شده را استفاده نکنید؛ (۸) رعایت قانون: از قوانین مربوطه و سیاست‌های سازمانی آگاهی یافته و از آنها پیروی کنید؛ (۹) احترام به آزمودنی‌های پژوهشی: هنگام تحقیق بر روی آزمودنی‌های انسانی، آسیب‌ها و مخاطرات را به حداقل رسانده و مزایای آن را به حداکثر برسانید. به حقوق حریم خصوصی و انتخاب آزاد آنان احترام بگذارید. اگر آزمودنی‌های پژوهشی حیوانات هستند از آنها مراقبت کرده و رفتاری خوبی با آنها داشته باشید؛ (۱۰) مدیریت و نظارت: استفاده مناسبی از منابع انسانی، مالی، فیزیکی و فنی داشته باشید؛ (۱۱) مسئولیت اجتماعی: پیامدهای اجتماعی خوب را تقویت کرده و با استفاده از تحقیق، مشاوره و حمایت، مانع از ایجاد پیامدهای منفی شوید؛ (۱۲)

آزادی: نهادهای پژوهشی و دولت‌ها نباید مانع از آزادی فکر و تحقیق شوند (شامو و رزنیك ۲۰۱۵، ۵۲-۵۹ و شیخ‌رضایی و کرباسی‌زاده ۱۳۹۱، ۲۱۶-۲۱۹).

آن‌چنان که پیش‌تر اشاره شد، نظریه‌های اخلاقی به‌مثابه چارچوبی برای نظم‌بخشی و تبیین شواهد و رفتارهای اخلاقی است. در کنار نظریه‌های اخلاقی لازم است طیفی از اصول اخلاقی را برای تجزیه و تحلیل و بررسی مسائل، چالش‌ها و انتخاب‌های اخلاقی به کار گرفت. در موقعیت‌های اخلاقی، فاعل اخلاقی خود را در موقعیت پیچیده‌ای می‌یابد که در آن بسیاری از عوامل نظیر کنشگران دیگر، نهادها، و هستارهای فیزیکی و ذهنی کنشگر، نقش خود را ایفا می‌کنند. با توجه به محدودیت‌های فیزیکی و ذهنی کنشگر، فاعل اخلاقی برای ارزیابی موقعیت اخلاقی مورد مواجهه، چاره‌ای ندارد جز آن‌که با بهره‌گیری از فرآیندهای ایده‌آل‌سازی، تقریب، و انتزاع، مدل ساده‌شده‌ای از موقعیت مذکور را تدوین کند. این امر بدین خاطر است که فاعل اخلاقی برای تحلیل موقعیت باید از تأثیر بسیاری از عوامل موجود در محیط که آن‌ها را کم‌اهمیت و ناچیز تشخیص می‌دهد صرف‌نظر کند و آن‌ها را نادیده بگیرد. نقش این مدل تقریبی زمانی آشکار می‌شود که فاعل اخلاقی می‌کوشد ملاحظات اخلاقی جزئی و موردی را که در شرایط و زمینه تحقق موقعیتی اخلاقی به آن‌ها توجه کرده است با هر یک از نظریه‌های اخلاقی منتج به نتیجه و اصول اخلاقی مناسب مرتبط کند. فاعل اخلاقی تلاش می‌کند استدلال و ارزیابی اخلاقی خود را در چارچوب نظریه‌ای مناسب و بر اساس اصول اخلاقی برگزیده‌ای بنا سازد (پایا ۱۳۹۵، ۴۸۰-۴۸۲). نظریه اخلاقی مختار، اصول اخلاقی برگزیده و دلایل استدلال پژوهشگر در مقام فاعل اخلاقی باید به نحوی عینی و نقادانه مورد داوری دیگر کنشگران اخلاقی (به‌خصوص کمیته‌های اخلاق پژوهش) قرار بگیرد. بر این اساس، دیگر کنشگران اخلاقی می‌توانند نقاط قوت و ضعف استدلال فاعل اخلاقی را آشکار سازند و مبتنی بر اصول اخلاقی و در پرتو ارزیابی خود، قضاوت اخلاقی نهایی وی را داوری کنند (پایا ۱۳۹۵، ۴۹۲).

۵- ۴. نظارت اخلاقی

پژوهشگران برای توجه به ملاحظات اخلاقی فعالیت‌های پژوهشی خود شایسته است با گروه‌ها یا کمیته‌های بررسی اخلاق پژوهش در تعامل مستمر باشند. این گروه‌ها یا کمیته‌های اخلاقی تحت عناوین مختلفی بر فرآیند تصویب، نظارت، بررسی و مشاوره درباره پژوهش‌های درگیر با آزمودنی‌های انسانی به همکاری با پژوهشگران می‌پردازند. آنان اغلب به‌نوعی از تجزیه و تحلیل‌های خطر-فایده برای هدایت و مدیریت اخلاقی طرح‌های پژوهشی استفاده می‌کنند. نقش این کمیته‌ها برای حفاظت از آزمودنی‌های انسانی و رعایت

راهنماهای اخلاق ملی و بین‌المللی بسیار پراهمیت است. آنها در حقیقت سه التزام اساسی دارند؛ اول حصول اطمینان از حفظ حقوق شرکت‌کنندگان در پژوهش، دوم مسئولیت در قبال جامعه و سوم مسئولیت در قبال محقق (اردشیر لاریجانی و زاهدی ۱۳۸۵، ۲۸۱-۲۸۲).

گروه‌ها یا هیئت‌های اخلاقی به روش‌های متعددی می‌توانند درخواست‌های پژوهشگران را مورد ارزیابی قرار دهند و با مشورت‌های خود فعالیت‌های پژوهشی آنان را از نظر اخلاقی بررسی و نتایج را به ایشان عرضه کنند. البته، اصول و رهنمودهای اخلاقی مورد ملاحظه آنها برای توجه و توصیه به پژوهشگران تاحدی یکنواخت و احتمالاً دربردارنده موضوعاتی نظیر توجه به رضایت آگاهانه و داوطلبانه، حفظ محرمانگی اطلاعات ارائه‌شده توسط مشارکت‌کنندگان در پژوهش، گمنامی مشارکت‌کنندگان مذکور، پرهیز از آسیب و زیان به آنان، صداقت‌ورزی پژوهشگران و مواردی از این نوع است. اما با این حال، گروه‌های اخلاق پژوهش از دانش و مهارت‌های لازم برای مشاوره و تعیین راهکار درباره مسائل اخلاقی متعدد به‌منظور هدایت و مدیریت طرح‌های پژوهشی محققان برخوردارند. در صورت عدم التزام از طرف سازمان سفارش‌دهنده طرحی پژوهشی برای توجه به توصیه‌های گروه بررسی اخلاق، گاهی اوقات به‌نظر می‌رسد پژوهشگران تمایلی برای انجام این توصیه‌ها از خود نشان نمی‌دهند، خصوصاً در پژوهش‌هایی که برخی مسائل اخلاقی به یکباره و به‌طور غیرقابل پیش‌بینی در فرآیند پژوهش پدیدار می‌شوند. نگرانی پژوهشگران از آنجا ناشی می‌شود که ممکن است رعایت ملاحظات اخلاقی این گروه‌ها به اعمال محدودیت در پیش‌برد فرآیند پژوهش بیانجامد. بنابراین برای تسهیل و تقویت تمایل همکاری میان آنان، تعامل مستمر، سازنده و همدلانه اعضای گروه بررسی اخلاق پژوهش و پژوهشگران در چالش‌های اخلاقی مربوط به طرح‌های پژوهشی مناقشه‌برانگیز از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

۵-۵. نظارت حقوقی

معمولاً پژوهش‌ها در چارچوب برخی ملاحظات حقوقی قرار می‌گیرند که پژوهشگران ملزم به قبول آنها هستند. توجه به ملاحظات حقوقی از این جهت دارای اهمیت است که آنها چارچوبی از معیارهای حداقلی را ارائه می‌دهند و رعایت این ملاحظات حقوقی برای هر پژوهشی لازم‌الاجرا است، البته این موضوع ضرورتاً معادل با اخلاقی تلقی نمودن فرآیند پژوهش نیست. به نظر می‌رسد رابطه میان حقوق و اخلاق، رابطه‌ای محدود است، اما این بدین معنا نیست که هیچ چیزی وجود ندارد که هم قانونی و هم اخلاقی باشد. قوانین حقوقی اغلب به‌دنبال گردآوری مجموعه‌ای از حداقل استانداردهای قابل قبول است. اما آرمان رفتاری

اخلاقی بسیار وسیع تر است، چرا که معیارهای اخلاقی برای دفاع و توجیه خیر و شر یک رفتار نمی تواند صرفاً بر کفایت امر قانونی بنا شود.

با این حال، قوانین حقوقی و معیارهای اخلاقی از سه جنبه شبیه یکدیگرند: اول اینکه قوانین همانند اصول و رهنمودهای اخلاقی، معیارهای رفتاری هستند و سخن از بایدها و نبایدهای رفتاری می کنند؛ دوم اینکه بسیاری از مفاهیم و اصطلاحات نظیر وظیفه، مسئولیت، قصور، و... در معیارهای اخلاقی و حقوقی مشترک هستند؛ سوم اینکه شیوه های منطقی مورد استفاده در قانون و اخلاق کاملاً مشابه یکدیگرند به طوری که هر دو از روندی استدلالی برای اخذ نتیجه استفاده می کنند و به تحلیل مفاهیم و اصول می پردازند. همچنین آنها دست کم از دو جنبه مهم متفاوت از یکدیگرند: اول اینکه انواع بسیاری از رفتارها وجود دارند که می توان آنها را غیراخلاقی برشمرد، حال آنکه غیرقانونی نیستند، و همچنین قوانین بسیاری وجود دارند که چندان ارتباطی با دغدغه های اخلاقی ندارند. اخلاق و حقوق را می توان دو دایره متداخل تصور کرد که در برخی از نواحی با یکدیگر همپوشانی دارند، و آنچنان که بیان شد قانون معیار حداقلی از رفتار را تعیین می کند حال آنکه اخلاقیات می تواند فراتر از این معیار قرار بگیرد؛ دوم اینکه افراد می توانند برای ارزیابی یا قضاوت معیارهای حقوقی به معیارهای اخلاقی متوسل شوند، به طوری که ممکن است تصمیم بگیرند قانونی در مقابل نوعی رفتار غیراخلاقی تهیه و تدوین شود، مثلاً بسیاری از قوانین مالکیت معنوی را می توان در جهت جلوگیری از سرقت های ادبی، هنری و علمی به عنوان مصادیقی از رفتاری غیراخلاقی تلقی نمود که برای جلوگیری از آن قانونی حمایتی شکل گرفته است، یا اینکه ممکن است برخی صاحب نظران آگاهی یابند که بعضی از قوانین موجود غیراخلاقی بوده است و باید تغییر کند. به عنوان مثال چارلز دیکنز رمان نویس شهیر و فعال اجتماعی قرن نوزدهم در انگلستان با انتشار آثار ادبی خود بر ملاحظات اخلاقی برخی قوانین حقوقی تأثیرات قابل توجهی گذاشت (شامو و رزنیك ۲۰۱۵، ۲۸-۳۰).

برخی از قوانین حقوقی، فعالیت های پژوهشی را کاملاً تحت تأثیر قرار می دهند. این قوانین مفروض به عنوان توصیه های حقوقی شناخته نمی شوند، بلکه پژوهشگران باید با حساسیت خاصی ملاحظات حقوقی سازمان مورد همکاری را برآورده کنند. به عنوان مثال، در مسئله دریافت رضایت آگاهانه برای مشارکت در پژوهش، درباره افراد بزرگسال کم توان ذهنی یا افراد زیر سن قانونی، پیش از بررسی ملاحظات اخلاقی باید به ملاحظات حقوقی مربوط به این افراد توجه شود و در صورت احراز صلاحیت حقوقی لازم به ملاحظات اخلاقی نیز پرداخته شود. در مورد مسائلی هم چون محرمانگی و حریم خصوصی، گمنامی یا ناشناختگی، مالکیت معنوی و مواردی دیگر نیز در صورت وجود قوانین یا اسناد حقوقی مرتبط با این موارد،

رعایت این قوانین حقوقی پیش از هر ملاحظه اخلاقی لازم الاجرا است. از آنجا که اخلاق و حقوق یکسان نیستند، پژوهشگران در ارزیابی اخلاقی خود در فرآیند پژوهش باید هم الزام‌های حقوقی و هم الزام‌های اخلاقی را مد نظر قرار دهند.

۵-۶. ارزیابی اخلاقی در فرآیند پژوهش

اکنون پرسش این است که چگونه می‌توان این نظریه‌ها و اصول اخلاقی، رهنمودهای حرفه‌ای و نظارت‌های اخلاقی و حقوقی را برای اتخاذ تصمیم درباره مسائل اخلاقی به کار گرفت، مسائلی که در آغاز پژوهش قابل پیش‌بینی هستند یا در طی فرآیند پژوهش پدیدار می‌شوند؟ امروزه، منابع عمومی و تخصصی متنوعی برای راهنمایی و مشاوره درباره به کارگیری استانداردهای اخلاقی نسبت به مسائل متعدد در اخلاق پژوهش می‌توان یافت. مطالعه مستمر این منابع، حضور در کارگاه‌های اخلاق پژوهش، در صورت وجود بهره‌مندی از مشاوره‌های گروه بررسی اخلاق پژوهش، آگاهی یافتن از رهنمودهای حرفه‌ای و به کارگیری آنها، مورد توجه قرار دادن قوانین حقوقی مرتبط، بررسی نمونه‌های خاص اخلاق پژوهش در رشته‌های علمی متعدد و مواردی از این نوع، موجب افزایش آگاهی و ارتقاء مهارت‌های اخلاقی لازم برای اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی مناسب در فرآیند پژوهش می‌شود. برای دستیابی به یک ارزیابی اخلاقی موّجه، پژوهشگران باید تلاش کنند سازگاری، توازن و تعادلی مناسب را میان وجوه چهارگانه فوق برقرار نمایند.

در صورت برخورداری مؤسسات آموزشی و پژوهشی از گروه‌های بررسی اخلاق پژوهش، آنها می‌توانند در تمامی مراحل پژوهش، پژوهشگران را از حمایت، مشاوره، نظارت و تعامل مستمر با خویش بهره‌مند کنند. اگرچه این گروه‌ها نقش مهمی برای نظارت و مشاوره نسبت به مسائل و موضوعات اخلاقی قابل پیش‌بینی در فعالیت‌های پژوهشی دارند، اما چالش برانگیزترین حوزه فعالیت آنها ناظر به موضوعات و مسائل اخلاقی نوظهور در طی فرآیند پژوهش است. پژوهشگران از راهبردهای متعددی برای مدیریت و هدایت چالش‌های اخلاقی خود بهره می‌برند. راهبردهای مورد استفاده آنان برای اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی ممکن است به ابعاد چهارگانه فوق نزدیک شود، هرچند این تأملات اخلاقی می‌تواند چندان روشن و آگاهانه نباشد. بنابراین مورد توجه قرار دادن این جنبه‌های مختلف در ارزیابی اخلاقی، تأملات اخلاقی پژوهشگران را تصریح و تدقیق می‌کند. آنان می‌توانند ادعا کنند که چالش‌های اخلاقی پدیدار شده در پژوهش‌ها وابسته به شرایط و موقعیت‌ها است، در حالی که آموزه‌های برگرفته از این ابعاد چهارگانه برای اتخاذ تصمیم‌های اخلاقی بسیار کلی و عمومی است. همین ادعای ایشان مؤید آن است که این آموزه‌های کلی و عمومی،

اگرچه مختص به شرایط و موقعیت‌های خاص پژوهشی آنان نیست، اما دست کم می‌تواند به عنوان چراغ راهی بعضاً غیرالزام‌آور، پژوهشگران را در ارزیابی اخلاقی خود یاری رساند، آنچنان که بتوانند از این تصمیم‌ها دفاع کرده و آن را موجه نمایند (Wiles 2013, 21-23).

پرسش‌های فصل پنجم:

۱. ابعاد چهارگانه مؤثر بر ارزیابی‌های اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی را معرفی کنید.
۲. هنجارهای تخصصی و حرفه‌ای در زمینه‌های علمی متفاوت به چه نحوی بر ارزیابی‌های اخلاقی مان در فعالیت‌های پژوهشی مؤثر واقع می‌شود.
۳. نظریه‌ها و اصول اخلاقی به چه نحوی بر ارزیابی‌های اخلاقی مان در فعالیت‌های پژوهشی مؤثر واقع می‌شود.
۴. نظارت اخلاقی گروه‌ها یا کمیته‌های بررسی اخلاق پژوهش به چه نحوی بر ارزیابی‌های اخلاقی مان در فعالیت‌های پژوهشی مؤثر واقع می‌شود.
۵. نظارت حقوقی و ملاحظات قانونی به چه نحوی بر ارزیابی‌های اخلاقی مان در فعالیت‌های پژوهشی مؤثر واقع می‌شود.

فصل ششم: معیارهای هنجارین نهاد علم در فعالیت‌های پژوهشی

۶- ۱. مقدمه

در این فصل ابتدا به معرفی آرای دو نظریه پرداز حوزه مطالعات اجتماعی علم، رابرت مِرتون و دیوید رزنیك می‌پردازیم که از منظری جامعه‌شناختی، هنجارها و معیارهای اخلاق علم را مورد مطالعه قرار داده‌اند. سپس معیارهای معرفی شده توسط رزنیك را به عنوان معیارهای اخلاق علم بر می‌شماریم و به تفصیل بررسی خواهیم کرد. مهم‌ترین دستاورد آشنایی با چنین معیارهایی آن است که محققان آن‌ها را در انجام فعالیت‌های پژوهشی خود به عنوان رهنمودهایی کلی مد نظر قرار می‌دهند تا فرآیند پژوهش خود را به نحوی اخلاقی به ثمر برسانند. در اینجا لازم میان «علم» (یا محتوای علم) و «نهاد علم» تمایز مهمی را مشخص کرد. محتوای علم، مجموعه‌ای از دعاوی معرفتی تقویت شده است که معیار ارزیابی آن مطابقت یا عدم مطابقت با امر واقع است؛ هیچ یک از دعاوی متعلق به محتوای علم نباید آگاهانه به غرض‌ورزی‌های، تعصبات و سوگیری‌های شخصی و عرفی آلوده شود، چرا که در این صورت شرط انطباق با امر واقع را از دست خواهد داد. اما نهاد علم، امری اجتماعی است که دربردارنده نقش‌آفرینی تمامی کنشگران در قلمرو علم است؛ رفتارهای دانشمندان و محققان، مؤسسه‌های سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری در حوزه علم، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی، بنگاه‌های تأمین‌کننده و تخصیص‌دهنده بودجه‌های علمی و مواردی از این دست، نهاد علم را شکل می‌دهند. در این فصل، معیارهای هنجارین نهاد علم در فعالیت‌های پژوهشی را بحث و بررسی می‌کنیم و بر این اساس هر جا سخن از علم می‌شود، منظور نهاد اجتماعی علم است.

از منظر مطالعات اجتماعی، نهاد اجتماعی علم از فرهنگ مستقل، باورها، ارزش‌ها و معیارهای خاص خود تشکیل شده است. این معیارها با تعیین الگوهای اخلاقی و تخصصی مجاز و پذیرفتنی کنش و منش افراد وابسته به این نهاد، به اعضای آن می‌گویند چه چیز مرجح، مقبول، پسندیده و مجاز است. مطابق با چنین دیدگاهی، نهاد علم واجد مجموعه مشخصی از هنجارها و ارزش‌هاست که هدف اصلی علم، یعنی توسعه دانش، آن را تأیید می‌کند و مشروعیت می‌بخشد. بر این اساس، ملاحظات نظری و عملی کنشگران، پژوهشگران و حرفه‌مندان در قلمرو علم به اخلاق پژوهش، خود به مثابه یکی از الزامات نهاد علم محسوب می‌شود و این گونه نیست که اخلاق به عنوان عنصری بیرونی به نهاد اجتماعی علم الصاق شده باشد. اخلاق علم و به عبارتی دقیق‌تر اخلاق نهاد اجتماعی علم با مجموعه‌ای از اصول اخلاقی و الزامات نهادی همراه است که به موجب آن پیروی‌کنندگان و نقض‌کنندگان آن به ترتیب پاداش‌ها یا مجازاتی را دریافت می‌کنند. بنابر این، تخطی از این الزامات نهادی در هر یک از مراحل فعالیت‌های علمی و پژوهشی به معنای تخطی از اخلاق پژوهش خواهد بود. فراگیری اخلاق پژوهش در میان کنشگران، پژوهشگران و حرفه‌مندان

در قلمرو علم، متضمن وجود قواعد، ارزش‌ها و باورهای مشترک در کنار همکاری‌های پژوهشی و دیگر الزامات نهادی علم است. بنابراین مطالعه و بررسی مسائل و موضوعات اخلاق پژوهش ذیل دو رویکرد فردگرایانه و سازمانی قابل تصور است. در مورد اول، اخلاق پژوهشگران به عنوان شخصیت حقیقی و فردی مورد توجه قرار می‌گیرد و به طور مستقیم مسئولیت اخلاقی در فرآیند پژوهش متوجه شخص پژوهشگر می‌شود. این در حالی است که در رویکرد سازمانی، مسئولیت‌های اخلاقی مؤسسه‌ها و نهادهای پژوهشی مورد تأکید قرار می‌گیرد (اخلاصی و رستگار ۱۳۹۸، ۱۲-۱۴).

هنجارهای اخلاقی نزد رابرت مرتون و دیوید رزینیک رابطه مستقیمی با تعریف آن‌ها از علم و ماهیت آن دارد. بنابر این با وجود اختلاف نظر آنان درباره ماهیت علم، هر دو بر این مهم اتفاق نظر دارند که تحقق اخلاق در پژوهش‌های علمی برای دستیابی به اهداف علمی بسیار سودمند و تعیین کننده است. اگر چه از سویی، مرتون علم را نهاد اجتماعی نظام‌مندی معرفی می‌کند که دارای مجموعه متمایزی از آداب نهادینه شده خاصی است که از نظر اخلاقی، اعمال اقتدار می‌کند، و از سویی دیگر، رزینیک علم را به مثابه حرفه‌ای برمی‌شمرد که از هنجارهای اخلاق حرفه‌ای به‌خصوصی برخوردار است که بر کارکرد علم تأثیر مثبت می‌گذارد، اما در نهایت هر دو بر این باورند که تحقق اخلاق در پژوهش‌های علمی برای کارکرد علم و توسعه آن شرطی لازم است. به بیانی دیگر، مرتون رفتار اخلاقی را ذاتی علم برمی‌شمرد و تبعیت از هنجارهای اخلاقی را برای تحقق اهداف نهادی علم سودمند معرفی می‌کند و رزینیک معیارهای اخلاقی را برای تحقق اهداف علم ضروری و رعایت آن‌ها را شرط تداوم اعتماد میان محققان (به مثابه حرفه‌مندان علم) و جامعه تعریف می‌کند. از دیدگاه ایشان، در شرایطی که بی‌اخلاقی دامن گیر قلمرو پژوهش‌های علمی شود، نهاد علم (از دیدگاه مرتون) یا حرفه علم (از دیدگاه رزینیک) و موسسات علمی و پژوهشی قادر به تحقق اهداف خود نیستند و با ناکامی‌های نهادی و حرفه‌ای متعدد مواجه خواهند شد (ودادهیر، ابوعلی و همکاران ۱۳۸۷، ۱۴-۱۵).

۶-۲. معیارهای هنجارین نهاد علم از دیدگاه مرتون

یکی از اولین چارچوب‌های مفهومی برای تنظیم قواعد اخلاقی و هنجارهای در علم توسط رابرت مرتون ارائه شد. از دیدگاه مرتون علم جدید، یک نهاد اجتماعی مستقل است که هدفش توسعه دانش تأیید شده است و به نحوی که این توسعه علمی خطی و انباشتی، محصول عمل جمعی، مداوم و تاریخی دانشمندان و محققان است. نهاد اجتماعی علم، از جامعه‌پذیری، نظارت اجتماعی، و نظام پاداش و تنبیه خاص خود

برخوردار است. در این الگو، دانشمندان و محققان به عنوان کنشگران اجتماعی، در جامعه علمی براساس هنجارها و قواعد معینی عمل می کنند که مرتون آن ها را ساختار هنجاری علم یا اخلاقیات علم می نامد. اخلاقیات علم، متضمن هنجارها و ارزش های الزام آور برای دانشمندان و محققان است. این الزام ها به شکل تجویزها، ممنوعیت ها، ترجیحات، و اجازه ها نمود یافته و بر اساس ارزش های نهادی مشروعیت می یابد. از دیدگاه مرتون، در نهاد علم میان علایق روش شناختی و اخلاقی پیوندی ناگسستنی وجود دارد، چرا که الزام های نهادی یا هنجارهای علم هم دربردارنده ابزارهای فنی است و هم الزام های اخلاقی. در نظر مرتون رعایت اخلاقیات علم و هنجارها، برای تولید و تکوین علم ضروری است و نادیده گرفتن و تخلف از آن ها به وسیله کنترل اجتماعی (یعنی نظارت جامعه علمی)، مقابله می شود. صورتبندی اولیه مرتون از هنجارهای علم به طور خلاصه CUDOS معرفی می شود و عبارتند از: (C) اشتراک گرایی^۱ (عمومی بودن علم)؛ (U) عام گرایی^۲ (داوری داعیه های علمی با معیارهای غیر شخصی)؛ (D) بی غرضی^۳ (جست وجوی علم برای علم)؛ (O) اصالت^۴ (ارائه پژوهش های اصیل)؛ (S) شک گرایی^۵ (بررسی دقیق اعتبار روش ها و نتایج). مرتون پس از این صورتبندی، مواردی دیگر را به هنجارهای علم اضافه نمود که از آن با عنوان توسعه یافته CUDOSHUR یاد می شود: (Hu) تواضع و فروتنی^۶ (مراعات تواضع و فروتنی در ارائه نتایج) و (R) رسمیت بخشی^۷ (به رسمیت شناختن تلاش های علمی) (ربانی و همکاران ۱۳۹۰، ۱۳-۱۴). در ادامه تلاش می شود که به طور مختصر هر یک از معیارهای اخلاقی مذکور معرفی شود.

۶-۳. معیارهای هنجارین مرتون در بوته نقد

با وجود استقبال گسترده از هنجاری مرتونی در علم میان محققان، اما انتقاداتی جدی نیز به معیارهای اخلاقی وی وارد شده است. یان. ای میتروف با انجام یک مطالعه تجربی تلاش کرد نظریه مرتون درباره الزام های نهادی علم یا همان هنجارهای علم را با مجموعه ای از ضد هنجارهای علم مقابله کرد و مناسبات میان این دو را به صورت تجربی آزمون نمود. او بدین طریق می خواهد جنبه ذهنی علم را آشکار کند و برخلاف مرتون، نشان می دهد که هنجارها و فرآیندهای جامعه علمی فقط واجد جنبه عینی نیستند. از نظر میتروف علاوه بر

¹ Communism

² Universalism

³ Disinterestedness

⁴ Originality

⁵ Skepticism

⁶ Humility/Modesty

⁷ Recognition

هنجارهای مرتونی، مجموعه متعارض آنها هم در تصمیم‌گیری‌ها و جهت‌گیری‌های دانشمندان تأثیر دارند. مثلاً او در مقابل عام‌گرایی از خاص‌گرایی و استناد به معیارهای شخصی و در مقابل اشتراک در تملک دستاوردهای علمی، از مخفی کردن یافته‌های علمی نام می‌برد. به نظر او کنش علمی بر اساس این دو مجموعه متعارض هنجارها، صورت می‌گیرد و هر دو برای رشد علمی دارای الزام کارکردی هستند. از این رو، هر دو مجموعه هنجارهای مرتون و ضدهنجارهای میتروف را می‌توان برای توصیف و ارزیابی اخلاق در پژوهش و برای تجویز رفتارهای حرفه‌ای درست و پذیرفتنی به کار گرفت، اما لازم به یادآوری است که صرف به کارگیری این معیارهای اخلاقی ثابت نمی‌کند که آنها هنجارهای برآمده از نهاد علم هستند (ودادهیر و همکاران ۱۳۸۷، ۷-۱۲).

دیدگاه نقادانه دیگر به هنجارهای اخلاقی مرتون از طرف مایکل مولکی مطرح شد. از دیدگاه وی، توسعه علم نتیجه تعهد محققان و دانشمندان به هنجارهای در علم از نظر مرتون نیست. ملاحظات مولکی را می‌توان در گزاره‌های ذیل خلاصه کرد: (۱) بین آنچه دانشمندان می‌گویند (ادعا می‌کنند) و آنچه آنان در عمل انجام می‌دهند، تمایز وجود دارد؛ (۲) دلایل و شواهد منسجمی وجود ندارد دال بر این که اعمال محققان و دانشمندان از این هنجارها تبعیت و حمایت می‌کند؛ (۳) هنجارهای مرتون، مختص علم نیست و در عمل به اندازه‌ای که به وسیله گروه‌بندی‌های خاص تحقیق انجام می‌شوند، محتوا و معنای متفاوتی می‌یابند؛ (۴) زمانی می‌توان هنجارهای مورد نظر مرتون را نهادی تلقی کرد که به طور منظم تخطی از آنها مجازات و تبعیت از آنها پاداش به دنبال داشته باشد؛ (۵) هنجارهای علم را نبایستی مبنای صریح الزام‌های اجتماعی دانست که رفتارهای محققان و دانشمندان عموماً با آنها هم‌نوا هستند، بلکه این هنجارها در حکم فهرست‌های منعطفی هستند که توسط محققان در تلاش‌هایشان برای هم‌نوا شدن بر سر معانی مناسب کارهای خود آنان و دیگران، در زمینه‌های مختلف به کار برده می‌شود (ودادهیر و همکاران ۱۳۸۷، ۷-۱۲).

۶- ۴. معیارهای هنجارین نهاد علم از دیدگاه رزینیک

در حالی که مرتون بر ماهیت نهادی علم تأکید می‌کند، رزینیک علم را به مثابه حرفه در نظر می‌گیرد و محققان را حرفه‌مندان آن معرفی می‌کند. از نظر رزینیک، علم، حرفه‌ای است که افراد درگیر در آن به منظور توسعه معرفت، غلبه بر جهل و حل مسائل علمی با همدیگر همکاری می‌کنند. وی حوزه مطالعات اخلاق را همان معیارهای رفتار اخلاقی یا هنجارهای اجتماعی تعریف می‌کند که رفتارهای انسانی را تجویز، تشویق و هدایت می‌کنند. از نظر وی، معیارهای رفتار اخلاقی، مبنای رفتارهای واقعی افراد نیستند، چرا که مردم

اغلب در سطح گسترده‌ای از معیارهای رفتار مقبول و توصیه‌شده اجتماعی تخطی می‌کنند (ودادهیر و همکاران ۱۳۸۷، ۱۲-۱۴).

رزنیک باور دارد اخلاق مشتمل بر معیارهای رفتاری است که ناظر بر رفتار افرادی است که یک شغل یا نقشی حرفه‌ای را ایفا می‌کنند، و شخصی که وارد یک حرفه می‌شود متعهد به انجام یک سلسله وظایف و تکالیف اخلاقی است. این تعهد در افراد حرفه‌ای بدین خاطر ایجاد شده است که جامعه به آنان در خصوص تدارک و ارائه کالاها و خدمات ارزشمند و مطلوب اعتماد کند و کالاها و خدمات به‌نحوی مطلوب تهیه نمی‌شود مگر این که رفتار افراد حرفه‌ای، منطبق بر معیارهای اخلاقی و حرفه‌ای خاصی باشد، و آن دسته از افراد حرفه‌ای که در این امر کوتاهی کنند به اعتماد جامعه خیانت می‌کنند. بر این اساس، رزنیک با تلقی علم به‌مثابه حرفه‌ای که دارای اخلاق حرفه‌ای خاص خود است، دوازده اصل یا معیار برای رفتار اخلاقی نزد دانشمندان و محققان برمی‌شمرد. این معیارهای اخلاقی در حکم نسخه‌هایی برای رفتار اخلاقی محققان هستند که فرآیند شناخت و انجام کار علمی در صورت انطباق با آن‌ها تسهیل می‌شود و پیروی از آن‌ها افزون بر تأثیرگذاری مثبت بر کارکرد علم، اعتماد اجتماعی نسبت به علم و اصحاب علم را نیز افزایش می‌دهد. در ادامه، معیارهای دوازده‌گانه اخلاقی رزنیک درباب پژوهش‌های علمی معرفی و به تفصیل بحث و بررسی خواهد شد (رزنیک ۱۹۹۵، ۹۷-۱۲۶):

(۱) **صداقت**^۱: دانشمندان و محققان نباید داده‌ها یا نتایج را جعل، تحریف و یا آن‌ها را اشتباه تفسیر کنند. آنان باید در همه ابعاد فرآیند پژوهش افرادی عینی‌گرا، بی‌طرف و صادق باشند.

این اصل مهم‌ترین قاعده در عرصه نهاد علم است، زیرا اگر از این اصل تبعیت نشود، دستیابی به اهداف علم امکان‌پذیر نخواهد بود. صداقت، همکاری و اعتماد لازم برای پژوهش علمی را افزایش می‌دهد. محققان بایستی به یکدیگر اعتماد کنند، چرا که اگر صادق نباشند، این اعتماد از میان خواهد رفت. برای آگاهی نسبت به ماهیت بی‌صدافتی در نهاد علم باید میان صداقت نداشتن و اشتباه کردن^۲ تمایز قائل شد. اگر چه بی‌صدافتی و اشتباه ممکن است عواقب مشابهی به‌دنبال داشته باشد، اما از انگیزه‌های کاملاً متفاوتی سرچشمه می‌گیرد؛ اقدامی که ناشی از بی‌صدافتی باشد همواره متضمن قصد و غرض قبلی برای فریب دادن مخاطبی است که به‌حق انتظار راست‌گویی دارد. فریبکاری^۳ هنگامی رخ می‌دهد که فردی دروغ بگوید، اطلاعات را پنهان کند، یا آن‌ها را بد ارائه کند.

^۱ honesty

^۲ error

^۳ deception

انواع مختلفی از بی‌صدافتی علمی به تولید و تحلیل داده‌ها مربوط می‌شود. برخی از آن‌ها عبارتند از جعل^۱، تحریف^۲، کژنمایی^۳، مبالغه^۴، و هجو^۵؛ (۱) جعل هنگامی رخ می‌دهد که محققان داده‌هایی را از خود بسازند؛ (۲) تحریف در صورتی بروز می‌کند که محققان داده‌ها یا نتایج را تغییر دهند؛ (۳) کژنمایی وقتی صورت می‌پذیرد که محققان در گزارش داده‌ها یا نتایج راستگو یا منصف نباشند. رایج‌ترین اشکال کژنمایی شامل بریده‌کاری^۶، سرهم‌بندی^۷، و دستکاری^۸ است. منظور از بریده‌کاری مطالب، زمانی است که محققان از گزارش کردن نتایجی که فرضیه‌های آن‌ها را تأیید نمی‌کند سر باز می‌زنند. اگر محققان قصدمندانه تلاش نمایند نتایج را آن‌گونه نشان دهند که بهتر از نتایج واقعی باشد، آنان دچار سرهم‌بندی مطالب شده‌اند. دستکاری مطالب وقتی رخ می‌دهد که محققان سنجش‌ها یا آزمایش‌ها را چنان طرح‌ریزی می‌کنند و نتایجی حاصل شود که به دلایلی موجه گمان کنند آن‌ها نتایجی مثبت هستند، و یا از انجام سنجش‌ها و آزمایش‌هایی که احتمالاً نتایج منفی به بار می‌آورد اجتناب بورزند. (۴) مبالغه نیز شکلی از بی‌صدافتی است و زمانی رخ می‌دهد که محققان به قصد کسب جایگاه اجتماعی، سیاسی، یا اقتصادی خاصی در بیان اهمیت علمی فعالیت پژوهشی خود اغراق کنند. (۵) هجو نیز نوع دیگری از بی‌صدافتی علمی را آشکار می‌کند. محققان گاهی اوقات در تعاملات روش‌مند علمی، جایگاه موضوع یا دستاوردی پژوهشی و حتی حوزه‌ای مطالعاتی را به‌طور نامنصفانه‌ای به چالش می‌کشند و به هجو زبان خاص آن موضوع یا دستاورد پژوهشی یا حوزه مطالعاتی می‌پردازند. این رفتار حتی اگر با قصدی خیرخواهانه و برای آشکار کردن خطایی پژوهشی صورت بگیرد، به‌خاطر آن که اعتماد عمومی به فعالیت‌های پژوهشی را خدشه‌دار می‌کند، رفتاری شایسته نیست.

(۲) **دقت**^۹: دانشمندان و محققان باید در پژوهش و به‌ویژه ارائه نتایج از اشتباه پرهیز کنند. آنان باید خطاهای آزمایشی، روش‌شناختی و نیز خطاهای انسانی را به حداقل برسانند و از خودفریبی^{۱۰}، سوگیری^{۱۱} و تعارض منافع^{۱۲} پرهیزند.

¹ fabrication

² falsification

³ misinterpretation

⁴ exaggeration

⁵ parody

⁶ trimming

⁷ cooking

⁸ fudging

⁹ carefulness

¹⁰ self-deception

¹¹ bias

¹² conflicts of interest

این معیار همانند صداقت به پیش‌برد اهداف نهاد علم و روند پژوهش کمک می‌کند، چرا که اشتباه‌های ناشی از بی‌دقتی یا کم‌دقتی نیز به اندازه دروغ‌های علنی مانع پیشرفت و توسعه اهداف نهاد علم می‌شوند. بی‌دقتی عیناً معادل بی‌صداقتی نیست، چرا که آن را نمی‌توان به‌نحوی قصدمندانه برای فریب دیگران تلقی کرد. مسئله دقت در ارتقای سطح همکاری و اعتماد میان دانشمندان و محققان و استفاده کارآمد از منابع علمی نیز دارای اهمیت است، زیرا محققان به‌هنگام بهره‌مندی از دستاوردها و آثار پژوهشی دیگران معمولاً فرض را بر معتبر بودن آن پژوهش می‌گذارند، چرا که بازبینی و خطایابی تمامی پژوهش‌هایی که محقق یا محققان استفاده می‌کنند، آسان نیست. در پژوهش‌های کاربردی، پزشکی و مهندسی، اشتباه‌های ناشی از بی‌دقتی می‌تواند آسیب‌های فراوانی به‌دنبال داشته باشد، زیرا دستاوردهای چنین پژوهش‌هایی ممکن است در زمان کوتاهی عملیاتی شود و افراد جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. بنابر این وقتی محقق متوجه خطا یا اشتباه در اثر پژوهشی خود یا دیگران می‌شود بایستی در اولین زمان ممکن آن را به اطلاع جامعه علمی برساند. خطاهای ناشی از کم‌دقتی یا بی‌دقتی در فعالیت‌های پژوهشی اشکال مختلفی دارد که سه شکل معمول آن عبارتند از:

الف) خطاهای آزمایشی^۱: خطاهای مربوط به آزمایش به کاربرد ابزارهای علمی در گردآوری داده‌ها مربوط می‌شود. اگر چه برخی از ابزارهای سنجش، دقیق‌تر و قابل اعتمادتر از دیگر ابزارها هستند، اما به هر حال تمامی ابزارها با یک سری اختلال‌ها، تحریف‌ها یا نتایج نادرست همراه هستند. رویه معمول در تمامی رشته‌های علمی این است که به‌هنگام گزارش داده‌ها و نتایج، این خطاها را لحاظ و گوشزد می‌کنند.

ب) خطاهای روش‌شناختی^۲: خطاهای مربوط به روش به تفسیر و تحلیل داده‌ها، با استفاده از روش‌های آماری و یا به‌کار بستن پیش‌فرض‌ها و سوگیری‌های نظری در استنتاج مربوط می‌شود. گاهی اوقات روش‌های آماری مورد استفاده توسط محقق ممکن است نتایج بسیار گمراه‌کننده‌ای را به‌بار آورد، بنابر این استفاده از شیوه‌های آماری مناسب برای هر حوزه پژوهش یا ویژگی‌های خاص مسئله مورد پژوهش، از اهمیت بسیاری برخوردار است. هم‌چنین استفاده از پیش‌فرض‌ها و سوگیری‌های نظری ممکن است به بروز اشتباه‌هایی مبنایی در فرآیند پژوهش بیانجامد که محققان بایستی پیوسته به این پیش‌فرض‌ها و سوگیری‌ها نگاهی موشکافانه و حتی نقادانه داشته باشند.

^۱ experimental errors

^۲ methodological errors

ج) خطاهای انسانی^۱: خطاهای انسانی همان اشتباه‌هایی هستند که محققان در هر مرحله از فرآیند پژوهش ممکن است درگیرش شوند، به عنوان مثال در حین استفاده از ابزارها، محاسبه کردن، گردآوری و ثبت داده‌ها، استنتاج کردن، نگارش گزارش یا مقاله‌ای از دستاوردهای پژوهشی و مواردی از این نوع. پدیده‌ای که در عرصه نهاد علم خودفریبی نام گرفته است، عموماً ناشی از تلفیق خطاهای آزمایشی، روش‌شناختی، و انسانی است. در پدیده خودفریبی، محققان خود را درباره اعتبار و یا معنی‌دار بودن نتایج آزمایش‌ها می‌فریبند. بنابر این محققان بایستی در تمامی مراحل انجام پژوهش، روحیه‌ای نقادانه، شکاکانه، و موشکافانه به فرآیند پژوهش خود داشته باشند و با ساده‌نگری، زمینه‌ای برای بروز تهدیدهای ناشی از خطاهای آزمایشی، روش‌شناختی و انسانی مهیا نکنند. یکی از مهم‌ترین امکانات پیشگیری از خودفریبی و دیگر خطاهای ناشی از کم‌دقتی یا بی‌دقتی علمی، مشارکت دادن دیگر محققان صاحب‌نظر در فعالیت‌های پژوهشی فردی یا گروهی است، چرا که از طریق بازبینی هر مرحله از فعالیت‌های پژوهشی توسط دیگر محققان، فرصت بروز خطاهای پژوهشی مذکور کم‌رنگ‌تر می‌شود. مشارکت علمی دیگر صاحب‌نظران آن‌چنان دارای اهمیت است که معیاری بعدی اخلاق در پژوهش را زمینه‌سازی می‌کند که از آن با عنوان گشودگی نام‌برده می‌شود.

۳) گشودگی^۲: دانشمندان و محققان باید داده‌ها، نتایج، ایده‌ها، شیوه‌ها، و ابزارها را به اشتراک بگذارند. آنان باید این امکان را برای دیگر محققان صاحب‌نظر فراهم آورند که کار آنان را بازبینی کنند و در برابر ملاحظات نقادانه و ایده‌های جدید با گشودگی برخورد کنند.

معیار گشودگی این امکان را برای محققان فراهم می‌کند تا فعالیت‌ها و دستاوردهای پژوهشی هم‌تایان خود را نقد و بررسی کنند و این مهم برای پیش‌برد اهداف نهاد علم و توسعه علمی بسیار مؤثر است؛ بر این اساس، نظام هم‌تادآوری منوط به اصل گشودگی است. افزون بر این، گشودگی مانع از این می‌شود که نهاد علم و توسعه علمی، ساختاری جزمی، غیرنقادانه، و جانبدارانه بیابد. هم‌چنین این معیار از طریق ایجاد فضایی سرشار از همکاری و اعتماد در عرصه نهاد علم و امکان بهره‌برداری مؤثر محققان از منابع موجود به توسعه علم یاری می‌رساند. بر این اساس، گسترش مرزهای علم و کارآمدی دستاوردهای علمی به‌شدت وابسته به همکاری‌های علمی، به‌اشتراک‌گذاری داده‌ها، منابع و پایگاه‌های پژوهشی و هم‌چنین برقراری پیوستاری میان دستاوردهای جدید و سرمایه‌های علمی پیشین است.

¹ human errors are

² Openness

اگر چه گشودگی، معیار بسیار مهمی در فعالیت‌های پژوهشی است، اما تحت برخی از شرایط می‌توان استثنائاتی را نسبت به این مهم توجیه کرد. به عنوان مثال، بسیاری از محققان برای محافظت از پژوهش‌هایی که در حال اجراست از ارائه داده‌ها، یافته‌های موجود و مواردی از این نوع پرهیز می‌کنند. این اجتناب بدین خاطر است که محققان نمی‌خواهند با تعجیل در ارائه و به اشتراک گذاری اطلاعات تحقیقات در حال اجرا، اسرار حرفه‌ای، فرآیند پژوهش یا جایگاه علمی خود را تحت تأثیر پیامدهای منفی قرار دهند. لازم با یادآوری است که در چنین مواردی، پوشیدگی اطلاعات پژوهش، یک استثناء است و نه یک قاعده.

۴) آزادی^۱: دانشمندان و محققان باید آزاد باشند تا درباره هر مسئله یا فرضیه‌ای تحقیق کنند. باید به آنان اجازه داده شود ایده‌های جدید را پیگیری و ایده‌های پیشین را نقد کنند.

معیار آزادی دستکم به چهار دلیل می‌تواند به توسعه علمی و تحقق اهداف نهاد علم بیانجامد: الف) طرح ایده‌های جدید: معیار آزادی این امکان را برای محققان فراهم می‌کند که ایده‌های جدید را پیگیری و درباره مسائل جدید تحقیق کنند و از این طریق در بسط و توسعه دانش نقش به‌سزایی دارد. ب) خلاقیت علمی: آزادی فکری، خلاقیت علمی را ممکن می‌سازد. در محیط‌های جزمی و استبدادی، محققان نمی‌توانند پژوهش‌های خود را به سوی برخی زمینه‌های خاص هدایت کنند. در چنین شرایطی، دامنه پژوهش‌های علمی محدود می‌شود و خلاقیت علمی امکان تحقق نمی‌یابد.

ج) نقد ایده‌های پیشین: معیار آزادی می‌تواند امکان نقد و به چالش کشیدن ایده‌ها و پیش‌فرض‌های علمی پیشین را برای محققان میسر سازد و بدین طریق توسعه علمی را از رکود و جزم‌اندیشی‌های رهایی بخشد. د) تثبیت هنجارهای اخلاقی: هنجارهای اخلاقی، مبنایی مهم برای تحقق آزادی در فعالیت‌های پژوهشی فراهم می‌آورد، چرا که آزادی در پژوهش مستلزم آزادی اندیشه، بیان و عمل است.

ممکن است استدلال شود که تحت شرایط خاصی اعمال محدودیت‌هایی جزئی بر آزادی موجه است، چرا که آزادی بدون قید و شرط در فعالیت‌های پژوهشی می‌تواند به پیامدهایی غیراخلاقی بیانجامد. در اینجا بایستی میان محدودسازی اقدامات، محدودسازی بودجه، و محدودسازی نشر، و محدودسازی اندیشه تمایزی جدی قائل شد و چنین محدودیت‌های را موشکافانه بررسی کرد.

اول این که اکثر پژوهش‌ها مستلزم اقداماتی از سوی محققان هستند که این اقدامات بایستی مشخص، محدود و قابل نظارت باشد تا از آسیب رساندن به آزمودنی‌های پژوهشی و جامعه یا تضییع حق آنان جلوگیری کرد. محدودیت‌هایی که منجر به حفاظت از آزمودنی‌های پژوهشی و جامعه می‌شود، برخی

¹ freedom

دیگر از معیارهای هنجارین نهاد علم را تحقق می‌بخشد. بنابر این، نه تنها چنین محدودیت‌هایی مانع و سدی در برابر آزادی نیستند، بلکه به تحقق و تقویت سایر هنجارهای نهاد علم یاری می‌رساند.

دوم این که اکثر پژوهش‌ها نیازمند سرمایه‌های هنگفت یا حتی جزئی هستند که دانشمندان و محققان آن‌ها را از دولت، شرکت‌های تجاری، موسسات خصوصی، دانشگاه‌ها یا سایر سازمان‌ها دریافت می‌کنند. این وابستگی اقتصادی می‌تواند محدودیت‌هایی سیاسی و اجتماعی را برای محققان و فعالیت‌های پژوهشی آنان به دنبال داشته باشد. تأمین بودجه امتیازی است که به محققان برای انجام طرح‌های پژوهشی‌شان اعطا می‌شود و نه حق ذاتی آنان؛ بنابر این، محققان نمی‌توانند از نظر قانونی مدعی شوند که بر تأمین بودجه تحقیقات مورد علاقه‌شان اختیار تام دارند. با این حال، محققانی که نمی‌توانند بودجه مورد نیاز برای تحقیق خود را فراهم آورند، از این انتخاب برخوردارند که در آینده برای تأمین بودجه پژوهشی خود تلاش نمایند. بر این اساس، برای محققان فقدان تأمین بودجه، توجیهی بر محدود کردن آزادی آنان در فعالیت‌های پژوهشی‌شان نخواهد بود.

سوم این که اگر چه محدودسازی نشر دستاوردهای علمی می‌تواند تأثیرات زیان‌بخشی بر توسعه علمی وارد کند، اما همیشه محدودسازی در نشر دستاوردهای علمی ناموجه نیست. به عنوان مثال، پژوهش‌هایی که مرتبط با امنیت ملی یک کشور است و یا پژوهش‌هایی که پیامدهای اجتماعی و اخلاقی نامطلوبی بر جامعه به دنبال دارد، نمی‌توانند ذیل معیار آزادی در قلمرو نهاد علم توجیه شوند. در اینجا، بایستی تأکید کرد که مسئله آزادی در پژوهش اغلب مستلزم آن است که محققان و جامعه میان پیش‌برد دانش و دیگر اهداف اجتماعی توازن برقرار کنند.

۵) ارج‌گذاری^۱: ارج‌گذاری آنجایی باید ابراز شود که شایسته ارج است، نه آنجا که شایسته نیست.

اگر چه این معیار بر پیش‌برد اهداف نهاد علم و توسعه علمی به نحوی مستقیم تأثیر گذار نیست، اما موضوع ارج‌گذاری در جامعه علمی به محققان و دانشمندان انگیزه می‌دهد که در فعالیت‌های پژوهشی خود با افزایش همکاری و اعتماد نسبت به سایر محققان و دستیاران بر سر پاداش‌های علمی به‌طوری عادلانه رقابت کنند. پاداش‌های علمی عبارتند از تقدیر، احترام، منزلت، ثروت، و جایزه. اگر معیار ارج‌گذاری در عرصه نهاد علم فعال نباشد، ممکن است محققان در انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی خود از انگیزه چندانی برخوردار نباشند و حتی در به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات علمی حاصل از دستاوردهای پژوهشی خود تمایلی نشان ندهند و سرقت ایده‌هایشان احساس نگرانی کنند.

¹ credit

معیار ارج گذاری را می توان بر اساس دلایل اخلاقی نیز توجیه کرد: در چارچوب انصاف اخلاقی تمامی افراد از جمله محققان و دانشمندان بایستی در ازای دستاوردها و فعالیت های علمی شان تکریم شوند و پاداش بگیرند، چرا که به خیر عمومی برای جامعه می انجامد.

دو نمونه بسیار فراگیر از نقض اصل ارج گذاری دستبرد علمی یا انتحال^۱ و اعطای افتخاری عنوان مؤلف به دستاورس علمی است. انتحال زمانی رخ می دهد که فردی از طریق نقل قول، انتساب، یا بازگویی غیرمسئولانه مطلبی ایده های فکری فردی دیگر را به دروغ نظرات و دیدگاه های خود معرفی کند. هم چنین گاهی اوقات محققان به فردی که سهم به سزایی در دستاوردی پژوهشی ندارد، به صورت افتخاری عنوان مؤلف را اعطا می کنند. این رفتار غیراخلاقی می تواند به منظور جبران تلاش های سرپرست یک آزمایشگاه یا محقق ارشد، کمک به یک دوست یا همکار و یا ارتقاء اعتبار ظاهری دستاوردی پژوهشی باشد. این هر دو رفتار، ارج گذاری در جامعه علمی را مخدوش می کند و از نظر حرفه ای رفتاری غیراخلاقی است.

۶) آموزش: دانشمندان و محققان فعلی باید محققان آتی را آموزش دهند و اطمینان حاصل کنند که آنان علم خوب را چگونه انجام می دهند. هم چنین محققان و دانشمندان باید علم را به عموم افراد جامعه آموزش دهند و آنان را آگاهی بخشند.

آموزش شامل جذب دانشجویان و محققان، تدریس رسمی، آموزش حرفه ای و مربی گری است. جذب محققان برای گسترش برنامه های پژوهشی و توسعه دستاوردهای علمی از اهمیت بسیاری برخوردار است. هم چنین محققان و دانشمندان بایستی اندوخته های علمی و مهارت های پژوهشی خود را به دانشجویان و محققان آتی آموزش دهند تا از این طریق سرمایه های علمی و پژوهشی آنان به نسل های بعدی انتقال بیابد. آموزش حرفه ای نوعی آموزش غیررسمی است که مستلزم تقلید، تمرین و کارآموزی دانشجویان و محققان آتی است. این نوع آموزش دربردارنده فراگیری مهارت های مختلف و کسب درکی شهودی از فعالیت های علمی و پژوهشی است. آموزش حرفه ای بدین خاطر دارای اهمیت است که محققان و دانشمندان بسیاری از معلومات و مهارت ها و هنجارهای حرفه ای و ضمنی خود را به محققان جدید انتقال می دهند؛ این آموزه های ضمنی فراتر از مطالبی است که در کتاب های درسی و دوره های آموزشی ارائه می شود. افزون بر این، محققان و دانشمندان متعهد هستند که از طریق تألیفات و مقالات عمومی و یا حضور در رسانه های فراگیر و دیگر روش های مرسوم، در جهت آموزش و ترویج دستاوردهای پژوهشی خود به عموم افراد

^۱ plagiarism

^۲ education

خدمت نمایند. این گونه فعالیت‌های ترویجی نیز بخش مهمی از آموزش علم است، چرا که عموم مردم را از آموزه‌های نوین علمی بهره‌مند می‌کنند.

۷) مسئولیت اجتماعی^۱: دانشمندان و محققان باید از آسیب‌رساندن به جامعه بپرهیزند و تلاش کنند جامعه را منتفع سازند. آنان باید در قبال پیامدهای تحقیقات خود مسئول باشند و مردم را از این پیامدها آگاه نمایند. اندیشه اصلی نهفته در معیار مسئولیت اجتماعی این است که دانشمندان و محققان در مواجهه با جامعه مسئول هستند. این معیار متضمن آن است که دانشمندان و محققان بایستی پژوهش‌هایی را انجام دهند و در آن‌ها مشارکت کنند که از نظر اجتماعی ارزشمند و در خدمت خیر عمومی برای جامعه باشند. دستکم چهار دلیل برای لزوم مسئولیت‌پذیری محققان و دانشمندان در قبال تأثیرات اجتماعی پژوهش‌ها می‌توان برشمرد: الف) مسئولیت نسبت به پیامدهای پژوهش: اگرچه دانشمندان و محققان را نمی‌توان مسئول پیامدهای پیش‌بینی‌ناپذیر پژوهش‌ها تلقی کرد، اما آنان در مقابل پیامدهای (تا حد امکان) پیش‌بینی‌پذیر پژوهش‌هایشان مسئول هستند؛

ب) مسئولیت نسبت به خیر عمومی: محققان و دانشمندان از پیش از هر وابستگی سازمانی، عضوی از افراد جامعه هستند و نسبت به جامعه خود از وظایفی اخلاقی هم‌چون نیکوکاری، پرهیز از بدکاری و فایده‌مندی برخوردارند؛

ج) مسئولیت نسبت به فعالیت حرفه‌ای: از جمله وظایف حرفه‌ای دانشمندان و محققان منفعت‌رسانی به جامعه و پرهیز از آسیب‌رسانی به آنان است، چرا که از محققان و دانشمندان در مقام افرادی حرفه‌ای انتظار است کالاهای و خدمات اجتماعی ارزنده‌ای به جامعه عرضه کنند.

د) مسئولیت نسبت به نهاد علم: مسئولیت‌پذیری در قبال جامعه نهاد علم را نیز منتفع می‌کند، چرا که این موضوع با افزایش اعتماد و حمایت جامعه نسبت به نهاد علم همراه است.

۸) قانون‌مداری^۲: در فرآیند پژوهش، دانشمندان و محققان باید از قوانین مرتبط با حرفه خود پیروی کنند.

امروزه قوانین با بسیاری از ابعاد پژوهش ملازم هستند، از جمله می‌توان به قوانین مرتبط با استفاده از مواد خطرناک و کنترل‌شونده، آزمایش کردن روی آزمودنی‌های انسانی و حیوانی، دفع ضایعات، تخصیص بودجه، مالکیت فکری و حق ثبت اختراع اشاره کرد. اگرچه محققان و دانشمندان باید از قوانین پیروی کنند، اما این معیار، همانند سایر معیارها، می‌تواند از استثناهایی برخوردار باشد. در طول تاریخ توسعه نهاد

^۱ social responsibility

^۲ legality

علم، محدودیت‌های قانونی بعضاً به پیش‌برد دانش لطماتی وارد کرده است. مثلاً، در قرون وسطی، محدودیت‌های قانونی بسیاری بر تشریح جسد انسان اعمال می‌شد، و آنان که می‌خواستند درباره بدن انسان بیشتر بدانند مجبور بودند مخفیانه به تحقیقات بپردازند. هم‌چنین در روزگار گالیله، کلیسای کاتولیک آموزش نجوم بر اساس ایده‌های خورشیدمحور کوپرنیک را منع کرده بود. هر چند در برخی موارد نافرمانی مدنی برای خدمت به توسعه علمی توجیه‌پذیر است، اما مسئولیت اثبات درستی این نافرمانی بر عهده کسانی است که قصد دارند قانونی را نقض نمایند.

۹) فرصت^۱: فرصت استفاده از منابع علمی یا پیشرفت کردن در حرفه علمی نباید به ناحق از دانشمندان و محققان دریغ شود.

برای معیار فرصت می‌توان دلایل اخلاقی و سیاسی موجهی ارائه کرد: اگر فرد فرد اعضای جامعه محق هستند که فرصت‌ها به ناحق از آنان دریغ نشود، پس محققان و دانشمندان نیز (به منزله اعضای جامعه) باید از این فرصت‌ها برخوردار باشند. معیار فرصت آشکارا با معیار گشودگی شباهت دارد، چرا که این معیار جامعه علمی را به روی افراد و ایده‌های جدید می‌گشاید. علم باید در راستای برطرف کردن سوگیری‌ها و جزم‌اندیشی‌ها و برای دستیابی به دانش عینی، انواع فرضیه‌ها، ایده‌ها، رویکردها و روش‌ها را بررسی کند. این معیار دست کم دو سیاست علمی مهم را توجیه می‌کند:

الف) عدالت در بودجه‌های پژوهشی: سیاست تأمین بودجه در عرصه نهاد علم نباید آن‌چنان کلان یا نخبه‌گرا باشد که بسیاری از محققان شایسته را از فرصت‌های پژوهشی محروم کند. معیار فرصت حاکی از این است که در تأمین بودجه فعالیت‌های علمی باید بودجه عادلانه‌ای به فعالیت‌های پژوهشی محققان تعلق بگیرد.

ب) رهایی از نگرش‌های تبعیض‌آمیز: اگر چه گروه‌های حاشیه‌ای در جامعه هم‌چون زنان، معلولان، اقلیت‌های مذهبی و نژادی و مواردی از این نوع، برای به‌دست آوردن موقعیت‌های حرفه‌ای در عرصه نهاد علم، امروزه به‌طور نسبی از شرایط مناسب‌تری برخوردارند، اما هم‌چنان بی‌عدالتی‌های متعددی را نسبت به جذب محققان، تخصیص بودجه‌ها، و تقدیر از فعالیت‌های پژوهشی در این گروه‌های اجتماعی شاهد هستیم که نیازمند تغییر در نگرش‌ها و تحول در رفتارهای تبعیض‌آمیز جامعه علمی به این گروه‌های اجتماعی است.

۱۰) احترام متقابل^۲: دانشمندان و محققان باید با همکاران خود محترمانه رفتار کنند.

^۱ opportuni

^۲ mutual respect

معیار احترام متقابل برای دستیابی به اهداف نهاد علم و توسعه علمی دارای اهمیت است. اگر جامعه علمی بر اساس همکاری و اعتماد بنا نشود و رقابت کورکورانه و منفعت طلبانه‌ای میان محققان و دانشمندان شکل بگیرد، احترام متقابل میان آنان از بین می‌رود که حاصل آن فقدان همکاری و ظهور بی‌اعتمادی میان افراد و گروه‌های علمی و تحقیقاتی است. بدون تردید، فقدان احترام متقابل میان محققان و همکاران آنان به فروپاشی ساختار اجتماعی علم و اختلال در توسعه علمی می‌انجامد.

(۱۱) کارآمدی^۱: دانشمندان و محققان باید از منابع به‌طور کارآمدی استفاده نمایند.

با توجه به این که محققان و دانشمندان از منابع اقتصادی، انسانی و فناورانه محدودی برخوردارند، برای دستیابی به اهداف خود بایستی این منابع را هوشیارانه و با احتیاط به کار بگیرند. به عنوان مثال، گاهی پژوهشی را که می‌توان در یک مقاله ارائه به علت کسب اعتبارهای پژوهشی یا مالی یا مواردی دیگر، در قالب چندین مقاله مجزا ارائه می‌شود؛ این عمل منجر به انتشار مقالاتی مشابه با کمترین دستاوردهای پژوهشی می‌شود که به نوعی اتلاف در کارآمدی و ثمربخشی منابع علمی است.

(۱۲) احترام به آزمودنی‌ها^۲: وقتی دانشمندان و محققان از آزمودنی‌های انسانی در آزمایش‌های خود استفاده می‌کنند نباید حقوق یا کرامت آنان را نقض کنند. دانشمندان به‌هنگام استفاده از آزمودنی‌های غیرانسانی، هم‌چون حیوانات، در آزمایش‌های خود باید با احترام و دقتی که شایسته آنهاست برخورد کنند. اگر باور داشته باشیم که انسان‌ها به‌طور ذاتی از کرامت اخلاقی و حقوقی مبنایی برخوردارند، آنگاه محققان نباید هنگام مشارکت انسان‌ها در آزمایش‌های خود این کرامت و حقوق مبنایی آنان را نقض کنند. این موضوع درباره حیوانات و تمامی جانداران هم صادق است، چرا که آن‌ها نیز دارای حق حیات هستند و باید با احترام و دقتی شایسته در آزمایش‌های محققان مورد استفاده قرار بگیرند. هم‌چنین احترام به آزمودنی‌های انسانی و غیرانسانی به حمایت اجتماعی از نهاد علم نیز منجر می‌شود، زیرا حفظ کرامت انسانی و حق حیات جانداران در میان جوامع مختلف از جایگاه قابل توجهی نزد وجدان اجتماعی برخوردار است.

^۱ efficiency

^۲ respect for subjects

پرسش‌های فصل ششم:

۱. تفاوت میان مفاهیم علم و نهاد علم چیست؟ مسائل و چالش‌های اخلاقی ذیل کدام یک از این دو مفهوم تحقق می‌یابد.
۲. الگوی نهاد علم از دیدگاه مرتون را توضیح دهید و معیارهای هنجارین آن را از دیدگاه وی را معرفی کنید.
۳. نقدهای وارد بر معیارهای هنجارین نهاد علم را از دیدگاه مرتون را توضیح دهید.
۴. الگوی نهاد علم از دیدگاه رزنیک را توضیح دهید و معیارهای هنجارین آن را از دیدگاه وی را معرفی کنید.
۵. موقعیت‌هایی اخلاقی را مثال بیاورید که نقض هر یک از معیارهای هنجارین رزنیک، به کثرت‌فتری‌های اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی محققان و دانشمندان منجر شود.

فصل هفتم: اصول اخلاق پژوهش در تعامل با آزمودنی‌های انسانی

۷- ۱. مقدمه

در فصل پیش معیارهای هنجارین نهاد علم در فعالیتهای پژوهشی مبتنی بر نظرات رابرت مِرتون و دیوید رزنیك معرفی شد. آنچنان که اشاره شد، مهم‌ترین دستاورد آشنایی با چنین معیارهایی این است که محققان آن‌ها را در انجام فعالیتهای پژوهشی خود به عنوان رهنمودهایی کلی مد نظر قرار می‌دهند تا فرآیند پژوهش خود را به‌نحوی اخلاقی به ثمر برسانند. در این فصل به معرفی اصول اخلاق پژوهش در تعامل با آزمودنی‌های انسانی پرداخته می‌شود که اشتراک‌های قابل توجهی با معیارهای هنجارین نهاد علم دارد.

به‌طور کلی، اصول بنیادین اخلاق، هم‌چون دیگر بخش‌های واقعیت، واجد شمار نامتعینی از ظرفیت‌ها و گرایش‌ها هستند. ظرفیت‌ها و گرایش‌هایی که شناخت آن‌ها کم‌ویش برای انسان‌ها (در صورت محقق شدن برخی شرایط) قابل شناخت است. دو شرط اصلی از این شرایط، یکی ناظر به بسط شناخت و معرفت ما از واقعیت (خواه واقعیت طبیعی، خواه واقعیت برساخته اجتماعی و خواه واقعیت فراطبیعی) است و دیگری تقویت حواسمان در شناسایی و ارزیابی پدیده‌هایی است که در سپهر وضع و حال انسانی ظهور می‌یابند. پیشرفت‌های ما در قلمرو علم و فناوری همچنان که شناختمان از واقعیت را گسترش می‌دهند و تعمیق می‌بخشند، توأمان شناختمان از ظرفیت‌های مندرج در اصول بنیادین اخلاق را افزایش و ارتقاء می‌دهند. این اصول اخلاقی در زمره ارزش‌هایی عینی هستند که نزد عموم افراد قابل فهم‌اند و در ارکان وجودی همه کسانی که با آن‌ها در تماس‌اند، تأثیر می‌گذارند. ظرفیت ارزش‌های مندرج در اصول بنیادین اخلاق به میزانی که درجه حساسیت‌های دستگاه‌های ارزش‌سنج ما افزایش می‌یابد، بیشتر و بیشتر بر ما آشکار می‌شود. افزایش درجه حساسیت ما در قبال ارزش‌ها به سه شیوه امکان‌پذیرند که شیوه‌ها مکمل یکدیگر هستند: اول آن که فهم بهتر ما از آنچه در عرضه طبیعت در جریان است به ما کمک می‌کند تا درک خود را از ظرفیت‌های موجود در اصول بنیادین اخلاق افزایش دهیم. در سایه پیشرفت‌های علمی و دستیابی به شناخت تازه‌ای از ظرفیت‌ها و محدودیت‌های زیستی انسان‌ها، ما را وادار می‌سازد تا در خصوص نحوه فهم خود از اصول اخلاقی در چارچوب این ظرفیت‌ها و محدودیت‌های زیستی بازنگری اساسی به عمل آوریم. دوم آن که تعامل با پیشرفت‌های فناورانه و یافته‌های برآمده از تأملات نقّادانه با کارکردهای فناوری‌های نوظهور، فرصت‌ها و تهدیدهایی زیستی و اجتماعی را آشکار می‌سازد که تا پیش از این آن‌ها شناختی نداشتیم. این شناخت تازه می‌تواند فهرست اصول بنیادین اخلاق را تعمیق ببخشد، توسعه بدهد و به بازنگری وادارد. و در نهایت، سومین شیوه‌ای که به تقویت و افزایش حساسیت ما در کشف ظرفیت‌های نهفته در اصول اخلاق یاری می‌رساند، آشنایی هر چه بیشتر با تجربه‌های زیسته بسیار متنوع و متکثر افراد و گروه‌های مختلف در

سراسر جهان است. ارتقا و تعمیق شناخت ما از انواع شیوه‌های زندگی و تجربه‌های زیسته و قابلیت‌های افراد در مواجهه با واقعیت‌های حیات، چشم‌اندازهای تازه‌ای را درباب آنچه امر اخلاقی نامیده می‌شود، پیش روی انسان مدرن قرار می‌دهد (پایا ۱۳۹۸، ۵۴۵-۵۵۱).

بر این اساس، اصول اخلاق پژوهش در تعامل با آزمودنی‌های انسانی، میراث مشترک جوامع علمی برای محافظت و مراقبت از کرامت انسانی در فعالیت‌های پژوهشی است. این اصول اخلاقی برگرفته از مجموعه‌ای از مستندات اخلاق پژوهش در رشته‌های علمی گوناگون است. این اصول، زیربنای اصلی بسیاری از کدها و منشورهای اخلاق پژوهش در زمینه‌های مطالعاتی و تحقیقاتی مختلفی را شکل می‌دهد که فعالیت‌های پژوهشی‌شان متمرکز بر آزمودنی‌های انسانی است. آشنایی با این اصول اخلاقی، به دانشمندان، محققان و دانشجویان کمک می‌کند تا با نگاهی عمیق به ارزش‌های اخلاقی نهفته در آیین‌نامه‌ها، مرامنامه‌ها و منشورهای اخلاق پژوهش بنگرند و به این نکته آگاهی داشته باشند که هر پژوهش علمی به فراخور هر رشته تخصصی می‌باید در تمامی مراحل پژوهش و در تعامل با آزمودنی‌های انسانی از این اصول اخلاقی پیروی کنند. در این فصل نه اصل اخلاقی در تعامل با مشارکت‌کنندگان و آزمودنی‌های انسانی در فعالیت‌های پژوهشی فهرست و معرفی می‌شود.

۷-۲. خودمختاری^۱

مشارکت‌کنندگان و آزمودنی‌های در پژوهش‌های علمی باید با آگاهی مناسب، اراده آزاد و استقلال فکری، از امکان انتخاب برای همکاری داشتن یا همکاری نداشتن در هر مرحله از فرآیند پژوهشی برخوردار باشند. محققان موظف هستند اطلاعات کامل و مناسبی را به افراد برگزیده برای مشارکت در فعالیت‌های پژوهشی ارائه دهند تا آنان با آگاهی و اختیار کافی تمایل خود را برای همکاری یا نبود همکاری اعلام نمایند. بنابر این هرگونه پنهان‌کاری، سهل‌انگاری و فریب‌کاری در ارائه اطلاعات پژوهشی مناسب به افرادی که از توان فکری و جسمی لازم برخوردارند، نقض اراده آزاد و استقلال فکری آنان به‌دنبال را دارد که فعالیت پژوهشی را غیراخلاقی می‌سازد. هم‌چنین، ارائه اطلاعات پژوهشی مناسب به افرادی که از توان فکری و جسمی لازم برخوردار نیستند بایستی از طریق آگاهی سرپرست‌های قانونی آنان تحقق پذیرد، به‌طوری که مسئولیت حقوقی و اخلاقی انتخاب مقتضی را برعهده بگیرند (Sims 2010, 174).

^۱ autonomy

۷-۳. احسان^۱

مطابق اصل احسان، برخورد اخلاقی با فرد نه تنها مستلزم احترام به تصمیم‌گیری او و حمایت از او در مقابل هر صدمه و آسیبی ناشی از پژوهش است، بلکه شامل اقدامات و کوشش‌هایی که رفاه شخص را مد نظر قرار می‌دهد نیز می‌شود. دو قاعده کلی برای توصیف کامل‌تر این اصل در نظر گرفته شده است: اول پرهیز از آسیب‌رسانی و دوم بیشترین فایده و کمترین ضرر ممکن نسبت به آزمودنی‌های انسانی در پژوهش. اساسا علم و دستاوردهای علمی بایستی در خدمت منفعت یا خیر عمومی باشند. بنابر این، پژوهشی را می‌توان اخلاقی برشمرد که با توجه به هزینه‌ها و اعتبارات مادی و معنوی که به خود اختصاص می‌دهد، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به منفعت یا خیری عمومی منجر شود. به عنوان مثال، پژوهش‌های پزشکی باید در خدمت ارتقاء سواد سلامت و بهبودی افراد جامعه باشند، به‌نحوی که نه تنها باید سلامت افراد جامعه به مخاطره بیاندازد، بلکه به بهروزی و تندرستی آنان بیانجامد، و یا پژوهش‌های محیط‌زیستی باید در خدمت شکوفایی و حفاظت از موجودات محیط زیست و منابع طبیعی باشد و به آن‌ها آسیبی یا زیانی جبران‌ناپذیر وارد نسازد. بر این اساس، محققان همیشه بایستی در پژوهش‌های خود نگاهی خیرخواهانه به جهان اجتماعی و جهان طبیعت داشته باشند و پیوسته تلاش کنند دستاوردها و اهداف پژوهشی‌شان، در کوتاه مدت و بلند مدت، پیامدهایی غیرخیرخواهانه و جبران‌ناپذیر به دنبال نداشته باشد (Sims 2010, 173).

۷-۴. پرهیز از آسیب^۲

محققان بایستی در تمامی مراحل پژوهش از انتخاب آزمودنی‌ها و گردآوری داده‌ها گرفته تا انتشار دستاوردهای پژوهشی خود از هر گونه آسیب رساندن یا در معرض آسیب قرار دادن آزمودنی‌های پژوهشی پرهیز کنند. مصادیق پرهیز از آسیب‌رسانی می‌تواند در حین انجام پژوهش یا پس انتشار دستاوردهای آن مورد توجه قرار بگیرد. آسیب رساندن به آزمودنی‌های پژوهشی انواع مختلفی دارد که می‌توان آن در قالب آسیب‌های جسمانی و آسیب‌های روانی تقسیم کرد؛ آسیب‌های جسمانی شامل مواردی هستند که سلامت فیزیکی و بدن‌مند آزمودنی‌ها را به مخاطره می‌اندازند همانند آزمایشی پزشکی که می‌تواند جان و جسم آزمودنی‌ها را تهدید کند؛ و آسیب‌های روانی شامل مواردی هستند که سلامت ذهنی و حرمت آزمودنی‌ها را به مخاطره می‌اندازند هم‌چون افشاء اطلاعات آزمودنی‌ها که حیثیت و آبروی آنان را تهدید می‌کند. بنابر

^۱ beneficence^۲ harm avoidance

این لازم است محققان برای پژوهش‌های خود فهرستی از آسیب‌های بالقوه و بالفعل را شناسایی و گردآوری نمایند و از تحقق آن‌ها در هر مرحله از فرآیند پژوهش اجتناب نمایند.

۷-۵. عدالت^۱

در اینجا، عدالت به معنای «انصاف در توزیع» یا «استحقاق در چیزی» است. بی‌عدالتی زمانی اتفاق می‌افتد که منفعت متعلق به شخصی بدون دلیل موجه از وی سلب شود یا بار مسئولیتی به‌طور ناروا به وی تحمیل می‌شود. عدالت در فعالیت‌های پژوهشی، بیان‌کننده توزیع عادلانه منافع و زیان‌های بالقوه تحقیق و هم‌چنین نحوه انتخاب عادلانه آزمودنی‌های انسانی مورد پژوهش است. در این گزارش دو نحوه تحقق عدالت توسط محققان در فعالیت‌های پژوهشی برجسته شده است: اول این که در انتخاب آزمودنی‌های مورد پژوهش باید توجه شود که یک گروه اجتماعی خاص، صرفاً به علت در دسترس بودن، موقعیت ضعیف اجتماعی یا قابلیت سوءاستفاده از آنان مورد انتخاب قرار نگیرند، بلکه انتخاب آنان باید براساس دلایل موجه علمی تحقق پذیرد. بر این اساس، محققان نباید آزمودنی‌های انسانی خود را در تحقیقات با معیارهای نژادی، جنسی، مذهبی و مواردی از این دست یا معیارهایی مرتبط با طبقات اجتماعی هم‌چون طبقات فرودست یا سالخورده انتخاب کنند، مگر این که از نظر نیازهای پژوهشی یا علمی دلایل روشن و مشخصی برای انتخاب آنان بر اساس چنین معیارهایی وجود داشته باشد. دوم این که هر زمان که نتایج تحقیق به درمان یا دستاورد پژوهشی مفیدی منجر شود و مؤسسات بین‌المللی یا ملی به‌لحاظ مالی از این نتایج حمایت کنند، عدالت حکم می‌کند که نتایج چنین تحقیقاتی نباید صرفاً برای طبقات اجتماعی خاصی هم‌چون ثروتمندان یا جوانان مورد بهره‌برداری قرار بگیرد و یا در چنین تحقیقاتی نباید از گروه‌هایی استفاده کرد که در آینده از منافع این پژوهش نتوانند بهره‌مند شوند، به عنوان مثال افرادی که به‌خاطر پیامدهای تحقیق، جان خود را از دست می‌دهند یا متحمل آسیب‌های جسمانی یا روانی جبران‌ناپذیری می‌شوند - Pieper & Thomson. 2013, 99- (101 & Sims 2010, 174).

۷-۶. صداقت^۲

محققان باید در تمامی مراحل پژوهش صادقانه رفتار کنند. آنان در تعامل با آزمودنی‌های انسانی و مشارکت‌کنندگان در پژوهش، در همکاران دست‌اندرکاران پژوهش، و در انتشار دستاوردهای پژوهشی

^۱ justice

^۲ honesty

خود صادق باشند. در تعامل با آزمودنی‌های انسانی و مشارکت کنندگان در پژوهش، محققان باید اطلاعات مناسبی از تحقیقات خود را با برای ارتقاء سطح آگاهی مشارکت کنندگان در میان بگذارند تا از این طریق آنان در هر مرحله از شناخت لازم برای همکاری در ادامه فرآیند پژوهش یا انصراف از مشارکت را ارزیابی کنند. هم‌چنین محققان باید در تعامل‌ها و ارتباطات علمی خود با همکاران مشارکت کننده در گروه پژوهش با توجه به سطح همکاری آنان و حق دسترسی‌شان به اطلاعات پژوهشی مناسب صادقانه رفتار نمایند و از ارائه اطلاعات نادرست^۱ یا اطلاعات ساختگی^۲ پرهیز کنند. در انتشار دستاوردهای پژوهشی نیز محققان باید در نشر نقل قول‌ها، استناددهی‌ها، آمارها و یافته‌های پژوهشی خود صداقت پیشه کنند.

۷-۷. حریم خصوصی^۳

حریم خصوصی، حقی است ناظر بر این که فردی بتواند خود یا اطلاعات مربوط به خود را از دسترس عموم حفظ کند و اگر مایل به در معرض قرار دادن حریم شخصی یا اطلاعاتی‌اش باشد، این موضوع صرفاً با انتخاب خویش در برابر دیگران تحقق یابد. رعایت حق حریم خصوصی آزمودنی‌های انسانی و مشارکت کنندگان در پژوهش یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین وظایف اخلاقی محققان است، چرا که نقض حریم خصوصی مشارکت کنندگان می‌تواند به پیامدهای مادی و معنوی جبران‌ناپذیری برای آنان منجر شود. به‌طور کلی، حریم خصوصی آزمودنی‌های انسانی و مشارکت کنندگان در پژوهش را می‌توان به دو ساحت حریم خصوصی جسمانی و حریم خصوصی اطلاعاتی تقسیم کرد. حریم خصوصی جسمانی را می‌توان جلوگیری از وارد شدن فردی مزاحم به خلوت فردی دیگر تعریف کرد، و حریم خصوصی اطلاعاتی در رابطه با دسترسی و گردآوری اطلاعات شخصی افراد و مخاطره افشاء آن‌ها نزد عموم است. این مخاطره از آنجا ناشی می‌شود که فقدان کنترل و محدودیت لازم بر اطلاعات شخصی افراد موجب سوءاستفاده‌های محتمل عموم از این طریق شود. محققان بایستی در انجام فعالیت‌های پژوهشی خود، افزون بر حفاظت از حریم خصوصی جسمانی و اطلاعاتی مشارکت کنندگان، آنان را نسبت به مخاطرات بالقوه هر پژوهش در نقض حریم خصوصی‌شان آگاهی دهند.

^۱ misinformation

^۲ disinformation

^۳ privacy

۸-۷. رازداری^۱

رازداری یا محرمانگی برخلاف حریم خصوصی حقی مفروض نیست، بلکه توافق‌نامه‌ای است میان محققان و مشارکت‌کنندگان در پژوهش. به عبارت دیگر، حریم خصوصی حالتی است که فرد را از مداخله عمومی دیگران در امان می‌دارد، در حالی که محرمانگی وضعیتی است که اطلاعات حساس شخص نزد فرد یا گروهی مخفی نگه داشته می‌شود و تا زمانی که شخصی که اطلاعات به او تعلق دارد اجازه ندهد، اطلاعاتش نباید افشا شود. بنابر این می‌توان گفت حریم خصوصی حقی در رابطه با حریم خلوت هر فرد است، ولی محرمانگی قراردادی در رابطه با مخفی نگه‌داشتن اطلاعات فرد (یا افرادی) است که آن اطلاعات را در اختیار سازمانی قرار می‌دهد، به عنوان مثال اطلاعات حساس پزشکی نزد پزشک یا یک سازمان درمانی. در چارچوب حق حریم خصوصی، فرض بر این است که عموم افراد جامعه از مداخله در امور شخصی یک فرد محروم هستند مگر آن که فرد مذکور بر حق خود استثنایی قائل شود، اما در توافق‌نامه محرمانگی برخی از افراد مشخص و قابل اعتماد برای دسترسی به اطلاعات فرد مجاز هستند. بر این اساس، محققان همیشه باید نسبت به اطلاعاتی که از آزمودنی‌های انسانی و مشارکت‌کنندگان در پژوهش دریافت و گردآوری می‌کنند، به آنان متعهد شوند که این اطلاعات صرفاً در چه زمینه‌هایی از یک پژوهش مشخص به کار گرفته می‌شود، به نحوی که در هیچ پژوهش و زمینه‌های دیگری بدون کسب اجازه از مشارکت‌کنندگان از آن‌ها استفاده نمی‌شود. این تعهد معمولاً در قالب توافق‌نامه‌ای با ذکر جزئیات لازم میان محققان و مشارکت‌کنندگان تهیه و تدوین می‌شود.

۹-۷. پرهیز از تضاد منافع^۲

محققان در فعالیتهای پژوهشی خود درگیر وضعیت‌هایی می‌شوند که منافع شخصی، مالی، سیاسی و غیره آنان را در تضاد با وظایف حرفه‌ای و اخلاقی‌شان قرار می‌دهد. اگر چه تمامی انواع تضادها بخشی عادی از حیات بشری است، اما برخی از آن‌ها محصول برخورد میان منافع و وظایف محققان و دانشمندان است که از آن با عنوان «تضاد منافع» نام برده می‌شود. در موقعیت تضاد منافع، منافع شخصی محققان یا سازمان‌های تحقیقاتی می‌تواند وظایف مرتبط یا بی‌طرفی علمی و پرهیز از سوءگیریهای علمی را مخدوش کند. بنابر این

^۱ confidentiality

^۲ avoiding conflict of interest

تضاد منافع می تواند درستی رفتار محققان را به خطر بیاندازد. تضاد منافع به دو صورت درستی رفتار محققان را تضعیف کند. اول این که تضاد منافع می تواند بر فرآیندهای فکری شخص تأثیر بگذارد، به نحوی که قضاوت، برداشت، تصمیم یا استدلال محققان را در انجام فعالیت های پژوهشی تحت تأثیر قرار دهد. دوم این که تضاد منافع می تواند بر انگیزه و رفتار محققان تأثیر بگذارد. در اینجا شخص مواجه با تضاد منافع ممکن است از قدرت تفکر درست برخوردار باشد، اما به دلیل اغواهایی که بر انگیزه و رفتار تأثیر گذارند، قادر به اجرای آن نیست. یکی از مهم ترین زمینه های شکل گیری وضعیت تضاد منافع برای محققان، ارتباط میان تأمین منابع مالی تحقیقات علمی و نتایج برآمده از تحقیقات است. اگر چه تضاد منافع می تواند بر فرآیندهای فکری و رفتاری تأثیر بگذارد، ولی لزوما در سطح آگاهی فرد عمل نمی کند. از این رو، افراد غالباً ادعا می کنند که هرگز اجازه نمی دهند منافع حرفه ای، سیاسی یا مالی بر فرآیندهای فکری یا رفتار آنها تأثیر بگذارد، ولی مطالعات نشان داده اند که منافع می توانند تأثیراتی ناخودآگاه بر فرآیندهای فکری داشته باشند. از آنجا که تضاد منافع می تواند بی طرفی پژوهش را مخدوش و نتایج آن را متأثر از خود کند، بر قابلیت اعتماد به پژوهش نیز تأثیر منفی می گذارد. بر این اساس، وقتی محققان دارای تضاد منافع باشند ممکن است برای جامعه این تردید ایجاد شود که تحقیقات آنان جهت دار، غیرقابل اطمینان و به لحاظ اخلاقی شبهه برانگیز است. بنابر این محققان همیشه و پیوسته باید از قرار گرفتن در وضعیت هایی که به تضاد منافع آنان می انجامد، پرهیز نمایند (شامو و رزنیك ۲۰۱۵، ۳۸۳-۳۸۷).

۷-۱۰. رضایت آگاهانه^۱

رضایت آگاهانه به عنوان زیربنای حمایت از آزمودنی های انسانی و مشارکت کنندگان در پژوهش معرفی می شود، به طوری که مشارکت کنندگان به عنوان آزمودنی های مورد پژوهش باید به صورت داوطلبانه و با آگاهی از مخاطرات و منافع پژوهش اقدام به مشارکت نمایند. غالباً کسب رضایت آگاهانه از مشارکت کنندگان منوط به مواردی است از قبیل توضیح محقق درباره اهداف پژوهش، روش های مورد استفاده، نتایج محتمل پژوهش، و همچنین مخاطرات یا آسیب هایی که ممکن است مشارکت کنندگان در طی انجام پژوهش با آنها مواجه شوند. این فرآیند پیش از اعلان رضایت آزمودنی های انسانی و مشارکت کنندگان، مستلزم توضیحاتی روشن و قابل فهم از طرف محققان است، آن چنان که باید به نحوی

^۱ informed consent

آگاهی‌بخش ابعاد مختلف مرتبط با منافع و مخاطرات پژوهش تا حد مقدور برای مشارکت‌کنندگان تبیین شود. هم‌چنین باید تضمین شود که آزمودنی‌های انسانی با اجبار وادار به مشارکت در پژوهش نمی‌شوند و آنان در هر مرحله از پژوهش امکان انصراف از مشارکت را دارند. در عمده پژوهش‌ها معمولاً دریافت رضایت به‌طور شفاهی تحقق می‌یابد یا در یک ملاقات که در آنجا محقق مفاد رضایت‌نامه را مرور می‌کند، یا از طریق مذاکرات تلفنی، نامه‌نگاری، ارسال و تایید ایمیل و مواردی دیگر. این نکته بسیار مهم است که رضایت آگاهانه بر اساس آگاهی و شناخت آزمودنی مورد پژوهش بنا می‌شود و برای تحقق مطلوب این موضوع به ارتباطی مستمر میان محققان و آزمودنی‌های پژوهش نیاز است. در اغلب چارچوب‌های قانونی، در صورت تأیید گروه یا هیئت نظارت بر اخلاق پژوهش ممکن است بنابر مصالحی از کسب رضایت آگاهانه چشم‌پوشی شود یا فرآیند کسب رضایت آگاهانه دستخوش تغییر و اصلاح شود. بنابر این، محققان در صورت لزوم و با استفاده از انعطاف مقررات می‌توانند با توجه به شرایط پژوهش و کسب مجوز از گروه‌ها یا هیئت‌های اخلاقی و حقوقی مربوطه از موضوع دریافت رضایت آگاهانه یا دست‌کم مستندات مربوط به دریافت آن چشم‌پوشی کنند (ثقه‌الاسلامی ۱۳۹۵، ۷۷-۸۰).

پرسش‌های فصل هفتم:

۱. پیشرفت‌ها و دستاوردهای علمی و فناورانه به چه نحوی می‌تواند ما را نسبت به ابعاد مختلف اصول اخلاقی و بازننگری و توسعه احتمالی آن‌ها آگاهی ببخشد. بر این اساس، آیا می‌توانید نمونه‌ای تحقیق‌یافته را معرفی کنید؟
۲. موقعیتی اخلاقی را مثال بیاورید که نقض اصل خودمختاری نسبت به آزمودنی‌های در پژوهش منجر به پیامدهایی اخلاقی شود.
۳. موقعیتی اخلاقی را مثال بیاورید که نقض اصل احسان نسبت به آزمودنی‌های در پژوهش منجر به پیامدهایی اخلاقی شود.
۴. موقعیتی اخلاقی را مثال بیاورید که نقض اصل پرهیز از آسیب نسبت به آزمودنی‌های در پژوهش منجر به پیامدهایی اخلاقی شود.
۵. موقعیتی اخلاقی را مثال بیاورید که نقض اصل عدالت نسبت به آزمودنی‌های در پژوهش منجر به پیامدهایی اخلاقی شود.
۶. موقعیتی اخلاقی را مثال بیاورید که نقض اصل صداقت نسبت به آزمودنی‌های در پژوهش منجر به پیامدهایی اخلاقی شود.
۷. موقعیتی اخلاقی را مثال بیاورید که نقض اصل حریم خصوصی نسبت به آزمودنی‌های در پژوهش منجر به پیامدهایی اخلاقی شود.
۸. موقعیتی اخلاقی را مثال بیاورید که نقض اصل رازداری نسبت به آزمودنی‌های در پژوهش منجر به پیامدهایی اخلاقی شود.
۹. موقعیتی اخلاقی را مثال بیاورید که نقض اصل پرهیز از تضاد منافع نسبت به آزمودنی‌های در پژوهش منجر به پیامدهایی اخلاقی شود.
۱۰. موقعیتی اخلاقی را مثال بیاورید که نقض اصل رضایت آگاهانه نسبت به آزمودنی‌های در پژوهش منجر به پیامدهایی اخلاقی شود.

فصل هشتم: معرفی برخی از هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش

۸- ۱. مقدمه

آنچنان که در فصل‌های پیشین اشاره شد، محققان برای توجه به ملاحظات اخلاقی فعالیت‌های پژوهشی خود شایسته است با کمیته‌ها و گروه‌های بررسی اخلاق پژوهش در تعامل مستمر باشند. این گروه‌ها تحت عناوین مختلفی، بر فرآیند اخلاقی تصویب، نظارت، بررسی و مشاوره درباره پژوهش‌های درگیر با آزمودنی‌های انسانی به همکاری با محققان می‌پردازند. هیئت‌ها و کمیته‌های اخلاقی به طرق متعددی می‌توانند درخواست‌های محققان را مورد ارزیابی قرار دهند و با مشورت‌های خود فعالیت‌های پژوهشی آنان را از نظر اخلاقی بررسی و نتایج را به ایشان عرضه کنند. گروه‌های اخلاق پژوهش از دانش و مهارت‌های لازم برای مشاوره و تعیین راهکار درباره مسائل اخلاقی متعدد به‌منظور هدایت و مدیریت طرح‌های پژوهشی محققان برخوردارند. در این فصل ابتدا به معرفی ماهیت و اهداف هیئت‌ها و کمیته‌های بررسی اخلاق پژوهش می‌پردازیم، سپس به برخی از مهم‌ترین این هیئت‌ها در جهان و ایران اشاره می‌کنیم.

۸- ۲. معرفی هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش

هیئت‌های اخلاق پژوهش^۱ که با عناوینی هم‌چون هیئت بررسی نهادی^۲، کمیته اخلاق مستقل^۳، یا هیئت بررسی اخلاق^۴ نیز شناخته می‌شود، کمیته‌ای است که با مرور روش‌های پیشنهادی برای پژوهش، رهنمودهای اخلاق پژوهش را مورد توجه قرار می‌دهد تا از اخلاقی بودن پژوهش مذکور اطمینان حاصل شود. این هیئت‌ها به‌طور رسمی برای تأیید (یا رد)، نظارت و بررسی پژوهش‌هایی مرتبط با زمینه‌های علوم پزشکی و علوم رفتاری فعالیت می‌کنند که درگیر آزمودنی‌های انسانی هستند. آن‌ها برای تعیین این که آیا پژوهشی انجام شود یا خیر، اغلب از طریق تجزیه و تحلیل مخاطره-منفعت^۵ طرح‌های پژوهشی تصمیم‌گیری می‌کنند (Levin & Porter 2001).

مهم‌ترین هدف کمیته‌ها یا هیئت‌های اخلاق پژوهش اطمینان از رعایت حقوق و محافظت از آزمودنی‌های انسانی در برابر آسیب‌های جسمی و روانی محتمل ناشی از پژوهش‌هایی است که درگیر آزمودنی‌های انسانی هستند. در دهه‌های اخیر، در کشورهای توسعه‌یافته گروه‌های اخلاق پژوهش با عناوین متعددی در سازمان‌ها و موسسه‌های تحقیقاتی مختلف شکل گرفته‌اند که هدف عمده آن‌ها نظارت بر

^۱ Research Ethics Board: REB

^۲ Institutional Review Board: IRB

^۳ Independent Ethics Committee: IEC

^۴ Ethical Review Board: ERB

^۵ risk-benefit analysis

تحقیقات مرتبط با آزمودنی‌های انسانی و حفاظت آنان است. بنابر این، در این کشورها برای تحقق رهنمودهای اخلاقی مقتضی در پژوهش‌های علمی، رهنمودها و کدهای اخلاقی مناسبی را از طریق تأسیس هیئت‌های اخلاق پژوهش تهیه و تدوین می‌کنند و به کار می‌گیرند.

برخی از محققان هیئت‌های اخلاق پژوهش را مانعی برای فعالیت‌های پژوهشی تلقی می‌کنند. آنان گمان می‌کنند که رشد و گسترش این هیئت‌ها و نظارت‌های اخلاقی آن‌ها بر فعالیت‌های پژوهشی، موجب محدودیت‌های مختلف بر برخی حوزه‌های مورد پژوهش (هم‌چون حوزه‌های پزشکی یا موضوعات اجتماعی حساسیت‌برانگیز) و ایجاد نگاهی محافظه‌کارانه در میان متخصصان و محققان در فعالیت‌های پژوهشی‌شان می‌شود. این در حالی است که مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد بسیاری از افراد جامعه از فعالیت این هیئت‌ها به‌خاطر حمایت از آزمودنی‌های انسانی و برقراری مناسباتی عادلانه میان فعالیت‌های پژوهشی محققان و جامعه ابراز رضایت و امنیت خاطر می‌کنند. بنابر این می‌توان ادعا کرد هیئت‌های اخلاق پژوهش به‌دنبال توازن میان فعالیت‌های پژوهشی و خیر عمومی افراد جامعه هستند (Lune & Berg 2017, 42-44).

فرآیند تنظیم و تدوین محتوای رضایت‌نامه‌ها در پژوهش‌های مرتبط با انسان‌ها برای اطمینان از تحقق کسب رضایت آگاهانه افراد مشارکت‌کننده در پژوهش‌ها از اولویت‌های مهم این هیئت‌هاست. کسب رضایت آگاهانه در هر زمینه پژوهشی از پیچیدگی‌ها و دشواری‌های خاصی برخوردار است که هیئت‌های اخلاق پژوهش با مشاوره‌های خود این شرایط را برای محققان تسهیل می‌کنند. کسب رضایت آگاهانه از گروه‌های سنی مختلف، از طبقات اجتماعی متعدد، و از گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر، محققان را درگیر شرایط مختلفی می‌کند که آنان نمی‌توانند به تنهایی از این پیچیدگی‌ها عبور کنند. به عنوان مثال، کسب رضایت آگاهانه از بیماران مبتلا به اچ آی وی از ملاحظات اخلاقی برای تعامل، اطلاعات حساسیت‌برانگیز محرمانه، حفظ کرامت انسانی آنان و مواردی دیگر برخوردار است که محققان برای مشارکت آنان در فعالیت‌های پژوهشی خود نیازمند ارتقاء سطح آگاهی‌های خود و هم‌چنین ارائه اطلاعات لازم و کافی برای مشارکت ایشان در فعالیتی پژوهشی است؛ این موارد، محققان را به مشاوره‌های هیئت‌های اخلاق پژوهش وابسته می‌کند (Lune & Berg 2017, 42-44).

هم‌چنین تهیه و تدوین کدها، منشورها و رهنمودهای اخلاقی در حوزه‌های تخصصی مختلف هم‌چون پژوهش‌های زیست‌پزشکی، روان‌درمانی، علوم اجتماعی و مواردی دیگر و ارائه خدمات مشاوره‌ای به محققان حول این رهنمودهای اخلاقی از دیگر فعالیت‌های آن‌هاست. منشور اخلاق پژوهش، نظام‌نامه یا تعهدنامه‌ای است که حدود اخلاقی اجرای پژوهش را ترسیم می‌کند. اصولاً رعایت اخلاق پژوهش تنها به

محققان بر نمی‌گردد، بلکه بخش مهمی مناسبات اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی متوجه سازمان‌های پژوهشی و یا متولیان امر پژوهش است که می‌توان از آن به عنوان اصول اخلاقی سازمان‌های پژوهشی یاد کرد. به عنوان مثال یک سازمان پژوهشی درگیر دست‌اندرکاران متعددی در فعالیت‌های پژوهشی خود می‌شود، از قبیل: محققان، آزمودنی‌های پژوهشی، داوران و ارزیابی‌کنندگان، تأمین‌کنندگان مالی، سفارش‌دهندگان، انتشاردهندگان و استفاده‌کنندگان از طرح‌های پژوهشی (منشور و موازین اخلاق پژوهش ۱۳۹۱، ۱۱). معمولاً سازمان‌ها علمی یا موسسه‌های پژوهشی، منشورها و رهنمودهای اخلاق پژوهش خود را با همکاری، مشاوره و نظارت هیئت‌های اخلاق پژوهش تهیه و تنظیم می‌کنند.

۸-۳. معرفی برخی از هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش در جهان

در این قسمت سه گروه اخلاق پژوهش در کانادا، اتحادیه اروپا، و سوئد معرفی و به پیشینه، ساختار، اهداف و وظایف آن‌ها اشاره می‌شود.

الف) هیئت مشورتی میان‌موسسه‌ای درباره اخلاق پژوهش^۱

هیئت مشورتی میان‌موسسه‌ای در سال ۲۰۰۱ توسط سه موسسه تأمین بودجه برای پژوهش‌ها وابسته به دولت کانادا تشکیل شد: موسسات تحقیقات بهداشتی کانادا^۲، شورای تحقیقات علوم طبیعی و مهندسی کانادا^۳، و شورای تحقیقات علوم اجتماعی و انسانی^۴. هدف این هیئت مشورتی، توسعه، تفسیر و اجرای «بیانیه خط‌مشی سه شورا: رفتار اخلاقی در پژوهش‌های مرتبط با انسان‌ها»^۵ معرفی شده است. این هیئت متشکل از ۱۲ عضو است که از سراسر کانادا جذب شده‌اند تا طیف گسترده‌ای از تخصص‌های علمی و تجربه‌های پژوهشی در زمینه‌های علوم پزشکی، علوم اجتماعی و انسانی، مدیریت، اخلاق، حقوق و مواردی دیگر در رابطه با رفتار اخلاقی در تحقیقات مرتبط با انسان‌ها را شامل شود.

بیانیه خط‌مشی سه شورا بیان‌گر تعهد مستمر موسسات پژوهشی به مردم کانادا برای ارتقاء اخلاق در تحقیقات مربوط به انسان‌هاست. این تعهد با هنجارهای اخلاقی بین‌المللی هم‌جهت است تا جایی که نه تنها راهنمایی برای محققان کانادایی بلکه برای تمامی محققان داخل و خارج از کانادا است. بیانیه خط‌مشی اولین بار در

^۱ The Interagency Advisory Panel on Research Ethics

^۲ Canadian Institutes of Health Research: CIHR

^۳ Natural Sciences and Engineering Research Council of Canada: NSERC

^۴ Social Sciences and Humanities Research Council: SSHRC

^۵ Tri-Council Policy Statement: Ethical Conduct for Research Involving Humans: TCPS

سال ۲۰۰۱ ارائه شد و با توجه به نیازمندی‌های محققان و توسعه مشاوره‌های اخلاقی در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۸ نسخه‌های تکمیلی آن انتشار یافت.

این بیانیه از محققان و موسسات پژوهشی‌شان می‌خواهد که اصول و رهنمودهای اخلاقی این خط‌مشی را در پژوهش‌های خود رعایت کنند و آن را به عنوان راهنمایی اخلاقی در رابطه با آزمودنی‌های انسانی مورد پژوهش مد نظر قرار دهند. بنابر این، شرط لازم برای تأمین بودجه‌های تحقیقاتی برای محققان و موسسات آنان پایبندی به بیانیه خط‌مشی سه شورا معرفی شده است. از زمان تصویب اولین نسخه بیانیه خط‌مشی، بسیاری از نهادها در کانادا و خارج از این کشور، این سند را تصویب، اتخاذ و راهنمای خود کرده‌اند. هیئت مشورتی امیدوار است که این خط‌مشی هم‌چنان به عنوان یک الگو و راهنما برای تحقق اخلاقی پژوهش‌های مرتبط با انسان‌ها عمل کند.

نسخه ۲۰۱۸ «بیانیه خط‌مشی سه شورا: رفتار اخلاقی در پژوهش‌های مرتبط با انسان‌ها» شامل یک مقدمه، ۱۳ فصل و یک واژه‌نامه است. عناوین فصل‌ها و زیرفصل‌ها به ترتیب عبارتند از:

فصل ۱) چارچوب اخلاق: الف. اهمیت تحقیقات و اخلاق پژوهش؛ ب. اصول محوری؛ ج. نحوه اعمال این خط‌مشی.

فصل ۲) قلمرو و رویکرد: الف. قلمرو بررسی اخلاق پژوهش؛ ب. رویکرد بررسی هیئت اخلاق پژوهش.

فصل ۳) فرآیند [دریافت] رضایت: الف. اصول کلی؛ ب. عزیمت از اصول کلی به [دریافت] رضایت؛ ج. صلاحیت تصمیم‌گیری؛ د. [دریافت] رضایت باید مستند شود.

فصل ۴) انصاف و مساوات درباره مشارکت در تحقیقات: الف. شمول مناسب؛ ب. طرد نامناسب.

فصل ۵) حریم خصوصی و رازداری: الف. مفاهیم کلیدی؛ ب. وظیفه اخلاقی در رازداری؛ ج. حفاظت از اطلاعات؛ د. [دریافت] رضایت و استفاده ثانویه از اطلاعات قابل شناسایی برای اهداف تحقیقات؛ هـ. پیوند داده‌ها.

فصل ۶) حاکمیت بررسی اخلاق پژوهش: الف. تأسیس هیئت‌های اخلاق پژوهش؛ ب. رویه‌های بررسی هیئت اخلاق پژوهش؛ ج. تجدیدنظر و فرجام‌خواهی؛ د. بررسی اخلاق پژوهش در موارد اضطراری عمومی و علنی؛ هـ. بررسی قراردادهای حامی مالی محقق.

فصل ۷) تعارض در منافع: الف. مفاهیم کلیدی؛ ب. نهادها و تعارض منافع؛ ج. اعضای هیئت اخلاق پژوهش و تعارض منافع؛ د. محققان و تعارض منافع.

فصل ۸) پژوهش مرتبط با چندین حوزه قضایی: الف. سازوکارهای بررسی تحقیقات مرتبط با چندین موسسه و یا چندین هیئت اخلاق پژوهش؛ ب. بررسی اخلاق پژوهش انجام شده در خارج از موسسه.

فصل ۹) تحقیقات مرتبط با اقوام اولیه کانادا، مردم متی و اینوئیت: الف. مفاهیم و تعاریف کلیدی؛ ب. تفسیر چارچوب اخلاق در زمینه های بومی؛ ج. استفاده از مفاد این خط مشی در زمینه های بومی.

فصل ۱۰) تحقیقات کیفی: الف. ماهیت تحقیقات کیفی؛ ب. بررسی اخلاق پژوهش در تحقیقات کیفی.

فصل ۱۱) کارآزمایی های بالینی: الف. مفاهیم کلیدی؛ ب. مسائل اخلاقی برای طراحی و بررسی کارآزمایی بالینی؛ ج. نظارت بر ایمنی و گزارش اطلاعات جدید؛ د. ثبت کارآزمایی های بالینی.

فصل ۱۲) محتویات زیست شناختی انسان شامل محتویات مرتبط با تولید مثل انسان: الف. مفاهیم کلیدی؛ ب. گردآوری محتویات زیست شناختی انسان؛ ج. [دریافت] رضایت و استفاده ثانویه از محتویات زیست شناختی انسان برای اهداف تحقیقات؛ ج. ذخیره و بانکداری محتویات زیست شناختی انسان؛ د. تحقیقات در رابطه با محتویات مرتبط با تولید مثل انسان؛ هـ. تحقیقات در رابطه با سلول های بنیادی پرتوان انسان.

فصل ۱۳) تحقیقات ژنتیکی انسان: الف. کاربرد اصول محوری در تحقیقات ژنتیکی؛ ب. برنامه هایی برای مدیریت اطلاعاتی که از طریق تحقیقات ژنتیکی آشکار شده است؛ ج. مشاوره ژنتیکی؛ د. تحقیقات ژنتیکی مرتبط با خانواده ها؛ هـ. تحقیقات ژنتیکی شامل اجتماعات و گروه ها؛ و. بانک های محتویات ژنتیکی؛ ز. انتقال ژن.

مستندات مربوط به مشاوره ها، آموزش ها و رهنمودهای اخلاقی این هیئت مشورتی کانادایی بر روی وبگاه آنها قابل دسترسی است.^۱

ب) شبکه اروپایی کمیته های اخلاق پژوهش^۲

این شبکه در سال ۲۰۰۵، با هدف گردهم آوری انجمن ها و کمیته های اخلاق پژوهش ملی موجود در سطح اروپا تأسیس شد. این شبکه به دنبال ایجاد ظرفیت، به اشتراک گذاری دانش و تجربه ها و هم افزایی کمیته های اخلاق پژوهش محلی برای همکاری در قلمرو پژوهش های اتحادیه اروپا است. این شبکه به منزله چتری است که کمیته های اخلاق پژوهش اروپا را با سایر سازمان ها و موسسه هایی پژوهشی پیوند می دهد که درگیر تحقیقات مرتبط با آزمودنی های انسانی هستند. این شبکه، بستری زیربنایی برای آگاهی از اقدامات و فعالیت های خاص کمیته های اخلاق پژوهش در سراسر اروپا فراهم می آورد تا از این طریق به ارتقاء دانش

^۱ <https://ethics.gc.ca/eng/home.html>

^۲ The European Network of Research Ethics Committees: EUREC

مشترک کمیته‌های اخلاق پژوهش محلی، پشتیبانی از بررسی‌های اخلاقی، ارائه نظرات منسجم و پاسخ‌گویی به چالش‌ها و مسائل اخلاقی نوظهور در زمینه‌های متعدد پژوهشی دست یابد. اهداف اصلی این شبکه عبارتند از:

- (۱) ایجاد زیرساختی پایدار برای کمیته‌های اخلاق پژوهش موجود در اروپا به منظور توسعه تبادل‌ها و همکاری‌ها و هم‌چنین فراهم‌سازی همکاری‌های بین‌المللی؛
 - (۲) گردآوری اطلاعات مربوط به کمیته‌های اخلاق پژوهش موجود در اروپا به منظور ایجاد مبنایی برای تبادل‌های متقابل؛
 - (۳) گردآوری و ارزیابی محتویات آموزشی برای اعضاء کمیته‌های اخلاق پژوهش به منظور ارتقاء کیفیت بررسی‌های اخلاقی؛
 - (۴) ایجاد ظرفیت‌سازی به منظور تسهیل توسعه شبکه‌های ملی کمیته‌های اخلاق پژوهش؛
 - (۵) شناسایی موضوعات اخلاقی نوظهور به منظور ارائه راه‌حل‌های مشترک برای چالش‌های ناشی از فناوری‌ها و روش‌های علمی جدید؛
 - (۶) ترویج علم و پژوهش در حوزه اخلاق زیستی و اخلاق پزشکی؛
 - (۷) کمک به هماهنگ‌سازی بررسی‌های اخلاقی چندرشته‌ای و میان‌رشته‌ای در پژوهش‌های پزشکی مرتبط با آزمودنی‌های انسانی و هم‌چنین محتویات و داده‌های فراهم‌شده از آنان؛
 - (۸) حمایت کیفی از تحقیقات زیست‌پزشکی در سطح اروپا با کیفیت بالایی از بررسی‌های اخلاقی؛
 - (۹) بهبود حفاظت از آزمودنی‌های انسانی در تمامی جنبه‌های تحقیقات پزشکی و بهداشتی مرتبط با آزمودنی‌های انسانی و محتویات یا داده‌های فراهم‌شده از آنان.
- مستندات مرتبط به اساس‌نامه، فهرست اعضا، برنامه‌ها و پروژه‌های شبکه اروپایی کمیته‌های اخلاق پژوهش بر روی وبگاه این شبکه در دسترس است.^۱

ج) هیئت درخواست‌های بررسی اخلاق^۲

در سال ۲۰۰۴، در سوئد قانونی در رابطه با بررسی اخلاقی تحقیقات مربوط به آزمودنی‌های انسانی به تصویب رسید. همراه با این قانون، یک هیئت مرکزی و شش هیئت منطقه‌ای برای انجام بررسی‌های اخلاقی به عنوان نهادهایی مستقل تشکیل شد. هدف از قانون بررسی اخلاق، محافظت از افراد و اطمینان از احترام به کرامت انسانی در تحقیقات است. بررسی‌های اخلاقی شامل سنجش خطرات در برابر مزایای تحقیقاتی

^۱ <http://www.eurecnet.org/index.html>

^۲ The Ethics Review Appeals Board

جدید است. از این رو، این قانون تحقیقاتی را شامل می‌شود که از افراد زنده یا متوفی یا محتویات زیست‌شناختی انسانی به عنوان آزمودنی‌های مورد پژوهش استفاده می‌کند و همچنین تحقیقاتی که با داده‌های حساس اشخاص سروکار دارد. مطابق با این قانون، محققان باید قبل از استفاده از روش‌های پژوهش مقتضی، مجوزهای لازم را از هیئت بررسی اخلاق پژوهش سوند دریافت کنند. اگر هیئت بررسی اخلاق تشخیص دهد که پژوهشی از مخاطرات جدی برخوردار است، هر بخش از فرآیند تحقیق نسبت به مشارکت‌کنندگان در پژوهش باید مورد بررسی اخلاقی قرار بگیرد و اطمینان حاصل شود که مشارکت‌کنندگان به‌طور کامل شرایط و ضوابط مشارکت خود را درک کرده‌اند و پذیرفته‌اند. برخی از داده‌های حساس شخصی که مورد حمایت و حفاظت هیئت بررسی اخلاق قرار می‌گیرد عبارتند از: داده‌های مرتبط با جرایم کیفری، احکام مندرج در پرونده‌های کیفری، اقدامات تأمینی رویه‌های کیفری یا بازداشت‌های اداری. هم‌چنین این هیئت مصدق زیر را نیز مورد بررسی اخلاقی قرار می‌دهد:

- (۱) مداخلات فیزیکی که بر روی مشارکت‌کنندگان در پژوهش انجام می‌شود.
 - (۲) استفاده از روش‌هایی که قصد دارند به‌لحاظ جسمی یا روانی بر مشارکت‌کنندگان در پژوهش تأثیر بگذارند، یا این که مخاطراتی آشکار سلامت جسمی یا روانی مشارکت‌کنندگان را تهدید کند.
 - (۳) محتویات زیست‌شناختی که از شخص زنده دریافت شده است و از این طریق می‌توان وی را ردیابی کرد.
 - (۴) مداخلات فیزیکی که بر روی شخص متوفی انجام شود یا محتویات زیست‌شناختی که از شخص متوفی برای اهداف پزشکی دریافت شده است و از این طریق می‌توان وی را ردیابی کرد.
- مستندات مشروح در رابطه با موضوعات، اصول و رهنمودهای اخلاقی هیئت بررسی اخلاق پژوهش سوند بر روی وبگاه این هیئت انتشار یافته است.^۱

۸-۴. معرفی هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش در ایران

در این قسمت ابتدا ساختار کارگروه‌های اخلاق پژوهش در سطح وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و هم‌چنین در سطح دانشگاه‌های و موسسات آموزشی و پژوهشی پرداخته می‌شود. در ادامه، شیوه‌نامه تشکیل و فعالیت کارگروه ویژه اخلاق زیستی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری معرفی می‌شود.

^۱ <https://www.onep.se/en/start/>

الف) کارگروه(های) اخلاق در پژوهش (وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)

در راستای قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی^۱، به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، و با همکاری وزارت دادگستری، آیین‌نامه اجرایی این قانون مبنی بر تشکیل کارگروه اخلاق در پژوهش در سطح وزارتی در تاریخ مرداد ۱۳۹۸ با ترکیب زیر شکل گرفت:

۱) معاون پژوهشی وزیر (رییس)

۲) معاون آموزشی وزیر

۳) معاون حقوقی و امور مجلس وزیر

۴) رییس ایرانداک

۵) دو نفر پژوهشگر صاحب‌نظر عضو هیئت علمی

۶) یک نفر عضو هیئت علمی رشته حقوق

۷) دو نفر صاحب‌نظر در حوزه‌های اخلاق در پژوهش.

اعضاء ردیف‌های ۵، ۶، و ۷ به پیشنهاد معاون پژوهشی وزیر و با حکم وزیر به مدت ۲ سال انتخاب می‌شوند و انتخاب آنان برای دو دوره متوالی مجاز است.

به‌منظور رعایت استانداردهای اخلاقی مصوب کارگروه وزارتی اخلاق در پژوهش در مراحل مختلف طراحی، اجرا و گزارش نتایج پژوهش‌ها و همچنین اجرای سیاست‌های کارگروه مذکور، کارگروه اخلاق در پژوهش در سطح موسسه با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

۱) رییس موسسه (رییس)

۲) معاون پژوهش و فناوری (یا عناوین مشابه) موسسه (دبیر)

۳) معاون آموزش موسسه

۴) سه نفر عضو هیئت علمی صاحب‌نظر در امور پژوهشی با معرفی معاون پژوهشی و فناوری موسسه و حکم رییس موسسه

۵) یک نفر به عنوان نماینده جامعه علمی به انتخاب مجمع انجمن‌های علمی و حکم رییس موسسه

۶) یک نفر صاحب‌نظر اخلاق در پژوهش به انتخاب و حکم رییس موسسه

^۱ متن کامل «قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی» در بخش پیوست الف ارائه شده است.

- (۷) یک نفر عضو هیئت علمی رشته حقوق به انتخاب و حکم ریش موسسه.
- اعضاء ردیف‌های ۴، ۵، ۶، و ۷ به مدت دو سال انتخاب می‌شوند انتخاب آنان برای دو دوره متوالی مجاز است. در این آیین‌نامه اجرایی وظایف کارگروه اخلاق در پژوهش موسسه به شرح زیر است:
- (۱) بررسی و آسیب‌شناسی علل و زمینه‌های بروز تخلفات پژوهشی و اعمال تدابیر پیشگیرانه در سطح موسسه و ارجاع موضوع به واحدهای ذی‌ربط.
- (۲) پیشنهاد اصلاح مقررات و رویه‌های موجود به کارگروه وزارتی اخلاق در پژوهش در راستای کاهش زمینه‌های بروز تخلفات پژوهشی.
- (۳) ترویج اخلاق در پژوهش، درستکاری علمی و اطلاع‌رسانی در سطح موسسه.
- (۴) برنامه‌ریزی برای افزایش سطح آگاهی اعضای هیئت علمی؛ دانشجویان و کارکنان موسسه از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی، همایش‌ها، نشست‌های علمی و نظایر آن.
- (۵) اطلاع‌رسانی در خصوص استانداردهای مصوب اخلاق در پژوهش، مصوبات کارگروه وزارتی اخلاق در پژوهش و سایر موارد مشابه که توسط مراجع ذی‌ربط اعلام می‌شود.
- (۶) بررسی اولیه و کارشناسی گزارش‌های ارتکاب تخلفات پژوهشی.
- (۷) اجرای مصوبات کارگروه وزارتی اخلاق در پژوهش و ارائه گزارش عملکرد به کارگروه وزارت متبوع.
- (۸) بررسی و تصویب پیشنهاد پژوهش‌هایی که بر اساس مصوبات کارگروه وزارتی اخلاق در پژوهش، شروع مراحل انجام آن‌ها منوط به اخذ تأییدیه از کارگروه اخلاق در پژوهش موسسه است.^۱

ب) کارگروه ویژه اخلاق زیستی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

اگر چه در شیوه‌نامه تشکیل و فعالیت کارگروه ویژه اخلاق زیستی تأکید بر جنبه‌های آموزشی در هدایت رفتار با موجودات زنده در محیط‌های دانشگاهی شده است، اما این موضوع جنبه‌های پژوهشی تعامل اخلاقی با محیط زیست و موجودات زنده را نیز پوشش می‌دهد. هم‌چنین ساختار، اهداف، و وظایف این کارگروه تا حدی مشابه با کارگروه‌های اخلاق پژوهش است. بنابر این با آگاهی از این موضوع به معرفی این کارگروه اخلاقی می‌پردازیم.

در اجرای اصل پنجاهم قانون اساسی و بندهای ۶ و ۷ از «رویکرد حقوق محیط زیست»، سند ملی محیط زیست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، کارگروه اخلاق زیستی با هدف هدایت رفتار با موجودات زنده در محیط‌های آموزش دانشگاهی منطبق با ملاحظات و قواعد اخلاق زیستی

^۱ متن کامل «آیین‌نامه اجرایی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی» در پیوست ب ارائه شده است.

و براساس مفاد اسناد ملی و بین‌المللی تشکیل می‌شود. کارگروه اخلاق زیستی به دنبال یافتن پاسخ‌هایی برای سؤالات اخلاقی در محیط آموزشی است که از ارتباط بین علوم زیستی با حقوق و فلسفه ایجاد شده‌اند.

(۱) اهداف

۱-۱) تنظیم قواعد و موازین مرتبط با حریم اخلاقی و رفتار صحیح با موجودات زنده، به‌ویژه حیوانات مورد استفاده در برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها

۲-۱) شناسایی نقاط آسیب بروز رفتار نادرست با موجودات زنده در فضاهای آموزشی با هدف الزام بازنگری در برنامه‌های آموزشی و درسی به کارگروه‌های تخصصی شورا

۳-۱) تهیه طرح‌های ترویج اخلاق زیستی و جایگزین‌های حیوانات و نظارت بر عملکرد دانشگاه‌ها در اجرای طرح‌ها و استفاده از جایگزین‌ها

۴-۱) ارتباط مستمر با دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی به‌منظور پاسخ به استعلام‌ها و دریافت گزارش‌های ادواری.

(۲) ساختار

کارگروه متشکل از هفت تن است که به پیشنهاد مدیر دفتر و با هماهنگی و صدور حکم از سوی معاونت با ترکیب زیر تعیین می‌شود.

۱-۲) مدیر کل دفتر (عضو حقوقی - ریاست کارگروه)

۲-۲) معاون دفتر (عضو حقوقی - دبیر)

۳-۲) اعضای حقیقی شامل: ۱. روحانی و یا حقوقدان با زمینه فقه و اخلاق زیستی؛ ۲. متخصص فلسفه

اخلاق؛ ۳. متخصص زیست‌شناسی جانوری یا اپیدمیولوژی؛ ۴. متخصص دامپزشکی با زمینه اخلاق زیستی؛ ۵. متخصص اخلاق با زمینه محیط زیست.

(۳) وظایف

۳-۱) سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت بر برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی دارای زمینه کار با موجودات زنده (حیوانات و گیاهان)؛

۳-۲) تهیه کدهای اخلاقی کار با موجودات زنده در برنامه‌های درسی و آموزشی و بازنگری و اصلاح آن‌ها در طول زمان؛

۳-۳) تهیه گزارش‌های ادواری برای ارائه به معاونت آموزشی.

۴) وظایف رئیس کارگروه

- ۱-۴ برنامه‌ریزی و مدیریت برنامه راهبردی کارگروه
 - ۲-۴ پیگیری انجام به موقع و اثربخش امور محوله با هماهنگی دبیرخانه
 - ۳-۴ تهیه و معرفی طرح‌های جدید در حوزه‌های اصلی فعالیت کارگروه و انعکاس جمع‌بندی به مدیران بالاتر به منظور اتخاذ تصمیم مناسب
 - ۴-۴ هماهنگی و مدیریت تهیه تقویم برگزاری جلسات کارگروه، اداره جلسات، اجرای منظم تقویم و تهیه صورت جلسه از تمام جلسات از طریق دبیرخانه
 - ۵-۴ هماهنگی ارائه گزارش شش ماهه از حضور و فعالیت اعضاء و عملکرد کارگروه در بازه سالانه از طریق دبیرخانه.
 - ۵ برگزاری و رسمیت جلسات کارگروه
 - ۱-۵ جلسات با درخواست رئیس کارگروه و هماهنگی دبیرخانه برگزار خواهد شد
 - ۲-۵ جلسات با حضور رئیس و با حضور حداقل دو-سوم اعضاء رسمیت پیدا می کند و با رأی موافق نصف به علاوه یک اعضاء حاضر، مصوب تلقی و به منظور ادامه فرآیند به دبیرخانه ارسال می شود.
- این شیوه‌نامه در جلسه ۹۲۵ تاریخ ۱۳۹۸/۰۴/۱۲ شورای گسترش و برنامه‌ریزی آموزش عالی به تصویب رسید و از تاریخ ابلاغ لازم‌الاجراست.

پرسش‌های فصل هشتم:

۱. هیئت‌های بررسی اخلاق در پژوهش، چه سازمان‌هایی هستند و معمولاً چه وظایف یا خدماتی را ارائه می‌دهند.

۲. با بهره‌گیری از منابع و وبگاه‌های معتبر، برخی از هیئت‌های بررسی اخلاق در پژوهش در جهان را معرفی کنید و خلاصه‌ای از فعالیت‌های آن‌ها را توضیح دهید.

۳. تا چه اندازه با فعالیت‌های کارگروه اخلاق در پژوهش وابسته به دانشگاه یا مؤسسه پژوهشی که در آن مشغول آموزش یا پژوهش هستید، آشنایید؟ برخی از فعالیت‌هایی که از آن‌ها اطلاع دارید یا به نوعی مخاطب آن‌ها می‌باشید، معرفی کنید.

**فصل نهم: معرفی منشور و موازین اخلاق در پژوهش
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری**

۹- ۱. مقدمه

منشور اخلاقی همان مرامنامه اخلاقی یا کدهای اخلاقی است که بازتاب‌دهنده حساسیت‌ها و ملاحظات اخلاقی یک سازمان در موقعیت‌های مختلف و متنوع ذینفعان آن است. در متون فارسی گاهی از اصطلاح «منشور اخلاقی» برای اشاره به کدهای اخلاقی استفاده می‌شود. اما حقیقت آن است که منشور اخلاقی ابعاد گسترده‌تری نسبت به مرامنامه یا کدهای اخلاقی دارد. به بیانی دیگر، مرامنامه اخلاقی مرامنامه‌ای یک‌وجهی است، ولی اگر دو وجه دیگر (یعنی «ذی‌حق‌ها» و «ذی‌مسئولیت‌ها») نیز به آن افزوده شوند، منشور اخلاقی کاملی تجلی می‌یابد. بر این اساس، منشور اخلاق پژوهش، نظام‌نامه یا تعهدنامه‌ای است که حدود اخلاقی اجزای پژوهش را ترسیم می‌کند. اصولاً رعایت اخلاق پژوهش تنها به پژوهشگران بر نمی‌گردد بلکه بخش مهمی مناسبات اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی متوجه سازمان‌های پژوهشی و یا متولیان امر پژوهش است که می‌توان از آن به عنوان اصول اخلاقی سازمان‌های پژوهشی یاد کرد. به عنوان مثال یک سازمان پژوهشی درگیر دست‌اندرکاران متعددی در فعالیت‌های پژوهشی خود می‌شود، از قبیل: پژوهشگران، آزمودنی‌های پژوهشی، داوران و ارزیابی‌کنندگان، تأمین‌کنندگان مالی، سفارش‌دهندگان، انتشاردهندگان و استفاده‌کنندگان از طرح‌های پژوهشی (منشور و موازین اخلاق پژوهش ۱۳۹۰، ۱۱). کارکرد اصلی این منشورها و رهنمودهای اخلاقی، کمک به دانشجویان، استادان و پژوهشگران و هیئت‌های اخلاق پژوهش برای تحقق اخلاقی طرح‌ها و فعالیت‌های پژوهشی و همچنین کمک به فرآیند ارزیابی و انتخاب‌های اخلاقی مقتضی با چالش‌های اخلاقی بالفعل و بالقوه در تمامی مراحل پژوهش است.

آن‌چنان که در فصل گذشته اشاره شد، از اواخر دهه ۹۰ میلادی، کمیته‌ها و هیئت‌های رسمی متعددی به منظور معرفی و شناخت مسائل و چالش‌های اخلاقی در پژوهش‌های مجازی شکل گرفتند که از آن‌ها با عنوان هیئت‌های بررسی اخلاق پژوهش نام می‌برند. مهم‌ترین هدف آنها تبیین، ارزیابی و مشاوره درباره راه‌حل‌های مناسب و معطوف به مسائل اخلاق پژوهش در فضای مجازی و در نهایت تهیه و تنظیم منشورها و مرامنامه‌هایی منسجم و سازگار در جهت پیش‌برد و هدایت اخلاقی چنین مسائلی است. از این میان می‌توان به فعالیت‌ها و برنامه‌های سه هیئت بررسی اخلاق پژوهش خارج از ایران (هیئت مشورتی میان‌موسسه‌ای درباره اخلاق پژوهش، شبکه اروپایی کمیته‌های اخلاق پژوهش، و هیئت درخواست‌های بررسی اخلاق) و دو کارگروه اخلاق پژوهش در ایران (کارگروه اخلاق پژوهش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و کارگروه اخلاق پژوهش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) اشاره کرد که در فصل پیش به تفصیل معرفی شدند.

در این فصل، به معرفی و بازنشر «منشور و موازین اخلاق پژوهش» معاونت پژوهش و فناوری وزارت عتف پرداخته می‌شود. محتوای این سند عبارت است از: منشور اخلاق پژوهش، موازین اخلاق پژوهش (دارای یک مقدمه و نه فصل شامل ۴۴ رهنمود)، و فهرست منابع (منشور و موازین اخلاق پژوهش ۱۳۹۰).

۹-۲. منشور اخلاق پژوهش

مطابق با شکل (۹-۱) اصول هشت‌گانه منشور اخلاق پژوهش وزارت عتف به شرح زیر است:

- ۱) پرهیز از جعل و تحریف در فعالیت‌های پژوهشی؛
- ۲) حفظ و احترام به حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان در فعالیت‌های پژوهشی؛
- ۳) حفظ و احترام به مالکیت مادی و معنوی آثار پژوهشی و پرهیز از سرقت علمی؛
- ۴) رعایت انصاف و پرهیز از جانبداری در کلیه فعالیت‌های پژوهشی؛
- ۵) حفظ امانتداری از منابع و امکانات اقتصادی، انسانی و فنی موجود در تمامی فرآیند پژوهش؛
- ۶) پرهیز از انتشار غیراخلاقی نتایج پژوهش؛
- ۷) حفظ و احترام به محرمانگی و رازداری در فعالیت‌های پژوهشی؛
- ۸) حفظ و احترام به منافع ملی در تمامی فرآیند پژوهش.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
معاونت پژوهش و فناوری

به نام خدا

منشور اخلاق پژوهش

با استعانت از خدای بجهان و با اعتقاد راسخ به اینکه عالم محضر خداست و او، همواره ناظر بر اعمال ماست
و به منظور انجام شایسته‌ی پژوهش‌های اصیل، تولید دانش جدید و بهسازی زندگی بشر،
مادان‌شویان و اعضایی بی‌ات علمی دانشگاه و پژوهشگاه‌های کشور:

تمام تلاش خود را برای کشف حقیقت و حفظ حقیقت به کار خواهیم بست و از حرکت به سوی هر چیزی که منتهی به
حققت پژوهشگران، پژوهشگران (انسان، حیوان، گیاه و اشیا)، سازمان‌ها و مدیران حقیقت را به رسمیت می‌شناسیم و «خط آن» می‌کشیم.
بی‌ایستایی و مضمونی آثار پژوهشی ارج می‌نیم، برای انجام پژوهشی اصیل اهتمام داریم و از سرقت علمی و ارجاع نامناسب اجتناب می‌کنیم.
ضمن پایداری به انصاف و اجتناب از حرکت به سوی تعصب و دیگر خاسته‌های پژوهشی، رهیافتی نقادانه اتخاذ خواهیم کرد.
ضمن امانت داری، از منابع و امکانات اقتصادی، انسانی و فنی موجود استفاده به‌روراز خواهیم کرد.
از انتشار غیراخلاقی نتایج پژوهش نظیر انتشار موازی، به‌هم‌پاشی و چندگانه‌نگاری پرهیز می‌کنیم.
اصل محرمانه بودن و رازداری را محور تمام خاسته‌های پژوهشی خود قرار می‌دهیم.
در هر خاسته‌ای پژوهشی، منافع ملی توجه کرده و برای تحقق آن می‌کوشیم.
خوش‌ایست که رعایت کلیه بندهای علمی، روش‌شناختی، قانونی، مقررات، سیاست‌های تفری، سادگی، دینی و دایره‌های ملی در هر مرحله پژوهشی می‌دانیم.
رعایت اصول اخلاق در پژوهش را اهدای فرهنگی می‌دانیم و به منظور بالایی این فرهنگ، به ترویج و تداوم آن در جامعه اهتمام می‌ورزیم.

Design By: Soroush Ghaderi

شکل ۹-۱: اصول هشت‌گانه مندرج در منشور اخلاق پژوهش وزارت عتف

۹-۳. موازین اخلاق پژوهش

پژوهش‌های دانشگاهی، با تولید و نقد دانش و فناوری و ارائه راهبردهای تغییر اجتماعی، نقشی حیاتی در سرنوشت جوامع بشری دارند. بنابراین، انتظار می‌رود که پژوهشگران، یافته‌های علمی معتبری عرضه نمایند، تا هم در بهبود سرنوشت جامعه مؤثر باشند و هم جامعه علمی بتواند براساس آن، زمینه را برای توسعه دانش فراهم کند. در این میان، رعایت اصول و رفتارهای اخلاقی در انجام و انتشار پژوهش، یکی از عوامل اصلی اعتماد به یافته‌های آن است، نادیده گرفتن موازین اخلاق در پژوهش، آگاهانه و یا ناآگاهانه، موجب افت اعتبار علمی یافته‌های پژوهشی است و روند تولید علم را با مشکل مواجه می‌سازد. اگرچه رفتار اخلاقی در پژوهش، در نگاه نخست، به خود فرد، وجدان و باورهایش مربوط می‌شود اما، تدوین موازین اخلاقی پژوهش، آموزش و ترویج آن در میان پژوهشگران و جامعه دانشگاهی، می‌تواند زمینه را برای رعایت و توسعه موازین اخلاقی در عرصه پژوهش فراهم کند.

از این رو، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با هدف حفظ منزلت، سلامت و امنیت، حریم خصوصی آزمودنی‌ها، رعایت حقوق مادی و معنوی پژوهشگران و آزمودنی‌ها، ارج نهادن به اصول اخلاق علمی و آزادی‌های علمی پژوهشگران، جلوگیری از تضعیف اعتبار ملی و بین‌المللی، اطمینان به پژوهش و پژوهشگران ترویج رفتارهای مطلوب پژوهشی، و نیز به منظور انجام پژوهش‌هایی با اعتبار بیشتر، مبادرت به تدوین موازین اخلاق پژوهش به شرح زیر نموده است.

فصل اول: صلاحیت تخصصی

- (۱) داشتن دانش تخصصی روزآمد در موضوع پژوهش: پژوهشگر باید دارای دانش تخصصی به روز باشد و مساله را با توجه به دانش پیشین و سنخیت آن با رشته علمی خود انتخاب و تدوین کند.
- (۲) آشنایی با روش متناسب با موضوع و کاربرد آن در مراحل مختلف پژوهش: پژوهشگر باید با روش‌ها و فنون لازم برای گردآوری داده‌های معتبر و تحلیل آن‌ها آشنا باشد.

فصل دوم: انتخاب موضوع پژوهش

- (۳) اصالت^۱، اعتبار علمی و ارزشمندی موضوع پژوهش: پژوهشگر باید پژوهشی را انتخاب کند که موضوع آن اصیل و دارای اعتبار علمی باشد و به تولید دانش جدید و یا به‌سازی زندگی بشر منتهی شود.

¹ originality

۴) **استفاده بهینه از منابع:** پژوهشگر موظف است موضوع پژوهش خود را با توجه به محدودیت منابع مالی، زمان و نیروی انسانی به گونه ای انتخاب کند که ضمن تحقق منافع ملی کشور در فهرست اولویت های پژوهشی نیز باشد.

فصل سوم: ویژگی های فردی پژوهشگر

۵) **صداقت^۱:** پژوهشگر باید یافته های پژوهشی اش را، به طور کامل و شفاف در اختیار جامعه علمی قرار دهد تا با دقت، مورد نقد و تبادل قرار گیرد، نمونه هایی از صداقت پژوهشگر:

- ارائه و انعکاس نتایج کار پژوهشی؛ خواه فرضیه های اصلی پژوهش تایید شده باشد یا نه.
- ذکر دقیق منابعی که در طول مدت پژوهش از آنها استفاده شده و حاصل تلاش و اندیشه دیگران اند.
- قدردانی از حامیان مادی و معنوی پژوهش.
- گزارش محدودیت های پژوهش.

۶) **بی طرفی^۲:** پژوهشگر موظف است که تحلیل ها و گزارش های پژوهشی اش را بی طرفانه، و بدون دخالت دادن پیش فرض ها تمایلات خود، دیگران یا موسسه سفارش دهنده پژوهش، ارائه دهد.

۷) **امانت داری:** پژوهشگر موظف است از تمامی منابع و ابزارهایی که برای انجام پژوهش در اختیار دارد به نحو احسن نگهداری کند و همچنین حق مالکیت فکری در برخورداری از اطلاعات به دست آمده را رعایت کند.

۸) **شهامت و پابندی به جستجوی حقیقت:** پژوهشگر موظف است نتایج واقعی پژوهش را بدون ترس و تأثیر از فشارها و جهت گیری هایی که او را فرا گرفته است، ارائه کند.

۹) **مشورت، نقدپذیری و رهیافت نقادانه:** پژوهشگر موظف است از کارها و نظرات دیگران استفاده کند؛ از خودمحوری پرهیز کند؛ ضمن ارج نهادن به نقدها، از عجب، غرور و نابردباری دوری کند و برای کسب معرفت، نسبت به معرفت موجود رهیافت نقادانه اتخاذ کند.

۱۰) **پایبندی به عنصر زمان (موعد مقرر):** پژوهشگر موظف است نتایج پژوهش خود را در موعد مقرر، انتشار دهد تا از آنها بهره برداری شود.

۱۱) **دقت در تدوین گزارش پژوهش:** پژوهشگر باید به هنگام نگارش (گزارش) پژوهش توجه داشته باشد که:

۱. Honesty

۲. Impartiality

- نگارش پژوهش به گونه‌ای نباشد که کسی یا گروهی محتمل آسیب یا ضرری شود و از میدان بیرون رود.
- جنسیت، سن، نژاد، مذهب یا تمایلات سیاسی بر نحوه نگارش تأثیر نداشته باشد.
- نحوه گزارش نتایج پژوهش، ضامن حقوق مادی و معنوی تمامی افراد دست‌اندر کار پژوهش باشد.
- در گزارش پژوهش، مرز بین دست‌آوردهای علمی پژوهشگر و یافته‌های اخذشده از کار دیگران، روشن، شفاف و بدون ابهام باشد.
- در گزارش پژوهش، تمامی قوانین، سیاست‌ها و مقررات مربوط به پژوهش مورد نظر، رعایت شود.
- گزارش پژوهش، حاوی نگرش، پردازش، استدلال، استنتاج و دست‌آورد یا اندیشه‌ای نو باشد و از بازنویسی گفته‌های دیگران، بازی با الفاظ، زیاده‌نویسی، کلی‌گویی، جزم‌اندیشی و مصرف‌گرایی پرهیز شود.
- میراث معرفتی برجای مانده از پیشینیان به رسمیت شناخته شود.
- گزارش از هرگونه تعصب، حسادت، کینه و خشم، غرض‌ورزی عاطفی^۱، توهین و جسارت، تحقیر و استخفاف دیگران، حرمت‌شکنی، بزرگنمایی خود و موضوع، انفعال درنگرها و باورها به دلیل دگرباوری، فریب، آزار و اذیت، بهره‌برداری ناپسند از واژه‌ها و افراد به دور باشد.

فصل چهارم: تعهد و مسئولیت نسبت به ذینفعان

- ۱۲) رعایت منافع ذینفعان در تمام مراحل پژوهش: پژوهشگر در تعریف، اجرا و همچنین گزارش پژوهش، نسبت به منافع ذینفعان (خویشتن، صاحبان و سرمایه‌گذاران پژوهش، آزمودنی‌ها، جامعه علمی و دیگر محققان، مخاطبان، کاربران و استفاده‌کنندگان، همکاری تحقیق، مردم، جامعه و سازمان) مسئول است و باید نقاط ضعف پژوهش، تقارن اطلاعات، محدودیت‌های دقیق و تعارض منافع را به اطلاع آنها برساند.

^۱ غرض‌ورزی عاطفی یعنی؛ در پی تأمین منافع و علایق فردی خود و گروهی محدود از دانشمندان، اجتماعات علمی ذینفع، که پژوهشگر به آن تعلق دارد، بودن.

- پژوهشگر نسبت به مدیریت و استفاده مؤثر از منابعی (منابع اقتصادی، انسانی و فنی) که سرمایه‌گذاران پژوهش در اختیار او قرار داده‌اند، مسئول است و نباید بیش از اندازه واقعی درخواست هزینه تحقیق کند و از منابع مالی سوءاستفاده کند.
- پژوهشگر مجاز نیست برای خدمات یک طرح واحد، از دو منبع، اعتبار مالی بگیرد، مگر برحسب اطلاع و توافق آن دو منبع.
- پژوهشگر نباید در ازای دریافت وجوهی از متولیان تحقیق، نتایج خاصی از پژوهش را کتمان کند یا گزارش‌های چندگانه‌ای تهیه کند که موجب مخدوش شدن نتایج تحقیق و سردرگمی خوانندگان شود.

۱۳) **اعلان مرکز پژوهش انجام شده:** مقالات مستخرج از پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد، دکتری و طرح‌های پژوهشی، متعلق به دانشگاهی است که پایان‌نامه یا طرح پژوهشی در آنجا تدوین و انجام شده است. بنابراین، کلیه مقالات مستخرج از این پایان‌نامه‌ها و طرح‌ها باید با نام دانشگاه مربوطه انتشار یابند.

فصل پنجم: حقوق آزمودنی‌ها

آزمودنی‌ها^۱ شامل: آزمودنی‌های انسانی^۲، حیوان، گیاه و اشیاء می‌باشند.

■ آزمودنی‌های انسانی:

- ۱۴) **معرفی مناسب:**^۳ اخلاق پژوهش علمی اقتضا می‌کند که پژوهشگر خود را به آزمودنی‌ها معرفی کند و از ارائه اطلاعات نادرست درباره خود اجتناب ورزد.
- ۱۵) **روشنگری آغازین:**^۴ پژوهشگر موظف است آزمودنی‌ها را از نوع پرسش‌های پژوهش، درجه حساسیت این پرسش‌ها و تأثیرهای احتمالی پژوهش بر آنها، آگاه کند.
- ۱۶) **رضایت آگاهانه و آزادانه:**^۵ پژوهشگر باید رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان را جلب کند و در مواقع لزوم، اطلاعاتی را راجع به هدف، روش‌ها، خطرهای، مشکلات، ناملازمات و پی‌آمدهای

^۱ participants

^۲ آزمودنی‌های انسانی یا سوژه‌های پژوهیدی، افرادی هستند که پژوهش به نوعی براساس مشارکت آنها و اطلاعاتی که (به روش مصاحبه، پرسشنامه، آزمایش و...) در اختیار می‌گذارند، شکل می‌گیرد.

^۳ proper identification

^۴ clear outset

^۵ free and informed consent

احتمالی پژوهش در اختیار مشارکت کنندگان قرار دهد. آزمودنی‌ها باید آزادانه و نه از روی اجبار در پژوهش مشارکت نمایند و در شرایطی که پژوهش پر خطر است، باید فرصت‌های مناسب برای سرباز زدن از مشارکت در پژوهش، بدون دردسر یا گرفتاری، به آنها داده شود. همچنین، پژوهشگر موظف است فواید عینی پژوهش را در ارتباط با موضوع تحقیق و نیز گسترش دانش، تصریح کند (یعنی پژوهش مورد نظر، فواید آشکاری برای جامعه دارد و فاقد هرگونه زیان بالقوه برای فرد و جامعه است).

(۱۷) **حفظ حریم خصوصی^۱ افراد^۲:** پژوهشگر حق ندارد بدون توافق آگاهانه با افراد آزمودنی‌ها، به حریم شخصی آنها، وارد شود.

- پژوهشگر باید به حریم خصوصی افراد، احترام بگذارد و از اجبار برای کسب اطلاعات خصوصی از مشارکت کنندگان خودداری کند.
- پژوهشگر موظف است اطلاعات مربوط به آزمودنی‌ها را، فقط به منظور هدف‌های پژوهشی مورد استفاده قرار دهد و از کاربرد آنها در شرایط دیگر و یا برای مقاصد شخصی، پرهیز کند. پیش شرط طبیعی برای استفاده مجدد از این اطلاعات، رضایت مجدد شخص مذکور، درباره آنها شخص مشارکت کننده در پژوهش شناسایی نمی‌شود، به کار نمی‌رود.

(۱۸) **رازداری و ناشناخته^۳ ماندن آزمودنی‌ها در پژوهش:** زمانی که پژوهشگر به برخی از اسرار افراد یا سازمانی دست یافت، موظف است از فاش نمودن آنها اجتناب کند و در عین حال به هیچ وجه نباید راه و نشانه‌ای برای شناسایی آزمودنی‌ها در پژوهش بگذارد تا افرادی که نتایج پژوهش او را می‌خوانند، آزمودنی‌ها را شناسایی کنند. همچنین، چنانچه پژوهشگر از هویت آزمودنی‌ها اطلاع دارد، باید تضمین کند که هویت آنها را هرگز فاش نخواهد کرد.

^۱ privacy

^۲ چیزی خصوصی نامیده می‌شود که فرد بتواند دسترسی به آن را در مهار خود داشته باشد. حریم خصوصی نیز عبارت است از آنچه که افراد حق دارند بر پنهان نگه داشتن مطلق یا نسبی آن، و دیگران مکلفند به محترم داشتن این پنهانکاری.

^۳ confidentiality

(۱۹) سلامت، ایمنی^۱ و آسایش آزمودنی‌های^۲ پژوهش: پژوهشگر موظف است سلامتی و آسایش جسمانی و ذهنی آزمودنی‌ها را مورد توجه قرار دهد و از پیش، تمامی احتیاط‌های لازم را، برای جلوگیری از مخاطرات احتمالی، در نظر بگیرد.

- منافع جامعه یا پیشرفت علم نمی‌تواند توجیه‌کننده قراردادن آزمودنی‌ها در معرض ضرر و زیان غیرمعقول باشد و یا محدودیتی در اعمال اراده و اختیار آنها ایجاد کند.
- افراد آسیب‌پذیر به دلیل موقعیت نامساعدشان نباید هدف پژوهش قرار گیرند.
- چنانکه اهداف پژوهش، انتخاب افراد آزمودنی را اجبار می‌کند، آزمودنی‌های انتخاب‌شده، باید اولین دریافت‌کنندگان مزایای آینده پژوهش مورد نظر باشند.
- برای تحمل خطرات تحقیق توسط این گروه، باید تا حد ممکن فشارها و خطرات احتمالی کاهش داده شوند.

(۲۰) حیوانات: پژوهشگر باید هنگام استفاده از حیوانات برای پژوهش‌های علمی، مراقب باشد تا با توجه به مقررات انجام آزمایش، عمل کند. همچنین باید نکات زیر را مورد توجه قرار دهد:

- حیوانات باید در شرایطی قابل قبول نگهداری شوند و انواع نیازهایشان اعم از غذا، آب، خواب و... تأمین شود.
- پژوهشگر باید دلایل کافی برای انجام پژوهش روی حیوانات را داشته باشد.
- پژوهشگر مجاز نیست، حیوانات را تحت فشار، درد، استرس و آسیب زیاد قرار دهد.
- پژوهشگر موظف است از ضوابط و استانداردهای ارائه‌شده برای مراکز نگهداری حیوانات آزمایشگاهی (مانند محیط بهداشت، دمای حرارت، کاهش درد به هنگام آزمایش) مطلع باشد و آنها را رعایت کند.

(۲۱) گیاهان: پژوهشگر مجاز نیست در حین پژوهش صدمه‌ای به گیاهان - خواه در روند پژوهش باشند و خواه نباشند- وارد کند. بدیهی است هرگونه مداخله‌ای در حیات گیاه باید با دلایل قانع‌کننده و توجه به پیامدهای آن برای جامعه بشری، صورت پذیرد.

- پژوهشگر موظف است از خط‌مشی‌های سیاسی و اجتماعی، ملی و بین‌المللی، و ضوابط و استانداردهای ارائه‌شده برای حفظ محیط‌زیست آگاه باشد و آنها را رعایت کند.

^۱ safety

^۲ welfare of the Respondents

(۲۲) **حفاظت از اشیاء، اسناد و مدارک، آثار باستانی و محلی:** پژوهشگر موظف است به هنگام پژوهش بر روی اشیاء باستانی و مطالعه اسناد و مدارک قدیمی، از ضوابط و استانداردهای ارائه شده برای پژوهش بر روی آنها، آگاه بوده و در جریان پژوهش صدمه‌ای به آنها وارد نکند.

- پژوهشگر در همه شرایط موظف به حفظ سلامت محیط می‌باشد.

(۲۳) **وضوح نحوه رعایت مسائل اخلاقی:** پژوهشگر موظف است همواره نحوه رعایت مسائل اخلاقی را در تمام گزارش‌های پژوهشی، مقالات، پایان‌نامه‌ها و... به‌طور آشکار مشخص کند.

فصل ششم: رفتارهای سوء پژوهشی

(۲۴) **جعل داده‌ها:** عبارت است از گزارش مطالب غیرواقعی و ارائه داده‌ها یا نتیجه‌های ساختگی به عنوان نتیجه‌های آزمایشگاهی، مطالعات تجربی و یا یافته‌های شخصی. مانند:

- ارائه نتیجه‌های ساختگی به عنوان نتیجه‌های آزمایش یا خروجی نرم‌افزار.

- جابه‌جا کردن نتیجه‌های یک بررسی با نتیجه‌های بررسی دیگر.

(۲۵) **تحریف داده‌ها:** منظور از تحریف داده‌ها آن است که ثبت و ارائه نتیجه‌های پژوهشی به نحوی باشد که مواد پژوهش، وسیله‌ها و ابزار، یا فرآیند جمع‌آوری داده‌ها دستکاری شود یا داده‌ای حذف یا تغییر یابد و نتیجه پژوهش در راستای اهداف خاص دنبال شود. مانند:

- ارائه مراحل آزمایشگاهی یا فرآیندهای غیرواقعی تحلیل، برای رسیدن به نتیجه‌هایی که در مقاله داده شده است.

- دستکاری نتیجه‌های بدست آمده از شبیه‌سازی یا آزمایش‌های تجربی.

- حذف بخشی از داده‌ها، نتیجه‌های آزمایشگاهی، یا بخشی از تحلیل‌های نظری که ارائه آنها، نتیجه‌های به‌دست آمده را مورد تردید قرار می‌دهد.

- استفاده از نرم‌افزارهای مختلف برای ایجاد تغییرهای مورد نظر در شکل‌ها یا نمودارها.

- دستکاری شرایط آزمایشگاه برای رسیدن به نتیجه‌های دلخواه.

- خوش‌رنگ و آب‌جلوه دادن^۳ یا بزرگ‌نمایی امور کوچک با هدف پنهان کردن واقعیات بزرگتر.

^۱ fabrication

^۲ falsification

^۳ juicy quotes

(۲۶) **سرقت علمی**^۱: شامل اقتباس نزدیک افکار و الفاظ نویسنده دیگر، تناظر یک به یک در بیان اندیشه‌ها و شباهت‌های ساختاری در نوشتار یا انتساب ایده‌ها، فرآیندها، نتیجه‌ها یا کلمه‌های دیگران به خود، بدون ارجاع مناسب است.

- ترجمه کل یا بخشی از آثار دیگران بدون کسب اجازه از مبادی ذی ربط، و معرفی آن به عنوان یک پژوهش اصلی علمی، از مصادیق سرقت علمی است.

(۲۷) **اجاره علمی**: منظور از اجاره علمی این است که پژوهشگری به جای آنکه خود به انجام پژوهش بپردازد، افرادی را برای این منظور به کار گیرد و خودش در فعالیت پژوهشی چندان تلاش نکند، سپس بعد از تحویل کار، با دخل و تصرف اندکی در پژوهش صورت گرفته، آن را به نام خود منتشر کند.

(۲۸) **تعارض منافع**^۲: مجموعه شرایطی که در آن تصمیم حرفه‌ای در مورد یک هدف اولیه (تعهد اصلی پژوهشگر به آزمودنی‌ها) تحت تأثیر یک منفعت ثانویه (مالی، اعتبار فردی، اعتبار دانشگاهی، شهرت و...) قرار می‌گیرد.

- نویسنده مقاله باید منافع همه ذینفعان را به عنوان معتمدان آنها در نظر گیرد و هرگونه تعارض منافع را که از نگاه ذینفعان مختلف پوشیده است، در متن یا ذیل مقاله، به‌طور شفاف اعلام کند.
- نویسنده باید منابع تأمین هزینه‌های پژوهش و نگارش مقاله را به‌طور شفاف معرفی کند و قرارداد میان او و حامی مالی پژوهش نباید به هیچ عنوان باعث منع اعلام تعارض منافع در مقاله باشد.

فصل هفتم: استناد

(۲۹) **ارجاع و استناد**^۳ به منابع مورد استفاده: پژوهشگر موظف است در صورت استفاده مستقیم یا غیرمستقیم از آثار دیگران^۴ به آنها استناد کند.

^۱ plagiarism

^۲ conflict of interest

^۳ citation

^۴ سند: اسناد تا آن جایی که در قالب‌های خاصی تهیه می‌شوند، موضوعاتی استاندارد به حساب می‌آیند و شامل موارد زیر خواهند بود: کتاب، مجله، روزنامه، گزارش‌های سالانه، آمارها، احکام قضایی، یادداشت‌ها، گزارش‌های موردی، قراردادهای پیش‌نویس‌ها، گواهینامه‌ها، دفترچه‌های خاطرات، اظهارنظرهای کارشناسانه، مصاحبه‌ها، جلسات علمی، جداول، نمودارها، نقشه‌ها، لوح‌های فشرده، فیلم‌ها، تصاویر، برنامه‌های تلویزیونی، رادیویی، سخنرانی‌ها، صفحات وب پایگاه‌های آنلاین، وبلاگ‌ها، پست الکترونیکی و ...

- هنگامی که عین سخنان یا نوشته‌های یک پژوهشگر مورد استفاده قرار می‌گیرد، باید از استانداردهای نشان دهنده نقل قول مستقیم^۱ استفاده شود.

- استفاده از اشکال، جداول و پرسشنامه تدوین شده توسط دیگران، در مقاله یا گزارش پژوهشی خود، مستلزم ارجاع به متن اصلی و اجازه کتبی از مالک معنوی آن است.

۳۰ **بازگفت^۲ و بازنویسی:** پژوهشگر موظف است زمانی که اطلاعاتی را از منبعی همراه با حفظ معنی اصلی متن و منظور نویسنده، با استفاده از واژه‌های خود، نقل می‌کند، به منبع اصلی آن، ارجاع دهد.

۳۱ **استناد به منابع معتبر:** مجله مورد استفاده، سایت حامی مقاله و نویسنده مقاله، باید موثق و معتبر باشند و نباید از منابع مشکوک یا فاقد اعتبار علمی، استفاده یا به آنها استناد کرد.

۳۲ **ارجاع و استناد مطابق با استانداردهای بین‌المللی:** نویسنده در ارجاع‌دهی باید از یکی از استانداردهای کتاب‌شناختی^۳ استفاده کند.

- در صورت استفاده از منابع و آثار الکترونیکی نیز باید کلیه موازین اخلاقی مرتبط با منابع و آثار چاپی رعایت شود.

فصل هشتم: مالکیت معنوی^۴ و مسئولیت پژوهش انجام شده

۳۳ **شرایط نویسنده پژوهش:** شخصی نویسنده (یا یکی از نویسندگان) پژوهش (طرح پژوهشی، مقاله، کتاب و ...) خواهد بود که دست کم مشغول یکی از موارد زیر باشد:

۱. سهم قابل توجهی در: الف) ارائه ایده پژوهشی یا طراحی مطالعه، ب) جمع‌آوری داده‌ها، ج) تحلیل و تفسیر داشته باشد.

۲. در نوشتن پیش‌نویس مقاله و اصل آن، یا مرور نقادانه آن، که منجر به اصلاح محتوای علمی مقاله می‌شود، نقش داشته باشد.

۳. مقاله نهایی را مطالعه و تأیید کرده باشد.

- فردی که بیشترین سهم را در انجام پژوهش داشته است، نویسنده اول خواهد بود.

^۱ برخی از مهمترین استانداردهای نشان‌دهنده نقل قول مستقیم عبارتند از: قراردادن عین متن مورد استفاده در داخل گیومه «»، معرفی منبع متن مورد استفاده در یک عبارت مقدماتی، فاصله گرفتن از سر سطر و کوچک‌تر کردن متن مورد نظر است.

^۲ بازگفت (paraphrasing) به صورت به کار بردن مترادف کلمات، تغییر ساختار جملات، تبدیل از معلوم به مجهول و برعکس، تغییر اجزای کلام می‌باشد که باید در این صورت نیز حتماً منبع آن ذکر شود.

^۳ bibliography

^۴ intellectual property

- نام تمامی اشخاصی که معیارهای نویسندگی مقاله را دارند باید به عنوان نویسنده، در بخش نویسندگان مقاله آورده شود، حتی اگر همکاری آنها با آن مراکز یا تیم پژوهشی، به هر علتی، قطع شده باشد.
- از تعیین مؤلف افتخاری (فرد یا افرادی که هیچ گونه نقشی در جنبه های علمی پژوهش نداشته اند) و حذف مؤلف حقیقی (فرد یا افرادی که نقش به سزایی در جنبه های علمی پژوهش داشته اند) باید خودداری شود.
- (۳۴) **مسئولیت نویسندگان مقاله درباره محتوای مقاله:** تمامی نویسندگان باید مسئولیت محتوای مقاله درباره نکات زیر با بپذیرند:
 - ۱. صحت مطالب مندرج در مقاله.
 - ۲. پایبندی به راهنماهای اخلاق در پژوهش.
- توافق درمورد ترتیب اسامی باید بر اساس سهم هر یک از نویسندگان در نگارش مقاله و مشارکت خلافاً آنها باشد، نه براساس جایگاه یا سوابق افراد.
- (۳۵) **وظایف نویسنده مسئول^۱:** نویسنده مسئول، کسی است که مسئولیت گروه پژوهشی و صحت کل پژوهش را می پذیرد؛ و همچنین، از سوی سایر نویسندگان، مسئولیت مکاتبات و پاسخ گویی به ابهامات و ایرادات مطرح شده در مورد مقاله، و انتقال نظرات و مکاتبات مهم به سایر نویسندگان و تنظیم روابط بین آنها را بر عهده می گیرد.
- (۳۶) **سپاسگزاری^۲:** نام کلیه افرادی که در اجرای پژوهش، مساعدتی مبذول داشته اند، اما معیارهای درج نام در بخش نویسندگان مقاله را ندارند، در بخش سپاسگزاری، با ذکر نوع مشارکت، آورده می شود.
- کسی که به چند سوال تخصصی پژوهشگر پاسخ داده است، نباید انتظار داشته باشد جزء نویسندگان باشد، بلکه باید از او سپاسگزاری شود.
- اگر در هنگام مشورت با فردی، مسیر پژوهش تغییر کند و نتیجه های مهمی از پیشنهادهای وی به دست آید، ذکر نام او به عنوان نویسنده مقاله یا گزارش بلامانع است.
- (۳۷) **انتساب غیر واقعی (جعلی) به موسسه، مرکز یا گروهی آموزشی که نقشی در اصل پژوهش مربوطه یا در فعالیت حرفه ای فرد نویسنده ندارد، غیر مجاز است.**

¹ corresponding author

² acknowledgment

(۳۸) در مقالات مستخرج از پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد و دکتری، به ترتیب، اسم دانشجو، استاد(ان) راهنما و استاد(ان) مشاور آورده می‌شود.

(۳۹) استاد راهنما یا سرپرست پژوهش در هر شرایطی باید پاسخ‌گوی درستی و نادرستی مندرجات پژوهش باشد. خواه مستقیماً مشارکت داشته باشد و خواه به دلایلی قادر به نظارت دقیق بر پژوهش و انتشار نتایج آن نبوده باشد.

- اگر پژوهشگر بدون هیچ تلاشی برای اطلاع‌رسانی به استاد راهنما یا سرپرست گروه پژوهشی، مطلبی را به نام او منتشر کند، تمام مسئولیت بر دوش پژوهشگر است و پس از آن، استاد راهنما یا سرپرست گروه پژوهشی، باید ضمن اقدام قانونی، در اسرع وقت اطلاع‌رسانی کند.

فصل نهم: ضوابط انتشار

(۴۰) **تدوین و نشر نتایج:** پژوهشگر موظف است در تمام مراحل انجام پژوهش، یافته‌های پژوهش و روش‌های به کار گرفته‌شده برای گردآوری و تحلیل آنها را به نحو روشن و شفاف، ساده، معنی‌دار^۱ و قابل استفاده دیگران تدوین کند و انتشار دهد.

(۴۱) **ارسال موازی:** ارسال همزمان یک مقاله، جهت بررسی و چاپ در دو یا چند مجله چاپی یا الکترونیکی مجاز نمی‌باشد.

(۴۲) **ارسال مجدد^۲:** ارسال مجدد یک مقاله چاپ‌شده در نشریه چاپی یا الکترونیکی به یک مجله دیر جهت بررسی و چاپ غیرمجاز است.

- چنانچه نویسنده مقاله‌ای که در یک نشریه در دست بررسی برای انتشار است، تصمیم بگیرد، به هر دلیلی، آن مقاله را برای نشریه دیگری ارسال کند، باید ابتدا انصراف خود را از انتشار مقاله، به صورت کتبی به نشریه اول اعلام کند. این کار، حداکثر تا پیش از اعلام پذیرش مقاله برای انتشار در نشریه اول امکان‌پذیر است.

- چنانچه نتایج یک پژوهش به صورت خلاصه در مجموعه مقالات یک کنفرانس علمی به چاپ رسیده باشد، ارسال آن، جهت بررسی و چاپ به صورت کامل در یک مجله، بلامانع است.

(۴۳) **انتشار همپوشان^۳:** پژوهشگر مجاز نیست، داده‌های مقاله پیشین خود را با اندکی تغییر در متن، در مقاله‌ای با عنوان جدید به چاپ رساند.

^۱ meaningful

^۲ duplicate submission

^۳ overlapping publication

- تکرار قسمت‌هایی از بخش مواد و روش‌ها در مقالات بعدی همان نویسنده(گان)، در صورت ضرورت، بلامانع است، اما در هر حال ذکر مرجع لازم می‌باشد.
- (۴۴) انتشار تکه‌ای^۱: در صورتی که نتایج پژوهش در یک مقاله به صورت یکپارچه قابل انتشار باشد، پژوهشگر مجاز نیست آن نتایج را در چند بخش جداگانه و در چند مقاله مستقل به چاپ برساند.

^۱ partial publication

پرسش‌های فصل نهم:

۱. کارکرد منشورها یا مرامنامه‌های اخلاق در پژوهش را معرفی کنید.
۲. به نظر شما، ابلاغ و آگاهی از منشورهای اخلاق در پژوهش در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی، تا چه اندازه می‌تواند به ارتقای اخلاقی فعالیت‌های پژوهشی کمک کند. دلایل خود را به‌طور دقیق صورتبندی کنید و توضیح دهید.

فصل دهم: نتیجه گیری

۱۰- ۱. مقدمه

در سال‌های اخیر نیز در نظام آموزش عالی ایران، با افزایش سوءرفتارهای پژوهشی و ایجاد حساسیت در جامعه علمی ایران نسبت به این موضوع، به‌طور پراکنده منابعی تخصص در حوزه اخلاق پژوهش تهیه و تدوین شده است. اما واقعیت آن است که بر کنار از منابع بسیار ارزشمند ترجمه‌شده، عمده منابع تألیفی در حوزه اخلاق پژوهش لزوماً بر اساس سرفصل‌های آموزشی مدونی گردآوری نشده است. بر این اساس به نظر می‌رسد، نظام آموزش عالی خصوصاً در دوره‌های تحصیلات تکمیلی نیازمند برنامه‌ریزی مناسبی برای آموزش و ترویج اخلاق پژوهش در تحقیقات علمی و فناوری است. دستاورد این طرح پژوهشی دو هدف عمده را تحقق بخشید: (۱) تهیه و تدوین برنامه درسی اخلاق در پژوهش، و (۲) گردآوری و تدوین محتوای آموزشی اخلاق در پژوهش. از آنجا که حوزه مطالعات اخلاق پژوهش، قلمرو گستره‌ای ملاحظات اخلاقی در رشته‌های علمی و زمینه‌های پژوهشی متنوعی را در بر می‌گیرد، این طرح پژوهشی تنها و تنها به فصل مشترک ملاحظات اخلاقی در رشته‌های علمی و زمینه‌های پژوهشی متنوع می‌پردازد و گستره موضوعی خود را آموزش و ترویج مبانی و مسائل عمومی در اخلاق پژوهش تعریف می‌کند. اهداف این طرح پژوهشی به ترتیب عبارتند از:

- (۱) تدوین برنامه‌ای درسی برای دوره آموزشی اخلاق پژوهش در سطح دوره‌های تحصیلات تکمیلی
- (۲) تدوین سرفصل محتوایی آموزشی برای دوره آموزشی اخلاق پژوهش در سطح دوره‌های تحصیلات تکمیلی

۳) اهمیت اخلاق پژوهش در ارتقاء کیفی پژوهش‌های علمی

۴) تبیین جایگاه اخلاق پژوهش در توسعه نظام علمی و دانشگاهی

هم‌چنین پرسش‌های مطرح در این طرح عبارتند از:

(۱) به منظور تدریس اخلاق پژوهش در نظام دانشگاهی ایران، چه محتوایی مناسب است؟

(۲) این محتوای مناسب در اخلاق پژوهش چگونه باید تدریس شود؟

(۳) اخلاق پژوهش در ارتقاء کیفی پژوهش‌های علمی از چه اهمیتی برخوردار است؟

(۴) اخلاق پژوهش در توسعه نظام علمی و دانشگاهی از چه جایگاهی برخوردار است؟

در این طرح پژوهشی برای دستیابی به اهداف ۱ و ۲ و به‌طور متناظر با آن‌ها پاسخ به پرسش‌های ۱ و ۲، تهیه و تدوین برنامه درسی «اخلاق در پژوهش» و برای دستیابی به اهداف ۳ و ۴ و به‌طور متناظر آن‌ها پاسخ به پرسش‌های ۳ و ۴، تهیه و تدوین محتوای آموزشی «اخلاق در پژوهش» مورد پژوهش قرار گرفت. با توجه

به دسته‌بندی فوق، طرح پژوهشی مذکور از دو مرحله اصلی تشکیل شد که هر یک از این مراحل از روش پژوهشی متمایز برخوردار هستند: مرحله اول) تهیه و تدوین برنامه درسی اخلاق در پژوهش، و مرحله دوم) تهیه و تدوین محتوای آموزشی اخلاق در پژوهش.

۱۰- ۲. تهیه و تدوین برنامه درسی اخلاق در پژوهش

برای تهیه و تدوین برنامه درسی اخلاق در پژوهش است، بر دو مفهوم کلیدی تمرکز شده است: «چه چیزی تدریس کردن» و «چگونه تدریس کردن». به بیانی دیگر، در مرحله اول به دو پرسش کلیدی پاسخ داده می‌شود: ۱) در اخلاق پژوهش چه محتوایی تدریس می‌شود؟ و ۲) این محتوا چگونه تدریس می‌شود؟ اگر چه تفکیک این دو مفهوم از اهمیت کارکردی قابل توجهی برخوردار است، اما این تفکیک می‌تواند موجب ابهام در ارتباط میان برنامه درسی و آموزش آن شود. متخصصان این دو کارکرد را از یکدیگر جدا نمی‌کنند، چرا که آنان بایستی پیوسته در حال برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت در کلاس‌های درسی باشند. برای پاسخ به پرسش‌های مذکور لازم است سرفصل‌های اصلی برنامه درسی استخراج و چارچوب مفهومی مناسبی برای تدریس این سرفصل‌ها ارائه شود. در چارچوب روش دلفی، ابتدا شاخص‌های اصلی تدوین برنامه درسی از طریق طراحی پرسش‌نامه‌ای در چارچوب مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری و اعتبار اولیه آن توسط جمعی از استادان اخلاق در پژوهش تأیید و صورت‌بندی شد. پس از بحث و بررسی، این پرسش‌نامه با ۳۱ پرسش ذیل ۵ شاخص اصلی در مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) تهیه و تنظیم شد (جدول ۱۰-۱). هدف از تنظیم این پرسش‌نامه، بررسی تأثیر و اهمیت هر یک از مباحث و موضوعات اخلاق در پژوهش در برنامه‌ای درسی بود.

این پرسش‌نامه در گام اول به ۱۵ نفر از متخصصان ارسال شد که از این میان ۱۳ نفر در پژوهش مشارکت کردند و به پرسش‌نامه پاسخ دادند. پرسش‌نامه به طریقی تنظیم شد که مشارکت‌کنندگان ضمن استنباط و فهمیدن مباحث و موضوعات این مرحله از پژوهش، امکان انتقال دیدگاه‌های کارشناسی خود نسبت به مباحث و موضوعات مذکور را داشتند. پس از پاسخ اولیه مشارکت‌کنندگان، در گام دوم، گزارش جمع‌بندی برای ۱۳ متخصص مشارکت‌کننده مجدداً ارسال شد و امکان تجدیدنظر در پاسخ‌های ایشان با آگاهی از میانگین پاسخ‌های دیگر متخصصان مشارکت‌کننده فراهم شد. در این گام ۱۲ نفر از متخصصان پاسخ دادند و هیچ یک تغییری در پاسخ‌های اولیه خود نداده و صراحتاً بر آن‌ها تأکید کردند. نتایج پژوهش نشان داد که اجماع حداکثری قابل توجهی میان متخصصان در هر دو گام شکل گرفته است و نیازی به طی

نمودن گام‌های بعدی نیست. بنابر این، نتایج مورد اجماع در قالب سرفصل‌های پیشنهادی برنامه درسی تهیه و تنظیم شد. هم‌چنین منابع درسی ارائه‌شده در این برنامه، متأثر از پوشش حداکثری سرفصل‌های مذکور است^۱ (پیوست ج). سرفصل‌های پیشنهادی به ترتیب عبارتند از:

۱. اهمیت آموزش اخلاق در پژوهش در ارتقاء کیفی و توسعه پژوهش‌های علمی
۲. تأثیر سواد اخلاقی در شناسایی و تحلیل مسائل اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی
۳. ابعاد چهارگانه تأثیرگذار بر ارزیابی اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی:
 - ۳-۱. آموزش نظریه‌ها و اصول اخلاقی
 - ۳-۲. آموزش هنجارها و رهنمودهای اخلاق علم در فعالیت‌های پژوهشی
 - ۳-۳. شناخت کارکرد و وظایف کمیته‌ها و هیئت‌های اخلاق پژوهش
 - ۳-۴. آگاهی از ملزومات حقوقی متناسب با زمینه‌های پژوهشی
۴. آشنایی با معیارهای هنجارین نهاد علم در فعالیت‌های پژوهشی
۵. آشنایی با اصول اخلاقی مرتبط با آزمودنی‌های انسانی مورد پژوهش

جدول ۱۰-۱: شاخص‌ها و پرسش‌های مربوط به برنامه‌ریزی درسی و تدوین محتوای آموزشی «اخلاق در پژوهش»		
پرسش‌نامه	ردیف	شاخص‌های پنجگانه
آموزش اخلاق پژوهش تا چه میزان در ارتقاء تحقق اخلاقی فعالیت‌های پژوهشی محققان مؤثر است؟	۱	اهمیت آموزش اخلاق در پژوهش در ارتقاء کیفی و توسعه پژوهش‌های علمی
آموزش اخلاق پژوهش تا چه میزان در توسعه پژوهش‌های علمی و دستاوردهای آن‌ها مؤثر است؟	۲	
آموزش اخلاق پژوهش در چارچوب «سواد اخلاقی» تا چه میزان در تحکیم و تثبیت جایگاه اخلاق پژوهش مؤثر است؟	۳	اهمیت آموزش سواد اخلاقی و ارکان سه‌گانه آن در تحکیم و تثبیت جایگاه اخلاق در پژوهش
یکی از ارکان سه‌گانه سواد اخلاقی، ایجاد «حساسیت اخلاقی» است. تقویت و گسترش «حساسیت اخلاقی» تا چه میزان در شناسایی و فهم موقعیت‌های اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی مؤثر است؟	۴	
یکی از ارکان سه‌گانه سواد اخلاقی، آموزش «استدلال‌ورزی اخلاقی» است. آموزش و ارتقاء «مهارت‌های استدلال اخلاقی» تا چه میزان در تجزیه و تحلیل مسائل مطرح در اخلاق پژوهش مؤثر است؟	۵	

^۱ نسخه کامل برنامه درسی «اخلاق در پژوهش» برآمده از مرحله اول پژوهش در پیوست ج ارائه شده است.

یکی از ارکان سه گانه سواد اخلاقی، امکان تشخیص خیالی موقعیتی اخلاقی است که از آن با عنوان «تخیل اخلاقی» نام می‌برند. ارتقاء توانایی «تخیل اخلاقی» تا چه میزان در درک و تشخیص موقعیت‌های اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی مؤثر است؟	۶	
آموزش نظریه‌ها و اصول اخلاقی تا چه میزان در ارتقاء مهارت‌های استدلالی برای تحلیل و بررسی مسائل مطرح در اخلاق پژوهش مؤثر است؟	۷	اهمیت آموزش هر یک از ابعاد چهارگانه ۱. نظریه‌ها و اصول اخلاقی؛ ۲. هنجارها و رهنمودهای تخصصی و حرفه‌ای؛ ۳. آشنایی و تعامل با هیئت‌های اخلاق پژوهش؛ و ۴. ملزومات حقوقی پژوهش در تحلیل و بررسی مسائل اخلاق در پژوهش
آموزش هنجارها و رهنمودهای اخلاق علم و پژوهش‌های علمی تا چه میزان در تحلیل و بررسی مسائل مطرح در اخلاق پژوهش مؤثر است؟	۸	
شناخت کارکرد و وظایف کمیته‌ها و هیئت‌های اخلاق پژوهش و آشنایی با ماهیت حقوقی آن‌ها تا چه میزان در ارتقا و گسترش اخلاق پژوهش مؤثر است؟	۹	
آگاهی از ملزومات حقوقی متناسب با زمینه‌های پژوهشی تا چه میزان در ارتقا و گسترش اخلاق پژوهش مؤثر است؟	۱۰	
«صدقت محققان در تمامی مراحل پژوهش» به عنوان معیار هنجارین علم از چه میزان اهمیت تثبیت جایگاه اخلاق پژوهش برخوردار است؟	۱۱	اهمیت آشنایی با معیارهای هنجارین نهاد علم در تثبیت جایگاه اخلاق در پژوهش
«دقت محققان در فعالیت‌های پژوهشی» به عنوان معیار هنجارین علم از چه میزان اهمیت در تثبیت جایگاه اخلاق پژوهش برخوردار است؟	۱۲	
«گشودگی و به اشتراک گذاری فعالیت‌ها و دستاوردهای پژوهشی محققان» به عنوان معیار هنجارین علم از چه میزان اهمیت در تثبیت جایگاه اخلاق پژوهش برخوردار است؟	۱۳	
«آزادی محققان در انجام فعالیت‌های پژوهشی‌شان» به عنوان معیار هنجارین علم از چه میزان اهمیت در تثبیت جایگاه اخلاق پژوهش برخوردار است؟	۱۴	
«ارج گذاری نسبت به محققان و دستاوردهایشان» به عنوان معیار هنجارین علم از چه میزان اهمیت در تثبیت جایگاه اخلاق پژوهش برخوردار است؟	۱۵	
«آموزش علم و مهارت‌های پژوهش به محققان آتی و عموم افراد جامعه» به عنوان معیار هنجارین علم از چه میزان اهمیت در تثبیت جایگاه اخلاق پژوهش برخوردار است؟	۱۶	
«مسئولیت اجتماعی محققان نسبت به جامعه» به عنوان معیار هنجارین علم از چه میزان اهمیت در تثبیت جایگاه اخلاق پژوهش برخوردار است؟	۱۷	
«قانون‌مداری در فرآیند پژوهش» به عنوان معیار هنجارین علم از چه میزان اهمیت در تثبیت جایگاه اخلاق پژوهش برخوردار است؟	۱۸	

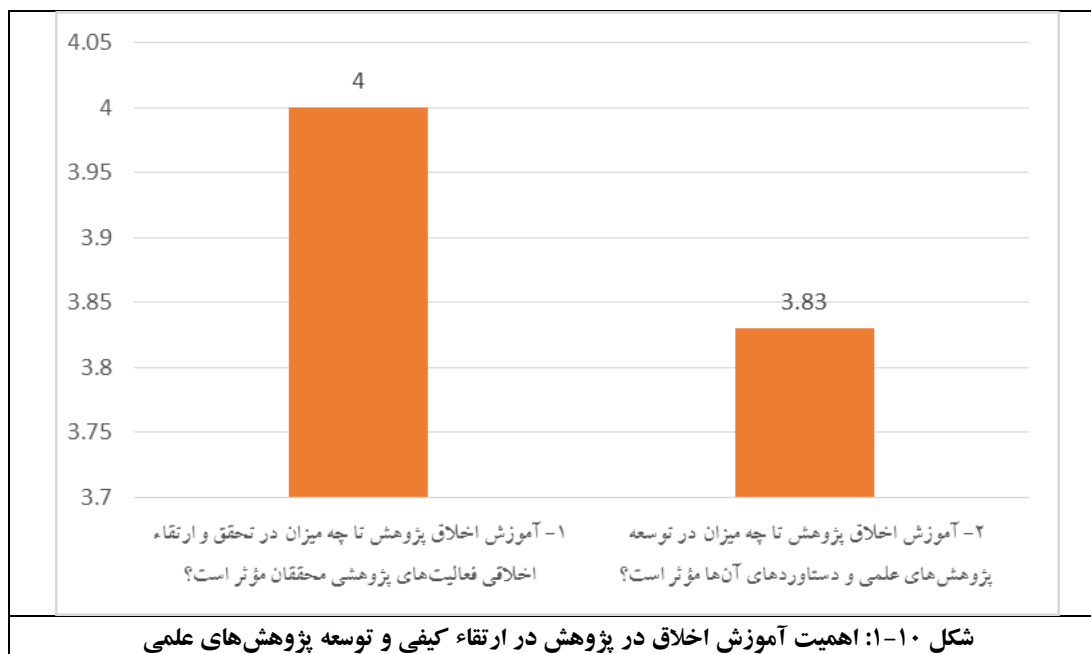
۱۹	«فرصت استفاده از منابع علمی و پیشرفت در حرفه علمی» به عنوان معیار هنجارین علم از چه میزان اهمیت در تثبیت جایگاه اخلاق پژوهش برخوردار است؟	
۲۰	«احترام متقابل محققان نسبت به همکاران خود» به عنوان معیار هنجارین علم از چه میزان اهمیت در تثبیت جایگاه اخلاق پژوهش برخوردار است؟	
۲۱	«کارآمدی محققان در استفاده از منابع و امکانات علمی» به عنوان معیار هنجارین علم از چه میزان اهمیت در تثبیت جایگاه اخلاق پژوهش برخوردار است؟	
۲۲	«احترام محققان به آزمودنی‌های مورد پژوهش» به عنوان معیار هنجارین علم از چه میزان اهمیت در تثبیت جایگاه اخلاق پژوهش برخوردار است؟	
۲۳	اصل «خودمختاری آزمودنی‌های انسانی مورد پژوهش» تا چه میزان بر گسترش خیر اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی مؤثر است؟	اهمیت آشنایی با اصول اخلاقی مرتبط با آزمودنی‌های انسانی در فعالیت‌های پژوهشی
۲۴	اصل «احسان و خیرخواهی نسبت به آزمودنی‌های مورد پژوهش» تا چه میزان بر گسترش خیر اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی مؤثر است؟	
۲۵	اصل «پرهیز از آسیب‌رسانی نسبت به آزمودنی‌های مورد پژوهش» تا چه میزان بر گسترش خیر اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی مؤثر است؟	
۲۶	اصل «رعایت عدالت در انتخاب و تعامل با آزمودنی‌های مورد پژوهش» تا چه میزان بر گسترش خیر اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی مؤثر است؟	
۲۷	اصل «صداقت‌ورزی در تعامل با همکاران و آزمودنی‌های انسانی مورد پژوهش» تا چه میزان بر گسترش خیر اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی مؤثر است؟	
۲۸	اصل «حفظ حریم خصوصی آزمودنی‌های انسانی مورد پژوهش» تا چه میزان بر گسترش خیر اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی مؤثر است؟	
۲۹	اصل «حفظ رازداری نسبت به داده‌های مرتبط با آزمودنی‌های انسانی مورد پژوهش» تا چه میزان بر گسترش خیر اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی مؤثر است؟	
۳۰	اصل «پرهیز از تضاد منافع در انجام فعالیت‌های پژوهش» تا چه میزان بر گسترش خیر اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی مؤثر است؟	
۳۱	اصل «دریافت رضایت آگاهانه از آزمودنی‌های انسانی مورد پژوهش» تا چه میزان بر گسترش خیر اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی مؤثر است؟	

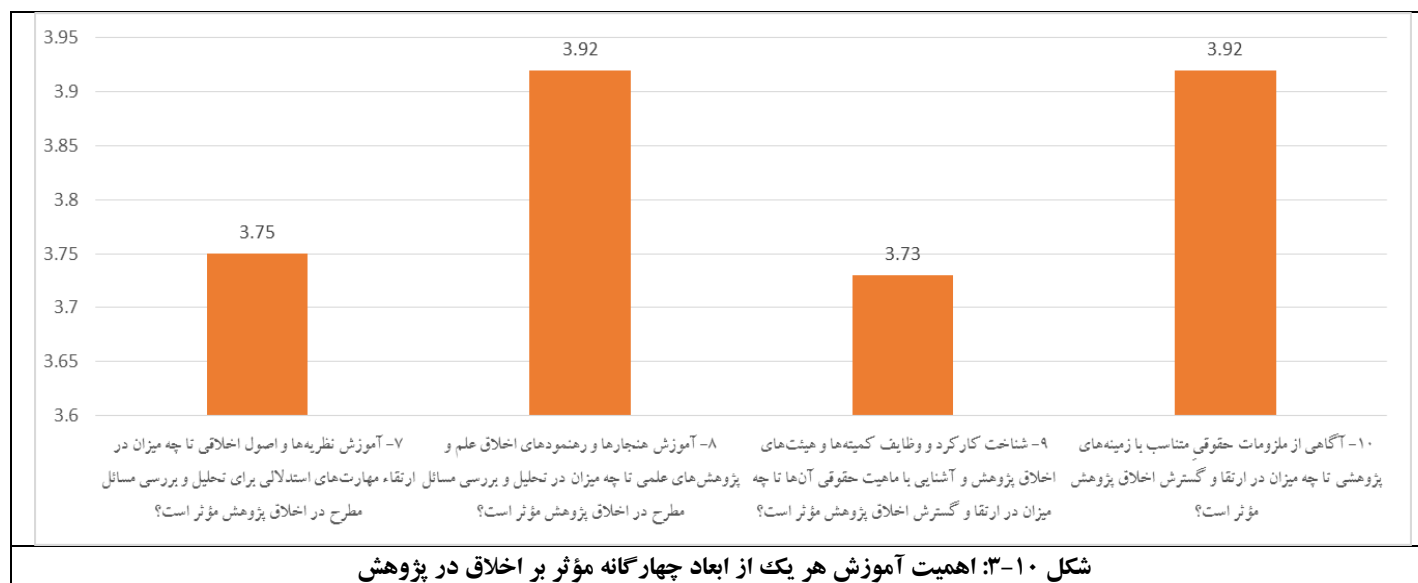
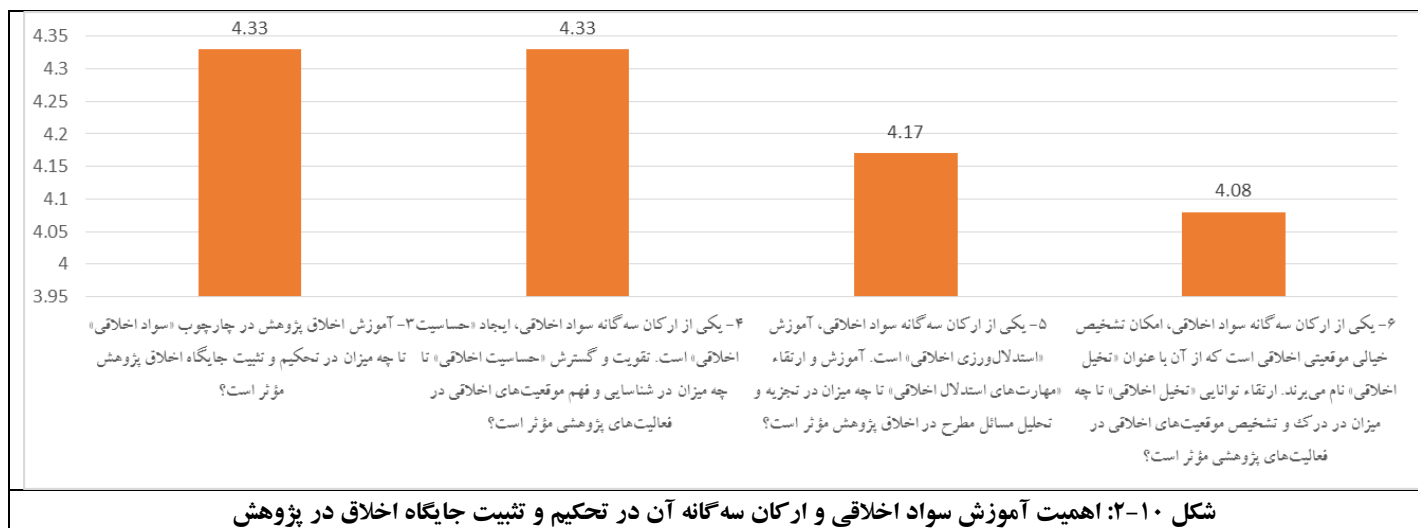
۱۰ - ۲ - ۱. یافته‌های مرحله اول

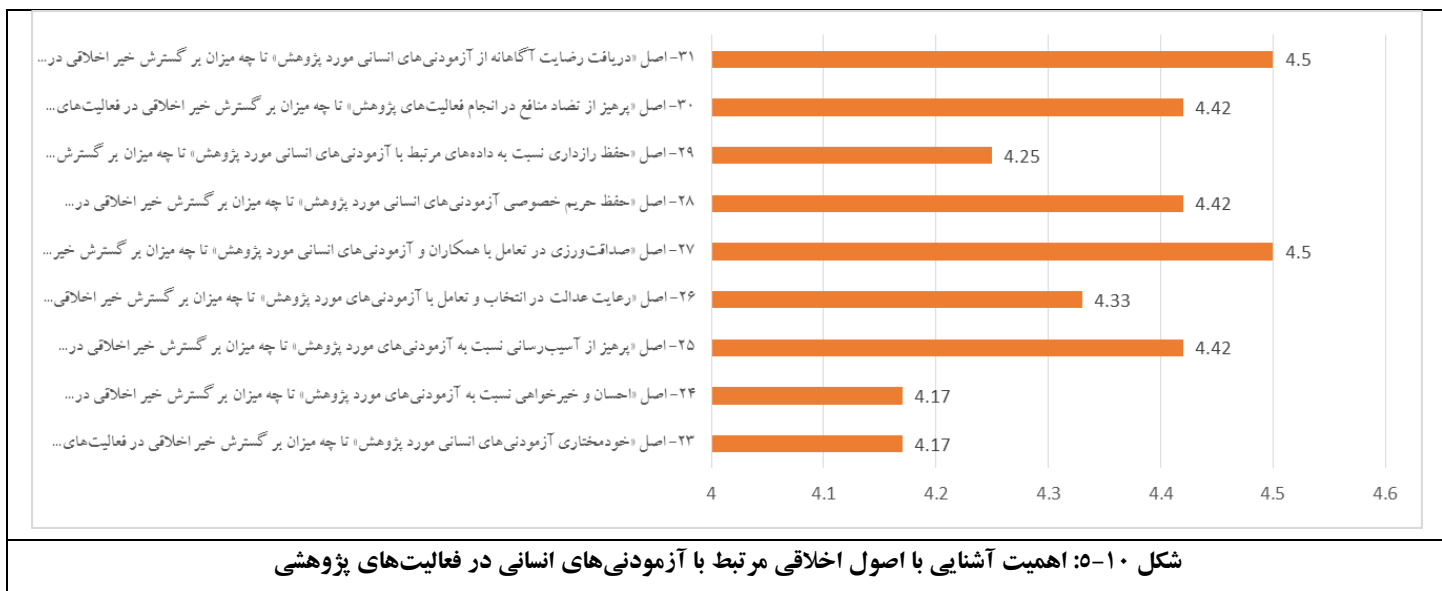
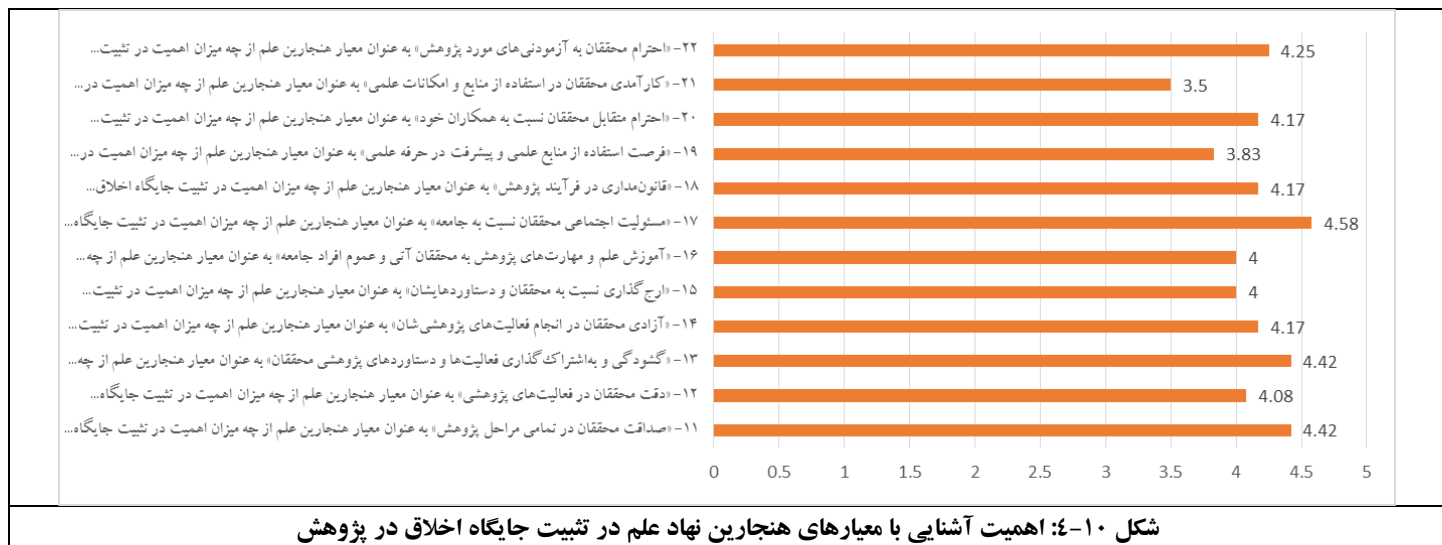
جدول ۱۰-۲: میانگین پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به هر پرسش	
شماره پرسش	میانگین پاسخ‌های شرکت‌کنندگان
سوال ۱	4
سوال ۲	3.83
سوال ۳	4.33
سوال ۴	4.33
سوال ۵	4.17
سوال ۶	4.08
سوال ۷	3.75
سوال ۸	3.92
سوال ۹	3.73
سوال ۱۰	3.92
سوال ۱۱	4.33
سوال ۱۲	4.08
سوال ۱۳	4.42
سوال ۱۴	4.17
سوال ۱۵	4
سوال ۱۶	4
سوال ۱۷	4.58
سوال ۱۸	4.17
سوال ۱۹	3.83
سوال ۲۰	4.17
سوال ۲۱	3.5
سوال ۲۲	4.25
سوال ۲۳	4.17
سوال ۲۴	4.17
سوال ۲۵	4.42
سوال ۲۶	4.33
سوال ۲۷	4.5
سوال ۲۸	4.42

سوال ۲۹	4.25
سوال ۳۰	4.42
سوال ۳۱	4.5

جدول ۱۰-۲، میزان اهمیت موضوعات پیشنهادی در اخلاق پژوهش مندرج در هر پرسش را نشان می‌دهد. در گام اول این مرحله، میانگین نظر متخصصان در سوال ۲۱ کمترین مقدار (3.5) و در سوال ۱۷ بیشترین مقدار (4.58) حاصل شده است. این موضوع نشان می‌دهد اهمیت هر یک از موضوعات پیشنهادی مورد اجماع متخصصان بوده است؛ از این رو، هیچ یک از این موضوعات برای اجرای گام دوم حذف نشد. این در حالی است که متخصصان پیشنهاد اضافه کردن موضوعی جدید به پرسش‌نامه را مطرح نکردند.







شکل‌های ۱-۱۰ تا ۵-۱۰، میزان اهمیت هر یک از موضوعات مندرج در پرسش‌ها ذیل هر یک از شاخص‌های پنجگانه در جدول ۱-۱۰ را نشان می‌دهد. در گام دوم، متخصصان تأکید کرده‌اند که هر یک از موضوعات پیشنهادی نسبت به دیگر موضوعات ذیل شاخص خود، از میزان اهمیتی در آموزش اخلاق پژوهش برخوردار است.

در ادامه، شکل ۶-۱۰، میزان اهمیت هر یک از شاخص‌های پنجگانه در جدول ۱-۱۰ را نسبت به یکدیگر نشان می‌دهد. در گام دوم، متخصصان تأکید کرده‌اند که شاخص/سرفصل «اهمیت آشنایی با اصول اخلاقی مرتبط با آزمودنی‌های انسانی در فعالیت‌های پژوهشی» از بیشترین اهمیت و شاخص/سرفصل «اهمیت آموزش هر یک از ابعاد چهارگانه مؤثر بر اخلاق در پژوهش» از کمترین اهمیت در آموزش اخلاق پژوهش برخوردار است.



۱۰- ۳. تهیه و تدوین محتوای آموزشی اخلاق در پژوهش

مرحله دوم این طرح پژوهشی مبتنی بر سرفصل‌های برآمده از یافته‌های مرحله اول تهیه و تدوین شد. در نتیجه، مبتنی بر برنامه درسی پیشنهادی و همچنین مطالعات کتابخانه‌ای و منابع درسی در موسسه‌های آموزشی و پژوهشی کشورهای توسعه‌یافته، محتوای آموزشی اخلاق در پژوهش در قالب ۷ فصل (فصل‌های ۳ تا ۹ در گزارش این طرح پژوهشی) با عناوین زیر تهیه و تدوین شد:

۱. سواد اخلاقی چارچوبی برای آموزش اخلاق در پژوهش
۲. اهمیت اخلاق در پژوهش در توسعه علم و فعالیت‌های پژوهشی
۳. ابعاد چهارگانه مؤثر بر تصمیم‌های اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی
۴. معیارهای هنجارین نهاد علم در فعالیت‌های پژوهشی
۵. اصول اخلاق پژوهش در تعامل با آزمودنی‌های انسانی
۶. معرفی برخی از هیئت‌ها و کمیته‌های اخلاق پژوهش
۷. معرفی منشور و موازین اخلاق در پژوهش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

پیوست الف: قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی (مصوب ۱۳۹۶/۰۵/۳۱)

ماده واحده - تهیه، عرضه و یا واگذاری آثاری از قبیل رساله، پایان نامه، مقاله، طرح پژوهشی، کتاب، گزارش یا سایر آثار مکتوب و یا ضبط شده پژوهشی - علمی و یا هنری اعم از الکترونیکی و غیرالکترونیکی توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به قصد انتفاع و به عنوان حرفه یا شغل - با هدف ارائه کل اثر و یا بخشی از آن توسط دیگری به عنوان اثر خود، جرم بوده و مرتکب یا مرتکبان علاوه بر واریز وجوه دریافتی به خزانه دولت مشمول مجازات به شرح زیر می باشند:

۱ - ارتکاب جرم توسط شخص حقیقی مشمول مجازات جزای نقدی درجه سه و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه شش است.

۲ - در صورت ارتکاب جرم توسط شخص حقوقی علاوه بر مجازات مرتکب و مدیران و گردانندگان مربوطه - مجازات شخص حقوقی حسب مورد مطابق مواد (۲۰)، (۲۱) و (۲۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ تعیین می شود.

تبصره ۱ - معاونت در جرائم موضوع بندهای (۱) و (۲) مستوجب حداقل مجازات مقرر می باشد.
تبصره ۲ - در صورتی که ارتکاب جرم موضوع این قانون از طریق پایگاه الکترونیکی و یا در قالب بنگاه (شامل مؤسسه، شرکت یا هر نوع دیگر) اعم از ثبت شده یا نشده انجام شود و یا برای انجام آن اقدام به تبلیغ به هر نحو شود، مرتکب یا مرتکبان به میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر فوق محکوم می شوند.

تبصره ۳ - محل بنگاه و یا پایگاه الکترونیکی مندرج در تبصره (۲) به درخواست یکی از وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری و یا بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا سایر مراجع مربوطه و با دستور مراجع قضائی حسب مورد مهر و موم (پلمب) یا متوقف می شود.

تبصره ۴ - بازرسان وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در اجرای این قانون و مطابق قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ پس از فراگیری مهارت های لازم، عندالاقضاء می توانند به عنوان ضابط خاص محسوب شوند.

تبصره ۵ - ارائه خدماتی که در جریان تهیه آثار پژوهشی - علمی و هنری انجام آنها توسط اشخاص ثالث متعارف است از قبیل خدمات آزمایشگاهی، تایپ، کمک به گردآوری داده ها، ترجمه، تکثیر و ویراستاری اثر، مشمول حکم مقرر در این قانون نیست.

تبصره ۶ - در صورت استفاده از آثار متقالبانه موضوع این قانون توسط اعضای هیأت علمی، دانشجویان، کارکنان اداری و طلاب، ضمن سلب هر گونه امتیاز مادی و یا معنوی مترتب بر آن و ملغی الاثر بودن هر گونه مدرک تحصیلی، پایه، مرتبه علمی، رتبه و یا عناوین مشابه علمی، به تخلفات نامبردگان حسب مورد توسط هیأت‌های انتظامی اعضای هیأت علمی، هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، کمیته های انضباطی دانشجویان و یا دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت رسیدگی شده و به مجازات های زیر محکوم می شوند:

الف - هیأت علمی به یکی از مجازات های ردیف (۷) تا (۱۱) ماده (۸) قانون مقررات انتظامی هیأت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور مصوب ۱۳۶۴/ ۱۲/ ۲۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن

ب - دانشجو به یکی از مجازات های ردیف (ب - ۱) تا (ب - ۵) ماده (۷) آیین نامه انضباطی دانشجویان جمهوری اسلامی ایران مصوب جلسه ۳۵۸ مورخ ۱۶/ ۴/ ۱۳۷۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی و اصلاحات و الحاقات بعدی آن

پ - کارکنان اداری به یکی از مجازات های ردیف (د) تا (ک) ماده (۹) قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/ ۹/ ۷ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن

ت - طلاب؛ بر اساس قوانین و مقررات دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت
تبصره ۷ - وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلفند جهت پیشگیری از جرائم موضوع این قانون اقدامات زیر را انجام دهند:

۱ - ترویج فرهنگ احترام به حقوق مالکیت فکری از طریق گنجاندن دروس ذی ربط و اصلاح سرفصل برنامه های درسی و برگزاری کارگاههای آموزشی

۲ - الزام دانشگاهها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی به اعمال نظارت دقیق بر رعایت حقوق مالکیت فکری در آثار علمی و پایان نامه ها و رساله های دانشجویی

۳ - اعمال مجازات انتظامی اخراج دانشجو یا ابطال پایان نامه و رساله یا مدرک تحصیلی در صورت احراز جرم موضوع این قانون با توجه به میزان تخلف

۴ - اعمال مجازات انتظامی تنزل رتبه یا پایه عضو هیأت علمی، اخراج، لغو قرارداد در صورت احراز جرم موضوع این قانون در آثار علمی با توجه به میزان تخلف

تبصره ۸ - سایر دستگاههای دولتی و عمومی غیردولتی مکلفند در صورت احراز جرم موضوع این قانون توسط کارکنان خود به منظور استفاده از مزایای شغلی، مجازات انتظامی مقرر در بند (د) ماده (۹) قانون رسیدگی به تخلفات اداری را نسبت به مرتکب اعمال نمایند.

تبصره ۹ - حوزه های علمیه و همچنین دانشگاهها، پژوهشگاهها، مؤسسه های آموزش عالی، پژوهشی فناوری دولتی و غیردولتی زیر نظر وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از جمله دانشگاه علمی و کاربردی، دانشگاه آزاد اسلامی، جهاد دانشگاهی، مؤسسه های آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی، مؤسسه های وابسته به دستگاههای اجرائی و دانشگاه فرهنگیان موظف هستند از این پس، پیشنهادها (پروپوزال ها)، پایان نامه ها و رساله های دانشجویان تحصیلات تکمیلی خود را که فاقد طبقه بندی هستند در سامانه های اطلاعاتی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) ثبت و تأیید کرده و فایل تمام متن و نتیجه را همانندجویی کنند. ارائه گواهی ثبت و بارگذاری فایل تمام متن و نتیجه همانندجویی این مدارک برای هر گونه پرداخت مالی به استادان راهنما، مشاور و داور و تخصیص امتیاز در ترفیع و ارتقای آنها و همچنین دانشجویان الزامی است.

تبصره ۱۰ - آیین نامه اجرائی این قانون ظرف مدت سه ماه پس از ابلاغ این قانون به پیشنهاد مشترک وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و با همکاری وزارت دادگستری تهیه می شود و به تصویب هیأت وزیران می رسد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و ده تبصره در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ سی و یکم مرداد ماه یکهزار و سیصد و نود و شش مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۸/ ۶/ ۱۳۹۶ به تأیید شورای نگهبان رسید.

رئیس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

پیوست ب: آیین نامه اجرایی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی (مصوب ۱۳۹۸/۰۵/۲۳)

هیأت وزیران در جلسه ۱۳۹۸/۰۵/۲۳ به پیشنهاد مشترک وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و با همکاری وزارت دادگستری و به استناد تبصره (۱۰) ماده واحده قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی - مصوب ۱۳۹۶ -، آیین نامه اجرایی قانون یاد شده را به شرح زیر تصویب کرد:

ماده ۱ - در این آیین نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می روند:

- ۱ - قانون: قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی - مصوب ۱۳۹۶ -.
- ۲ - وزارت: هر یک از وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (حسب مورد).
- ۳ - مؤسسه: هر یک از دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی اعم از دولتی و غیردولتی مصوب شورای گسترش وزارت و سایر مراجع قانونی و حوزه های علمیه دارای مجوز از شورای گسترش حوزه های علمیه.
- ۴ - خدمات متعارف: خدماتی که بخشی از فرایند ماهوی طراحی، انجام و گزارش نتایج پژوهش نیستند و برون سپاری آنها توسط گروه پژوهشی یا پژوهشگر به شخص ثالث در ازای پرداخت حق الزحمه یا مانند آن بر اساس عرف علمی متخصصین هر رشته موجه است.
- ۵ - آثار متقلبانه: آثار مندرج در متن ماده واحده قانون.
- ۶ - مشابهت یابی (همانند جویی): ساز و کاری که در آن، سامانه تحت شبکه (وب) با دریافت متن از کاربر و مقایسه خود کار آن با متن کامل پیشنهاد (پروپوزال)، پایان نامه، رساله، کتاب، طرح پژوهشی و مقاله های موجود در پایگاه های داده و مدارک دارای دسترسی آزاد در شبکه (وب)، نوشته های همانند را بازیابی و میزان همانندی و منبع اطلاعات همانند را نمایش می دهد.
- ۷ - ایرانداک: پژوهشگاه علوم و فناوری ایران و همتراز آن (حسب مورد).
- ماده ۲ - به منظور سیاست گذاری و انجام اقدامات پیشگیرانه موضوع بندهای (۱) و (۲) تبصره (۷) ماده واحده قانون، تدوین استانداردها و راهنماهای اخلاق در پژوهش، نظارت، اعتباربخشی، ایجاد هماهنگی و وحدت رویه بین کارگروه های اخلاق در پژوهش مؤسسات، تدوین استانداردهای تهیه آثار علمی از قبیل رساله، کتاب، پایان نامه، مقاله، طرح پژوهشی و مانند آنها و رسیدگی به اعتراضات نسبت به تصمیمات

کارگروه اخلاق در پژوهش مؤسسات، کارگروه وزارتی اخلاق در پژوهش در سطح وزارت و با ترکیب زیر تشکیل می شود:

- ۱ - معاون پژوهشی وزیر (رییس).
 - ۲ - معاون آموزشی وزیر.
 - ۳ - معاون حقوقی و امور مجلس وزیر.
 - ۴ - رییس ایرانداک.
 - ۵ - دو نفر پژوهشگر صاحب نظر عضو هیئت علمی.
 - ۶ - یک نفر عضو هیئت علمی رشته حقوق.
 - ۷ - دو نفر صاحب نظر در حوزه اخلاق در پژوهش.
- تبصره ۱ - اعضای ردیف های (۵)، (۶) و (۷) این ماده به پیشنهاد معاون پژوهشی وزیر و با حکم وزیر به مدت (۲) سال انتخاب می شوند و انتخاب آنان برای دو دوره متوالی مجاز است.
- تبصره ۲ - دبیرخانه کارگروه در معاونت پژوهشی وزارت بدون ایجاد ساختار سازمانی جدید تشکیل می شود و تصمیمات کارگروه وزارتی اخلاق در پژوهش توسط معاون پژوهشی وزیر ابلاغ می شود.
- تبصره ۳ - دبیرخانه موظف است گزارش سالانه اقدامات کارگروه را به وزیر ذی ربط ارایه کند.
- تبصره ۴ - با تشکیل کارگروه وزارتی اخلاق در پژوهش، سایر کارگروه های متناظر موجود در وزارت منحل می شوند.

ماده ۳ - به منظور رعایت استانداردهای اخلاقی مصوب کارگروه وزارتی اخلاق در پژوهش در مراحل مختلف طراحی، اجرا و گزارش نتایج پژوهش ها و همچنین اجرای سیاست های کارگروه مذکور از جمله اتخاذ تدابیر پیشگیرانه موضوع بندهای (۱) و (۲) تبصره (۷) ماده واحده قانون، کارگروه اخلاق در پژوهش در سطح مؤسسه با ترکیب زیر تشکیل می شود:

- ۱ - رییس مؤسسه (رییس).
- ۲ - معاون پژوهشی و فناوری (یا عناوین مشابه) مؤسسه (دبیر).
- ۳ - معاون آموزشی مؤسسه.
- ۴ - سه نفر عضو هیئت علمی صاحب نظر در امور پژوهشی با معرفی معاون پژوهشی و فناوری مؤسسه و حکم رییس مؤسسه.
- ۵ - یک نفر به عنوان نماینده جامعه علمی به انتخاب مجمع انجمن های علمی و حکم رییس مؤسسه.

- ۶ - یک نفر صاحب نظر اخلاق در پژوهش به انتخاب و حکم رییس مؤسسه.
- ۷ - یک نفر عضو هیئت علمی رشته حقوق به انتخاب و حکم رییس مؤسسه.
- تبصره ۱ - اعضای ردیف های (۴)، (۵)، (۶) و (۷) این ماده به مدت دو سال انتخاب می شوند و انتخاب آنان برای دو دوره متوالی مجاز است.
- تبصره ۲ - دبیرخانه کارگروه در معاونت پژوهشی و فناوری (یا عناوین مشابه) مؤسسه و بدون ایجاد ساختار سازمانی جدید تشکیل می شود.
- تبصره ۳ - مؤسساتی که با توجه به ساختار تشکیلاتی خود به تشخیص وزارت، امکان تشکیل کارگروه اخلاق در پژوهش را ندارند، از نظر اجرای تکالیف مقرر در این آیین نامه، تابع کارگروه اخلاق در پژوهش یکی از دانشگاه های دولتی به تشخیص وزارت خواهند بود.
- ماده ۴ - وظایف کارگروه اخلاق در پژوهش مؤسسه به شرح زیر است:
 - ۱ - بررسی و آسیب شناسی علل و زمینه های بروز تخلفات پژوهشی و اعمال تدابیر پیشگیرانه در سطح مؤسسه و ارجاع موضوع به واحدهای ذی ربط.
 - ۲ - پیشنهاد اصلاح مقررات و رویه های موجود به کارگروه وزارتی اخلاق در پژوهش در راستای کاهش زمینه های بروز تخلفات پژوهشی.
 - ۳ - ترویج اخلاق در پژوهش، درستکاری علمی و اطلاع رسانی در سطح مؤسسه.
 - ۴ - برنامه ریزی برای افزایش سطح آگاهی اعضای هیئت علمی، دانشجویان و کارکنان مؤسسه از طریق برگزاری کارگاه های آموزشی، همایش ها، نشست های علمی و نظایر آن.
 - ۵ - اطلاع رسانی در خصوص استانداردهای مصوب اخلاق در پژوهش، مصوبات کارگروه وزارتی اخلاق در پژوهش و سایر موارد مشابه که توسط مراجع ذی ربط اعلام می شود.
 - ۶ - بررسی اولیه و کارشناسی گزارش های ارتکاب تخلفات پژوهشی موضوع ماده (۱۰) این آیین نامه.
 - ۷ - اجرای مصوبات کارگروه وزارتی اخلاق در پژوهش و ارایه گزارش عملکرد به کارگروه وزارت متبوع.
 - ۸ - بررسی و تصویب پیشنهاد (پروپوزال) پژوهش هایی که بر اساس مصوبات کارگروه وزارتی اخلاق در پژوهش، شروع مراحل انجام آنها منوط به اخذ تأییدیه از کارگروه اخلاق در پژوهش مؤسسه است.
- ماده ۵ - دستورالعمل نحوه تشکیل، روش کار و شرح وظایف کارگروه اخلاق در پژوهش، نحوه مدیریت تعارض منافع، شرایط و نحوه انتخاب نماینده جامعه علمی، نحوه انتخاب، آموزش و شرایط بازرس یا

بازرسان در سطح وزارت و مؤسسات ظرف سه ماه به تصویب وزیر ذی ربط می رسد. بازرسان برای مدت (۲) سال انتخاب می شوند و انتخاب آنها برای دو دوره متوالی مجاز است.

ماده ۶ - مؤسسه موظف است در اجرای تبصره (۹) ماده واحده قانون اقدامات زیر را انجام دهد:

۱ - پیشنهاد (پروپوزال)ها، رساله ها و پایان نامه های فاقد طبقه بندی دانشجویان تحصیلات تکمیلی باید پس از تصویب در مؤسسه، در ایرانداک ثبت شود.

۲ - کلیه رساله ها و پایان نامه ها قبل از دفاع باید در ایرانداک مشابهت یابی شود و ارایه گزارش مشابهت یابی برای کسب مجوز دفاع الزامی است. ایرانداک موظف است امکان مشابهت یابی برخط (آنلاین) را برای مؤسسه ایجاد کند.

۳ - ارایه گواهی ثبت نهایی پایان نامه / رساله در ایرانداک برای فراغت از تحصیل الزامی است. استفاده از امتیاز پایان نامه / رساله مربوط برای ترفیع پایه، ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی و تسویه حساب مالی و برخورداری از مزایای مالی آن، منوط به ارایه گواهی ثبت نهایی و مشابهت یابی پایان نامه / رساله در ایرانداک است. گواهی مذکور باید به صورت برخط (آنلاین) قابل دسترس باشد.

تبصره ۱ - مؤسسات وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظفند اطلاعات موضوع این ماده را در سامانه این وزارتخانه ثبت و مشابهت یابی نمایند. وزارت یاد شده موظف است تمهیدات لازم را برای انتقال و ثبت اطلاعات در ایرانداک مطابق استانداردهای ایرانداک اتخاذ کند.

تبصره ۲ - نحوه عمل در خصوص اطلاعات و داده های با موضوعات امنیتی، دفاعی و دارای طبقه بندی موضوع قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی - مصوب ۱۳۵۳ - و آیین نامه اجرایی آن - مصوب ۱۳۵۴ - طبق آیین نامه اجرایی تبصره بند (ت) ماده (۶۴) قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

ماده ۷ - خدمات متعارفی که در هر یک از مراحل طراحی، انجام و گزارش نتایج پژوهش برون سپاری می شوند، باید در پیشنهاد (پروپوزال) پژوهشی به صورت شفاف بیان شوند و به تصویب مؤسسه برسند.

ماده ۸ - مؤسسه مکلف است متن کامل پایان نامه های فاقد طبقه بندی را حداکثر پنج سال پس از تاریخ دفاع منتشر کند.

ماده ۹ - در اجرای تبصره (۴) ماده واحده قانون، وزارت، افرادی از بازرسان خود را که در وزارت و مؤسسات اشتغال به کار دارند، به عنوان ضابط خاص دادگستری تعیین و به منظور طی دوره آموزشی ضابطان

دادگستری و دریافت کارت ویژه ضابطان دادگستری به مراجع قضایی مربوط معرفی می کند. ضابطان خاص یاد شده پس از دریافت کارت ویژه در حدود قوانین و مقررات انجام وظیفه می کنند.

تبصره ۱ - چنانچه هر یک از جرایم موضوع قانون، توسط اشخاص حقیقی و حقوقی به قصد انتفاع و به عنوان حرفه یا شغل ارتکاب یابد، ضابطان خاص یاد شده تحقیقات لازم را در آن خصوص انجام می دهند و ضمن گزارش به وزارت و مؤسسه متبوع، مراتب را جهت تعقیب کیفری به اطلاع دادستان شهرستان می رسانند. این امر مانع طرح شکایت مستقیم وزارت یا مؤسسه به دادسرای عمومی و انقلاب نیست. ضابطان خاص مکلف به بررسی و تحقیق در زمینه جرایم ارتكابی یاد شده حسب نظر وزارت یا مؤسسه متبوع هستند. تبصره ۲ - مرتکب یا مرتکبان جرایم موضوع ماده واحده قانون با حکم دادگاه، مکلفند وجوه دریافتی ناشی از جرم را به حساب خزانه واریز کنند.

تبصره ۳ - وزارت می تواند در پیگیری جرایم موضوع ماده واحده قانون علاوه بر استفاده از بازرسان خود به عنوان ضابط خاص، در حدود قانون از همکاری سایر ضابطان دادگستری نیز استفاده کند. تبصره ۴ - در ارتکاب جرایم موضوع ماده واحده قانون به صورت سازمان یافته و تکرار و تعدد آن، ضوابط تشدید مجازات برابر قانون اعمال خواهد شد.

ماده ۱۰ - گزارش های ارتکاب تخلفات پژوهشی موضوع تبصره (۶) ماده واحده قانون بدواً در کارگروه های اخلاق در پژوهش موضوع ماده (۳) این آیین نامه مطرح می شوند. کارگروه های مزبور ضمن بررسی و تحقیق مقدماتی و در صورت لزوم ارجاع امر به کارشناس متخصص در موضوع، پرونده را به همراه پیشنهاد های خود به مراجع پیش بینی شده در تبصره (۶) ماده واحده قانون ارسال می کنند تا مطابق قوانین و مقررات مربوط، نسبت به موضوع رسیدگی شود. نظر کارگروه برای مراجع یاد شده جنبه مشورتی دارد. تبصره - کارگروه های اخلاق در پژوهش مکلفند فرد در مظان ارتکاب تقلب را در جریان کامل پرونده قرار دهند و برای وی مهلت دفاع منظور کنند. مراجع موضوع تبصره (۶) ماده واحده قانون نیز مکلفند امکان دسترسی به تمام اطلاعات پرونده و بهره مندی از وکیل یا نماینده را برای فرد در مظان ارتکاب تقلب فراهم کنند.

ماده ۱۱ - در صورت قطعیت محکومیت صادر شده توسط مراجع موضوع تبصره (۶) ماده واحده قانون، مراتب به اطلاع مؤسسه و سازمان اداری و استخدامی کشور و دستگاه های اجرایی ذی ربط در مورد کارکنان بخش دولتی می رسد و در مورد کارکنان سایر بخش ها به نحو مقتضی اطلاع رسانی خواهد شد

تا نسبت به سلب هرگونه امتیاز مادی یا معنوی مترتب بر آن و لغو اثر هرگونه مدرک تحصیلی، پایه، مرتبه علمی، رتبه یا عناوین مشابه علمی، اقدام قانونی لازم را به عمل آورند.

ماده ۱۲ - لغو اثر مدرک تحصیلی حاصل از تقلب موضوع تبصره (۶) ماده واحده قانون، پس از اثبات تقلب علمی در کارگروه اخلاق در پژوهش مؤسسه و محکومیت قطعی در مراجع موضوع تبصره (۶) ماده واحده قانون، توسط مؤسسه صادرکننده انجام می شود.

ماده ۱۳ - در صورت ارتکاب تقلب علمی موضوع قانون توسط دانش آموختگان دانشگاه های خارج از کشور که مدرک تحصیلی خارجی آنها مورد ارزشیابی قرار گرفته است، پرونده حسب مورد توسط وزارت به یکی از مؤسسات ارجاع می شود. در صورت قطعیت حکم مربوط به ارتکاب تقلب علمی، گواهینامه ارزشیابی صادر شده توسط واحد صادرکننده از درجه اعتبار ساقط خواهد شد.

معاون اول رئیس جمهور - اسحاق جهانگیری

پیوست ج: برنامه درسی «اخلاق در پژوهش»

تعداد واحد: ۲ واحد

نوع واحد: الزامی

پیش نیاز: ندارد

هدف: آشنایی با ابعاد، مسائل و اصول اخلاق در پژوهش و ارتقاء بینش اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی

سرفصل‌های درسی:

۱. اهمیت آموزش اخلاق در پژوهش در ارتقاء کیفی و توسعه پژوهش‌های علمی
۲. تأثیر سواد اخلاقی در شناسایی و تحلیل مسائل اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی
۳. ابعاد چهارگانه تأثیرگذار بر انتخاب‌های اخلاقی در فعالیت‌های پژوهشی:
 - ۱-۳. آموزش نظریه‌ها و اصول اخلاقی
 - ۲-۳. آموزش هنجارها و رهنمودهای اخلاق علم و پژوهش‌های علمی
 - ۳-۳. شناخت کارکرد و وظایف کمیته‌ها و هیئت‌های اخلاق پژوهش
 - ۴-۳. آگاهی از ملزومات حقوقی متناسب با زمینه‌های پژوهشی
۴. آشنایی با معیارهای هنجارین علم در فعالیت‌های پژوهشی
۵. آشنایی با اصول اخلاقی مرتبط با آزمودنی‌های انسانی مورد پژوهش

منابع درسی:

- (۱) شامو، عادل، و دیوید رزنیك. ۲۰۱۵. جایگاه اخلاق در پژوهش علمی. ترجمه عباس کاردان. ۱۳۹۴. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- (۲) رزنیك، دیوید. ۱۹۹۸. اخلاق علم. ترجمه مصطفی تقوی و محبوبه مرشدیان. ۱۳۹۱. قم: دفتر نشر معارف.
- (۳) رولین، برنارد. ۱۳۹۴. علم و اخلاق. سعید عدالت‌جو. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- (۵) جوادی، محسن، و همکاران. ۱۳۹۲. اخلاق پژوهش؛ مبانی و مسائل (ویرایش دوم). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۶) قاراخانی، معصومه، و سید آیت‌الله میرزایی. ۱۳۹۶. اخلاق علم در علوم اجتماعی ایران. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- 7) Wiles, Rose. 2013. *What are Qualitative Research Ethics?*. Bloomsbury Publishing.
- 8) Oliver, Paul. 2010. *The Students' Guide to Research Ethics*. 2nd edition. Open University Press.
- 9) Koepsell, David. 2017. *Scientific Integrity and Research Ethics: An Approach from the Ethos of Science*. Springer International Publishing.
- 10) D' Angelo, John G. 2019. *Ethics in Science: Ethical Misconduct in Scientific Research*. 2nd edition. CRC Press.
- 11) Bos, Jaap. 2020. *Research Ethics for Students in the Social Sciences*. Springer International Publishing.
- 12) Israel, Mark. & Iain Hay. 2006. *Research Ethics for Social Scientists: Between ethical conduct and regulatory compliance*. SAGE Publications.

منابع و مراجع

- اخلاصی، ابراهیم، یاسر رستگار. ۱۳۹۸. مطالعه جامعه‌شناختی عادت‌واره‌های متعارض با الزامات نهادی علم در پژوهش‌های علوم انسانی. فصل‌نامه راهبرد فرهنگ. ۱۲ (۴): ۷-۴۶.
- اردشیر لاریجانی، محمدباقر و فرزانه زاهدی. ۱۳۸۵. نظری بر کمیته‌های اخلاق در پژوهش در جهان و ایران. دوماهنامه مجله دیابت و متابولیسم ایران. ۵ (۴): ۲۸۱-۲۹۷.
- اسکوهی، فاطمه و سید یوسف حجازی. ۱۳۹۹. طراحی برنامه درسی. دانشنامه (آنلاین) آموزش‌های علمی-کاربردی. <http://tetpedia.ihcs.ac.ir> (دسترسی ۱۴۰۰/۲/۱۵).
- پایا، علی. ۱۳۹۵. بدفهمی مفهوم عینیت در علوم انسانی و اجتماعی. در «فلسفه تحلیلی از منظر عقلانیت نقاد: نظریه‌ها و کاربردها». تهران: انتشارات طرح نقد. ۳۹۴-۴۳۳.
- پایا، علی. ۱۳۹۵. سیستم‌های بسته، سیستم‌های باز و فلسفه اخلاق مبتنی بر اصالت مصداق. در «فلسفه تحلیلی از منظر عقلانیت نقاد: نظریه‌ها و کاربردها». تهران: انتشارات طرح نقد. ۴۶۱-۵۰۷.
- پایا، علی. ۱۳۹۸. درباره اصول عام عدالت و اخلاق: تحلیلی از منظر عقلانیت نقاد. در «حکیم پارسا: یادمان استاد حجه الاسلام والمسلمین دکتر احمد احمدی». به کوشش محمد ذبیحی و غلامرضا زکیانی. تهران: انتشارات سازمان سمت.
- پوپر، کارل. ۱۹۹۴. اسطوره چارچوب (در دفاع از علم و عقلانیت). ترجمه علی پایا. ۱۳۷۹. تهران: انتشارات طرح نو.
- ثقه الاسلامی، علیرضا. ۱۳۹۵. طرح پژوهشی بررسی و تبیین مفاهیم، مسائل، و رهنمودهای اخلاق پژوهش در فضای مجازی. تهران: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک).
- جوادی، محسن و همکاران. ۱۳۹۰. اخلاق پژوهش؛ مبانی و مسائل. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- خالقی، نرگس. ۱۳۸۷. اخلاق پژوهش در حوزه علوم اجتماعی. فصل‌نامه اخلاق در علوم و فناوری. ۳ (۱) و ۲: ۸۳-۹۲.
- خداپرست امیرحسین، آزاده عبدالله‌زاده و محمد راسخ. ۱۳۸۶. بررسی انتقادی راهنماهای شش گانه اخلاق در پژوهش ایران. فصلنامه باروری و ناباروری. ۸ (۴): ۳۶۵-۳۷۹.
- الدر، لیندا و ریچارد پل. ۲۰۱۳. آشنایی با مبانی استدلال اخلاقی (براساس مفاهیم و اصول تفکر انتقادی). ترجمه پیام یزدانی. ۱۳۹۷. تهران: انتشارات اختران.

ذبیحی، محمد، غلامرضا زکیانی. ۱۳۹۸. حکیم پارسا: یادمان استاد حجه الاسلام والمسلمین دکتر احمد احمدی. تهران: انتشارات سازمان سمت.

ربانی، علی و همکاران. ۱۳۹۰. شیوه‌های جدید تولید دانش و علم‌ورزی (تاملی جامعه‌شناختی بر تحول معیارهای اخلاقی و سلوک علمی در عرصه علم و فناوری). فصل‌نامه اخلاق در علم و فناوری. ۶ (۱): ۱۲-۲۴.

رزنیک، دیوید. ۱۹۹۸. اخلاق علم. ترجمه مصطفی تقوی و محبوبه مرشدیان. ۱۳۹۱. قم: دفتر نشر معارف. رولین، برنارد. ۲۰۰۶. علم و اخلاق. سعید عدالت‌جو. ۱۳۹۴. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. سجادی، نرگس. ۱۳۹۴. نقد و بررسی رویکرد سواد اخلاقی از منظر عاملیت انسانی. پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت. ۵ (۲): ۸۸-۱۰۹.

سعدوندی، مهسا و عنایت عباسی. ۱۳۹۹. الگوهای طراحی برنامه درسی. دانشنامه (آنلاین) آموزش‌های علمی-کاربردی. <http://tetpedia.ihcs.ac.ir> (دسترسی ۱۴۰۰/۲/۱۵).

شامو، عادل و دیوید رزنیک. ۲۰۱۵. جایگاه اخلاق در پژوهش علمی. ترجمه عباس کاردان. ۱۳۹۴. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

شیخ‌رضایی، حسین و امیراحسان کرباسی‌زاده. ۱۳۹۱. آشنایی با فلسفه علم. تهران: انتشارات هرمس. صفاری، حامد و عنایت عباسی. ۱۳۹۹. محتوای برنامه درسی. دانشنامه (آنلاین) آموزش‌های علمی-کاربردی. <http://tetpedia.ihcs.ac.ir> (دسترسی ۱۴۰۰/۲/۱۵).

عباسی، محمود و مجید طاهری. ۱۳۹۴. مطالعه تطبیقی کدها و دستورالعمل‌های اخلاق در پژوهش‌های پزشکی. فصل‌نامه اخلاق زیستی. ۵ (۱۶): ۱۱-۴۰.

علیا، مسعود. ۱۳۹۱. فرهنگ توصیفی فلسفه اخلاق (انگلیسی-فارسی). تهران: انتشارات هرمس با همکاری مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

قاراخانی، معصومه، و سید آیت‌الله میرزایی. ۱۳۹۶. اخلاق علم در علوم اجتماعی ایران. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

منشور و موازین اخلاق پژوهش. ۱۳۹۰. کمیته اخلاق پژوهش وزارت عتف: مرکز برنامه‌ریزی و سیاستگذاری پژوهشی. اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران.

نصر، احمدرضا. هدایت‌الله اعتمادی‌زاده، و محمدرضا نیلی. ۱۳۹۷. رویکردهای نظری و عملی تدوین برنامه‌های درسی در آموزش عالی. تهران: انتشارات سمت.

- نلسون، آنابل. ۱۹۹۰. طراحی برنامه درسی. ترجمه یوسف رضاپور. ۱۳۸۰. تهران: انتشارات سمت.
- ودادهیر، ابوعلی و همکاران. ۱۳۸۷. معیارهای رفتار اخلاقی در انجام کار علمی (تاملی بر جامعه‌شناسی اخلاق در علم - فناوری مرتن و رزنیك). فصل‌نامه اخلاق در علم و فناوری. ۳ (۳ و ۴): ۶-۱۷.
- Bos, Jaap. 2020. *Research Ethics for Students in the Social Sciences*. Springer International Publishing.
- D'Angelo, John G. 2019. *Ethics in Science: Ethical Misconduct in Scientific Research*. 2nd edition. CRC Press.
- Israel, M., & I Hay. 2006. *Research ethics for social scientists: Between ethical conduct and regulatory compliance*. Sage Publications Ltd.
- Koepsell, David. 2017. *Scientific Integrity and Research Ethics: An Approach from the Ethos of Science*. Springer International Publishing.
- Levin, R. & J Porter. 2001. *Institutional Review Board Guidebook*. The Poynter Center for the Study of Ethics and American Institutions. https://biotech.law.lsu.edu/research/fed/ohrp/gb/irb_chapter3.htm (Accessed 15.03.2020).
- Lune, H. & B Berg. 2017. *Qualitative Research Methods for the Social Sciences*. Pearson publishing.
- Nuremberg Code. *The Doctor's Trial: The Medical Case of the Subsequent Nuremberg Proceedings*. United States Holocaust Memorial Museum Online Exhibitions. (Accessed 13.02.2019)
- Oliver, Paul. 2010. *The Students' Guide to Research Ethics*. 2nd edition. Open University Press.
- O'Neill, G. 2015. *Curriculum design in higher education: Theory to practice*. Dublin: UCD Teaching & Learning.
- Ornstein, A. C. & F. Hunkins. 2018. *Curriculum Foundations, Principles and Issues*. 7th ed. Boston: Pearson Education.
- Pieper, I. & C Thomson. 2013. Justice in Human Research Ethics: A Conceptual and Practical Guide. *Monash Bioethics Review*. 31 (1): 99-116.
- Salganik, M. 2017. *Bit by Bit: Social Research in the Digital Age*. Princeton University Press.
- Sims, J. 2010. A brief review of the Belmont Report. *Dimensions of Critical Care Nursing*. 29 (4): 173-174.
- Tuana, N. 2007. Conceptualizing moral literacy. *Journal of Educational Administration*. 45(4): 364-378.
- Wiles, R. 2013. *What are Qualitative Research Ethics?* Bloomsbury Publishing.

ABSTRACT

Research ethics is a subset of applied ethics that examine and analyze issues and ethical challenges in conducting research activities. Today, teaching and realizing research ethics in various scientific is very important. This research project presents and introduces a research ethics educational program in the framework of moral literacy. Moral literacy and its basic components can play an important role in advancing the educational goals of research ethics. Accordingly, first, the curriculum and educational topics of research ethics are designed and compiled. Then, in the framework of this curriculum, the educational content of research ethics has been prepared and compiled.

This research has been done in two stages with different research methods: In the first stage, using the Delphi method and holding an expert panel, the curriculum and educational topics of research ethics were designed and compiled. In the second stage, in the framework of library research, educational content was prepared and collected in accordance with the curriculum.

Keywords: Curriculum; Educational content; Ethical evaluation; Moral literacy; Research ethics.



Iranian Research for Information Science and Technology (IranDoc)

Research Project

***Developing Curriculum and Educational
Content of Research Ethics***

By:

Alireza Seghatoleslami

July 2021